

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تنش‌های خانوادگی در بین زوجین شهر خلخال صورت گرفته است.

روش تحقیق، پیمایشی و جامعه آماری آن تمام خانوارهای شهر خلخال که ۸۹۱۰ خانوار می‌باشد. نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انتخاب گردید. و روش تعیین حجم نمونه کوکران با حجم نمونه ۲۸۰ نفر انتخاب شده‌اند. داده‌ها به وسیله پرسشنامه‌های محقق ساخته و در قالب طیف لیکرت طراحی شد. روایی آن‌ها به صورت محتوای صوری و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۷۲/۱۲) مورد و روش‌های آماری ضریب پیرسون، تحلیل عامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج با استفاده از نرم‌افزار Spss و روش‌های آماری ضریب پیرسون، تحلیل عامل، تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و تنش‌های خانوادگی با متغیر حمایت از خانواده‌های پدری، جامعه‌پذیری زوجین قبل از ازدواج، تجربه اختلاف در خانواده‌های پدری، محرومیت نسبی، تساهل و مدارا زوجین، دموکراتیک یا مستبد بودن زوجین سنجیده شده است. و نتایج نشان داد که متغیرهای مستقل تجربه اختلاف در خانواده‌های پدری، محرومیت نسبی و حمایت از خانواده‌های پدری، متغیر دموکراتیک و مستبد بودن زوجین بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته تنش‌های خانوادگی داشته و تساهل و مدارا زوجین کمترین تاثیر را و جامعه‌پذیری زوجین قبل از ازدواج در این جامعه آماری داشته است.

پیشنهادهای: همه عوامل و متغیرهای که باعث بالا رفتن تنش‌های خانوادگی می‌گردد شناسایی و در جهت کاهش تنش بین زوجین نهادها و ارگانهای مربوط به خانواده اقدامات لازم برای تقویت نهاد مقدس خانواده انجام دهند.

واژگان کلیدی: تنش‌های خانوادگی، تساهل و مدارا، دموکراتیک و مستبد بودن، محرومیت نسبی، تجربه اختلاف در خانواده پدری، حمایت از خانواده پدری.

اکثر جوامع کنونی با مشکلات و معضلات متعدد اجتماعی دست به گریبانند که حیات جوامع بشری را با تهدید مواجه می‌کند. از دیدگاه جامعه‌شناسان، مسائل اجتماعی شرایط یا وضعیتی است که جامعه آنها را به منزله خطری برای راه و رسم زندگی می‌داند و ناگزیر درصدد رفع یا تعدیل آنها بر می‌آید. از نظر رابرت مرتن وقتی میان معیارها و واقعیات اجتماعی فاصله و اختلاف بوجود می‌آید - خواه نیروهای ایجادکننده این شرایط، انسان یا طبیعت باشد - مشکلات اجتماعی ایجاد می‌شود و نهایتاً اعضای جامعه نسبت به چنین وضعیتی واکنش نشان می‌دهند. اهمیت این واکنش بر طبق اصول جامعه‌شناختی، عمدتاً تحت تأثیر ساخت جامعه، نهادها و ارزش‌های آن می‌باشد. در یک تقسیم‌بندی کلی مشکلات اجتماعی دارای جنبه ذهنی و عینی می‌باشد. جنبه ذهنی آن در ادراکات و ارزش‌گذاری مردم جامعه در ردّ یا تأیید اینکه چه چیز مشکل اجتماعی می‌باشد، ظاهر می‌شود و جنبه عینی آن شرایط واقعی است که در آن مشکلات ارزیابی می‌شود (مرتن، ۱۳۷۶، صص ۲۶-۲۵).

خانواده یک نظام است و برای خود اجزا اصولی دارد که حاکم بر این نظام است. رکن اصلی خانواده زندگی مشترک زناشویی است. اگر روابط زناشویی سالم باشد ساختار خانواده نیز سالم مانده و کارکرد اعضا نیز به سطح آرمانی خواهد رسید (قرباغی، نشریه حمایت، ۸۶/۱۱/۷).

در بیان مفهومی و تاریخی از وضعیت خانواده در ایران، تعبیر متعددی می‌توان مطرح کرد: خانواده همان جامعه ایرانی است؛ خانواده عامل ساختن جامعه ایرانی است؛ و خانواده در کنار دیگر نهادها و سازمان‌های اجتماعی از عناصر آن به شمار می‌رود. در اولین مرحله خانواده در ایران همان جامعه ایرانی است. در مرحله میانی خانواده در قالب نظام خویشاوندی و ایلایاتی سامان یافته و عامل اصلی سازنده جامعه ایرانی است. در مرحله جدید خانواده در کنار دیگر نهادهای اجتماعی از قبیل دین و دولت از بخش‌ها و عناصر جامعه است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

وجود تعارض در روابط انسان‌ها و به ویژه در روابط زوجین امری شایع است، به گونه‌ای که می‌توان از تعارض به عنوان رایج‌ترین پدیده‌های موجود در روابط انسان‌ها نام برد. رابطه زوجین می‌تواند به آسانی تبدیل به چالش شود. حتی کوچکترین فعالیت‌های روزانه روی دیگری بطور چشمگیری اثر می‌گذارد و سازگاری با نیازها یا آرزوهای شخص دیگر در تمام جنبه‌های زندگی مشکل است (موسوی، ۱۳۸۶، ص ۶۷).

به نقل از بیرشک (۱۳۸۳) زندگی شبیه به کوه یخ در دریاست. به تعبیر سیتیر<sup>۱</sup> بیشتر مردم فقط از یک دهم آنچه در زندگی می‌گذرد مطلع هستند در حالی که غیر از آنچه که می‌بینیم یا می‌شنویم چیزهای دیگری وجود دارد که شناختی از آن نداریم زن و شوهری که پیوند ازدواج می‌بندند و با هم در آغاز راه شروع به گام برداشتی می‌کنند. در ایده‌آل‌های ذهن خود کمتر به فکر بروز اختلاف و تعارض می‌افتند. در حالیکه بروز تعارض در روابط انسانها، با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است. یعنی بحث و جدل و مشاجره در تمام رابطه بروز می‌کند. از مهمترین مشکلاتی که امروزه خانواده‌ها با آن دست به گریبانند مشکلات ارتباطی است. عواملی که موجب مشکلات ارتباطی می‌شوند لزوماً عواملی نیستند که باعث تداوم مشکلات ارتباطی می‌شوند. به محض این که آشنفتگی به وجود می‌آید. فرآیندهای سازگاران به زوجین به گونه‌ای می‌شود که این آشنفتگی را حفظ کرده یا تشدید می‌کند (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۵).

اما امروزه احساس امنیت و آرامش در روابط صمیمانه بین مرد و زن به سستی گراییده است و خانواده به گونه فزاینده‌ای با نیروهای مخرب مواجه شده و تهدید مهمی برای سلامتی جامعه به شمار می‌رود (ساعی، ۱۳۸۲، ص ۷۰).

در کشورهای غربی اگر ناسازگاری بین زوجین وجود داشته باشد به احتمال قوی منجر به طلاق می‌شود چرا که هیچ یک از زوجین نسبت به شرایط پس از جدایی، احساس نگرانی و ناامنی نمی‌کنند و خود را مجبور به تداوم زندگی نامطلوب نمی‌بینند. چرا که در جامعه غرب، امکان ارتقا و زندگی راحت برای اعضای خانواده‌ی طلاق، وجود دارد. اما در جامعه‌ی ایران علت تداوم زندگی‌های سرد و خاموش به باورها و ارزش‌های فرهنگی جامعه باز می‌گردد (بخارایی، ۱۳۶۸، صص ۶۳ و ۶۴).

# فصل اول:

کلیات

## ۱-۱- بیان مسأله

خانواده یکی از نهادهای بنیانی جامعه انسانی است که همواره به اشکال گوناگون در طی تاریخ وجود داشته است. خانواده با کارکردها و نقش‌های مختلفی که بر عهده دارد در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی را ایفا می‌کند. انسان در درون خانواده متولد شده، رشد یافته و بسیاری از امور و مفاهیم را از خانواده فرا می‌گیرد و همواره با آن سروکار دارد، بنابراین مهمترین تجربیات انسانی که اساسی‌ترین عوامل شکل‌دهنده شخصیت محسوب می‌شود (مهدوی، ۱۳۷۵، ص ۱۰).

سازگاری بین دو انسان به عنوان یک زوج، با پیچیدگی‌ها و خصوصیات منحصر به فردشان، هیچگاه به طور صددرصد کامل پدید نمی‌آید در صورت به وجود آمدن این هماهنگی که تنها با گذشت و در نظر گرفتن شرایط طرفین حاصل می‌گردد، همواره مورد هجوم عوامل تهدیدکننده گوناگونی قرار می‌گیرد این عوامل می‌توانند مادی و یا غیرمادی باشند که عوامل غیرمادی و به خصوص فرهنگی، در زمینه سازگاری همسران نقش پراهمیتی را دارا هستند (ونیمکوف، آگ برن، ۱۳۸۱، ص ۲).

اگر خانواده را یک سازمان با اهمیت اجتماعی در نظر بگیریم، همسران به عنوان ارکان این سازمان در ارتباط با هم مناسباتی دارند که در صورت تعادل در مناسبات و سلامت روابط متقابل باعث رشد فرزندان سالم و سازگاری در خانواده‌ای سالم و سامان‌یافته می‌گردد و خانواده سالم در کنار هم جامعه‌ای به دور از نابهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها را می‌سازد و خانواده سالم خانواده‌ای است که اولاً محیط سالمی برای سعادت زن و مرد و ثانیاً برای تربیت کودکان فراهم آورد. کودکانی که در محیط خانوادگی خود از آسایش برخوردار نباشند و پرورش درستی نداشته باشند محتملاً در آینده زندگی سعادت‌مندی نخواهد داشت (ونیمکوف، آگ برن، ۱۳۸۱).

در قلمرو جامعه‌شناسی، یک «تنش اجتماعی» حالتی انفعالی و عاطفی است مبتنی بر تخالف و تعارض بین اشخاص یا گروه‌هایی چند. علاوه بر این، این اصطلاح حاوی اندیشه کشمکش نهان و جزئاً سرکوب شده است که هنوز به «حد انفجار» نرسیده است.

زمانی که کشمکش بروز می‌کند، از حالت تنش به حالت بحران رسیده‌ایم که به منزله‌ی تخلیه تنش است (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۳۸۶).

به نظر زیمل، صورت‌هایی که در واقعیت اجتماعی پیدا می‌شوند، به هیچ روی صورت‌های ناب نیستند: هر پدیده‌ی اجتماعی شامل انواع عناصر صوری است. عناصر همکاری و کشمکش، فرمانبری و فرماندهی، نزدیکی یا دوری، همه می‌توانند در یک رابطه‌ی زناشویی یا یک ساختار دیوان‌سالاری دخیل باشند (کوزر، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳).

بر اساس نتایج پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر، نشان‌دهنده‌ی هفت مولفه‌ی، کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، جلب حمایت فرزندان، کاهش روابط خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود و جداکردن امور مالی از یکدیگر مورد بررسی و آزمون قرار گرفت نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که هفت مولفه‌ی فوق با تعارضات زناشویی رابطه مثبت دارد (براتی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۵).

الیوت ارونسون روابط بین زن و شوهر را از دیدگاه بروز احساسات عواطف نسبت به همدیگر چنین بیان می‌دارد. در روابط نزدیک، مردم مایلند که ناراحتی‌های جزئی خود را سرکوب کنند و احساسات منفی خود را پنهان نگه دارند. این امر منتج به موقعیتی سست و بی‌پایه می‌شود که ظاهراً خوب و مثبت است. اما می‌تواند با تغییری ناگهانی در عواطف، ویران شود. لیکن در یک رابطه باز، صادقانه و صحیح رابطه که در آن مردم می‌توانند همدیگر را در احساسات واقعی خود سهیم کنند (حتی در احساسات و عواطف منفی خود)، چنین وضعی پیش نمی‌آید، اگر دو نفر واقعاً همدیگر را دوست داشته باشند در بلندمدت رابطه‌ای مهیج‌تر و رضایت‌بخش‌تر خواهند داشت. اگر بتوانند احساسات منفی خود را نسبت به همدیگر ابراز دارند تا همواره نسبت به هم کاملاً مهربان باشند (ارونسون، ۱۳۶۷، صص ۲۶۸-۲۶۷).

به نظر کالینز آدم‌ها ذاتاً اجتماعی‌اند، اما در روابط اجتماعی‌شان مستعد کشمکش نیز می‌باشند. به نظر کالینز آدم‌ها در پی نفع شخصی خودشان هستند و از آنجا که منافع آنها ممکن است ذاتاً با هم تعارض داشته باشند، برخورد آنها به خاطر تعارض منافع امکان‌پذیر است (ریتزر، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲). به نظر زیمل، صورت‌هایی که در واقعیت اجتماعی پیدا می‌شوند، به هیچ روی صورت‌های ناب نیستند؛ هر پدیده‌ی اجتماعی شامل انواع عناصر صوری است. عناصر همکاری و کشمکش، فرمانبری و فرماندهی، نزدیکی یا دوری، همه می‌توانند در یک رابطه‌ی زناشویی یا یک ساختار دیوان‌سالاری دخیل باشند (کوزر، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳).

یکی از دردناک‌ترین مسایل اجتماعی قابل بحث در جامعه و اکثر جوامع، مسأله ستیزه‌های خانوادگی می‌باشد که متأسفانه آمار آن روز به روز در حال افزایش است. پیشرفت روزافزون تکنولوژی صنعت و شهرنشینی باعث ازدیاد مسایل و مشکلات بسیاری چون انحرافات و . . . است ستیزه‌های خانوادگی و طلاق می‌باشد (فرجاد، ۱۳۷۳، ص ۶۵).

در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه تصادم نوگرایی و پای‌بندی به سنت‌های دیرین و تشدید جنگ بین

نسل‌هاست. در این مرحله برزخی و حساس، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیش از هر چیز دیگر تغییر وضع و موضع می‌دهند. بسیاری از موضوعات بی‌ارزش دیروز، در محدوده عناصر نوین و مقبول امروزی پای می‌نهند و بسیاری از عناصر مطلوب اجتماعی از قلمرو ارزش‌های اجتماعی خارج می‌شوند. هر چقدر این تحول سریع باشد، تضاد و جابجایی ارزش‌ها چشمگیرتر خواهد بود. در چنین شرایطی نیروهای حاکم بر جامعه جای خود را به نیروهای تازه می‌سپارند و نظام ارزش‌های جامعه دستخوش آشوب می‌گردد، بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزش‌های خانواده مشاهده نمود. ولی از آنجا که سرعت حرکت هر فرهنگ با حرکت اقتصادی و نوآوری‌های تکنولوژی یکسان نیست، نسل‌هایی که در معرض چنین تحولات سریع اجتماعی قرار می‌گیرند، نمی‌توانند معیارهای هم‌پسندی برای وظیفه، فداکاری و ارزش‌های همانند آن داشته باشند، در این احوال کشمکش درون خانواده ایجاد می‌شود و نابسامانی خانواده و طلاق افزایش می‌یابد (مساواتی، ۱۳۷۴، ص ۲۸۱).

از آنجا که بروز تعارض در روابط انسان‌ها با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است باید فرض را بر این گذاشت که بروز تعارض جزئی از رابطه‌ی زناشویی در زندگی مشترک است و از آنجا که یکی از مسایل عمده جوامع امروزی در عصر حاضر افزایش سرسام‌آور طلاق و تنش‌های خانوادگی است. این میزان تنش‌ها روز به روز در خانواده‌ها بین زوجین بیشتر می‌شود اما آمارها نشان می‌دهد علاوه بر طلاق شرعی در خانواده‌های ایرانی، طلاق عاطفی و تنش بین زوجین نیز وجود دارد. زوجین زیادی فقط همدیگر را تحمل می‌کنند و به همین دلیل بیگانگی بین اعضاء خانواده‌ها افزایش یافته است.

با توجه به آمار اداره ثبت احوال شهرستان خلخال که این آمار از دفترخانه‌های ثبت ازدواج و طلاق گرفته شده است تعداد ازدواج که در سال ۱۳۸۷، ۱۰۸۴ مورد و ۸۸ مورد طلاق بوده در سال ۱۳۸۸ میزان ازدواج به ۱۰۳۱ مورد و میزان طلاق ۹۹ مورد رسیده است. این آمار نشان‌دهنده این است که میزان طلاق روز به روز در شهرستان خلخال بیشتر می‌شود و متأسفانه آمار این پدیده در برخی از نقاط کشور هم رو به رشد است و زنگ خطری که برای هشدار به جامعه به صدا درآمده است. یکی از موارد آسیب‌پذیری جامعه از طریق ایجاد بحران و تنش بین زوجین در خانواده می‌تواند تهدیدی جدی برای جامعه محسوب شود. با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی موجود در شهرستان خلخال زوج‌های فراوانی هم وجود دارد که درگیر مشکلات زناشویی و تنش‌های خانوادگی می‌باشد اما هیچگاه پذیرای طلاق نیستند. به عبارت دیگر این زوجین در یک محیط پرتنش خانوادگی به سر می‌برند.

می‌توان با بررسی‌ها و تحقیقات گوناگون آن تنش‌ها و اختلافات خانوادگی را بررسی کرده و در جهت تبدیل خانواده به محیط صمیمی اقدام کرد.

تحقیق حاضر در صدد پاسخگوی به سوالات فوق بوده و با رسیدن به اهداف زیر صورت می‌گیرد.

۱- میزان اختلافات و تنش‌های خانوادگی بین زن و شوهران تا چه حدی است؟

۲- عوامل اجتماعی مرتبط بر این اختلافات کدام‌ها هستند؟

۳- موقع بروز تنش‌ها (اختلافات) زوجین بیشتر از کدام یک از خانواده‌های پدری حمایت

می‌کنند؟

www.markazdanesh.ir



## ۱-۲- اهداف تحقیق

### ۱-۲-۱. هدف کلی

- بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تنش‌های خانوادگی در بین زوجین شهر خلخال.

### ۱-۲-۱-۲. اهداف جزئی

- ۱- شناخت رابطه بین تساهل و مدارا کردن زوجین و تنش‌های خانوادگی
- ۲- شناخت رابطه بین جامعه‌پذیری زوجین و تنش‌های خانوادگی
- ۳- شناخت رابطه بین دموکراتیک‌بودن یا مستبد زوجین و تنش‌های خانوادگی
- ۴- شناخت رابطه بین تمایل به حمایت از خانواده‌های پدری توسط زوجین و تنش‌های خانوادگی
- ۵- شناخت رابطه بین محرومیت نسبی زوجین و تنش‌های خانوادگی.

### ۱-۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

تحقیق در زمینه‌ی خانواده از این نظر حائز اهمیت است که در جوامع معاصر خانواده دست‌خوش تغییرات ناهماهنگی قرار گرفته و به تدریج شکل و هیأت قدیمی خود را از دست می‌دهد و به گونه‌ای جدید تطور می‌یابد، روابط درون خانواده تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی جامعه قرار گرفته و در آن دگرگونی‌ها و تحولاتی رخ داده است (وثوقی و دیگری، ۱۳۷۴، ص ۱۶۰).

مطالعه جامعه‌شناختی خانواده در ایران به دلیل مرکزیت آن در نظام اجتماعی در مقایسه با دیگر موضوعات اهمیت بیشتری دارد، زیرا هم به لحاظ جایگاهی که این نهاد در جامعه بشری و جامعه ایرانی دارد و هم به لحاظ نقشی که این نهاد در تولید انسان نوگرا در ایران یافته است، شناسایی سابقه، تحولات و مسائل و مناقشات موجود در آن اهمیت می‌یابد بدین لحاظ یکی از وظایف اصلی جامعه‌شناسان در ایران شناسایی سابقه، تحولات و عناصر خانواده ایرانی است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹).

از نظر صاحب‌نظران مکتب کارکردگرایی، خانواده نهادی است که بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که بر عهده دارد. بر اساس این دیدگاه مهم‌ترین وظیفه و کارکرد خانواده، اجتماعی‌کردن اولیه افراد و آماده‌کردن آنان برای پذیرش قواعد زندگی اجتماعی است. علاوه بر این، نهاد خانواده تاکنون تأمین برخی از اولیه‌ترین و اساسی‌ترین نیازها اعضا از قبیل نیازهای عاطفی، تغذیه، نیازهای جنسی و حمایت و پشتیبانی را بر عهده داشته است. به رغم تحولات و تغییراتی که در شکل و ساختار آن پدید می‌آید، همچنان برقرار خواهد ماند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

یکی از اصیل‌ترین و مهم‌ترین وظیفه‌ی هر زن و شوهری این است که با وجود اختلافات جزئی و کلی که در میان خانواده یک امر طبیعی است و غالباً لازمه یکنواخت بودن زندگی زناشویی ممتد می‌باشد کاری نکنند و عملی انجام ندهند که بهم گسیختگی پیوند زناشویی بیانجامد (حقانی زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۷).

خانواده ایرانی با چالش‌های بسیار روبه‌روست. تغییر تنش و جایگاه زنان، افزایش میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج، تغییر نگاه به نقش همسر، مرکزیت تصمیم‌گیری خانواده در جامعه، و . . . که به مجموعه‌ای از نقش‌های معارض انجامیده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸).

سازگاری بین دو انسان به عنوان یک زوج، با پیچیدگی‌ها و خصوصیات منحصر به فردشان هیچ‌گاه به‌طور صددرصد و کامل پدید نمی‌آید. در صورت به وجود آمدن این هماهنگی که تنها با گذشت و در نظر شرایط طرفین حاصل می‌گردد (ساعی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰).

نداشتن «مهارت‌های لازم» و «طرز تلقی‌های مناسب» روابط زن و شوهر را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. در حالی که اگر قرار باشد زن و شوهر، به هدف‌های علمی زندگی زناشویی (انجام دادن وظایف روزمره، اداره‌ی خانواده، اداره‌ی امور مالی، تربیت فرزندان و . . .) و هدف‌های عاطفی خود، جامه‌ی عمل بپوشانند، به آن دو نیاز مبرم دارند. تحقق این اهداف، مستلزم روحیه‌ی همکاری در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، تقسیم منطقی کار و اجرای مؤثر آن است.

ازدواج‌های امروزی بیشتر با پیش‌فرض‌ها و تعصبات گوناگونی درباره‌ی موضوعات عاطفی و فعالیت‌های زندگی انجام می‌گیرند که به مرور زمان، به کشمکش‌ها و اختلافات اساسی در زندگی می‌انجامد و در نهایت نیز شاید طلاق، تنها چاره‌ی کار باشد (نوربخش، نشریه‌ی حدیث زندگی، نمایه، شماره ۴۱).

اگر در گذشته آرامش جاری بود و گاهی بحران می‌آمد و آرامش را بر هم می‌زد گویی امروز بحران عادی شده است و آرامش غیرعادی و این یکی از تفاوت‌های مهم دنیای نسل گذشته با دنیای نسل امروز است. و اینکه فشارهای روانی - محیطی امروز از سقف تحمل ما انسان‌های دارای احساس و عاطفه بالا زده است. اینها همه دست به دست هم داده و درگیری‌ها و تضادها و کشمکش‌های درون خانواده را می‌سازد (نشریه جوان، نمایه، ۸۵/۱۲/۲۳).

با توجه به شواهد نظری و شواهد عینی از زندگی مشترک زوجین اختلافات خانوادگی بخصوص در اوایل زندگی گریبان‌گیر زوجین می‌شود و در برخی مواقع به مسأله طلاق منجر می‌شود و در غیر این صورت ناسازگاری‌ها و تنش‌هایی را در زندگی اجتماعی به وجود می‌آورد که به موقع خود در تربیت فرزندان تأثیر داشته و همچنین فضای عاطفی خانه را سرد و سست می‌کند در این تحقیق علی‌رغم شناسایی این مسأله با تأکید بر برخی نظرهای ذکر شده تلاش بر این است که مفهومی را برای اولین بار در سطح ایران ذکر کرد که یک مفهوم جامعه‌شناختی به حساب می‌آید.

تحقیق حاضر قابل استفاده برای خانواده‌ها، ارگان‌های آموزشی و فرهنگی، مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و سازمان صدا و سیما و اداره ارشاد اسلامی و نهادهای نظامی و انتظامی مثمرثمر می‌باشد که بتوانند با برنامه‌ریزی نقاط قوت و ضعف خانواده‌های شهر خلخال را بررسی و در جهت حل آن اقدام نمایند.

## فصل دوم:

ادبیات تحقیق

## ۱-۲- مبانی نظری موضوع

### ۱-۱-۲- روابط زن و شوهر

با آغاز زندگی مشترک، مجموعه‌ای تازه از روابط میان اعضاء خانواده شکل می‌گیرد که نظام خانواده را سامان بخشیده و به سوی دستیابی به اهداف تشکیل خانواده پیش می‌برد، اما هدف مطلوب ازدواج چیست؟ برای جامعه‌شناسان کنش متقابل خانواده بیان و توصیف چهارچوب مفهومی مطالعه ازدواج، بسیار حائز اهمیت است. آیا ازدواج توافق دو همسر است؟ یا مکان مبادله و به وجود آورنده تعارض‌ها و همکاری‌هاست؟ پاسخ به سؤالات مزبور اساسی است، زیرا انتخاب موضوعات مورد نظر، فرضیه‌های تدوین‌شده و بالاخره روش‌های بکار برده شده برای مطالعه کنش متقابل زن و شوهر به پاسخ بالا بستگی خواهد داشت.

اغلب جامعه‌شناسان خانواده معتقدند ازدواج نظامی است که تمایل به ثبات، سازگاری و هماهنگی دارد. صاحب‌نظرانی مانند «کلارک»، «نسان» و «ویلیام. جی. گود» خانواده را میانجی فرد و اجتماع می‌دانند و معتقدند خانواده پناهگاهی برای فرار از کشمکش‌های زندگی اجتماعی است.

«جس اسپری» معتقد است این دو نوع چهارچوب مفهومی از ازدواج، صحیح نیست چرا که بسیاری از ازدواج‌ها ثبات دارند ولی بین زن و شوهر هماهنگی وجود ندارد و تعارض‌های دائم بین آنان دیده می‌شود. بنابراین باید مفاهیم ثبات، هماهنگی، تعادل و سازگاری در زناشویی را از یکدیگر باز شناخت. اما در خصوص چهارچوب مفهومی دوم بیان می‌دارد که: پیشنهاد مذکور بیشتر می‌تواند موضوع تحقیقات تجربی باشد تا موضوع اثبات و تأکید. چرا که ما می‌توانیم برای فرار از کشمکش‌های زندگی خانوادگی به گروه دوستان نیز پناه ببریم و از طرف دیگر، این که می‌گویند خانواده از جامعه جداست، حقیقت ندارد. هر جا که فرد است جامعه هم هست.

«اسپری» نوعی دیگر از چهارچوب مفهومی را برای مطالعه خانواده به مثابه یک ارگانیسم نیست که هدفش رسیدن به هماهنگی و تعادل یا ثبات باشد، بلکه گروهی است که در آن: «منافع افراد با هم در تعارض‌اند و در عین حال، اتحادها به خاطر هدف‌های مشترک تثبیت می‌شوند.» خانواده فرآیندی است از کوشش‌های دائم برای حفظ هماهنگی که ناشی از یک نظام مبادله و موافقتی است که قطعی نیست لکن همیشه می‌تواند مورد مذاکره مجدد قرار گیرد. «اسپری» معتقد است همکاری نه رفتارهای مشابه ایجاد می‌کند و نه ارزش‌های مشترک را، بلکه در حقیقت همکاری مجموعه‌ای از راه و رسم‌هایی است که برای هر دو طرف قابل فهم است. پس فرآیند خانوادگی بستگی به حذف تفاوت‌های افراد ندارد، بلکه به برتری لیاقت و دانایی واقعی افراد مربوط است. در این چشم‌انداز تفاوت‌های

اصلی و ذاتی مطرح نیست بلکه قابلیت و استعداد اعضای گروه خانواده برای مسلط شدن بر تفاوت‌های مذکور در روابط متقابل حائز اهمیت است (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰).

## ۲-۲- پیشینه تحقیق

برای بررسی پیشینه تحقیق از مقالات و پایان‌نامه‌های که مرتبط با این زمینه نوشته شده بود استفاده گردیده است.

### ۱-۲-۲- تحقیقات انجام گرفته در خارج از کشور

۱- کینزمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۰): تحقیقی تحت عنوان «تأثیر تعارضات زناشویی بر تعاملات متقابل خانوادگی» انجام داد. در این تحقیق ۴۰ زوج متأهل در حین برقراری رابطه متقابل با فرزندان پسر ۶-۸ ساله مورد بررسی قرار گرفتند. کینزمن به این نتیجه رسید که بعد از جروبحث متخصصانه پدران حمایت و توجه کمتری به فرزندان پسر خود مبذول داشتند و تاحدودی آزادی آنان را سلب نمودند. نتایج نشانگرشواهد معتبر در خصوص پیوند میان تعارضات و اختلال در وظایف سرپرستی، می‌باشد (Kitz mann, 2000).

۲- تحقیقی توسط کروهان<sup>۲</sup> (۱۹۹۲): تحت عنوان «خوشبختی، رضایت زناشویی و توافق همسر روی اعتقادات و باورهای درباره تعارض زناشویی» انجام شد از ۱۳۳ زوج سیاهپوست و ۱۴۹ زوج سفیدپوست را برای دریافت سند ازدواج در سال ۱۹۸۶ به ایالت و این مراجعه کردند، بطور تصادفی تعدادی انتخاب شدند. رابطه بین دو متغیر در دو سال اول ازدواج و دو سال بعد از آن مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که زوجین بر سر موضوعات مورد تعارض در طی سال‌های اول و دوم توافق کمی دارند و دیگر آن که رابطه بین توافق همسران با یکدیگر و میزان رضایت زناشویی در درازمدت تایید نشد. در ضمن نتایج برای سفیدپوستان و سیاهپوستان مشابه بود (محمدي طارمي، ۱۳۸۵، ص ۴۲).

۳- فینجان پیچ وداویلا<sup>۳</sup> (۲۰۰۷): در پژوهشی تحت عنوان «بخشش یا گذشت پیش‌بینی‌کننده حل تعارض بعدی در زوج‌های متأهل است» نتایج حاکی از آن است در زنان بعد مثبت بخشش پیش‌بینی‌کننده گزارش‌های بعدی مردان درباره بهتر مهارکردن حل تعارض در نخستین سطوح تعارض بود (شفیع‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۵۲).

1- Kinz mann

2- Crohan

3- Finchan-Beach-Davila

۴- سیلیواند برگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۸): پژوهشی تحت عنوان آموزش ارتباط به عنوان یک مؤلفه مهم در تعارضات زناشویی انجام دادند که نتایج از آن حاکی است که آموزش ارتباط بر کاهش تعارضات زوجین اثر مثبت داشته است (شفیع‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۵۳).

۵- سیمپسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۰): پژوهشی تحت عنوان «میزان استفاده از برنامه مهارت‌های رابطه‌ی صمیمانه در رضایت زوجها»، نتایج حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های در رضایت زوجها رابطه موثر بوده است (شفیع‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۵۴).

## ۲-۲-۲. تحقیقات انجام گرفته در داخل کشور

۱- بنی‌اسد (۱۳۷۵): در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی و مقایسه عوامل موثر اجتماعی - فردی و تشخیص در زوجها سازگار و زوجها سازگار در شهر کرمان در پاسخ به این سوال که عوامل موثر در ناسازگاری زوجها چیست؟ تعداد ۱۰۰ زوج سازگار (در حال طلاق) از شعبات مختلف دادگستری شهرستان کرمان انتخاب شدند و با ۱۰۰ زوج سازگار (در حال زندگی مشترک همان شهرستان با استفاده از روش مقایسه‌ای). در عوامل: انگیزه‌های ازدواج، پای‌بندی به اعتقادات مذهبی، امور مالی، رابطه جنسی، اوقات فراغت، طرز ارتباط روانی، ترس مرضی، افسردگی، تصورات پارانوئیدی، روان‌پریشی، حساسیت بین فردی، جسمانی کردن شکایات جسمانی، وسواس فکری - عملی اضطراب، خصومت با یکدیگر تفاوت داشتند. در این پژوهش، تفاوت بین مردان سازگار و مردان ناسازگار، زنان سازگار و زنان ناسازگار در عوامل فوق مورد مقایسه قرار گرفته است. (بنی‌اسد، ۱۳۷۵، ص ۷۵).

۲- براتی (۱۳۷۵) تحقیقی تحت عنوان «بررسی تاثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر» انجام داده، پژوهشی بر روی دو گروه مطالعه و کنترل صورت گرفته است. گروه مطالعه با ۱۱۱ نفر متشکل از ۵۸ نفر زن و ۵۳ نفر مرد که به طریق روش تصادفی از بین زنان و مردان دچار اختلال و مراجعه کننده به مراجع قضایی و مراکز مشاوره انتخاب شد و گروه کنترل ۱۰۸ نفر شامل ۵۳ نفر مرد و ۵۵ نفر زن از میان کارمندان وزارت آموزش و پرورش منطقه ۲ انتخاب شدند. در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته هفت مولفه‌ی کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی افزایش واکنش‌های هیجانی، جلب حمایت فرزند، کاهش روابط خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود و جداکردن امور مالی از یکدیگر مورد بررسی و

1- Silva-vandanBerghe

2- Simpson

آزمون قرار گرفت نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که هفت مؤلفه فوق با تعارضات زناشویی رابطه مثبت دارد (براتی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵).

۳- پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز - خدیجه صدق‌آمیز در سال ۱۳۷۷ انجام گرفته که هدف این تحقیق، بررسی عوامل موثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز است. مبنای این پژوهش، بر اساس مطالعات محققین پیشین و بررسی نظریات موجود بوده و جهت تبیین مسأله سازگاری زناشویی از نظریه‌های کنش متقابل نمادی و مبادله در سطح خرد استفاده شده است سپس نمونه‌ای مرکب از ۵۷۷ نفر از زنان متأهل ساکن شهر شیراز، با روش نمونه‌گیری تصادفی قشربندی شده انتخاب داده‌ها بوسیله پرسشنامه‌ای که حاوی سنجش نگرش زنان توسط طیف لیکرت بوده گردآوری شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح دومتغیره و چندمتغیره انجام شده و نتایج بدین شرح بوده است. در تجزیه و تحلیل دومتغیره، متغیرهای سن شوهر، سن زن هنگام ازدواج، تعداد فرزندان، تفاوت سنی زوجین، تحصیلات مرد، تحصیلات زن، منزلت شغلی مرد، اشتغال زن، محل تولد زوجین، ازدواج مجدد زوجین، نحوه آشنایی با همسر، نسبت خویشاوندی رابطه معنی‌داری با متغیر وابسته (سازگاری زناشویی) نشان داده‌اند. در تجزیه و تحلیل چندمتغیره که با استفاده از رگرسیون مرحله به مرحله انجام گرفت متغیرهای تحصیلات مرد، تعداد فرزندان، منزلت شغلی مرد، تفاوت سنی زوجین، رابطه معنی‌دار داشته و ۲۸ درصد از تغییرات را نشان می‌دهند (صدق‌آمیز، ۱۳۷۷، ص ۲۵).

۴- طبقات اجتماعی و شیوه‌های حل مسأله در بین زوجین خانواده‌های ساکن شهر شیراز - علی‌اصغر مقدس: هدف این مقاله یافتن مشکلات و مسائل زوجین در بین خانواده‌های ساکن شیراز است با توجه به این که منابع در دسترس خانواده از عوامل مهم در حل مسائل است. لذا این خانواده‌ها با توجه به نظریه بوردیو بر حسب دسترسی به منابع مادی، فرهنگی و نمادی برگزیده شدند با مصاحبه عمیق، که از شیوه‌های رایج پژوهش‌های میدانی است با ۵۰ زن متأهل در مناطق مختلف شهر شیراز به این نتایج رسیده شد که مشکلات طبقات و نیز رامحل آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. در حالی که مشکلات طبقات پایین بیشتر ابزاری و در طبقات متوسط این مشکلات تلفیقی است از عاطفی و ابزاری و در مورد حل مشکلات، طبقات پایین بیشتر از رامحل‌های فیزیکی و ابزاری استفاده می‌کنند و طبقات بالا بیشتر سعی در ترمیم مسائل عاطفی از طریق سرمایه مادی دارند و طبقات متوسط بیشتر از سرمایه فرهنگی و اجتماعی برای حل مشکلات سود می‌برند (مقدس، ۱۳۷۸، ص ۱۳۰).

۵- پژوهشی تحت عنوان بررسی شخصیتی موثر در سازگاری زناشویی زوج‌های شهر اصفهان - سعید صادقی: در این تحقیق با استفاده از روش علمی مقایسه‌ای یا پس‌رویدادی، ۴۵ زوج سازگار و



ناسازگار را به صورت نمونه در دسترس در جامعه آماری که از کلیه زوج‌های شهر اصفهان تشکیل می‌شد، انتخاب می‌کنند. هدف اصلی این پژوهش مشخص کردن و مقایسه عوامل شخصیتی زوج‌های سازگار و ناسازگار (در حال طلاق) شهر اصفهان و همچنین میزان رضایت زناشویی و ارتباط آن با عوامل شخصیتی است. بر اساس نتایج این پژوهش مقایسه رضایت‌مندی زناشویی مردان و زنان سازگار و ناسازگار نشان‌دهنده آن است که مردان و زنان سازگار اصفهانی رضایت زیادی از روابط زناشویی خود ابراز داشته‌اند (صادقی، ۱۳۸۱، ص ۲۷).

۶- جلیلیان پژوهشی تحت عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران انجام داده و نتایج آن با توجه به فرضیات، فرد براساس برآوردی که از سود و زیان ادامه زندگی مشترک خویش داشته است حاضر به ادامه زندگی زناشویی بوده یا این که اقدام به جدایی می‌نماید. این برآورد سود و زیان در هر یک از متغیرهای مستقل به این شرح است:

- میزان تفاوت سنی کم (۳-۰ سال) و میزان تفاوت سنی زیاد (۱۵-۱۲ سال) برای فرد زیان به همراه داشته و میزان طلاق را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

- برتری تحصیلات در میان زنان میزان طلاق را افزایش می‌دهد.

- برتری پایگاه اجتماعی و میزان تفاوت عقاید بالا احساس زیان برای فرد بوجود می‌آورد.

- میزان شناخت کم نسبت به همسر، قبل از ازدواج، احساس زیان برای فرد بوجود می‌آورد (در مردان شدیدتر است).

- میزان تصور از مشکلات پس از طلاق هر چه بالاتر باشد، احساس زیان کمتری برای فرد بوجود می‌آورد و برعکس.

- از نظر خانواده فرد نسبت به طلاق در صورت مثبت بودن، احساس زیان در ادامه زندگی زناشویی را بالا می‌برد و برعکس.

- وجود طلاق در میان بستگان و برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، احساس زیان در فرد را افزایش می‌دهد.

- تفاوت قومیت خانواده‌های زوجین، احساس زیان را در فرد کاهش می‌دهد.

- زیان از ادامه زندگی زناشویی میزان طلاق را بالا می‌برد.

- هرگاه پاداش‌هایی را که فرد انتظار دارد در زندگی به آنها برسد و لیکن به آن‌ها نرسد، عدم

رضایت از ادامه مبادله (زندگی زناشویی) در فرد ایجاد می‌شود و فرد تمایل بر هم زدن این رابطه را پیدا می‌کند (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

## ۲-۳- ادبیات تحقیق

### ۲-۳-۱. روابط عاشقانه در چنگال اضطراب فرهنگی

چه بسا تنش‌های که در خانواده‌های امروزی در جامعه ایران وجود دارد ناشی از همین ناهم‌گونی در نگرش و ارزش بین دو نسل باشد. این ناهم‌گونی‌ها، اضطراب فرهنگی را دامن می‌زند و در یک فضای اضطراب آلود، وجود رفتارهای عاشقانه، منطقی به نظر نمی‌رسد. یک نسل که نسل کهنه باشد اصرار بر حفظ اعتبار ارزش‌های فرهنگی گذشته دارد و با هرگونه بازاندیشی مخالف است و نسل دیگر که علاقمند به فرهنگ نو است تمایل دارد در باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگ سنتی، بازاندیشی صورت پذیرد.

فرهنگ کهن به سلطه‌ی روانی علاقمند است. بدون شک سلطه‌ی روانی یک نوع تاریک‌اندیشی را به دنبال دارد. اما نسل نو به به‌سازی سنت و کشف دوباره‌ی ابزارهای جمع‌گرایانه علاقمند است. همه آن مکانیزم‌هایی که در بروز انحرافات جمعی متذکر شدیم می‌تواند ناشی از فاصله‌ی دو نسل، شکاف نسلی و گذر نکردن موفقیت‌آمیز از فرهنگ سنتی به فرهنگ نو باشد. همان «احساس گناهی» که در مکانیزم دوم بیان شد یعنی در باورهای جنسی و در ارضای تمایلات جنسی که فرد احساس گناه می‌کند بدون شک ناشی از ارزش و نگرشی است که از گذشته به او آموخته شده است. از سوی دیگر همین فرد با همسری مواجه است که نگاه دیگری به روابط جنسی دارد و این تقابل و دوگانگی گاه می‌تواند موجب سردی و خاموشی زندگی شود.

به بیان دیگر کسانی که در یک فرهنگ امروزی‌تر دست به انتخاب و ازدواج می‌زنند نسبت به محیط بیرونی حساسیت بیشتری دارند. یعنی فرهنگ سنتی را بر نمی‌تابند و دخالت دیگران را بیشتر دارای اثرگذاری بر اختلافات درون خانواده می‌دانند. اما کسانی که در یک فرهنگ سنتی دست به انتخاب و ازدواج می‌زنند چون به طور ناخودآگاه تابع ارزش‌ها و باورهای فرهنگ سنتی هستند خود متوجه نمی‌شوند که آزاری که از سوی شوهران‌شان به آن‌ها می‌رسد می‌تواند ریشه در تفکر مردسالارانه‌ی باقی‌مانده از گذشته داشته و ناشی از القای ارزش‌ها و الگوهای رفتاری از سوی اطرافیان به سوی مرد خانواده باشد (بخارایی، ۱۳۸۶، ص ۵۶).

### ۲-۳-۲. علل بروز تنش در زندگی زناشویی

ویلیام گود می‌گوید: محققین جدید پدیده‌ی طلاق، متفق‌القول‌اند که طی نسل گذشته تغییری در مورد اهمیت روابط جنسی در ازدواج به وجود آمده است. بعد از جنگ جهانی اول انتظارات جنسی زنان تاحدی بالا رفته است. طی چند دهه‌ی اخیر بدون تردید شوهران رموز عشق‌بازی را بهتر

آموخته‌اند و زنان هم به قدر گذشته، خشک و سخت نیستند. با این حال زوج‌هایی که طلاق می‌گیرند اغلب از مسائل جنسی شکایت دارند.

محققین ازدواج معتقدند که این ناراحتی‌ها بدون مقدمه به وجود نیامده بلکه در اثر اختلافات و تنش‌های زناشویی پدیدار شده است. آمارهای متعدد نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان از ازدواج‌شان شکایت دارند. دلیل آن هم این است که ازدواج برای زنان پرمعناتر است و آنان بیش از مردان، علاقه‌مند به موفقیت در زناشویی و رضایت از آن هستند. اما غالباً شوهران بیش از زنان تقاضای طلاق می‌کنند قسمت عمده انرژی شوهران به خارج از خانه معطوف است. مرد ممکن است رفتارهایی داشته باشد و در کارهایی داخل شود که وجود زن در آن صحیح و قانونی نباشد. مرد می‌تواند بدون این که ایرادی به او وارد شود رابطه‌ی جنسی با زنان دیگر داشته باشد. نتیجتاً وی کمتر از زن به خانه بستگی دارد و ممکن است به دنبال تفریح و سرگرمی و حتی دل‌بستگی‌های خارج برود. چون زندگی خارج از خانه برای شوهر اهمیت بسیار دارد زن قدرت کمتری در تحمیل امیال خود به او خواهد داشت. زن، کمتر تقاضای طلاق می‌کند در حالی که شوهر برای تقاضای طلاق احساس گناه می‌نماید. در نتیجه مرد، الگوی رفتاری‌ای به وجود می‌آورد که باعث می‌شود زن از وی انتقاد کند و او را محکوم سازد و احترامش نکند. این موضوع تاحدودی کدورت و اختلاف بین زن و شوهر به وجود می‌آورد. یعنی مرد با قابل اعتراض جلوه دادن خود (بدون توجه یا نقشه‌ی قبلی) در زن، میل به گسستن پیوند زناشویی را به وجود می‌آورد. انتقاداتی که مرد طی این جریان تحمیل می‌کند احتمالاً مقداری از احساس گناه وی را کم می‌کند گناهی که در غیر این صورت باری بر دوش، احساس می‌شد (گود، ۱۳۵۲، صص ۲۶۳-۲۶۴).

### ۲-۳-۳- سبک‌های تعارضات زناشویی

به نظر می‌رسد که ۴ سبک تعارض در ازدواج بین زوجها وجود داشته باشد:

۱- سبک خودکامه (دیکتاتور)

۲- سبک جنگی (کشمکشی)

۳- سبک جداکننده

۴- سبک مصلح

## ۲-۳-۳-۱- سبک خودکامه (دیکتاتور)

گاهی اوقات یک همسر چنین عقیده‌ای دارد که نقش ولی به عنوان رأس یا مرکز خانه این حق را به او می‌دهد که سخت‌گیر یا تحمیل‌کننده باشد و به طور کلی آنچه را که همسرش باید انجام دهد او تجویز کند. اما در خانه‌ای که ارتباط بر اساس ساختار عادلانه و مشارکت مرد و زن تأسیس می‌شود، در عوض فرمان‌دادن، باید با همسر کارکرد تا تصمیم مطلوبی گرفته شود که هر دو را نیز رشد دهد.

## ۲-۳-۳-۲- سبک جنگی (کشمکشی)

به طور کلی مردانی وجود دارند که قبل از اینکه به خانه بیایند دارای صورتی زیبا و قشنگ هستند، لیکن همان مردان در خانه با برافروختگی، خشم و ناراحتی رفتار می‌کنند. چنین مردانی شایسته عشق زن و بچه‌هایشان نیستند و جای تأسف است که مردانی وجود داشته باشند. من آن‌ها را به توبه دعوت می‌کنم.

## ۲-۳-۳-۳- سبک جداکننده

بعضی از زوجها دوست ندارند که با ضررها مقابله کنند بنابراین دوری از تعارض معمولاً این مشکل را حل نمی‌کند بلکه آن مسأله باقی می‌ماند تا به شکل پیچیده‌تری تبدیل می‌شود. از این‌رو در بحث‌های خانوادگی اختلاف نباید نادیده گرفته شود، بلکه باید سنجیده شده و به آرامی ارزیابی شود. عقاید و نقطه نظرات شخصی معمولاً مهمتر از سلامتی خانواده و اعضای آن نیستند. لذا تواضع و احترام در گوش‌دادن و پاسخ‌دادن طی بحث در گفتگوی مناسب پایه و رکن اساسی است، زیرا اختلافات بدون هیچ زد و خورد، سر و صدا، فریاد یا پرت‌کردن چیزها تمام می‌شود.

## ۲-۳-۳-۴- سبک مصالحه

هدف مصالحه یافتن برخی تدابیر و راه‌حل‌های قابل قبول برای هر دو طرف است که موجب تحقق نسبی منافع اهداف هر دو طرف می‌شود، به عبارتی این سبک بینابین رقابت و سازش قرارداد و نسبتاً مشارکت‌جویانه است در این‌جا طرفین موافقت می‌کنند که در بخشی از مواضع خود کوتاهی بیایند و مقداری به طرف مقابل امتیاز بدهند و در برابر آن مقداری امتیاز بگیرند. لازم است به زوجها آموزش داده شود تا اگر با دیدگاه همسرشان مخالف باشند، وقتی هیجانات آرام شد و هر دوی آن‌ها احساس احترام کردند احتمال خیلی زیادی وجود دارد که یک راه مسالمت‌آمیز را برای مشکل‌شان پیدا

کنند. اما اصل مهم این است که در یک محیط خصمانه چه کارهایی را برای حل تعارض انجام دهند و از انجام چه کارهایی پرهیز کنند.

## ۲-۳-۴. مراحل رشد تعارضات زناشویی (تنش‌های خانوادگی)

وقتی زوجین به طور پیوسته در حل مشکلاتشان ناموفق باشند ممکن است به جو بالایی از تعارض برسند هر چه تعارضات شدیدتر باشد مداخلات بیشتری را می‌طلبد. به طور کلی مراحل رشد تعارضات زناشویی شامل ۴ مرحله می‌باشد.

مرحله ۱- حد پایینی از تعارض وجود دارد معمولاً در زوجینی به وجود می‌آید که در فاصله‌ی کوتاهی پس از آشنایی با هم ازدواج کرده‌اند. این تعارضات عمدتاً بیشتر از ۶ ماه طول نمی‌کشد و تنش هم ایجاد نمی‌کند اکثر این زوج‌ها به درمان‌های رویکردهای روان‌شناختی پاسخ می‌دهند.

مرحله ۲- زوجین به طور منظم تعارضات مزمنی را بیشتر از ۶ ماه تجربه می‌کنند ارتباط بین همسران باز است و هر دوی آن‌ها می‌توانند نارضایتی خود را بیان کنند. با این وجود مثلث‌سازی و سرزنش‌کردن افزایش می‌یابد. زوجین به گذراندن زمان با همدیگر ادامه می‌دهند، اما رنجش آنها آشکار است به عنوان یک واکنش نسبت به این‌گونه تنش‌ها ممکن است الگویی از جدایی، پیگیری، یادآوری‌ها با فرزند ولی‌گونه را نشان می‌دهند. در این مرحله درمان متمرکز بر کاهش اضطراب و تنش و همچنین ایجاد تمرکز و کنترل برخوردار است.

مرحله ۳- در این مرحله زوجین تعارضات شدیدتری را از خود نشان می‌دهد که حدود ۶ ماه با دوره‌هایی از اضطراب شدید همراه است. در این مرحله ارتباط وابسته است و اعتماد پایین است. درمان بر کاهش واکنش‌های هیجانی منفی و قطبی شده، همچنین ایجاد دوباره‌ی اعتماد متمرکز می‌گردد این مستلزم آن است که بحث‌های قبلی کنار گذاشته شود و تا زوجین سرزنش‌ها را کاهش دهند و بتوانند درمانی از مهارت‌های حل‌شده را در روابط استفاده کنند.

مرحله ۴- در این مرحله زوجین بیشترین حد تنش را در همه‌ی ابعاد آن در روابط خود دارند. ارتباط ضعیف، تنازع قدرت، سرزنش و مقصر دانستن طرف مقابل تا حد زیادی دیده می‌شود، انتقادگری زیاد است، خود افشاگری وجود ندارد.

مثلث پنهانی در روابط ظاهر می‌گردد و رابطه درمانی به دلیل خشم زیاد برقرار نمی‌شود درمان ممکن است متمرکز بر مباحث فرزند ولی‌گونه عینی یا واکنش همسر نسبت به فرآیند طلاق باشد (گرگی، ۸۷-۱۳۸۶، صص ۲۶-۲۷).

## ۲-۳-۵. علل تعارضات زناشویی

### ۲-۳-۵-۱. خانواده و دوستان

از عوامل دیگری که می‌تواند رابطه زن و شوهری را تحت تأثیر قرار دهد، دخالت اقوام و نزدیکان است. همان طور که می‌دانیم هر خانواده قسمتی از یک شبکه بزرگ خویشاوندی محسوب می‌شود که در تعامل با سایر افراد و خانواده‌ها قرار دارد. این تعامل در گذشته در خانواده‌های گسترده به صورت مستقیم وجود داشت. امروزه با توجه به این که خانواده‌های گسترده به شکل سنتی آن وجود ندارد، این تعامل نیز تغییراتی کرده است، اما همچنان این روابط به عنوان عاملی تعیین‌کننده بر چگونگی تصمیم‌گیری و رفتار اعضاء خانواده تأثیر می‌گذارد. در جامعه ما به ظاهر خانواده‌ها جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند در حالی که در واقع رفت و آمد میان آن‌ها به وفور انجام می‌شود و بر طبق اندیشه حاکم ناشی از نظام سنتی که بزرگ‌ترها را صاحب حق در دخالت همه امور می‌دانند، در این دید و بازدیدها همواره اظهار نظر، پیشنهادها و انتقادهای فراوانی به سوی زوج جوان سرازیر می‌شود و زندگی آنها را دچار تلاطم می‌کند. طبق همین باورها زوج‌های جوان در برابر مشکلات دست به دامن واسطه‌گری بزرگ‌ترها می‌شوند، یعنی به جای آن‌که سعی کنند مشکل خود را با تفکر خود و یا با مشورت عالمان این علم، چون مشاوران حل کنند، بلافاصله به نزد اقوام و بزرگ‌تر شکایت می‌برند و از آنها انتظار مدد و یاری می‌جویند که این امر موجب کشیده شدن افراد زیادی به میان رابطه خصوصی زن و شوهری شده و به این حریم بی‌احترامی می‌شود. شاید یکی از دلایل وقوع چنین رفتارهایی در جوامع در حال توسعه این باشد که از ابتدا این خانواده‌ها هستند که دست به انتخاب می‌زنند و پدیدآور این رابطه زن و شوهری بین دو نفر هستند. بنابراین از طرفی بزرگانی که عامل این پیوند بوده‌اند خود را مستحق می‌دانند که در بسیاری از زمینه‌ها دخالت داشته باشند و از طرفی دیگر نیز جوانانی که بدون اختیار و قدرت انتخاب چندان برای آنها همسری برگزیده شده، از انتخاب‌کنندگان انتظار دارند که پاسخگوی مشکلات بوجود آمده باشند و به نوعی سعی می‌کنند که از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کنند. ضمن این‌که گاهی دخالت‌های مکرر بزرگ‌ترها که در برخی موارد حتی تا خصوصی‌ترین لایه‌های روابط زن و شوهری پیش می‌رود و عملاً اجازه ایجاد حس همبستگی لازم در روابط زن و شوهری را به افراد نمی‌دهد و آن‌ها را به غریبه‌هایی که در کنار هم زندگی کرده و به مسئولیت فیزیکی خود می‌پردازد، تبدیل می‌کنند. «الیزابت بات» در این زمینه نظریه‌ای را با عنوان «نظریه شبکه» مطرح نموده است. هر چه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیکتر و هر چه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، روابط زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی

تفکیک شده و بیشتر تابع سلسله مراتب است، عکس قضیه نیز مصداق دارد (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱).

## ۲-۵-۳-۲- مسائل مالی

مسائل مربوط به دخل و خرج هم اغلب موجبات اختلاف زن و شوهر را فراهم می‌سازد با توجه به نقش دخل و خرج می‌توان انتظار داشت که فعالیت مشترک زن و شوهر در تحصیل اسباب معاش پرداخت هزینه‌ها بر وحدت یکپارچگی میان زن و شوهر بیافزاید.

اما اینجا هم آنچه قرار است همکاری بیشتر باشد، اغلب در جهت جدایی آنها از هم عمل می‌کند. در زمینه دخل و خرج اغلب با مشغله‌های ذهنی در خصوص انصاف، کنترل در رقابت و سایر معانی سمبلیک، که به فعالیت‌های مشترک لطمه می‌زند، برخورد می‌کنیم. بسیاری از زوجها بر سر چگونگی پرداخت مخارج با هم اختلاف نظر دارند.

بسیاری از آنها پس از رسیدگی چندین ساعته فهرست مخارج یکدیگر را به بی‌توجهی در خرج کردن درآمدها متهم می‌سازد و آتش خشم را بر می‌افزایند، مشکل زمانی بروز می‌کند که زن و شوهر و معمولاً کسی که بیشترین بخش درآمد خانواده را تأمین می‌کند، درصدد کنترل مخارج، طبقه‌بندی اولویت‌ها و سهمیه‌بندی بر می‌آید و ضروری است از آنجایی که رفتار غیرکلامی یا زبان تن، بخش طبیعی از جعبه ابزار ارتباطی ما محسوب می‌شود تفسیر و تعبیر و استفاده از آن به درک بیشتر روابط انسانی کمک می‌کند. از آنجایی که ارتباط، سنگ زیربنایی حل مسأله یا مشکل‌گشایی است می‌توان مهارت‌های ارتباطی نیز به عنوان شیوه‌ای برای جلب تعارض نام برد.

اداره امور مالی خانواده شبیه اداره کردن یک مؤسسه کوچک تجاری است و لازم است زن و شوهر در زمینه مخارج با توجه به درآمد قابل مصرف خانواده همکاری کنند. باید اولویت‌ها را در نظر بگیرند. مخارج ضروری را مشخص سازند و بعد از تخصیص درآمد به آنها درباره خرج باقی‌مانده درآمد، برای تفریح، گردش، سرگرمی و همچنین پس‌انداز تصمیم بگیرند. متأسفانه خرج کردن بیش از رقم مورد توافق به نوعی لج‌ولج‌بازی منتهی شده، نظام بودجه‌بندی خانواده را به هم می‌ریزد. زن و شوهر باید در کار بودجه‌بندی و خرج درآمدهای خانواده از سیاستی استفاده کنند که از بروز لج‌بازی و اقدامات تلافی‌جویانه اجتناب شود.

زن و شوهری که تحت فشار روانی اقتصادی هستند، با انواع مسائل در حال مبارزه‌اند این عوامل فشار، تعارض‌های زناشویی و یا مشکلات موجود زناشویی را آشکار می‌سازد در طول زمان با وجود فشار مالی، ارتباط زن و شوهر به طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد. زن و

شوهر ممکن است آشکارا و یا بطور پنهانی سعی در کنترل یکدیگر نمایند، در نتیجه بهانه کافی برای یأس و ناامیدی و اختلاف وجود خواهد داشت و یکی از آن دو را به خاطر مشکلات مالی مورد سرزنش قرار می‌دهند (گرچی، ۸۷-۱۳۸۶، ص ۳۲).

جامعه‌شناسان معتقدند عامل اقتصادی، قوی‌ترین عاملی است که خانواده‌ها را به سوی جدایی سوق می‌دهد. اقتصاد در خانواده دو نقش متفاوت را بازی می‌کند. گروهی به علت مسائل مادی تن به ازدواج می‌دهند و گروه دیگر به علت شرایط اقتصادی نامناسب میانشان فاصله ایجاد می‌شود (راحی‌پور، نشریه کیهان، ۸۲/۳/۲۲).

کاهش درآمدها و تورم در ایران، موجب افزایش تنش‌ها و ستیز در داخل خانواده شده است و علی‌رغم آنکه هنوز نگرش منفی نسبت به طلاق در جامعه وجود دارد، اما میزان آن رو به افزایش است. طلاق، نتیجه جامعه‌ای است که هیچ رابطه نرمالی بین درآمد و هزینه برقرار نکرده است. از سویی مانور تجمل در جامعه سر داده می‌شود و از سویی دیگر برنامه تعدیل اقتصادی ارایه می‌شود که موجب شکاف بین مطالبات و امکانات گردیده و معضلات اقتصادی منجر به افزایش طلاق شده است. به نظر می‌رسد برنامه تعدیل ساختاری از طریق تورم فزاینده و گسترش و تعمیق فقر، علاوه بر اینکه در کوتاه مدت، اثر از هم گسیختگی و طلاق را بر جای می‌گذارد، در بلندمدت آثاری بر نهاد خانواده می‌گذارد که بسیار عمیق‌تر است و بیشتر مترتب بر فرزندان می‌باشد (بابایی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳).

#### ۲-۳-۵-۳-۲- فرزند

گاتمن در سال ۱۹۷۹ در یک بررسی که روی زوجین بدون فرزند و زوجین که دارای فرزند بودند انجام داد. به این نتیجه رسید که رضایت زناشویی در همسرانی که به دوره پدر و مادی انتقال یافتند، نسبت به دوره زندگی زناشویی قبلی کاهش یافته است.

نظر به اینکه برخوردهای میان زن و شوهر اغلب ناشی از دلوپسی از لوس‌کردن بیش از حد فرزندان، بی‌توجهی زیاد به آنها، آسیب‌زدن‌های جبران‌ناپذیر و یا تردید به صلاحیت خود در انجام وظیفه مادر و یا پدری است خوب است که پدر و مادر در پشت رویه ظاهری عصبانیت به جست‌وجوی علل اصلی دلوپسی‌ها و تردیدها بگردد. مطرح‌ساختن صریح نگرانی‌ها و دلوپسی‌ها ممکن است کمکی به تخفیف آن بکند، علاوه بر آن طرح موضوع با همسر می‌تواند به ارزیابی این قبیل نگرانی‌ها کمک کند. اگر معلوم شود که چنین چیزی وجود دارد زن و شوهر می‌توانند با اقدامی مشترک در رفع آن بکوشند.



## ۲-۳-۵-۴- موانع فرهنگی و طبقاتی (پایگاهی)

گاه فرهنگ زن یا مرد به لحاظ عدم تناسب یا تضاد، سلامت خانواده را تهدید می‌کند. برای مثال ناهماهنگی فرهنگی و طبقاتی زن و شوهر (مانند فرهنگ شهری در مقابل فرهنگ روستایی) گاهی باعث تهدید بنیاد خانواده می‌شود (گرجی، ۸۷-۱۳۸۶، ص ۲۸).

«تضادگرایان خصیصه اصلی جامعه را تضادهای ناشی از نابرابری‌های مربوط به طبقه، نژاد، قومیت، سن، جنس و دیگر تقسیمات عمده می‌دانند که موارد مذکور اغلب سبب ایجاد ارزش‌های متضاد می‌گردد این چشم‌انداز مسایل اجتماعی را وضعیت‌هایی می‌داند که با ارزش‌های جامعه همخوانی ندارد. آن‌ها سرچشمه مسایل اجتماعی را گروه‌های دارای ارزش‌های گوناگون و میزان‌های متفاوت قدرت که با همدیگر مواجه و رقابت دارند، می‌دانند. مثلاً پایگاه اقتصادی - اجتماعی مختلف زن و شوهر می‌تواند باعث بروز اختلافات عدیده‌ای بین آنها گردد» (فصلنامه تخصصی، ۱۳۸۸، شماره ۱۵، صص ۱۵۵-۱۷۸).

از اموری که باعث اختلاف در خانواده می‌گردد تفاوت فکری زن و شوهر می‌باشد. یعنی سطح فکری و فرهنگی یکی از زوجین از دیگری پایین‌تر یا بالاتر است و این تفاوت به حدی است که زندگی را دچار مشکل می‌کند (موسوی، نشریه حمایت، ۷۶/۱۲/۲۳).

## ۲-۳-۵-۵- جهت‌گیری دینی

برخورداری از تمایلات مذهبی یکی از خصوصیات زندگی خیل عظیمی از خانواده‌ها در سراسر دنیا است درگیرشدن در بعد مذهبی یا روحانی زندگی، به نحوی در ارتباط با جنبه کلی و سلامت بهزیستی خانوادگی است بر اساس تحقیقات به عمل آمده، دین‌داری و معنویت به طور متعارف نقش عمده‌تری در زندگی برخی از گروه‌ها ایفا می‌کند.

زوجینی که هم مذهب بوده یا جهت‌گیری مذهبی یکسان و مشابهی دارند نسبت به آنهایی که در این‌باره اختلاف عقیده دارند، از روابط خود با یکدیگر بیشتر ابراز رضایت می‌کنند. اشخاصی که دین و آیین متفاوتی نسبت به همسر یا خانواده خود دارند از ازدواج و روابط خانوادگی خود کمتر ابراز رضایت می‌کنند.

اکثر جامعه‌شناسان بر این اعتقاد هستند که فردی که با شخص غیرمذهب خود ازدواج می‌کند، بیشتر در خطر درگیری مشکلات ناشی از ازدواج قرار دارد تا شخصی که با فرد هم مذهب خود ازدواج می‌کند. هر گونه توسعه و پیشرفت در امر توافق زن و شوهر همیشه و در همه حال به ازدواج مؤثر واقع می‌شود.

نه تنها تفاوت مذهبی بلکه تفاوت در کیفیت اجرا و عمل یک مذهب شده و ضعف آن نیز در ایجاد درگیری‌ها مؤثرند. در خانواده‌هایی که تضاد فکری و عقیدتی بسیار و اختلاف مذهبی ریشه‌دار است. کشمکش‌ها بسیار و پرمناشه است، گاهی زن و شوهر از این تضادها آن‌چنان به ستوه می‌آیند که حاضر می‌شوند تن به جدایی و متارکه دهند و از این عذابی که برای وجدان احساس می‌کنند خود را رهایی بخشند (گرچی، ۱۳۸۶-۸۷، ص ۲۸).

#### ۲-۳-۵-۶- همکاری

میزان کم فعالیت‌های مشترک مثبت و به ویژه شکست در تدارک فعالیت‌های مشترک جدید، باعث فروپاشی رابطه می‌شود. فعالیت‌های مشترک مثبت، عاطفه مثبت تولید می‌کند و باعث افزایش فعالیت‌های صمیمانه جدید بین همسران می‌شود، در مقابل میزان کم فعالیت مثبت در افراد آسیب‌پذیر باعث احساس کسالت و افسردگی می‌شود. این امر به نوبه خود می‌تواند به فقدان تلاش در جهت برنامه‌ریزی فعالیت‌های آینده و بیگانگی و کمبود لذت منجر شود و این حالت به کل رابطه سرایت می‌کند (گرچی، ۱۳۸۶-۸۷، ص ۲۸).

کارکردگرایان جامعه را همچون اندامی بزرگ در نظر می‌گیرند که اجزایش، ارتباط درونی با هم دارند و مسایل اجتماعی گسیختگی‌های این نظامند. از نظر آنها مسایل مربوط به نهادهای اجتماعی، الگوهای انحراف را ایجاد می‌کند. آنها سرچشمه مسایل اجتماعی را برنیامدن آرزوهای اجتماعی، پدیدآمدن بی‌هنجاری، آشفتگی و تضاد فرهنگی می‌دانند.

مطابق با اصول موضوعه کارکردگرایی، در یک مجموعه هر یک از اعضا باید کاری انجام دهند در غیر این صورت، آن کل به درستی عمل نمی‌کند و ممکن است از هم پاشیده شود (توسلی، ۱۳۸۰، صص ۲۲۱، ۲۳۷).

حاصل تصور کنید مرد وظیفه‌اش مهرورزی اعضای خانواده، تأمین مخارج زن و فرزندان و انجام وظایف زناشویی است، به هر دلیلی از تعهدات خود سر باز زند، مسلماً وقوع طلاق چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد (فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، ۱۳۸۸، شماره ۱۵، ص ۱۵۲).

#### ۲-۳-۵-۷- مسایل جنسی

روابط زناشویی نوعی معامله فیزیولوژیک و عاطفی میان زن و شوهر است که یکی از مهمترین عوامل رضایت عاطفی و روانی متقابل بین زن و شوهر است. قابل ذکر است که نقش عوامل روانی در

چگونگی عمل زناشویی زن بیشتر از مرد حائز اهمیت است و گاهی اوقات زن، سردمزاجی را به عنوان مکانیسمی علیه بدرفتاری‌های شوهر به کار می‌برد.

مسئله دیگر ارتباط ضعیف بین شریک‌های جنسی است بدین معنی که ممکن است یک شریک جنسی به دلایل بسیار، از قبیل دستپاچگی، بیزاری، رنجیدگی، افسردگی، شریک جنسی دیگر را از علاقه‌ها، رغبت‌ها و بیزاری‌های خود آگاه نکند. در نتیجه آن شخص غالباً ناتوانی شریک جنسی خود را بد تعبیر می‌کند و آن را به بی‌توجهی و دوست نداشتن وی نسبت می‌دهد، هر چند ارتباط جنسی در ازدواج‌های ناموفق مناسب است و بدین ترتیب مستلزم زوج‌درمانی، در افرادی که از نظر زناشویی سازگار هستند نیز می‌تواند ضعیف باشد.

## ۲-۳-۵ - ۸ - ارتباط

شایع‌ترین مشکلی که توسط زوج‌های ناراضی مطرح می‌شود عدم موفقیت در برقراری ارتباط است. گرچه سال‌ها، این باور مبتنی بر عقل سلیم مورد قبول بوده است اما محققان اخیراً به بررسی صحت آن پرداخته‌اند نتایج این پژوهش‌ها به موضوع، نشان می‌دهد که مشکلات ارتباطی، تنها علت تعارضات زناشویی نیستند. با وجود این، مشکلات ارتباطی، روابط زوج‌های درمانده را مشخص می‌سازد و ظاهراً مشکلات تجربه شده قبلی را تشدید می‌کند. زوج‌های درمانده بیشتر تمایل دارند که رفتارهای خوشایند را کمتر انجام دهند و یا میزان بالایی از رفتارهای ناخوشایندی بروز دهند.

رضایت زناشویی هر همسر نسبت خوشایندی به ناخوشایندی (یعنی نسبت پاداش به هزینه) است. هر چه در رابطه زن و شوهر سبب نارضایتی بیشتری شود احتمال طلاق نیز افزایش می‌یابد. صرف وجود تعارض و کشمکش، روابط مبتلا و درماندگی را از روابط غیردرمانده متمایز نمی‌کند، بلکه، پاسخ زوج به تعارض اهمیت زیادی دارد.

تعدادی از تغییرات عادی در طول دوره‌های ارتباطی طولانی مدت اتفاق می‌افتد و بسیاری از این تغییرات قابل پیش‌بینی هستند. اولین تغییر، تحول در وجود یک رابطه شکل گرفته است. در مرحله اول، روابط بسیاری از زوجین آشفته‌گی را تجربه می‌کنند. در بعضی افراد هیجان‌آشنایی، سبب می‌شود که حالت شیفتگی را به خود بگیرند و آن چیزی است که آنها به عنوان عشق می‌شناسند. وقتی روابط ادامه پیدا می‌کند و شدت عشق اولیه کاهش می‌یابد، بعضی از افراد با این شکل جدید از رابطه، احساس دلسردی و ناامیدی می‌کنند.

زوج‌های آشفته، به علت توانایی در حل تعارضات زناشویی، رفتارهای منفی بیشتری از خود نشان می‌دهند. زوج‌های آشفته علاوه بر مسائل و تعارضات حل نشده، روابط کلامی منفی بیشتری نسبت به زوج‌های غیر آشفته داشته‌اند.

علاوه بر علل مطرح شده موارد دیگری از جمله:

- خواسته‌ها و انتقادات غیرمنطقی

- فقدان ملاحظه، احترام و قدردانی

- ناتوانی در ابراز عواطف

- فقدان دانش کلی درباره عشق و صمیمیت، خواسته‌های زن و شوهر برای تغییر، عدم توانای برای عفو و بخشش.

#### ۲-۳-۵-۹- بی‌توجهی به امور خانه

گاهی اوقات بی‌توجهی به برخی مسائل و عدم مشارکت در امور خانه موجب می‌شود زن یا شوهر این بی‌توجهی به امور خانه را به بی‌توجهی و بی‌علاقگی به شخص خود تعمیم یا نسبت دهد. برای مثال شیر آب خراب است و چند وقت است که چکه می‌کند، ساعت خراب شده است و چند روز است که نیاز به تعمیر دارد، دکمه پیراهن چند وقت است افتاده و کسی به فکر دوختن آن نیست، بنابراین اگر زن و یا شوهری گفت «همسر من به فکر خانه و خانواده نیست، من برای او ارزشی ندارم، او سرش به کار خودش گرم است و . . .» اظهارات او می‌تواند نشانه‌های خطر و آسیب‌زایی خانواده محسوب شود (گرچی، ۸۷-۱۳۸۶، ص ۲۸).

#### ۲-۳-۶- فرایند نارضایتی زناشویی

نارضایتی زناشویی فقدان تدریجی وابستگی عاطفی، کاهش توجه، دوری عاطفی و افزایش احساس بی‌تفاوتی و بی‌علاقگی است. احساسات مثبت در طول زمان با احساسات خنثی و حتی منفی در طول زمان جانشین می‌شود. کینگز بری و میندا (۱۹۸۸، به نقل از رایس، ۱۹۹۶) نارضایتی زناشویی را شاخصی می‌دانند که زوجین به وسیله آن به رابطه خود ادامه داده و یا آن را ختم می‌کنند، آنان تأکید می‌کنند که نارضایتی متقابل نتیجه مشکلات دیگر در رابطه است تا به عنوان اولین علت.

زوجین گزارش می‌دهند، به خاطر این طلاق می‌خواهند که همدیگر را دوست ندارند، اما از دست دادن عشق، معمولاً نتیجه سالها تنش حل نشده در رابطه است.

یکی از روشن‌ترین توصیفات از رشد نارضایتی توسط کرستن (۱۹۹۰)، به نقل از رایس، (۱۹۹۶) انجام شده که فرآیند نارضایتی را به سه مرحله ابتدایی، میانی و پایانی تقسیم می‌کند.

#### الف) مرحله ابتدایی

این مرحله به وسیله نومیدی فزاینده، سرخوردگی، احساس ضربه و خشم مشخص می‌شود. افکار یک همسر یا هر دو روی ویژگی‌های منفی شریک دیگر متمرکز می‌شود، زیرا رفتار شریک دیگر آن چیزی نبوده که قابل انتظار بوده است، همسران هنوز درباره آینده ازدواجشان و تلاش برای حل مشکلات از طریق ابراز احساسات و یا تلاش برای خشنودی‌سازی همسر دیگر خوش‌بین هستند.

#### ب) مرحله میانی

طی این مرحله خشم و آزار افزایش و شدت می‌یابد، همسران انتظار دارند شرکایشان به شیوه‌های منفی مشخصی رفتار کنند، شروع بی‌تفاوتی فزاینده گزارش می‌شود، بعضی از همسران شروع به سبک و سنگین کردن مزایا و معایب ازدواج خود می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که آیا به ازدواج خود ادامه داده یا آن را فسخ کنند. تلاش برای خشنودی‌سازی همسر کمتر دیده می‌شود، اما تلاش برای حل مسأله افزایش می‌یابد.

#### ج) مرحله پایانی

در این مرحله احساس و ابراز خشم به وفور دیده می‌شود، احساس اعتماد کاهش می‌یابد و احساس بی‌تفاوتی و درماندگی افزایش می‌یابد، شایع‌ترین افکار طی این مرحله تمایل به خاتمه ازدواج و تعیین دقیق نحوه انحلال آن است، به هر حال هنوز ممکن است، ابهاماتی وجود داشته باشد. قبل از این مرحله مشاوره به ندرت دنبال می‌شود، اما در این مرحله بسیاری از زوجین به آخرین تلاش خود برای نجات ازدواج یا ترک آن به زناشویی درمانی اقدام می‌کنند.

مبنای انحلال رابطه این احساس است که ضررهای باهم‌بودن بیش از نفع آن است. همسران روی ویژگی‌های منفی یکدیگر تأکید می‌کنند، بطوری که تغییر احساسات آنها خیلی مشکل است و تغییر احساسات منفی مستلزم تغییر چشمگیر همسر است، بعضی مواقع تغییرات انجام می‌شود و احساسات دوباره مثبت می‌شود، اما این کار مستلزم تلاش زیادی است، اگر ازدواج منحل شود، همسر نارضاضی شروع به تمرکز روی ویژگی‌های منفی همسر سابق می‌کند و خود را متقاعد می‌سازد که انحلال رابطه درست بوده است (باباخانی، ۸۲ - ۱۳۸۴، ص ۳۲).

## ۷-۳-۲- منابع تعارضات زناشویی

### ۱-۷-۳-۲- بافت اجتماعی<sup>۱</sup>

تغییر در یک فرآیند غیرقابل اجتناب می‌تواند فرصت‌هایی را برای رشد یا تطابق فراهم کند یا آنکه منجر به انزوا یا ایجاد یک موضوع دفاع شود. تغییر در آغاز برای افراد و تعاملاتشان تنش‌زا هستند. نقش‌ها در روابط متغیر برای زوجین امروزی چالش‌برانگیز است. تغییرات اجتماعی مثل دوشغله‌بودن، تقسیم مسئولیت‌های والدین، عوامل استرس‌زای اقتصادی، بی‌ثباتی اجتماعی، منابع بالقوه تعارض می‌باشند.

### ۲-۷-۳-۲- استرس‌های موقعیتی<sup>۲</sup>

گاهی اوقات وقایع پیش‌بینی نشده احتیاج به رفتارهای انطباقی دارند گرچه اضطراب ناشی از آن قابل جلوگیری نیست می‌تواند ایجاد تعارض کند. بیماری‌های مزمن، مرگ والدین، بحران‌های مالی و مشکلات مربوط به فرزندان اغلب ایجاد کننده تعارض هستند. درجه و شدت اثر این عوامل بستگی به مهارت زوجین در چگونگی مواجهه با این عوامل دارد.

### ۳-۷-۳-۲- نظریه تفاوت‌های ادراکی<sup>۳</sup>

مطابق این نظریه یکی از دلایلی که باعث ایجاد تعارض می‌شود این است که هر دو زوج به طور متفاوت یک موضوع را شروع می‌کنند. تعارض با تفاوت‌های ادراکی شروع شده و در رفتارها بروز می‌کند.

### ۴-۷-۳-۲- تئوری برابری<sup>۴</sup>

این تئوری یک چهارچوب ادراکی از رفتارهای تعارض‌آمیز فراهم می‌کند درک افراد از برابری در روابط به وسیله ارزیابی از نتایج مشخص می‌شود. اگر یکی از زوجین متوجه شود که روابط نابرابر باعث تنش روانی شده، این تنش ایجاد تعارض می‌کند. به عنوان مثال در یک زوج دو شغلی یک عضو ممکن است در توزیع وظایف منزل احساس بی‌عدالتی کند.

1 - social context

2 - situational stress

3 - Perceptual Differences Theories

4 - Equity theory

## ۲-۳-۵- تبدیل (معاوضه)<sup>۱</sup>

تعارض زمانی ایجاد می‌شود که یکی از زوجین در یک رابطه با انجام معاوضه و استفاده از خصومت ناراضی می‌شود. تحلیل شبه اقتصادی از تعامل بین دو نفر ارائه می‌کند. نظریه مبادله بر این باور است که افراد می‌کوشند تا میزان رضایت (پاداش) را به حداکثر و میزان نارضایتی (هزینه) را به حداقل برسانند. بعضی از پاداش‌هایی که زوجین معاوضه می‌کنند، شامل پول، خدمات عشق، موقعیت‌ها و اطلاعات می‌باشد.

## ۲-۳-۶- تئوری اسناد

بیان می‌کند که پاسخ‌های افراد به یک مشکل به استنباط‌های علی آن از مشکل بستگی دارد. جاکسبون و دیگران دریافته‌اند که زوج‌های درمانده، رفتار منفی و همراه با عدم همکاری همسران خود را به عوامل درونی اسناد می‌دهند و از این طریق حداکثر برخورد منفی خود را تضمین می‌کنند. در زندگی زناشویی علت مشکل را به همه نسبت دادن و مسئولیت شخص را برای ایجاد تعارض پذیرفتن یک روش معمولی است تا شخص نسبت به خود احساس بهتری داشته باشد، بدون اینکه تعارض را حل کند.

## ۲-۳-۷- تئوری‌های رفتاری تعارض (رویدادی رفتاری)<sup>۲</sup>

مطابق نظریه رفتاری آنچه اهمیت دارد، درک رفتار هر یک از زوجین در حین تعارض سپس جستجوی رفتارهای جدید فتبع از تعارض، می‌باشد. یک موقعیتی که این نظریه بیان می‌کند، مثال همسری است که تحقیر و انتقاد می‌کند، در حالیکه دیگری به جای مواجهه کلامی و حد تعارض اتاق را ترک می‌کند و این مسأله به جای حد تعارض تنها تعارض را افزایش می‌دهد، به عبارت دیگر تمرکز نظریه رفتاری، روی تغییر رفتاری هر دو زوج می‌باشد.

## ۲-۳-۸ - تئوری گفتگو

مربوط به درک علت تعارض زوج‌هاست. تئوری گفتگو، تعارض را نتیجه شکست استراتژی گفتگو می‌داند. استراتژی گفتگو و نحوه عمل مثل تشویق‌های کلامی در رابطه می‌تواند مؤثر باشد بنابراین خود شیوه‌ها و رفتارهای گفتگو به جای نیازهای واقعی علت تعارض می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۸۳، ص ۴۲).

1 - Exchang Theory

2 - Behavior/ Event Theories

مطابق با این تئوری، تعارض نتیجه تجارب زوجین در زمینه استرس پیش‌بینی نشده در مراحل تکاملی می‌باشد بدین معنی که در جریان انتقال از یک مرحله رشدی به مرحله دیگر مشکلاتی بروز می‌دهد. تولد و پرورش یک کودک تغییرات زیادی در ساختار، استقلال درون خانواده‌ها ایجاد می‌کند که مستلزم سازگاری در تمام اعضای خانواده است. به طور کلی راهبردهایی که در لحظه‌ای از زمان برای مقابله با استرس مفید است ممکن است در لحظه دیگری بی‌فایده باشد درون خانواده شیوه‌های ارزیابی افراد گوناگون از استرس متفاوت است و این اختلاف خود نیز استرس‌آور است (گرچی، ۸۶-۱۳۸۷، ص ۵۲).

### ۲-۳-۸ - رویکرد رفتاری و ناسازگاری ازدواج

این رویکرد مشکلات زناشویی را بر اساس قوانین یادگیری اجتماعی تبیین می‌کند. در این مکتب مشکلات میان فردی از طریق شناخت عواملی که به تداوم اختلاف منجر می‌شود، مرتفع می‌گردد. در این رویکرد مدل رضایت از ازدواج با استفاده از تئوری مبادله اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبق این مدل در روابط بین فردی، هر عضو می‌کوشد در حالی که هزینه‌ها را به حداقل می‌رساند به حداکثر سود نائل گردد. بنابراین رضامندی از ازدواج تابعی از سود و زیانی است که هر کدام از زوجین کسب می‌کنند. همچنین تقویت‌هایی که فرد از همسرش دریافت می‌کند نه تنها تعیین‌کننده درجه رضایت است، بلکه پاداشی را که وی به سوی همسرش برمی‌گرداند را نیز تعیین می‌کند. بر اساس مفروضات این رویکرد، شکست روابط را می‌توان از طریق کاهش پاداش توضیح داد. در حقیقت فرد کوشش می‌کند برای دیگری تقویت منفی داشته و تقویت مثبت را به اجبار به دست آورد. در رویکرد رفتاری شخصیت هر فرد انباشته‌ای از پاسخ‌های آموخته شده در برابر محرک‌هاست و تفکر نوعی رفتار حسی - حرکتی است و شامل عکس‌العمل‌ها یا حرکات گفتاری ناملفوظ و ناآشکار است. در نظر رفتارگرایان تعبیر و تفسیر ماهیت تقویت چیزی است که رفتار را هدایت می‌کند. از نظر بندورا فرآیندهای شناختی شخص است که رفتار را کنترل می‌کنند. همچنین رفتار می‌تواند از طریق مشاهده رفتار دیگران و پیش‌بینی پیامدهای تقویتی انجام همان رفتارها آموخته شود. به نظر راتر تقویت بیرونی دارای اهمیت زیادی است، ولی این اثربخشی به عوامل شناختی درونی بستگی دارد. از دیدگاه راتر ما برای تقویت‌های مختلف ارزش و اهمیت قائل شده و ارزش‌ها را مورد قضاوت قرار می‌دهیم. بنابراین يك تقویت یکسان ممکن است برای دو فرد مختلف ارزش یکسانی نداشته باشد. به نظر وی



شرایط تقویت‌کننده‌های بیرونی ما را برانگیخته می‌کنند تا برای به دست آوردن حداکثر میزان تقویت مثبت و اجتناب از تنبیه کوشش کنیم. از نظر راتر نیازهای روان‌شناختی ما اکتسابی و اساساً اجتماعی هستند. همچون نیازهای حمایت، وابستگی و نیازهای عشق و محبت.

### ۳-۲-۸-۱- رویکرد سیستمی و ناسازگاری ازدواج

این تئوری بر جنبه‌های کلی و تعاملی رفتار توجه دارد. سیستم مجموعه پیچیده‌ای از عوامل است و برای شناخت آن بایستی ارتباطات درونی و پایدار بین این عوامل را شناخت. باید توجه کرد که با خرد کردن عوامل، شناخت حاصل نمی‌شود، بلکه مفهوم سیستم مکتبی را دربردارد که از جمع اجزای آن بیشتر است. مطابق با این تئوری، خانواده یک سیستم است که در آن زیر سیستم‌های دیگری با هم در تماسند. در برخورد با اختلافات خانوادگی نباید رفتارهای زن و شوهر به صورت فردی در نظر گرفته شود، بلکه باید به عنوان یک اختلال میان فردی مورد ملاحظه قرار گیرد.

### ۳-۲-۸-۲- رویکرد انسان‌گرایی و ناسازگاری ازدواج

در این رویکرد بشر تمایلی ذاتی برای رشد دارد و احساسات به عنوان غریزه‌ای برای رشد در نظر گرفته می‌شود. از دیدگاه انسان‌گراها ازدواج بایستی موجبات رشد فردی را فراهم آورد و زمینه‌ای برای خودشکوفایی گردد. بنابراین ازدواجی فرد را از رشد باز می‌دارد که منجر به اختلاف و جدایی شود. زوج‌هایی که سعی می‌کنند هر چه بیشتر پذیرای یکدیگر باشند و به گونه‌ای عمیق از صمیمیت و خودابرازی برخوردارند احساس رضایت بیشتری دارند. هر چه کیفیت ارتباطات میان زوج‌ها بالا باشد میزان بالاتری از رضامندی امکان‌پذیر است. در رویکرد مزلو هر شخص با تعدادی نیاز غریزی متولد می‌شود که باعث رشد و توسعه‌یافتگی و شکوفایی او می‌شود. وی سلسله‌مراتبی از نیازها را ارائه کرد که باید ارضا شود. از نظر وی پایین‌ترین سطح نیازها، نیازهای فیزیولوژیکی غالب هستند که قویتر از نیازهای رده بالا هستند و شکست در ارضای آنها کمبودی را در فرد ایجاد می‌کند. از دیدگاه مزلو نیاز به عشق که شامل عرضه محبت و دریافت آن است می‌تواند با داشتن یک رابطه گرم و صمیمی با شخص دیگر ارضا گردد. مزلو عشق را با رابطه جنسی (یک نیاز خالص فیزیولوژیکی) برابر نمی‌داند، اما تصدیق می‌کند که رابطه جنسی یک شیوه ابراز نیاز به عشق است. بنابراین شکست در برآورده کردن نیاز به عشق یکی از علت‌های بنیادی ناسازگاری در هر جامعه است. راجرز معتقد بود مردم با انگیزه شکوفاشدن متولد می‌شوند. از نظر وی توجه مثبت، نیازی است برای پذیرش و محبت و تایید از سوی دیگران. این توجه مثبت باید کامل، آزاد و نامشروط باشد تا به رفع نیاز بیانجامد. راجرز به

اهمیت پذیرفتن و گوش‌دادن بدون دوری به عنوان شرطی برای تغییر اشاره می‌کرد. وی به شدت نگران پیش‌دواری‌های انتقادآمیز بود. به نظر او واقعیت همان است که درک می‌شود. این درک ممکن است همیشه با واقعیت عینی مطابق نباشد. به اعتقاد راجرز اشکال مهم ارتباطی اشخاص این است که می‌خواهند سخن دیگران را ارزیابی و قضاوت کنند، بدون اینکه به ویژگی‌ها و منحصربودن اشخاص توجه کنند. چنین برخوردهای کلیشه‌ای مانع از برقراری ارتباطی مؤثر می‌شود.

## ۲-۳-۸- رویکرد شناختی و ناسازگاری ازدواج

این رویکرد بر ذهن هوشیار تأکید دارد. واژه شناخت به معنی عمل یا فرآیند دانستن است. روان‌شناسان شناختی به شیوه‌هایی که مردم به شناخت، ارزیابی و اندیشه و تصمیم‌گیری نائل می‌شوند علاقه دارند. فکر به قضاوت، تصمیم‌گیری و تعبیر و تفسیر درست یا اشتباه از وقایع و اعمال دیگران اشاره دارد. بدین ترتیب شناخت کامل ازدواج و مسائل مربوط به آن مستلزم در نظر گرفتن بعدهای شناختی است. بک معتقد است که مهمترین علت مشکلات زناشویی و روابط انسانی سوء تفاهم است. آرون بک می‌گوید: آنچه گفته می‌شود با آنچه شنیده می‌شود، گاه کاملاً متفاوت است. بک علت اختلاف زناشویی را تفاوت در نحوه نگرش افراد و پیامدهای ناشی از آن می‌داند. البته نباید تصور کرد پایه اختلافات همواره از سوء نیت یا بدذاتی طرفین یا یکی از آنهاست، بلکه در اکثر موارد ناشی از این واقعیت است که هر یک مسأله را به نحو متفاوتی می‌بینند. اگر ذهن فرد را استدلال‌های غیرمنطقی و تفسیرهای نادرست اشغال کرده باشد، در برابر واقعیات کور و ناشنوا بوده و با قضاوت اشتباه و برخورد نادرست هم خود و هم همسرش را رنج می‌دهد. آلبرت الیس در جریان درمان مددجویان خود پی برد مددجویان به آن علت پیشرفتی در بهبود نشان نمی‌دهند که ذهن خود را به طور فعال با رشته‌ای از افکار غیرمنطقی اشباع کرده‌اند و این افکار را هم یاد گرفته‌اند. در این رویکرد اعتقاد بر این است که آدم با اشیا و امور پریشان نمی‌شود، بلکه به خاطر طرز فکر و نظراتش نسبت به اشیا و امور پریشان می‌شود. در تفکر فردی گفته می‌شود هیجان‌های آدمی از تفکر وی سرچشمه می‌گیرند و برای تغییر هیجان‌ها باید تفکر فرد را تغییر داد. به عبارتی هیجان‌های آدمی از اعتقادات، ارزیابی‌ها، تعبیر و تفسیرها و فلسفه وی درباره آنچه برایش اتفاق افتاده است سرچشمه می‌گیرد و نه از خود رویدادها و حوادث. به نظر الیس قسمتی از نظام اعتقادی فرد شامل مجموعه‌ای از اعتقادات غیرمنطقی است که منشأ اصلی پریشانی هیجانی او می‌باشد. همچنین به نظر وی شناخت‌های داغ به میزان زیادی با بیان‌ها یا جملات هیجانی - درخواستی همراه هستند که معمولاً منتهی به رفتارهای ناسازگار می‌گردند. باکوم و سیرز پنج نوع متغیر شناختی را مطرح نمودند و معتقدند که این متغیرها با هم در ارتباطند و در

ایجاد و تداوم مشکلات زناشویی نقش مهمی ایفا می‌کنند. این متغیرها عبارتند از: عقاید، استانداردها، توجه انتخابی، انتظارات، اسنادها. نظریه اسناد با قضاوت‌های علی و چگونگی تبیین وقایع ارتباط دارد. تبیین‌های علی غالباً به سؤال چرا پاسخ می‌دهند. وقتی اطلاعات موجود نادیده گرفته شود و یا به گونه‌ای غیرصحیح پردازش شود قضاوت‌های علی تداوم می‌یابد. همچنین دشواری و اشکال در پردازش اطلاعات موجود و یادآوری آن در زمان دیگر دلیل دیگری برای قضاوت نادرست است. به باور گاتمن تعامل‌ها در زوج‌های ناموفق، اغلب با رفتارهای منفی متقابل مشخص می‌شوند. زوج‌های ناموفق واکنش‌پذیر هستند. واکنش‌پذیری در زوج‌های مشکل‌دار ممکن است احتمال سوء تفاهم و ارتباط نامطبوع را بالا ببرد. از طرف دیگر روابط نابسامان با ناتوانی در حل تعارض مشخص می‌شود. فقدان مهارت در حل تعارض باعث می‌شود نزاع‌ها و تعارض‌های حل نشده که در طی جریان ارتباط شکل گرفته‌اند، روی هم انباشته شوند و در نتیجه امکان حل مسئله در رابطه زوج‌ها را کمتر می‌گرداند. کاهش تقویت موقعی اتفاق می‌افتد که زوجین رضایت موجود در ارتباط خود را از دست بدهند. این امر ممکن است به خوگیری یا عادت مربوط باشد. در نتیجه رفتارهایی که زمانی خوشایند بودند، دیگر مهم تلقی نمی‌شوند. این عوامل به همراه متغیرهای دیگری در هم ادغام شده و به صورت الگوهای تخریبی بی‌توجهی، انتقاد، مشاجره، انتظارات و اعتقادات منفی در ارتباط بین زوجین خود را نشان می‌دهد. در روابط نابسامان، پاسخ‌های هیجانی زوج‌ها به همسران خود، معطوف به افکار آنها درباره رفتار همسران و معنایی است که به آن رفتار نسبت می‌دهند و نه فقط به خود رفتار. در میان زوجین ناموفق اغلب مشاهده می‌شود هر دو طرف درباره هم افکار منفی غیرمنطقی یا اسنادهای آزردهنده‌ای پیدا می‌کنند. افکار منفی با پاسخ‌های آزردهنده، به نوبه خود به ایجاد افکار منفی در طرف مقابل منجر می‌شود. نه تنها اشکال در مهارت‌های اجتماعی یکی از مسائل مورد شکایت زوج‌هاست بلکه اشکال در مهارت‌های بیان و دریافت نیز با بسیاری از شکایت‌های متداول آنها ارتباط پیدا می‌کند مانند عدم تفاهم، توجه ناکافی به یکدیگر، اشکال در گوش دادن. رویکرد شناخت درمانی بک مطرح می‌کند که منشأ افکار خود - آیند منفی به بازخوردها و مفروضه‌هایی مربوط می‌شود که در کودکی و دوره‌های بعدی زندگی شکل می‌گیرند. در مدل شناختی بک نظر بر این است که تجربه در افراد به تشکیل فرض‌ها و یا طرح‌واره‌هایی درباره خویش و جهان می‌انجامد. این فرض‌ها یا طرح‌واره‌ها، خود در سازمان‌بندی ادراک، کنترل و ارزیابی رفتار مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما برخی از این فرض‌ها انعطاف‌ناپذیر و افراطی و مقاوم در برابر تغییرند. در نتیجه ناکارآمد و یا ناباور هستند. مسائل موقعی مطرح می‌شود که اتفاقات مهمی بیفتد که با نظام اعتقادی فرد سازگاری داشته باشند. بدین ترتیب وقتی فرض‌های ناکارآمد فعال شدند افکار خود - آیند منفی را برمی‌انگیزند. از این نظر به این افکار منفی می‌گوئیم

چون خود به خود به ذهن می‌آیند و برخاسته از هیچ گونه فرآیند استدلال آگاهانه نیستند. این افکار ممکن است تفسیرهایی از تجارب جاری باشند یا پیش‌بینی‌هایی درباره رویدادهای آینده و با یادآوری چیزهایی که در گذشته اتفاق افتاده‌اند. این افکار به نوبه خود سایر نشانه‌ها (افسردگی، انگیزشی، هیجانی، شناختی و جسمی) را پدید می‌آورد. با پیشرفت افسردگی، افکار خود - آیند منفی هر چه بیشتر، زیاد و شدید می‌گردند و افکار منطقی‌تر هر چه بیشتر ناپدید می‌شوند. این فرآیند به گسترش فزاینده دامنه خلق افسرده منجر می‌شود. هر قدر فرد افسرده‌تر می‌شود، بیشتر افکار منفی پیدا می‌کند و بیشتر به این افکار اعتقاد پیدا می‌نماید و از طرف دیگر، هر قدر افکار منفی بیشتر به ذهن می‌آید، او را افسرده‌تر می‌کند (نشریه همشهری، نمایه، ۸۲/۶/۹).

## ۹-۳-۲. ارتباطات زوجین از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی

خانواده به معنای اخص و محدود آن از نظر لوی استراوس عبارت است از پیوند دو انسان برخوردار از جنسیت متفاوت برای دورانی کوتاه یا بلند پذیرفته شده از طرف اجتماع که صاحب فرزندان می‌شوند و آنها را تربیت می‌کنند. ماردوک در تعریف دیگری معتقد است خانواده یک گروه اجتماعی است که دارای یک محل اقامت مشترک، همکاری اقتصادی و تولید مثل اعضای آن باشد، دارای افراد بالغ متعلق به هر دو جنس که حداقل دو نفر از آنها دارای روابط پذیرفته‌شده‌ای از نظر اجتماع هستند، دارای یک یا چند فرزند باشند که از این افراد بالغ متولد شده یا به فرزندی پذیرفته شوند. اگر چه بلوغ عاطفی برای موفقیت در همه مناسبات و روابط انسانی امری لازم و ضروری است اما ازدواج در این میان بیشتر به این بلوغ نیاز دارد. خانواده امروزی بیش از گذشته بر قابلیت‌ها و استعدادهای عاطفی - روانی زوجین متکی است. امروزه ازدواج دیگر بنابر وجود یک ضرورت اقتصادی صورت نمی‌گیرد. موفقیت در ازدواج منوط به توانایی هر یک از زوجین در وقف وجود خود برای دیگری است. به این لحاظ باید تأکید نمود که ورود به عرصه ازدواج مستلزم وجود ذهنیتی بالغ و پخته است زیرا مقابله با مشکلات و موانعی که در جامعه مدرن و پیچیده امروزی بر سر راه حیات خانوادگی قرار می‌گیرد جز با ذهنیتی پخته و بالغ میسر نمی‌گردد، نکته دیگر حضور بلوغ اجتماعی است، وجود بلوغ اجتماعی به این معنی است که فرد بتواند با اتکا به خود و بدون استمداد از دیگران از عهده انجام کارهای خود در موقعیت‌ها و وضعیت‌های اجتماعی برآید. خودگردانی کارآمد در همه مسائل اجتماعی نشانه بلوغ اجتماعی و تضمین‌کننده موفقیت در ازدواج است.

بر مبنای آنچه گفته شد بلوغ فیزیکی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی جزء آمادگی‌های شخصی برای ازدواج محسوب می‌شوند، اما بلوغ اقتصادی متأثر از مقتضیات محیطی و خارجی است و در شرایط

اقتصادی فعلی حاکم بر جوامع توجه بیشتر مسئولان را به خود معطوف داشته است. بلوغ اقتصادی آن گاه حاصل می‌شود که فرد توانایی آن را داشته باشد که بدون کمک دیگران از عهده تأمین معاش خود و خانواده‌اش برآید.

## ۲-۹-۳-۱- تحلیل ازدواج به عنوان یک رابطه اجتماعی

بسیاری از افراد در نخستین سال‌های بزرگسالی ازدواج می‌کنند و غالباً در یک رابطه صمیمانه درگیر می‌شوند. صمیمیت به معنی علاقه‌مندی به دیگران و داشتن تجارب مشترک با آنان است. افرادی که از بیم یک صدمه احتمالی یا به علت عدم توانایی در برقراری رابطه و سهیم‌نشدن در تجارب مشترک با دیگران نمی‌توانند به یک رابطه محبت‌آمیز دل بسپارند با خطر تنهایی و گوشه‌گیری رویارو می‌شوند. در این زمینه بررسی‌ها نشان می‌دهند که برخورداری شخص از یک رابطه صمیمانه با یاری یک حمایتگر می‌تواند نقش مؤثری در سلامت عاطفی و جسمانی او ایفا کند. افرادی که می‌توانند عقاید، احساسات و مسائل خود را با کسی در میان بگذارند سالم‌تر و شاداب‌تر از کسانی هستند که از چنین امکانی برخوردار نیستند.

انسان‌ها قوی‌ترین هیجانات خود را در یک رابطه، در ازدواج، درد ناشی از طردشدن و خشم حاصل از بروز تعارض با دیگران تجربه می‌کنند. برای دستیابی به تحلیل دقیق از رابطه در ازدواج نخست می‌توان گفت هنگامی که دو فرد در یک رابطه قرار گیرند زندگی‌هایشان درهم می‌تند. یعنی هر یک دیگری را تحت نفوذ قرار می‌دهد. راه‌های نفوذ در این زمینه نیز گوناگونند. طرفین یک رابطه ممکن است بتوانند احساس شادی یا غم را در یکدیگر برانگیزند و به یکدیگر در انجام امور جاری کمک کنند. از نظر عرف یک رابطه باید به گونه‌ای باشد که دو فرد وابسته به هم دارای نفوذ متقابلی بر یکدیگر باشند.

## ۲-۹-۳-۲- کلی و دیگران، (۱۹۸۳)

روانشناسان اجتماعی از عنوان رابطه نزدیک در اشاره به روابطی استفاده می‌کنند که دربردارنده بهم بستگی بسیار باشند. نظیر رابطه با والدین، دوست خوب، معلم، همسر، همکار و حتی رقیب یا رقبای مهم. تمام روابط نزدیک دارای ویژگی‌های اساسی مشترکی هستند. آنها معمولاً دربردارنده ارتباطات متقابل فراوان هستند و تا مدت زمان نسبتاً طولانی ادامه می‌یابند. از سوی دیگر این روابط انواع متفاوت فعالیت‌ها و رویدادها را شامل می‌شوند به طور مثال دوستان عناوین مختلف را مورد بحث قرار می‌دهند و در دامنه وسیعی از فعالیت‌ها شرکت می‌کنند. ثانیاً در روابط نزدیک میان

طرفین نفوذ قوی‌ای بر یکدیگر وجود دارد. یک زن هفته‌ها راجع به تعهدی که از سوی همسرش برای او ایجاد شده فکر می‌کند و آن را به رسمیت می‌شناسد. فراتر از این دو فرد به هم وابسته دارای عامل بالقوه‌ای برای برانگیختن هیجانات قوی در یکدیگر هستند. افراد دوست دارند به روابط نزدیک خود به عنوان منبع احساسات مثبتی نظیر عشق و نگرانی فکر کنند.

طرفین در یک رابطه می‌توانند در موقعیت‌های متفاوتی نظیر تصمیم‌گیری که غالباً نتیجه آن می‌تواند منبع تعارض و حل اختلاف باشد قرار گیرند. نتیجه مطلوب در تصمیم‌گیری معمولاً هنگامی حاصل می‌شود که زوجین سلیقه‌ها و علایق خود را برای گرفتن یک نتیجه مطلوب هماهنگ نموده و علایق متعارض خود را با هم سازگار نمایند وقتی از نقطه نظرات خود را که برای هر دو جذابیت دارد یعنی دسترسی به نتایج هماهنگ را برگزینند

### ۲-۳-۹-۳- دیدگاه تیبو و کلی (۱۹۵۹)

تیبو و کلی (۱۹۵۹) میزان سهولت یا دشواری هماهنگ نمودن نقطه نظرها نتایج در رابطه وابسته به این است که تا چه اندازه دو فرد دارای علایق و اهداف مشابه باشند، یعنی هر آنچه یکی از طرفین مطلوب می‌داند دیگری نیز خوب بداند. اما در این راستا ممکن است طرفین یک رابطه دارای برتری‌ها و ارزش‌های متفاوت باشند. در این صورت بیشتر مستعد ایجاد تعارض خواهند بود. علت تأکید بر عامل شباهت به عنوان یک عامل قوی در این زمینه آن است که افراد شبیه به یکدیگر معمولاً دارای مسائل کمتری در زمینه ایجاد هماهنگی بوده و امکان ایجاد یک رابطه پاداش‌دهنده متقابل آسان‌تر است. لازم به ذکر است که حتی زوجین هم‌تا با یکدیگر نیز تعارض علاقه و عدم هماهنگی را تجربه می‌کنند. در چنین مواردی طرفین باید برای فرو نشاندن تعارض با یکدیگر مذاکره کنند و آن شقی را برگزینند که برای هر دو قابل قبول است. راه حل دیگر توسل به بده - بستان اجتماعی است؛ اگر تو این کار را انجام دهی، من نیز این کار را خواهم کرد. البته فرونشاندن تعارض در علایق به وسیله مذاکره در بهترین شکل خود مستلزم صرف وقت است و در بدترین شکل خود منبعی از جروب‌بحث‌ها و احساسات بد. پس زوجین می‌توانند با یکدیگر توافق کنند و اگر زن یکی از کارها را انجام دهد مرد نیز به انجام فعالیت‌های دیگر بپردازد.

در اینجا باید به نقش الگوهای فرهنگی اشاره نمود. در قالب الگوهای فرهنگی در این زمینه ادراکات بسیار روشنی از آنچه هر یک از طرفین باید انجام دهند وجود دارد. نظیر ازدواج سنتی و قوانین از پیش تعیین شده آن. در الگوی سنتی به وضوح در مورد وظایف زن و مرد در انجام فعالیت‌های مربوط به زندگی قوانین تصریح شده دیده می‌شود که در چهارچوب نقش‌های اجتماعی زن

و مرد مطرح می‌گردند. نقش‌ها راحل‌هایی را برای برخی از مسائل جهت هماهنگ‌سازی روابط میان زوجین مطرح می‌کنند. هنگامی که نقش‌های اجتماعی مبهم و در حال تغییر باشند هر يك از زوجین از آزادی عمل بیشتری برخوردارند و باید کوشش بیشتری را جهت هماهنگ‌سازی موفقیت‌آمیز ارتباط متقابل بنمایند.

#### ۲-۳-۹-۴. ارتباطات متقابل منصفانه بین زوجین چگونه ایجاد می‌شود؟

رابطه اجتماعی میان زوجین هنگامی خشنود و سازنده است که قانون انصاف بر آن حکمفرما باشد. بدین معنی که طرفین نه تمایل داشته باشند توسط دیگری مورد سوء استفاده قرار گیرد و نه امتیازی را از دیگری غصب نماید. بر اساس نظریه برابری که از نظریه مبادله اجتماعی نشأت گرفته است هر کس باید به نحو برابری از منافع حاصل از يك رابطه برخوردار گردد، بدین معنی که بر مبنای مفهوم عدالت توزیعی منابع طرفین باید متناسب با سهم مشارکت او در يك رابطه باشد. باید توجه داشت اگر افراد درك کنند رابطه غیرمنصفانه است احساس درماندگی نموده و در صدد برقراری انصاف خواهند بود. این احساس درماندگی نزد آن طرفی در رابطه ایجاد خواهد شد که مورد سوء استفاده قرار گیرد. افرادی که از استفاده بسیاری در رابطه برخوردار شوند که سزاوار آن نبوده‌اند احساس ناراحتی و گناه را تجربه می‌نمایند و در این راستا سعی دارند به جبران مافات بپردازند نظیر زنی که سهم خویش از کارهای منزل را انجام نداده و در جهت جبران این کوتاهی کار اضافی دیگری را انجام می‌دهد.

نکته دیگری که در روابط میان زوجین باید مورد توجه قرار گیرد توازن قدرت است. در هر رابطه شخصی افراد غالباً دارای رجحان‌های گوناگونی متأثر از فعالیت‌هایشان هستند و سعی دارند یکدیگر را مطابق تحقق اهداف خویش تحت نفوذ قرار دهند.

#### ۲-۳-۹-۵. قدرت اجتماعی از نظر هوستون (۱۹۸۳)

به توانایی شخص برای تحت نفوذ قرار دادن عمده رفتار، افکار و احساسات شخص دیگر دلالت دارد. در این راستا در برخی از روابط دو فرد به نحو برابر یکدیگر را تحت نفوذ قرار می‌دهند و در برخی دیگر يك عدم توازن در قدرت سبب می‌گردد شخص دیگری که بیشترین سهم را در تصمیم‌گیری دارد کنترل بیشتری را بر فعالیت‌های مشترك انجام دهد، در بحث‌ها برنده شود و عموماً در موضعی از تسلط قرار گیرد. در این زمینه عواملی نظیر هنجارهای اجتماعی یعنی الگوهای نفوذ که توسط فرهنگ‌ها تحمیل می‌شوند نقش مهمی را برعهده دارند. منابع نسبی شامل هر چیزی است که بتواند

توسط زوجین در جهت ارضا یا ناکام ساختن نیازها مورد استفاده قرار نگیرد. در این رابطه پاداش‌ها، اجبارها، اطلاعات و تجربه جزو منابع شخصی هستند. اصل حداقل علاقه که بر اساس آن وابستگی نسبی هر یک از زوجین به رابطه خود عوامل تعیین‌کننده دیگری در توازن قدرت است گویای آن است که اگر یکی از طرفین بیشتر به رابطه وابسته باشد یا بیشتر مراقب ادامه علاقه فی‌مابین باشد سبب بروز عدم توازن در قدرت می‌گردد. به این ترتیب آن طرفی که از کمترین علاقه به رابطه برخوردار است دارای قدرت بیشتری می‌گردد که ضمن آن شخص علاقه‌مندتر و وابسته‌تر تسلیم خواسته‌های دیگری شده تا رابطه ادامه یابد. سرانجام چنین روابطی یا به سوی توازن قدرت انجامیده یا خاتمه یابند. در ازدواج‌های سنتی هر سه عامل توازن قدرت مطابق سلطه مرد دگرگون می‌شوند و فرض بر این است که در این رابطه زنان در مقابل اقتدار همسر خویش تسلیم می‌شوند.

#### ۲-۳-۹-۶- دیدگاه هوستون (۱۹۸۳)

اگر چه هوستون (۱۹۸۳) معتقد است که امروزه ازدواج‌هایی که در آنها مرد رئیس بی‌چون و چرای خانه با کنترل بسیار بر تصمیم‌گیری‌ها است نادر هستند اما این الگو در سرزمین ما بسیار دیده می‌شود.

#### ۲-۳-۹-۷- تحلیل تعارض در رابطه زوجین

در این رابطه پترسن (۱۹۸۳) معتقد است تعارض فرایندی است که زمانی روی می‌دهد که اعمال یک فرد با اعمال دیگری تداخل یابند. این امر در روابط بین زوجین بسیار رایج است. به این ترتیب که بورگس و والین (۱۹۵۳) دریافتند حدود ۸۰ درصد زوجین دارای عدم توافق هستند. در واقع تعارض حتی در مورد زوج‌هایی که بسیار از رابطه خویش راضی هستند نیز روی می‌دهد. تعارض هنگامی بیشتر روی می‌دهد که دو فرد بیشتر به یکدیگر وابسته باشند. به این ترتیب که برایکر و کلی (۱۹۷۹) دریافتند تعارض میان زوج‌هایی که دارای سابقه آشنایی بوده‌اند به نحو معنی‌داری افزایش می‌یابد. منابع بروز تعارض از دید صاحب‌نظران را می‌توان در سه مقوله کلی به این شرح طبقه‌بندی نمود: رفتارهای خاص هر یک از طرفین، هنجارها و نقش‌ها در الگوهای اجتماعی و فرهنگی، گرایش‌های شخصی هر یک از طرفین که رفتارها و گفتارهای طرف مقابل خود را بنا به میل خویش تخییر و تفسیر می‌کنند. بر اساس نظر برایکر و کلی این سه سنخ تعارض بازتاب این حقیقت هستند که افراد در سه سطح به هم وابسته‌اند. در سطح رفتاری زوجین دارای مشکلات ناشی از هماهنگ ساختن رفتارهای خاص یکدیگرند. در سطح هنجاری این مشکلات ناشی از قوانین مذاکره (به توافق رسیدن) و



نقش‌های موجود در رابطه‌اند. در سطح گرایشی آنان درباره شخصیت و اهداف یکدیگر به توافق دست نمی‌یابند. تعارض به طور جدی هنگامی روی می‌دهد که هر یک از زوجین رفتارهای مشکل‌زای خاص هر یک از طرفین را تعبیر و تفسیر نموده و آنها را به یکی از ویژگی‌های شخصیت یا نظام باورهای طرف مقابل نسبت دهد.

تعارض می‌تواند به رشد رابطه میان زوجین کمک کرده یا به آن آسیب رساند. این امر وابسته به این است که یک تعارض چگونه حل و فصل شود. تعارض می‌تواند موقعیتی را برای روشن‌سازی و تغییر انتظارات درباره رابطه و مفاهیم خود و شریک زندگی برای هر یک از زوجین فراهم نماید. در تعارض زوجین احساسات نسبت به یکدیگر را کشف کرده و کوشش‌هایشان را وقف تجدید رابطه رضایت‌مندانه می‌نمایند. اما همیشه چنین نیست، تعارضات می‌توانند هیجانات قوی را برانگیزند که زمینه‌ساز حل مشکل نیستند. بالا گرفتن تعارض و توهین‌های شخصی احتمالاً نمی‌تواند به یک رابطه نفع رسانند.

#### ۲-۳-۹-۸ - دیدگاه کاریل روزبولت (۱۹۸۷)

کاریل روزبولت (۱۹۸۷) و همکارانش چهار دیدگاهی را که افراد برای مسئله‌گشایی در روابط نزدیک زناشویی اتخاذ می‌کنند را شناسایی نموده‌اند. این دیدگاه‌ها عبارتند از:

۱- طرفین مسایل را بیان می‌کنند و سعی دارند مصالحه کنند، به مشاور رجوع می‌کنند و سعی دارند یکدیگر را تغییر دهند و در جهت بهبود رابطه گام بردارند.

۲- طرفین وفادارانه برخورد می‌کنند، با حمایت از همسر خود به انتقادات او پاسخ می‌دهند. یا به نحو نافع‌تری نظیر انتظار کشیدن، امیدوار بودن یا دعا کردن برای این که مسایل با گذر زمان بهبود یابند عمل می‌کنند.

۳- طرفین با صرف زمان کمتر با همسر خود، نادیده گرفتن او و امتناع از بحث‌کردن در مورد مسایل و رفتار همسرش به او پاسخ می‌دهد.

۴- شخص به ترک همسر خود اقدام کرده یا با انجام طلاق به رابطه خاتمه می‌دهد.

اگر قوام یک رابطه مورد نظر باشد استفاده از دو راهبرد اول مفید و سازنده بوده و دو راهبرد اخیر زیانبار خواهند بود. البته اگر زوجین با یکدیگر درگیری داشته باشد خاتمه یک رابطه ممکن است از نظر شخصی یک عمل مفید و مناسب باشد. البته روزبولت و دیگران (۱۹۸۳) معتقدند که برخی از عوامل اجتماعی دیدگاه‌های فوق‌الذکر را تحت نفوذ قرار می‌دهند. بدین ترتیب هنگامی که زوجین پیش از بروز مسأله و درگیری از رابطه راضی باشند و نیروگذاری روانی بسیاری را در جهت ادامه آن

صرف کرده باشند، از دیدگاه‌های ۱ و ۲ در مسأله‌گشایی استفاده می‌کنند البته بدین شرط که امکان راحل‌های دیگر ضعیف باشد. در مواقعی زوجین به رابطه خاتمه می‌دهند که رضایت‌مندی آنها از رابطه پیش از بروز نسبتاً کم بوده و نیروگذاری روانی آنها محدود باشد و شقوق دیگری برای حل مسایل و مشکلات وجود داشته باشد.

یکی از موانع موجود برای ترك يك رابطه عدم وجود راحل‌های دیگر است. ممکن است زنی از همسر خود متنفر باشد و از داشتن ارتباطات متقابل روزانه با او افسوس بخورد اما به رابطه با او ادامه دهد زیرا از استقلال مالی برخوردار نیست و به او متکی است. اگر مردی به يك رابطه وابسته باشد برای دسترسی به چیزهایی که آنها را ارج می‌گذارد و نمی‌تواند آنها را در جای دیگر جستجو کند احتمالاً آن رابطه را ترك نمی‌کند و به آن متعهد باقی می‌ماند. افراد تعهد به ادامه يك رابطه را آن هنگام بیشتر احساس می‌کنند که به وسیله يك رابطه ارضاشده و برای آن نیرو صرف کرده باشند و امکان انتخابی دیگر را نداشته باشند. در این شرایط اگر زوجین با موقعیت تعارض مواجه شوند تعهد آنان آنها را برمی‌انگیزد تا در جهت بهبود رابطه اقدام کنند و مجدداً به روابط محبت‌آمیز خود ادامه دهند. هنگامی که زوجین عمیقاً درگیر روابط محبت‌آمیز با یکدیگر شوند تصور این که چنین احساسات گرمی بتواند به بی‌تفاوتی یا تنفر تغییر یابد مشکل است. تجارب موجود نشان می‌دهند این امر غیرممکن نیست و هر رابطه دوستانه‌ای می‌تواند خاتمه یابد. در نتیجه ازدواج‌ها نیز می‌توانند به طلاق بینجامند. به این دلایل است که روابط اجتماعی نه به مثابه واحدهای استوار و تغییرناپذیر بلکه به عنوان روابط متقابل پویا و متغیر مورد توجه قرار می‌گیرند.

شباهت در نگرش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها، شخصیت و ویژگی‌های رفتاری نقش مهمی در این که دو فرد یکدیگر را دوست بدارند بازی می‌کند و چنانچه افراد توجه دقیقی را به عوامل شباهت در آغاز ایجاد رابطه معطوف بدارند در ادامه زندگی زناشویی از بروز چنین مشکلاتی می‌توان اجتناب نمود. در این زمینه انتظارات نقش سنتی نیز مؤثر است. به طور مثال در میان زوج‌هایی با مشاغل یکسان از نظر درآمد تعهد مردان به حرفه خود مشکل‌ساز نبوده در حالی که تعهد زن در این رابطه سبب بروز ناراحتی‌هایی برای همسرش می‌شود. نیکولا و هاوکیز (۱۹۸۶) حوزه‌هایی که در زندگی زناشویی عدم شباهت در آنها مسأله‌ساز است عبارتند از: نگرش‌های مختلف راجع به هزینه زندگی و خرج کردن، رفع و رجوع امور بچه‌ها و تصمیم‌گیری در امور خانواده و انجام وظایف و امور خانهداری. اگر در حوزه روابط جنسی نیز عدم شباهت دیده شود به عدم رضایت در امور زناشویی تبدیل می‌گردد.

## ۲-۳-۹- دیدگاه پریزی بیلا و دیگران (۱۹۸۵)

رنجش یکی از عوامل گسستن رابطه دانسته شده است. در حوزه روابط زناشویی صدها فعالیت وجود دارند که می‌توانند زمینه بروز بخش میان زوجین را فراهم کنند. اما چرا برخی از زوجین در برابر رنجش از پا درمی‌آیند در حالی که دیگران راهی برای غلبه بر آن پیدا می‌کنند. طبیعی آن است که از مشکل آگاهی یافته و درصدد یافتن روشی برای اجتناب از آن یا حل و فصل آن باشیم زیرا تکرار یکنواخت و مستمر زندگی می‌تواند به بروز چنین مشکلاتی منجر شود. نکته دیگر تغییر ارزیابی‌های متقابلی است که زوجین پس از ازدواج نسبت به هم مطرح می‌سازند. در بدو ازدواج زوجین تمایل دارند احساسات مثبت نسبت به یکدیگر داشته باشند که در دامنه‌ای از محبت تا شهوت متغیر است. آنان هر چه بیشتر در عادات روزانه یک رابطه درگیر شوند نه تنها از میزان انجام این رفتارهای ظریف و دلپذیر کم می‌شود بلکه ارزیابی‌های منفی جایگزین آنها می‌گردند. در یک رابطه نزدیک هم زنان و هم مردان برای انتقادکردن زخم زبان زدن، غرولندکردن و یافتن اشتباهات دیگری آزادی عمل بیشتری را احساس می‌کنند. باز هم تأکید می‌شود که آگاهی از مشکل و اقدام آگاهانه برای اجتناب از بروز آن امری ضروری و مثبت برای بقا و تداوم ازدواج است که در این رابطه سهم هر یک از زوجین از اهمیت خاصی برخوردار است. در این راستا ضروری است که هر یک از آنها در آغاز زندگی مشترک نسبت به شباهت و عدم شباهت‌های میان خود واقع‌بین‌بوده و از بروز تعارض در هر یک از زمینه‌ها نظیر تربیت کودکان، وظایف خانهداری و صحبت‌کردن با یکدیگر بپرهیزند و در عمل از گفته‌های خویش پیروی کنند. آنها نیازمندند برای یافتن روش‌های مؤثر برای اجتناب از تنفر و ایجاد میل و رغبت به زندگی زناشویی خود تلاش کنند (صلیبی، نمایه، ۸۲/۳/۲۹).

## ۲-۳-۱۰- چگونه نظریه کشمکش برای نخستین بار در مورد خانواده به کار رفت

کاربرد الگوی تبیینی کشمکش درباره خانواده به فردریش انگلس، همکار علمی مارکس باز می‌گردد. انگلس استثمار زنان را نخست ناشی از فقدان نقش مولد زنان و دوم ناشی از علاقه مرد به توسعه دارایی خصوصی و ارزش افزوده به بهره‌برداری از تک‌همسری به منزله وسیله‌ای برای تأکید بر پدرسالاری می‌داند. بنابراین، از نظر انگلس، خانواده در تاریخ وسیله‌ای برای حفظ سلطه مردان بر زنان بوده است. این مضمون را هنوز نظریه‌پردازان کشمکش تأکید می‌کنند و دست کم سه حیطه را که سلطه فرد از طریق سازوکار خانواده باز می‌تابد، خاطر نشان می‌سازند؛ قواعد خانوادگی قدرت، ارث و تقسیم کار اقتصادی که مرد بر آن سلطه دارد. زنان به طور سنتی جزو دارایی مرد به حساب می‌آمده‌اند. نخست پدر و سپس شوهر مالک او بوده‌اند. در قرن بیستم تنها در برخی کشورها زنان حق

رای داشتند (آن هم پس از مبارزه‌ای شدید) و تنها مدت کوتاهی است که حق انجام قرارداد و دستیابی به اعتبار مالی را مستقل از پدر و همسران خود به دست آورده‌اند. اگر مراسم سنتی ازدواج ادامه یابد، زنان همچنان باید قول بدهند که به شوهرانشان احترام بگذارند و از آنها اطاعت کنند. با وجود آنکه در جامعه صنعتی گرایش به برابری بین همسران وجود دارد، این اشاره ضمنی که زنان جزو دارایی مردان به شمار می‌روند، همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد (Collins, 1971).

چنانچه قبلاً اشاره شد اکثر ساختارهای خانواده در سراسر تاریخ، پدرسالارانه و پدرتباری بوده است. یعنی کنترل اعضا و دارایی خانواده عموماً از طریق سیر خونی<sup>۱</sup> مردان عبور می‌کرده است. این امر در بسیاری از نظام‌های خانوادگی، نابرابری جنسی ذاتی را به وجود آورده و در نتیجه آن سلطه مرد بر زن به منزله امری «طبیعی» و «مشروع» پذیرفته شده است.

مردان مسطاند و همه چیز تحت نظارت آنان قرار دارد در حالی که از زنان انتظار می‌رود کمکرسان و فرمانبردار باشند. البته الگوی خانوادگی پدرتباری و پدرسالاری مسلط، به تقسیم کار اقتصادی مربوط می‌شود که خود نیز نابرابری جنسی را تداوم می‌بخشد. در تقسیم کار سنتی، مردان برای تأمین اقتصادی خانواده در بیرون از خانه کار می‌کنند و زنان در خانه می‌مانند تا غذا بپزند، از خانه نگهداری و از فرزندان مراقبت کنند. بنابراین زنان، کارگران بدون مزدی هستند که امکان کسب دستمزد را برای مردان فراهم می‌سازد. این قدرت اقتصادی به نوبه خود مورد استفاده مردان قرار می‌گیرد تا سلطه خود را بر زن و مادری که وابسته و از لحاظ اقتصادی ضعیف است، حفظ کند. الگوهای سنتی که تشریح شد با پیشرفت صنعت تغییر کرده است. نابرابری پایدار اجتماعی، اقتصادی، شغلی، سیاسی و قانونی زنان همچنان شواهدی برای تفسیر مکتب کشمکش درباره‌ی خانواده است (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۷، صص ۱۰-۱۱).

## ۲-۱۰-۱- نظریه‌های فمینیستی

واژه فمینیسم، اصطلاحی است که برای نخستین بار در کنفرانس بین‌المللی زنان، (سال، ۱۸۹۲) در پاریس استفاده گردید و توسط یکی از نظریه‌پردازان فرانسوی به نام «شارل فوریه» تبیین شد. فمینیسم به معنای مجموعه‌ای از ایدئولوژی، تفکرات، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاص است که در پی بسط و توسعه جنبش‌های زنان به منظور احقاق حقوق این جمعیت انسانی است. این نهضت با امواج سه‌گانه خود در صدد ایجاد ساختارهای جدید برای زنان است تا بتواند پاسخگوی نیازهای آنان بوده و ارزش‌های تازه‌ای را به آنان القاء نماید فمینیسم در بستر اجتماع به جنبشی تبدیل شد که در پی وضع

1- Bleed line

قراردادهای اجتماعی خاص، با رویکردهایی نظیر مبارزه با مردسالاری، برتری‌جویی جنسیتی و جنجال‌های تبلیغاتی همراه بود. این فرآیند در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی به وضوح قابل مشاهده است.

فمینیست‌ها استراتژی محوری خود را بر مبنای برابری زن و مرد، جلوگیری از ظلم و ستم علیه زنان و تولید قواعد فراملیتی به منظور ایجاد اتحاد بین زنان قرار دادند که با هنجارشکنی‌های خاصی چون خلعت ولایت و سرپرستی مرد بر خانواده، ازدواج همجنس‌گرایان زن (لزبین‌ها)، اشتغال زنان در تمامی سطوح شغلی و نکوهش نقش‌های همسری و مادری زنان همراه بود.

به اعتقاد فمینیست‌ها احساس برتری مردان مربوط به «نقش‌های جنسیتی» است و مفهوم جنسیت منشأ تبعیض علیه زنان می‌باشد، لذا درصدد تغییر هویت زن برآمدند تا با رشد عواملی چون آگاهی، ایجاد اعتماد به نفس و تشکیل هویت‌های موجود برای آنان، پارادایم اجتماعی را فراهم کنند که به زعم خویش، بستر مناسبی برای آزادی و برابری زنان با مردان در تمامی سطوح بود.

«ژنویوفر» از فیلسوفان و مورخان فرانسوی عصر حاضر در این زمینه می‌نویسد: برابری، یک مسأله مرکزی در اندیشه فمینیستی است، این مسأله در واقع بیانگر ایده‌ها و آمال فمینیستی در نقد تسلط مردان و خواست یک تعادل پایاپای میان مردان و زنان است.

در واقع فمینیست‌های موج دوم بودند که مفهوم جنس و جنسیت را از هم جدا کردند. به اعتقاد آن‌ها سازوکارهای اجتماعی هستند که نابرابری جنسیتی را تولید می‌کنند و بعد بر تثبیت آن در جامعه پای فشاری می‌کنند. فمینیست‌ها معتقدند که هر چند که خصوصیت‌های جنسی در زنان و مردان به اندام‌های آنها کارکردهای باز تولیدی متفاوتی می‌دهد، تفاوت‌های جنسیتی که در شخصیت افراد نمود پیدا می‌کند را محیط و شرایط اجتماعی تعیین می‌کند نه ژن‌ها.

فمینیست‌ها در اعتراض به ایده‌ای جهان‌شمولی فعالیت می‌کنند که زنان را در موضع ضعف قرار می‌دهد. جنسیت زنان تحت تأثیر دوانگاری‌های جهان‌شمولی شکل می‌گیرد که سلسله مراتبی ارزشی را نیز به دوش می‌کشند. دوانگاری‌های چون سوژه - ابژه، طبیعت - فرهنگ، عقلانی - عاطفی، منطقی - شهودی، مستقل - وابسته و فعال - منفعل ساختارهای فکری ناعادلانه‌ای را به زنان و مردان تحمیل می‌کنند. در این دوانگاری‌ها یکی از مفاهیم که همیشه مفهومی است که به زنان نسبت داده می‌شود و زن ارزش کمتری دارد. در دیدگاه فمینیست‌های لاکانی، فرهنگ و معانی فرهنگی عبارتند از: نظامی نمادین از این تفاوت‌های سازمان‌دهی‌شده و جامعه و مردمی که تشکیل‌دهنده آن هستند نیز حول محور این معیارهای مردانه سازمان‌دهی می‌شوند. آنان ساخته‌شدن مفاهیمی مانند زنانگی (که عبارت است از شخصیت مادرانه و فرزندپرور و عاطفی در زنان) و مردانگی را به مناسبات اجتماعی موجود میان زنان و مردان نسبت می‌دهند. در فمینیسم فرویدی نیز شکل‌گیری مفاهیم زنانگی و مردانگی تحت تأثیر

نظامی دوگانه صورت می‌گیرد. این نظام دوگانه نظام سرمایه‌دار - پدسالار است و جایگاه زنان در آن به طبقه اجتماعی و جنس ربط داده می‌شود. بنابراین تمام جریان‌های موجود در جنبش فمینیستی، از جریان‌های سنتی لیبرال، رادیکال و مارکسیست گرفته تا جریان‌های به روزتری چون پست‌مدرن‌ها و پس‌اساختارگراها جدایی مفاهیم جنس و جنسیت را بنیان کار خود قرار داده‌اند. اما هر یک رویکردی متفاوتی را در توضیح عملکرد سازوکارهای جنسیت‌ساز اتخاذ کرده‌اند. به نظر اندیشمندان فمینیست، بدیهی است که ویژگی‌های جنسی زن و مرد تعیین‌کننده‌ی هیچ یک از مفاهیم نباشند. مثلاً توانایی کمتر دختران دانش‌آموز به نسبت پسران در یادگیری ریاضیات ربطی به فراگردهای ذهنی و تفاوت در مغز این دو ندارد، بلکه نرم‌های جنسیتی این انتظار را از پسران دارد و فرصت روانی لازم را در اختیارشان قرار می‌دهد تا به باور برسند که توانایی لازم را دارند. اما همین سرشت دوانگارانۀ اندیشه در اجتماع و سیاست به این مسأله منتهی می‌شود که مقوله‌هایی چون کار، فرهنگ و هنر، حوزه عمومی، سیاست و نظایر آن با این سلسله مراتب جنسیتی همراه می‌شود و ربط داشتن مردان با حیات و اخلاق عمومی سبب قرارگرفتن آن‌ها در موضع برتر در جامعه می‌شود و زنان به حاشیه فعالیت‌های اجتماعی رانده می‌شوند. اما ادعای فمینیست‌ها مبنی بر این است که عامل تعیین‌کننده نهایی شخصیت انسان‌ها در روابط بشری در جوامع امروزی دیگر بیولوژی نیست و جنسیت افراد می‌تواند بسیار متفاوت از جنس ظاهری آن‌ها باشد.

فمینیسم و انقیاد جنسی زنان «سیمن دوبوار» نیز از نظریه‌پردازان و فیلسوفان مهم فمینیست نیز در کتاب معروف خود تحت عنوان «جنس دوم» ریشه ستم و ظلم نسبت به زنان را در ارتباط جنسی با مردان می‌داند. وی تصریح می‌کند که برای مردان، زنان «بیگانه» و «دیگری» هستند که فقط باید برای تمتع جنسی، از آنها استفاده کرد؛ بنابر نظر وی پدیده‌ای چون حاملگی، قاعدگی و شیردهی برای مردان قابل درک نیستند و همین عوامل بیولوژیکی باعث شده تا زنان ضعیف و زیر دست مردان قرار گیرند. دوبوار زن بودن را حاصل کلیشه‌های جنسی می‌داند و جمله معروف وی در کتاب جنس دوم بر این مطلب تأکید می‌کند. وی می‌گوید: «هیچ کس زن به دنیا نمی‌آید، بلکه بعداً زن می‌شود» بر اساس عقاید دوبوار ازدواج و عشق مسائلی هستند که منجر می‌شود تا زنان استقلال خود را از دست بدهند و نتوانند مانند مردان خلاقیت داشته و همیشه محتاج آنان باشند. وی از مدافعان سرسخت حق بدن و سقط جنین و تغییر در امکان حاملگی بدون نیاز به مردان بود (دوبوار، ۱۳۸۰، ص ۱۹۴۹).

چهار مضمون، شاخص نظریه‌های نابرابری جنسی می‌باشند. نخست آن که، زنان و مردان نه تنها موقعیت‌های متفاوتی در جامعه دارند، بلکه در موقعیت‌های نابرابری نیز قرار گرفته‌اند. زنان در مقایسه با مردانی که در همان جایگاه اجتماعی زنان جای دارند، از منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های تحقق نفس کمتری برخوردارند، این جایگاه اجتماعی می‌تواند بر طبقه، نژاد، شغل، قومیت، دین، آموزش و ملیت و یا بر هر عامل مهم اجتماعی دیگری مبتنی باشد. دوم آن که این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد و از هیچ گونه تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود. سومین مضمون نظریه نابرابری این است که هر چند افراد انسانی ممکن است از نظر استعدادها و ویژگی‌های شأن با یکدیگر تا اندازه‌ای تفاوت داشته باشند، اما هیچ گونه الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز سازد در واقع، همهی انسان‌ها با یک نیاز عمیق به آزادی برای تحقق نفس و نوعی انعطاف‌پذیری مشخص می‌شوند که باعث می‌شود خودشان را با الزام‌ها و فرصت‌های موقعیت‌های زندگیشان تطبیق دهند. نابرابری جنسی برای آن وجود دارد که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز به تحقق نفس برخوردارند، در حالی که هر دو در این نیاز سهیمند. چهارم این که، همهی نظریه‌های نابرابری فرض را بر این می‌گیرند که هم مردان و هم زنان می‌توانند در برابر ساختارها و موقعیت‌های اجتماعی برابرنه‌تر، واکنشی آسان و طبیعی از خود نشان دهند. به عبارت دیگر، آن‌ها بر این عقیده‌اند که دگرگونی ساختن موقعیت زنان امکان‌پذیر است (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۴۷۳).

فمینیسم‌های لیبرال برخلاف نظریه‌پردازان تفاوت جنسی، ارزش ویژه‌ای برای عرصه‌ی خصوصی زنان قایل نمی‌شوند، البته به جز در مواردی که همین عرصه‌ی خصوصی به زنان اجازه می‌دهد تا سعه‌ی صدر عاطفی از خودشان نشان دهند. در عوض، همین عرصه‌ی خصوصی رشته‌ی بی‌پایانی از توقعات، وظایف خانهداری که بی‌اجر و مزد، بدون ارزش و بی‌اهمیت تلقی می‌شوند، مراقبت از کودکان، و خدمت عاطفی، عملی و جنسی به مردان، را برای زنان دربرمی‌گیرد. پاداش‌های راستین زندگی اجتماعی - پول، قدرت، منزلت، آزادی، فرصت‌های رشد و بالابردن ارزش شخصی - را باید در عرصه‌ی عمومی جستجو کرد. نظامی که از دسترسی زنان به عرصه‌ی عمومی جلوگیری می‌کند، بار مسئولیت‌های عرصه‌ی خصوصی را به گردن آنها می‌اندازد، آنها را در خانه‌های مجزا محبوس می‌سازد، و شوهران را از هر گونه درگیری با گرفتاری‌های عرصه‌ی خصوصی معذور می‌دارد، همان نظامی است که نابرابری جنسی را به بار می‌آورد (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۴۷۵).

از زمان اعلام دختر یا پسر بودن کودک، منتظریم که پسر و دختر، در موارد مختلف با یکدیگر تفاوت داشته باشند. آیا این انتظارها، منعکس‌کننده تفاوت‌های بنیادی بین دو جنس است؟ آیا این انتظارها سبب تفاوت‌های جنسیتی می‌شود؟

کلیشه‌ها یا تصورات قالبی، مجموعه سازمان‌یافته‌ای از باورها، درباره خصوصیت‌های تمام اعضای گروه خاص است. پس یک کلیشه یا تصور قالبی، به معنی مجموعه باورهای زن و مرد بودن است. کلیشه‌ها یا تصورات قالبی - جنسیتی، دربردارنده اطلاعات درباره ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علاقه‌ها، صفت‌های روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل است. صرف شناخت این‌که یک فرد، زن است، دربردارنده این معانی ضمنی است که آن فرد، خصوصیت‌های جسمانی خاص (صدای آرام، ظریف و زیبا) و صفت‌های روانی خاص (مهرورز، وابسته، ضعیف و عاطفی) خواهد داشت و فعالیت‌های خاص (مراقبت از کودک، آشپزی و . . .) را انجام خواهد داد (گولومبوگ و فی‌وش، ۱۳۸۷، صص ۸۶-۸۵).

طبقه‌بندی افراد بر اساس جنسیت، جنبه ضروری و خودکار ادراک ما از دیگران است به طوری که این تمایز، اغلب ناخودآگاه صورت می‌گیرد. البته این بدان معنا نیست که کلیشه‌ها الزاماً منعکس‌کننده واقعیت‌ها خواهد بود، بلکه گاهی کلیشه‌ها، صرفاً معرف باورهای مشترک درباره چگونگی افراد خاص است و فقط از تفاوت‌های زیاد بین زن و مرد خبر می‌دهد، ولی غالباً این کلیشه‌ها هیچ گونه اساسی در رفتار واقعی ندارد. بنابراین یادآوری این نکته که باورهای ما درباره تفاوت جنسیتی ممکن است درست یا نادرست باشد مهم خواهد بود. با وجود این، کلیشه‌های تعیین‌شده‌ای که فرهنگ القا می‌کند، خصوصیتی است که از منظر اجتماعی برای مردان و زنان مطلوب به حساب می‌آید. افرادی که از کلیشه‌ها یا تصورات قالبی انحراف زیادی دارند به نظر منفی می‌آیند. وقتی مجموعه صفت‌هایی که توصیف‌کننده زن و مرد است در نظر می‌گیریم، شاید این مجموعه صفت‌ها را به منزله‌ی دو سوگیری یا گرایش متمایز بررسی کنیم. مردان به طور قالبی فعال یا تأثیرگذار تلقی می‌شوند، آنها در دنیا عمل‌کننده‌اند و باعث وقوع رویدادها می‌گردند. زنان به طور قالبی، وابسته هستند و نگران کنش و واکنش‌های اجتماعی و عواطف‌اند (بلاک، ۱۹۷۳). این شیوه یا سوگیری، شامل تلویحات ضمنی برای کم و بیش، تمام جنبه‌های کنش روانی از جمله رشد عاطفی، بازی، دوستی‌ها، روابط صمیمانه، استدلال اخلاقی و نگرش به کار و خانواده است.

درباره باورهای افراد و شدت آن تفاوت‌های فردی بسیاری وجود دارد. به طور کلی، مردان در مقایسه با زنان، نظرهای قالبی بیشتری درباره جنسیت دارند. افرادی که تحصیلات عالی دارند در



مقایسه با کسانی که از تحصیلات کمتری برخوردارند آرای کلیشه‌ای کمتری دارند. افزون بر آن، کلیشه‌های جنسیتی فقط یکی از ابعاد شناخت ما از دیگران است. کلیشه‌ها و قالب‌های نژادی، قومی و اقتصادی، نقش مهمی ایفا می‌کند و در ترکیب با کلیشه‌های جنسیتی، اغلب الگوی پیچیده‌ای از باورها را درباره رفتارها و صفت‌ها به وجود می‌آورد (گولومبوکو فی وش، ۱۳۸۷، ص ۲۸).

یکی از نکته‌های قطعی درباره صفت‌ها یا خصیصه‌های مربوط به کلیشه‌ها یا تصورات قالبی - جنسیتی، آن است که برای صفت‌های منصوب به مردان، بیش از صفت‌هایی که به زنان نسبت می‌دهند، اهمیت قابل شده‌اند. قدرت استقلال و تمایل به خطرپذیری در برابر ضعف، زودباوری و تأثیرپذیری، غالباً مثبت‌تر تلقی می‌شود. این تفاوت در ارزش‌هایی که با صفت‌های مردانه و زنانه تداعی شده است، شاید تا حد زیادی به نوع برچسبی مربوط باشد که به برخی خصلت‌ها زده‌اند. برای مثال استفاده از برچسب قابل اعتماد به جای «خوش‌باور» برای زنان، معنی مثبت‌تری دارد و واژه «لج‌باز» به جای «دفاع از باورهای خود» درباره مردان، تلویحاً منفی‌تر است. شیوه اطلاق معنای روان‌شناختی به برخی از رفتارهای خاص، تاحدی تعیین می‌کند که این رفتارها تا چه حد اندازه مثبت یا منفی پنداشته می‌شود (همان منبع، ص ۲۹).

#### ۲-۳-۱۰-۴- الیزابت بک گرنسهایم

با اشاره به نظریه‌های کارکردگرایان که در آن تقسیم نقش میان زن و مرد به صورت مرد شاغل، زن خانه‌دار است می‌گوید در الگوی ایده‌آل خانواده کارکردگرایان کلیه اعضای خانواده حداقل توقع را از پدر - شوهر دارند و سعی در فراهم‌کردن آسایش و رفاه و به نوعی محافظت او در برابر مشکلات جهان خارج دارند، تا پدر - شوهر از مشکلات اجتماعی فارغ گشته و در محیط خانواده امکان شکوفایی و ثبات شخصیت خود را به دست آورد. از دید گرنسهایم این ترکیب اصلاً خانواده نیست، بلکه نوع خاصی از «زندگی مجردی» است. این مدل زندگی مرد «مجردی» که زن و فرزند هم دارد. تمام کوشش زن خانه‌دار صرف دور نگهداشتن شوهر از مشکلات و ناراحتی‌های روزمره خانوادگی می‌شود، در عین حال سعی می‌کند مشکلات شغلی شوهرش را نیز بشناسد و خودش را با آنها وفق دهد (اعزازی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱).

#### ۲-۳-۱۰-۵- لوئیز کوزر<sup>۱</sup>

کوزر تضاد اجتماعی را به شرح زیر تعریف می‌کند.

1- lewis coser

تضاد اجتماعی عبارت از کشمکش و جدال میان افرادی است که برای به دست آوردن منافع و حیثیت درصدد شکست یا از میان بردن یکدیگرند.

به رغم مارکس کوزر به کارکرد تضاد اجتماعی توجه خاصی دارد. او می‌نویسد: در تضاد اجتماعی ما به کارکرد آن توجه داریم نه به عناصر غیرکارکردی. به بیان دیگر کوزر به نتایج تضاد، که امر هم‌آمیزی و سازگاری را سریع‌تر می‌سازد، توجه دارد تا به آن نوع نتایج که روابط اجتماعی را از هم می‌باشد نکته عمده کوزر این است که جامعه‌شناسان پدیده‌ی تضاد اجتماعی را به درستی مورد بررسی قرار نداده‌اند. او مدعی است که جامعه‌شناسان بیشتر به جنبه‌های منفی تضاد اجتماعی توجه کرده و کارکرد مثبت آنرا نادیده گرفته‌اند. هدف او این است که نشان دهد چگونه تضاد موجب ثبات، توازن، اتحاد نظام‌های اجتماعی و روابط اجتماعی می‌شود. بدین ترتیب کوزر مفهوم خاصی از الگوی تضاد را ارائه می‌دهد:

۱- کوزر به جنبه‌ی مثبت توجه دارد، در نتیجه اثرات منفی آن از قبیل اجحاف، بهره‌کشی، ستم طبقاتی و خفقان را مورد نظر قرار نمی‌دهد.

۲- تجزیه و تحلیل کوزر از تضاد اجتماعی، تحلیلی محدود و منحصر به گروه‌های کوچک است.

۳- کوزر درباره‌ی ماهیت تضاد، نظر خاصی دارد. او معتقد است که دو نوع تضاد وجود دارد: تضاد واقعی و تضاد غیرواقعی.

تضاد واقعی عبارت از رقابت میان افراد می‌باشد که با کمک قراردادهایی صورت می‌گیرد. تضاد غیرواقعی بالقوه منفی و مخل نظم است.

به عقیده کوزر تضاد موجب پایداری و همبستگی گروهی است. یعنی تضاد موجب ثبات گروه می‌شود. بدین ترتیب بنا به عقیده‌ی کوزر ثبات گروه، نشانه‌ی وجود تضاد است (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۷، صص ۱۵۲-۱۵۳).

## ۲-۳-۱۰-۶- تالکوت پارسونز

نظریه کارکردگرایی ساختاری بر ساختارهای اجتماعی و نتایج آنها در کل جامعه یا خرده سیستمی چون خانواده تأکید دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

پارسونز به عنوان کارکردگرایی ساختاری تأکید خاصی بر درونی‌کردن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دارد. نیاز به تعادل یا وحدت ساختی دومین جنبه از نظریات پارسونز را تشکیل می‌دهد که به حل مشکل حفظ نظم کمک می‌کند از نظر او نظام اجتماعی بایستی نیازهای کارکردی را تأمین و

وحدت نظام اجتماعی را حفظ کند بنابراین کلید نظریات پارسونز توجه به دو نکته است نظام فرهنگی و تأیید آن بر رفتار فرد و نیازهای کارکردی کل نظام اجتماعی (توسلی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۸).

او در تعریف فرهنگ، آن را «نظام الگودار و سامان‌مندی از نمادها می‌داند که هدف‌های جهت‌گیری کنشگران، جنبه‌های ملکه ذهن شده نظام شخصیتی و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی را دربر می‌گیرد. این فرهنگ در نظام اجتماعی به صورت هنجارها و ارزش‌ها تجسم می‌یابد» (ریتزر، ۱۳۷۷، صص ۱۳۸-۱۳۹).

پارسونز در تحلیل نظام اجتماعی، بیشتر به عناصر سازنده‌ی ساختاری آن علاقه‌مند بود. او گذشته از توجه به آمیزه‌ی نقش - منزلت، به عناصر پهن دامنه‌ی نظام‌های اجتماعی، مانند پدیده‌های جمعی، هنجارها و ارزش‌ها، نیز علاقه‌مند بود. پارسونز در تحلیل نظام اجتماعی، نه تنها یک ساختارگرا بلکه یک کارکردگرا نیز بود. او برخی از پیش‌نیازهای کارکردی نظام اجتماعی را مشخص کرد. نخست آن که، هر نظام اجتماعی باید چنان ساختار گیرد تا بتواند به گونه‌ای سازگار با نظام‌های دیگر عمل کند. دوم آن که، هر نظام اجتماعی برای آن که باقی بماند باید از پشتیبانی ضروری به اندازه‌ی کافی برخوردار باشد. چهارم آن که یک نظام باید مشارکت کافی اعضایش را برانگیزاند. پنجم آن که یک نظام باید دست کم حداقل نظارت را بر رفتار بالقوه مخرب اعضایش داشته باشد. ششم آن که، اگر چنانچه کشمکش‌ها به اندازه‌ی کافی مخرب گردند، آنها را تحت نظارت درآورد. سرانجام این که، یک نظام اجتماعی برای بقایش به یک زبان نیاز دارد.

پارسونز چنین تصور می‌کرد که کنشگران در فراگرد اجتماعی‌شدن، گیرندگانی منفعل‌اند. کودکان نه تنها عمل کردن، بلکه باید هنجارها، ارزش‌ها و اخلاقیات جامعه را نیز فراگیرند. پارسونز اجتماعی‌شدن را فراگرد محافظه‌کارانه‌ای می‌داند که طی آن، تمایلات نیازی (که بیشتر آنها را جامعه قالب‌ریزی می‌کند)، کودکان را به نظام اجتماعی پیوند می‌دهد و نظام اجتماعی نیز وسایل برآورده‌شدن این تمایلات نیازی را فراهم می‌سازد.

پارسونز اجتماعی‌شدن را یک تجربه‌ی عمرانه می‌انگارد. از آنجا که هنجارها و ارزش‌های تلقین‌شده در کودکان گرایش شدیدی به عمومیت دارند، نمی‌توانند آنها را برای موقعیت‌های گوناگون ویژه‌ای که در بزرگسالی با آن روبرو می‌شوند، آماده سازند. با وجود این نیاز در دوران بعدی زندگی، هنجارها و ارزش‌هایی که به کودکان یاد داده می‌شوند، گرایش به ثبات دارند و از طریق یک تقویت ظریف و ملایم، همچنان در سراسر عمر باقی می‌مانند.

پارسونز به عنوان یک کارکردگرای ساختاری، در جامعه چهار ساختار یا خرده نظام را بر حسب کارکردهایی (همان چهار کارکرد معروف) که انجام می‌دهند، تشخیص می‌دهد. اقتصاد،

خرده‌نظامی است که کارکرد تطبیق با محیط را از طریق کار، تولید و تخصیص، برای جامعه انجام می‌دهد. اقتصاد از این طریق محیط را با نیازهای جامعه تطبیق می‌دهد و در ضمن به جامعه کمک می‌کند تا خود را با این واقعیت‌های بیرونی تطبیق دهد.

سیاست (یا نظام سیاسی) کارکرد دستیابی به هدف را از طریق پیگیری هدف‌های اجتماعی و بسیج کنشگران و منابع در جهت این هدف، انجام می‌دهد.

نظام اعتقادی کارکرد سکون را از طریق انتقال فرهنگ (هنجارها و ارزش‌ها) به کنشگران (برای مثال، در مدرسه و خانواده) انجام می‌دهد و بدین‌سان، فرهنگ را ملکه‌ی آنها می‌سازد. سرانجام این که، کارکرد یکپارچگی را عرف اجتماعی (برای مثال، قوانین) انجام می‌دهد و همین عرف است که عناصر گوناگون سازنده‌ی جامعه را هماهنگ می‌سازد (ریتزر، ۱۳۷۴، صص ۱۳۷-۱۳۸).

از نظر پارسونز مرد نقش ابزاری<sup>۱</sup> و زن نقش بیانگر<sup>۲</sup> دارد. نقش ابزاری بیشتر شامل حالات مردانه و نقش بیانگر شامل حالات زنانه است. به اعتقاد پارسونز این تقسیم نقش باعث حفظ وحدت خانوادگی می‌شود، زیرا نقش مرد دادن پایگاه اجتماعی به خانواده از طریق شغل مرد و حفظ امنیت و آسایش خانواده از طریق درآمد شغلی اوست و نقش زن ایجاد روابط عاطفی (بیانگر) در درون خانواده و حفظ روابط عاطفی ضروری برای اعضای خانواده که از مشکلات گوناگون جامعه رنج می‌برد، است. از نظر پارسونز رقابت زن و شوهر با یکدیگر سبب ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰).

در دیدگاه پارسونز خانواده به عنوان نظامی در نظر گرفته می‌شود که ورودی، خروجی و فرایندهایی دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

پارسونز در مطالعات خود در زمینه واقعیت‌های اجتماعی خانواده به افکار و ارزش‌هایی اشاره می‌کند که با روند تخصصی‌شدن جامعه مطرح شده است. او در مورد خانواده غربی معتقد است که شکل غالب آن هسته‌ای است و بسیار عقلانی بوده و عقل و منطق بر آن حاکم است و در اتخاذ تصمیمات اساسی هر یک از ساکنان خانه که دارای منطق قوی‌تری است حق تصمیم‌گیری می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۲).

خانواده پارسونز، کم و زیاد خانواده‌ای بورژوازی است که فروید می‌شناخته است در این خانواده دختر نقش مادری را به شیوه‌ای مستقیم‌تر و بی‌واسطه می‌تواند تمرین کند در حالی که نقش پدری از لحاظ ویژگی‌اش یعنی کار در بیرون از کانون خانواده صورت می‌گیرد (روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۸۴).

1- Instrumentale role

2- Expressiveness role

از نظر پارسونز فرایند جامعه‌پذیرکردن افراد در هر جامعه‌ای مطابق با نظام اجتماعی و نیازهای کارکردی آن نظام است. بنابر نیاز، هر جامعه‌ای ارزش‌هایی دارد که در فرایند جامعه‌پذیری آن را به افراد منتقل می‌کند و از نظر او در جامعه آلمان مطالعه‌ای داشته این جامعه به دلیل ماهیتش و توقعاتی که دارد به جوانان ارزش‌هایی را از قبیل تحصیلات طولانی، فردگرایی و رقابت، ارزش‌دادن به تولید، سلطه دیوان‌سالاری بر روابط انسانی، عرفان‌زدایی، سکولاریزم شدن و عقلانیت را تحمیل می‌کند (روشه، ۱۳۷۶، ص ۲۱۷).

### ۲-۱۰-۷- تحلیل روابط زن و شوهر در چهارچوب نظریه نمایشی گافمن

بر اساس نظریه نمایشی<sup>۱</sup> اروینگ گافمن (۱۹۲۲-۱۹۸۲) در اثرش به نام «نمود خود در زندگی روزانه» که معتقد است میان اجراهای تناتری و انواع کنش‌هایی که همه ما در اعمال روزمره و کنش‌های متقابل‌مان انجام می‌دهیم وجوه مشترک بسیاری وجود دارد و کنش متقابل که بسیار شکننده است با اجراهای اجتماعی حفظ می‌شود (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۹۳) می‌توان تفاوت روابط زوجین در خانواده را تفسیر کرد. به نظر گافمن هر کنش متقابلی یک «جلوی صحنه»<sup>۲</sup> دارد که با «جلوی صحنه» اجرای تناتری قرینه است. بازیگران صحنه تناتر و نیز زندگی اجتماعی هر دو به حفظ ظاهر، لباس مناسب پوشیدن و وسایل صحنه‌آرایی علاقه‌مندند. وانگهی در هر دو اجرا، یک نوع «عقب صحنه»<sup>۳</sup> وجود دارد که بازیگران می‌توانند به آنجا برگردند و خودشان را برای اجرا آماده سازند. در «عقب صحنه» یا پشت صحنه، بازیگران می‌توانند نقش‌هایشان را وانهند و خودشان بشوند.

گافمن «خود» را در تملک کنشگر نمی‌انگارد بلکه آن را محصولی از کنش متقابل نمایشی میان کنشگر و حضارش می‌انگارد. «خود» یک اثر نمایشی است که از صحنه نمایش برمی‌خیزد. در جلوی صحنه، بازیگران غالباً می‌کوشند تا با محدود ساختن تماس میان خود و حضار، هاله‌ای بر اجرایشان بیوشانند. آن‌ها با ایجاد فاصله میان خود و حضار، سعی می‌کنند در چشم حضار حرمتی برای خود فراهم کنند. این رفتار را گافمن «هاله پوشی»<sup>۴</sup> می‌نامد. صحنه سومی نیز وجود دارد. اتاق کار یک استاد در زمان ملاقات با یک دانشجو، جلوی صحنه به شمار می‌آید ولی وقتی دانشجو آنجا را ترک می‌کند پشت صحنه است و زمانی که استاد در حال تماشای یک بازی بسکتبال است خارج از صحنه است. از سوی دیگر «گافمن» معتقد است از آنجا که نقش‌های فراوان و گوناگونی وجود دارد آدم‌ها

1- Dramaturgical theory

2- Back stage

3- Front region

4- Mystification

معمولاً یک نقش معین را به گونه‌ای کامل انجام نمی‌دهند «فاصله نقش<sup>۱</sup>» از دید گافمن به درجه کنارگیری افراد از نقش‌هایی که به آنان واگذار شده است (نقش محول) اطلاق می‌شود.

بر اساس «نظریه نمایشی» و تعریف «فاصله نقش» از سوی گافمن می‌توان به تفسیرانواع مختلف روابط بین زوجین در خانواده که به پایداری تا ناپایداری خانواده می‌انجامد اقدام کرد. شاید بتوان گفت «فاصله نقش» به فاصله شوهر و همسرش با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ سنتی قابل انطباق باشد. همچنین نظریه نمایشی و سه موقعیت کنش در جلو، پشت و خارج از صحنه، قابل انطباق با فاصله زن و مرد در خانواده است. در وضعیتی که شوهر و همسرش دارای فاصله نقش به میزان «کم» هستند یعنی نقش‌های محول (واگذار شده) را مطابق الگوهای فرهنگ سنتی، محقق می‌سازند و از سوی دیگر در صحنه‌های سه‌گانه کنش، با یکدیگر دارای همسویی بیشتری می‌باشند از جمله باثبات‌ترین خانواده‌هایند. نقطه آغاز تنوع و گوناگونی در روابط بین زن و شوهر از همین‌جا آغاز می‌شود که دو عنصر، دارای مقادیر مختلف می‌شوند.

تنوع در رفتارهای ناهمگون بین زوجین در صحنه‌های سه‌گانه کنش، متفاوت است. در «جلوی صحنه» چه‌بسا رفتارها از همگونی تقریباً قابل قبولی برخوردار باشند چرا که فرهنگ جامعه ما به سوی «حفظ ظاهر» تمایل دارد. اما در «پشت صحنه» و به ویژه در «خارج از صحنه»، ماهیت رفتارها گاه متضاد با آن چه در جلوی صحنه ظاهر شده است می‌باشد. بدترین حالت ممکن آن است که رفتارها به لحاظ ماهیتی، یعنی الگوها و ارزش‌های پدیدآورنده رفتار، در صحنه‌های سه‌گانه ایفای آن‌ها، دارای تضاد و تناقض باشند (بخارایی، ۱۳۸۶، صص ۱۸۶-۱۸۵).

## ۲-۴- چهارچوب نظری تحقیق

### ۲-۴-۱. به سوی یک نظریه‌ی کشمکش یکپارچه‌تر: رندل کالینز

کالینز موضوع کشمکش را با این زمینه واقع‌بینانه برگزیده است که کشمکش یک فراگرد - و شاید تنها فراگرد - اساسی در زندگی اجتماعی است (ریتزر، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰).

نظریه تضاد کالینز با این فرض آغاز می‌شود که زندگی اجتماعی از افرادی تشکیل می‌شود که به دنبال ارضای نیازها و خواسته‌هایشان هستند، آنان هرگونه منابع مادی (مانند ثروت، یا قدرت فیزیکی) و فرهنگی (مانند تحصیلات یا مهارت‌های کلامی) را که در دسترس دارند برای تأمین اهدافشان به کار می‌گیرند.

1- Role distance

علاوه بر این، افراد منافع شخصی‌شان را در رویارویی‌هایی اجتماعی دنبال می‌کنند که در آن‌ها منابع به شکلی نابرابر توزیع شده‌اند، یعنی انسان‌ها از قدرت بدنی، جذابیت، ثروت، تحصیلات یا منزلت شغلی کمتر یا بیش‌تری برخوردارند. از آن‌جا که کالاهای مطلوب (مانند ثروت، احترام و قدرت) کمیاب‌اند، و با فرض این که افراد منابع نابرابری را که در دسترس دارند به کار می‌گیرند تا به اهدافشان برسند. تمام کسانی که در اجتماع با یکدیگر رودررو می‌شوند درگیر تضاد می‌شوند و بر اساس رابطه فرماندهی و فرمانبرداری ساخت می‌یابند (جلیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱).

کالینز به رهیافت قشربندی مبتنی بر کشمکش روی می‌آورد. رهیافتی که با نظریه‌های پدیده شناختی و روش‌شناسی مردم‌نگارانه بیشتر وجه اشتراک دارد تا با نظریه‌ی مارکسیستی یا وبری. او کارش را با چندین فرض آغاز می‌کند. به نظر او، آدم‌ها ذاتاً اجتماعی‌اند، اما در روابط اجتماعی‌شان مستعد کشمکش نیز می‌باشند. کشمکش برای این در روابط اجتماعی پیش می‌آید که «تحمیل خشونت‌آمیز» به وسیله‌ی یک شخص یا چندین شخص، همیشه در یک زمینه‌ی کنش متقابل انجام می‌گیرد کالینز معتقد بود که آدم‌ها درصدد دستیابی به بیشترین حد «منزلت ذهنی»‌اند و توانایی‌شان در این زمینه بستگی به منابعی دارد که خود در اختیار دارند و نیز منافع آدم‌های دیگری که با آنها سروکار دارند. به نظر کالینز آدم‌ها در پی نفع شخصی خودشان هستند و از آنجا که منافع آنها ممکن است ذاتاً با هم تعارض داشته باشند، برخورد آنها به خاطر تعارض منافع امکان‌پذیر است. این رهیافت قشربندی مبتنی بر کشمکش را می‌توان به سه اصل بنیادی تقلیل داد.

- نخست آن که، کالینز معتقد بود که آدم‌ها در جهان‌های ذهنی خودساخته‌ای زندگی می‌کنند.

- دوم آن که، آدم‌ها قدرت تأثیرگذاری یا حتی نظارت بر تجربه‌ی ذهنی افراد دیگر را دارند.

- سوم این که آدم‌ها غالباً می‌کوشند افراد دیگری را که با آن‌ها مخالفت می‌ورزند تحت نظارت خودشان درآورند. نتیجه‌ی همه این اصول بنیادی، احتمالاً کشمکش بین اشخاص است.

کالینز بر پایه‌ی این استدلال، ۵ اصل تحلیلی را در زمینه‌ی کشمکش می‌پروراند و آنها را مورد قشربندی اجتماعی به کار می‌بندد.

نخست آن که، به اعتقاد کالینز، نظریه‌ی کشمکش نباید بر صورت‌بندی‌های انتزاعی، بلکه باید بر زندگی واقعی تأکید داشته باشد. از این اعتقاد او بر می‌آید که کالینز تحلیل مادی سبک مارکسیستی را بر تحلیل انتزاعی کارکردگرایی ساختاری ترجیح می‌دهد. کالینز از ما می‌خواهد که انسان‌ها را حیواناتی تصور کنیم که اعمال برانگیخته به وسیله‌ی منفعت شخصی‌شان را می‌توان به عنوان ترفندهایی برای کسب امتیازهای گوناگون در نظر گرفت، امتیازهایی که به وسیله‌ی آنها بتوانند رضایت خاطر کسب کنند و از عدم رضایت خاطر پرهیز جویند.

دوم آن که، کالینز معتقد بود که نظریه‌ی کشمکش مبتنی بر قشربندی، باید آن ترتیب‌های مادی را که بر کنش متقابل تأثیر می‌گذارند، مورد بررسی قرار دهد. اما هر چند که کنشگران احتمالاً تحت تأثیر عواملی مادی همچون «مکان‌های فیزیکی، شیوه‌های ارتباطی، موجودی سلاح‌ها، تمهیداتی که برای نمایش عمومی تأثیر فردی وجود دارد، ابزارها و کالاها» قرار می‌گیرند.

سوم آن که، کالینز استدلال می‌کنند که در موقعیت نابرابر، آنهایی که منابع را تحت نظارت خود دارند، احتمالاً می‌کوشند تا افراد فاقد منابع را استثمار کنند. اما او می‌داند که باید این نکته را یادآور شود که این امر مستلزم محاسبه‌ی آگاهانه از سوی کسانی نیست که از این موقعیت سود می‌برند؛ بلکه آنها تنها چیزی را تعقیب می‌کنند که بیشتر از همه به نفع خود می‌انگارند. در این فراگرد، آنها ممکن است از افراد فاقد منابع سوء استفاده کنند.

چهارم آن که کالینز از نظریه‌پردازان کشمکش می‌خواست که به پدیده‌های فرهنگی همچون باورداشت‌ها و آرمان‌ها، از دیدگاه منافع، منابع و قدرت، نگاه کنند. احتمال آن است که این گروه‌های دارای منابع و در نتیجه قدرت، نظام فکری‌شان را بر سراسر جامعه تحمیل کنند؛ نظام فکری کسانی که منابع در اختیار ندارند، در واقع بر آنها تحمیل شده است. در اینجا می‌توان به چند قضیه اشاره کنیم.

۱-۰ تجربه‌های فرماندهی و فرمانبری، تعیین‌کنندگان اصلی نگرش‌ها و رفتارهای فردی‌اند.

۱-۱ هر چه شخص بیشتر فرمان دهد مغرورتر، به خود مطمئن‌تر، رسمی‌تر است و بهتر می‌تواند خودش را با آرمان‌های سازمانی که به نام آن فرمان‌هایش را توجیه می‌کند، منطبق سازد.

۲-۱ هر چه شخص بیشتر فرمان برد، مطیع‌تر، تقدیرگراتر و بیگانه‌تر از آرمان‌های سازمانی است. این شخص از ته دل خودش را تطبیق نمی‌دهد، به دیگران اعتماد ندارد، دلخوش به پاداش‌های ظاهری و آدمی غیراخلاقی است. به نظر کالینز آدم‌ها ذاتاً اجتماعی‌اند، اما در روابط اجتماعی‌شان مستعد کشمکش نیز می‌باشند. کشمکش برای این در روابط اجتماعی پیش می‌آید که «تحمیل خشونت‌آمیز» به وسیله‌ی یک شخص یا چندین شخص، همیشه در یک زمینه‌ی کنش متقابل انجام می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۸۲، ص ۱۷۳).

کالینز که قدرت را متغیر تجربی سودمندی می‌انگاشت، مدعی بود که با تحلیل منابعی (مادی و فرهنگی) که در اختیار فرد دارد، می‌توانیم بخش قابل توجهی از رفتار اجتماعی را در دامنه وسیع از حوزه‌های اجتماعی (همچون حوزه سازمانی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی) تبیین کنیم (جلیلی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۲).



مقدمه اصلی همه نظریه‌های تضاد این است: همه فرآیندهای اجتماعی (شامل ازدواج و تشکیل خانواده‌ها به عنوان فرآیندهای نظام‌مندی در نظر گرفته می‌شوند که اعضای آنها دسته‌بندی آنها (مادرها و پدرها) با مسأله دائمی منافع متضاد یگدیگر مواجه‌اند (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۸).

این قضایا پای‌بندی کالینز را به بررسی علمی تجلیات اجتماعی پهن دامن‌های کشمکش‌های اجتماعی منعکس می‌سازد.

کالینز تنها به بررسی کشمکش در چهارچوب نظام قشر‌بندی خرسند نبود بلکه می‌خواست آن را به پهنه‌های اجتماعی دیگر نیز گسترش دهد. برای مثال، تحلیل قشر‌بندی‌اش را به رابطه‌ی میان دو جنس و گروه‌های سنی نیز بسط داده بود. او بر این نظر بود که خانواده عرصه‌ی کشمکش‌های جنسی است و در آن، مردان همیشه پیروز بوده‌اند که نتیجه‌اش این بوده است که زنان همیشه تحت تسلط مردان و انواع رفتارهای نابرابرانه بوده‌اند. به همین‌سان، رابطه‌ی میان گروه‌های سنی - به ویژه میان جوانان و بزرگان - را نیز یک رابطه‌ی کشمکش می‌دانست (ریتزر، ۱۳۸۲، ص ۱۷۰-۱۷۵).

#### ۲-۴-۲. روش دیالکتیکی در جامعه‌شناسی زیمل

جامعه‌شناسی زیمل پیوسته با یک رهیافت دیالکتیکی همراه است. رهیافتی که ارتباط متقابل و پویا و نیز درگیری‌های واحدهای اجتماعی مورد تحلیل او را نشان می‌دهد. زیمل در تمام کارهایش بر بستگی‌ها و نیز تنش‌های میان فرد و جامعه تأکید می‌ورزد.

از دید زیمل، اجتماع همیشه با هماهنگی و کشمکش، جذب و دفع، عشق و نفرت همراه است. زیمل با تأکید یادآور شده بود که ساده‌انگارانه است اگر نیروهایی را که به ستیز می‌انجامد، منفی و نیروهای معطوف به توافق را مثبت انگاریم.

زیمل میان نمودها و واقعیت‌های اجتماعی تفاوت قایل بود. گرچه یک رابطه ستیزآمیز ممکن است به نظر دو طرف دعوا و یا ناظر خارجی یکسره منفی به نظر آید، اما تحلیل دقیق همین رابطه، جنبه‌های مثبت پنهانی آن را آشکار می‌سازد. تنها رویگردانی از یک رابطه را می‌توان عنصر یکسره منفی تلقی کرد؛ یک رابطه ستیزآمیز گرچه ممکن است برای هر دو طرف این رابطه کم و بیش دردناک باشد، اما همین رابطه از طریق درگیر ساختن متقابل آنها در جامعه، حتی در حالت عدم توافق، آنان را به دریافت اجتماعی پیوند می‌دهد.

زیمل هرگز یک جهان بدون درگیری و جامعه‌ای به‌دور از برخورد را تصور نکرده بود که در آن، کشمکش میان افراد و گروه‌ها برای همیشه محو شده باشد. به نظر او، ستیز در ذات زندگی اجتماعی نهفته است و نمی‌توان آن را از زندگی اجتماعی ریشه‌کن کرد.

یک جامعه خوب، جامعه بدون کشمکش نیست، بلکه برعکس، چنین جامعه‌ای سرشار از انواع درگیری‌های متقاطع میان اعضایش است (کوزر، ۱۳۸۰، صص ۲۵۸-۲۵۷).

زیمل عقیده خود را درباره تضاد و نتایج مثبت آن را با بیماری در بدن انسان مقایسه می‌کند. تنها به عنوان بیماری، اولین قدم اصلاح سلامتی است، بنابراین تضاد در تصحیح مسائل جامعه کارکرد مثبت دارد. این امر قابل مقایسه با ساختمان زیستی پادتن‌ها در سیستم انسانی برای مبارزه با بیماری‌های جدید است. پادتن‌ها آماده شده‌اند زیرا ما قبلاً بیمار شده‌ایم، وقتی که یک نظام اجتماعی مانند خانواده تهدید می‌شود سه مرحله پیش می‌آید:

۱- مرزهای نظام مشخص می‌شوند.

۲- ارزش‌ها و اخلاقیات تعریف می‌شوند.

۳- هنگامی که تضاد حل شد وابستگی‌های گروهی تقویت می‌شوند.

پیش‌فرض زیمل این است که انسان تمایلی درونی برای دشمن بودن دارد که با نیاز به عشق و عقل منطقی درآمیخته است. زیمل معتقد است سختی کمتر و کشمکش‌های نه‌چندان خشن باعث همبستگی، انسجام و تغییرات منظم در نظام می‌شود. برای زیمل منبع تضاد نابرابری منابع نیست بلکه به سبب طبیعت ستیزه‌جوی انسان و فقدان مرزهای ارتباطی است (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۷).

#### ۲-۴-۳- رالف دارندورف

اصول نظریه‌های کشمکشی و کارکردی را در کنار هم مطرح می‌کند. به اعتقاد کارکردگرایان، جامعه ایستا و یا دست‌کم در حالت توازن متغیر است، اما به نظر دارندورف و نظریه‌پردازان کشمکش، هر جامعه در هر مقطعی دست‌خوش فراگردهای دگرگونی است، در حالی که کارکردگرایی بر سامان‌مندی جامعه تأکید می‌ورزد، نظریه‌پردازان کشمکش، عدم توافق و کشمکش را در هر نقطه‌ای از نظام اجتماعی می‌بیند. کارکردگرایان (دست‌کم، کارکردگرایان اولیه) می‌گویند که همه‌ی عناصر جامعه در استواری آن دخیلند؛ اما هواداران نظریه‌ی کشمکش بسیاری از عناصر اجتماعی را در از هم گسیختگی و دگرگونی دخیل می‌دانند.

کارکردگرایان بر این تصورند که جامعه به گونه‌ی غیررسمی به وسیله‌ی هنجارها، ارزش‌ها و اخلاقیات مشترک انسجام می‌یابد، اما نظریه‌پردازان کشمکش هرگونه نظم در جامعه را ناشی از اعمال زورسران جامعه می‌دانند. در حالی که کارکردگرایان بر انسجام ناشی از ارزش‌های مشترک اجتماعی تأکید می‌ورزند، نظریه‌پردازان کشمکش بر نقش قدرت در حفظ نظم جامعه، انگشت می‌گذارند.

دارندورف (۱۹۵۹-۱۹۶۸) هوادار عمده‌ی این موضع نظری است که جامعه دو بعد (کشمکش و توافق) دارد بنابراین، هر نظریه‌ی جامعه‌شناختی باید به دو بخش و به دو نظریه‌ی کشمکش و توافق تقسیم شود. نظریه‌پردازان توافق باید یکپارچگی ارزشی را در جامعه بررسی کنند، ولی نظریه‌پردازان کشمکش باید برخورد منافع و نقش اعمال زور را مورد بررسی قرار دهند که جامعه را در مواقع رویارویی با این تنش‌ها منسجم نگه می‌دارد.

دارندورف این نکته را تشخیص داده است که جامعه نمی‌تواند بدون وجود هر دو جنبه‌ی کشمکش و توافق باقی بماند. در واقع، کشمکش و توافق لازمی همیگرند. بدین‌سان، اگر توافق قبلی در کار نباشد، کشمکشی نیز در میان نخواهد بود.

دارندورف کارش را تحت تأثیر شدید کارکردگرایی ساختاری آغاز کرد. او یادآور شده بود که به نظر یک کارکردگرا، نظام اجتماعی با همکاری داوطلبانه یا توافق همگانی و یا به وسیله‌ی هر دو به هم پیوسته می‌شود، اما از دیدگاه یک نظریه‌پرداز کشمکش (یا اعمال زور)، جامعه با «قیدوبندهای تحمیلی» به هم پیوسته نگهداشته می‌شود. این به آن معنا است که به برخی از سمت‌های اجتماعی حق اعمال قدرت و اقتدار بر دیگران، واگذار شده است. این واقعیت زندگی اجتماعی، دارندورف را به این نظر اصلی‌اش سوق داد که توزیع نابرابرانه‌ی اقتدار، «همواره عامل تعیین‌کننده‌ی کشمکش‌های منظم اجتماعی می‌شود (ریتزر، ۱۳۸۲، صص ۱۶۰، ۱۵۹).

علت اصلی تضادهای اجتماعی را سلطه می‌داند. او در یک هیأت حاکم، دو نوع ایفاکننده‌ی نقش را از هم متمایز می‌کند:

۱- سلطه‌گران یا حاکم

۲- افراد تحت سلطه

اگر این دو بتوانند خود را سازمان‌دهی نمایند و از این طریق هر یک برای خود، گروه‌های مشترک‌المنافع را تشکیل دهند، آن وقت تحت شرایطی بین این دو گروه تضاد به وجود می‌آید (رفیع‌پور، ۱۳۷۶، ص ۴۱).

دورکهایم در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با از هم‌پاشیدگی هنجارها (و لذا از بین رفتن کنترل آرزوها)، «آنومی» یا یک وضعیت «آرزوهای بی‌حد و حصر» بوجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی‌حد طبعاً نمی‌توانند ارضاء و اشباع شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی دائمی پدید می‌آید.

آرزوهای بی‌حد ← عدم توانائی ارضاء نیازهای بی‌حد ← نارضایتی اجتماعی (رفیع‌پور، ۱۳۷۶، ص ۳۵).

اقتدار در چهارچوب یک همگروهی، خصلتی دوشاخه دارد و برای همین، دو گروه، و تنها دو گروه، را می‌توان در چهارچوب یک همگروهی تشکیل داد. آنهایی که سمت‌های با اقتدار را در دست دارند و آنهایی که در سمت‌های فرمانبری جای دارند، منافع معینی دارند «که در ذات و جهت، متنافسند». در اینجا با اصطلاح اساسی دیگری در نظریه کشمکش دارندورف بر می‌خوریم که همان منافع است در داخل هر نوع همگروهی، آنهایی که سمت‌های مسلط را در دست دارند، خواستار نگهداشت وضع موجودند، در حالی که دارندگان سمت‌های زیر دست در جستجوی دگرگونی‌اند. برخورد منافع در هر همگروهی، دست کم به گونه‌ای پنهان؛ همیشه وجود دارد؛ این به آن معناست که مشروعیت اقتدار همیشه در معرض خطر است. برای آن که بالادستان یا زیردستان دست به عمل بزنند، نیازی به آن نیست که این برخورد منافع جنبه‌ی آگاهانه یا درون‌ذهنی داشته باشد. منافع بالادستان و زیردستان از این جهت عینیت دارند که در چشمداشت‌های (نقش‌ها) وابسته به این سمت‌ها منعکس‌اند. افراد برای آن طبق منافع‌شان عمل کنند، نیازی به ملکه‌ی ذهن ساختن این چشمداشت‌ها و یا حتی آگاهی به آنها ندارند. اگر آنها سمت‌های مشخصی را عهده‌دار شوند، خواه ناخواه به شیوه‌ای عمل می‌کنند که از دارندگان این سمت‌ها انتظار می‌رود. آنها وقتی که در کشمکش میان بالادستان و زیردستان شرکت می‌کنند، در واقع، با نقش‌هایشان «منطبق» یا «سازگارند» (ریترز، ۱۳۸۲، صص ۱۶۱، ۱۶۲).

اگر در جامعه نگرش مرد نان‌آور، زن کدبانو و مادر رایج داشته باشد، و مردها حیطه‌ی وظایف خود را در خارج از خانه و مسؤولیت خانواده را تنها بر دوش همسران خود بگذارند، نمی‌توان از وجود یک خانواده هسته‌ای با ویژگی صمیمیت، محبت، همکاری و مشارکت، در آن نام برد، زیرا این نگرش خود مانعی در جهت رشد نقش پدر و همچنین مسؤول دانستن مرد در برابر وظایف خانگی است. نتیجه‌ی این پدیده برقرار ماندن اقتدار مرد در خانه است.

هایدی هارتمن<sup>۱</sup> (۱۹۸۱-۱۹۸۸) در بررسی‌های خود راجع به خانواده بدین نتیجه رسید که مردها به سبب عدم شرکت در امور خانه - چه زن خانه‌دار یا شاغل - خانه‌دار باشد، قادرند موقعیت اقتداری خود را در خانواده حفظ کنند. او معتقد است که زمان کار مصرف‌شده برای انجام کار منزل را به خوبی می‌توان به عنوان مقیاس روابط قدرتی در خانواده در نظر گرفت. بنابراین اگر هدف رسیدن به خانواده‌ی مشارکتی است، این نگرش عمومی را باید تقویت کرد که پدری نیز مانند مادری در زندگی

---

1- Hartman

کودک اهمیت دارد. علاوه بر این مردها به مشارکت در امور خانواده، برعهده گرفتن وظایف و مسئولیت‌های خانگی ترغیب شوند (اعزازی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷).

#### ۵-۴-۲. شخصیت اقتدارگر از دیدگاه آدورنو

از دید آدورنو، شخصیت اقتدارگر شامل افراد متعصب و ضد دموکراتی است که در خانواده‌هایی که رابطه بین فرزند و پدر و مادر، خصلت تسلط و فرمانبرداری داشته و اعضای خانواده در مقابل ناهمنوایی هیچ صبری نشان نمی‌دادند، به وجود می‌آید. در این‌جا ابعاد روانی تعصب مورد بحث است. از نظر آدورنو، افراد متعصب حاصل تمدن کنونی هستند. ناموزونی فزاینده‌ای در روان این افراد وجود دارد که در قالب شخصیت آن‌ها ظاهر می‌شود. نوع تقسیم کار، شکل نهادهای اجتماعی، اهمیت انحصارگری، تسلط ایده مبادله، رقابت و موفقیت پولی عوامل تشدیدکننده این حالت هستند (ممتاز، ۱۳۷۹، ص ۳۰).

#### ۶-۴-۲. شخصیت اقتدارگر از دیدگاه هورکهایمر

شخصیت اقتدارگر بدون چون و چرا تسلیم سنت می‌شود و ارزش‌های مرسوم را می‌پذیرد. اطاعت کامل از قدرت دارد و نسبت به کسانی که با قدرت مخالف هستند ابراز تنفر می‌کند. در مورد دیگران بر مبنای نظریه قالبی، بدون هیچ تاملی اظهار نظر می‌کند. به خرافات گرایش دارد و در مورد ماهیت انسان با شک و تردید نگاه می‌کند. یعنی نظری نیمه شک‌گرا و نیمه اخلاقی نسبت به انسان دارد (ممتاز، ۱۳۷۹، ص ۲۹).

هورکهایمر معتقد است که «اقتدار یک مقوله مرکزی در تاریخ می‌باشد»، زیرا پس از گذر از مرحله اشتراکی اولیه که در آن تفکیک‌های اجتماعی وجود نداشت، همیشه تعداد زیادی از افراد تحت هدایت و فرمانبرداری تعداد کمی از افراد قرار گرفتند و کار کردند.

این رابطه وابستگی باعث برتری افراد اقلیت می‌شد، زیرا اجبار، سبب حفظ این نظم بود.

هورکهایمر معتقد است که از میان تمام نهادهای اجتماعی که فرد را برای قبول اقتدار (حکومتی) آماده می‌سازد در مقام اول خانواده قرار دارد، زیرا خانواده به عنوان یکی از مهمترین قدرت‌های تربیتی از باز تولید و شخصیت انسان‌ها مراقبت می‌کند و این عمل را همان‌گونه انجام می‌دهد که زندگی اجتماعی آن را درخواست می‌کند. افراد از طریق خانواده، قابلیت قبول رفتارهای اقتداری، که موجودیت جامعه بورژوازی به آن وابسته است را کسب می‌کنند (اعزازی، ۱۳۸۷، صص ۹۰-۹۱).

اساس نظریه دارندورف را باید در تأکیدی وی بر ساختارهای اجتماعی و سمت‌های گوناگون نهفته در آن مورد ملاحظه قرار داد. زیرا سمت‌ها از مقادیر متفاوتی از اقتدار برخوردارند که کشمکش شبه گروه‌ها، گروه‌های ذی‌نفع و گروه‌های کشمکشی در ساختار اجتماعی برای کسب آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است. افراد اغلب فاقد این اقتدار هستند. به نظر دارندورف نخستین وظیفه تحلیل کشمکش تعیین نقش‌های گوناگون اقتدار در داخل جامعه است. اقتدار همیشه مستلزم فرماندهی و فرمانبری است، به همین دلیل خصلتی دوشاخه دارد. آن‌هایی که مناسب با اقتدار در دست دارند و آن‌هایی که در منصب‌های فرمان‌بری با منافع معینی جای دارند تنازع برای کسب سمت‌های واجد اقتدار سبب می‌شود که ماهیت اقتدار در طول زمان واجد یک ساختار همیشگی نباشد (ریترز، ۱۳۸۲، صص ۱۶۱-۱۶۲). به عبارتی، فاصله سنی زیاد زن و مرد می‌تواند موجب تقویت روابط اقتدارگونه از جانب مرد به زن شود و فرهنگ فرمانبری زنان از مردان را به عنوان یک پیش‌فرض ذهنی اجتماعی به ظهور برساند. اما در فرهنگ مدرن، فاصله سنی زیاد میان زن و مرد تاحدی که به شکاف نسلی میان آن دو منجر شود، گاهی مضموم شمرده می‌شود، زیرا معانی ذهنی، متأثر از اجتماعی است که دو فرد در آن رشد کرده‌اند و شکاف نسلی، به معنای دوگانگی اجتماعی است که دو فرد از آن متأثر گشته‌اند و این دوگانگی در نهایت می‌تواند به دوگانگی ذهنی و ادراک مفهومی آن دو فرد از زندگی و در نتیجه تنش‌های زناشویی بیانجامد (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۹۸).

دارندورف بر چیرگی برخی از گروه‌های اجتماعی بر گروه‌های دیگر تأکید می‌ورزد و نظم اجتماعی را مبتنی بر دخل و تصرف و نظارت گروه‌های مسلط می‌انگارد و نیز دگرگونی اجتماعی را دارای آهنگی سریع و نابسامان می‌داند و معتقد است که این دگرگونی بیشتر زمانی رخ می‌دهد که گروه‌های زیردست، گروه‌های مسلط را بر می‌اندازند.

کشمکش و توافق لازمی یگدیگرند، اگر توافق قبلی نباشد. کشمکش در کار نیست توزیع نابرابرانه اقتدار همواره عامل تعیین‌کننده کشمکش‌های منظم اجتماعی می‌شود هر سمتی دارای اقتداری است خاستگاه ساختاری یک چنین کشمکش‌هایی را باید در تنظیم نقش‌های اجتماعی مجهز به چشمداشت‌های تسلط یا تابعیت جست‌وجو کرد. این چشمداشت‌ها نیز مانند اقتدار نه به آدم‌ها بلکه به سمت‌های تعلق دارند نخستین وظیفه تحلیل کشمکش‌ها، تعیین نقش‌های گوناگون اقتدار داخل جامعه است (شاپان‌مهر، ۱۳۷۷، ص ۵۳۸).

در جو دموکراسی هر یک از اعضای خانواده حق دارد درباره کارهای خانه پیشنهاد ارایه کند. در انتخاب هدف‌های زندگی<sup>۱</sup>، در تقسیم درآمد خانواده، در مخارج و موارد دیگر که منافاتی با شرع

1- Family life aims

مقدس نیز نداشته باشد می‌توانند در اتخاذ روش‌های مناسب<sup>2</sup> اظهار نظر کنند و اصطلاحاً می‌گوییم خانواده منظومه‌ای از افراد است نه فقط مجموعه‌ای از افراد انسانی است و «حق» هر یک از اعضا با «مسئولیت» همراه است (خنیفر، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵).

با مشاهده وضعیت خانواده ایرانی باید گفت که این نهاد در حال طی نمودن دوران گذار بوده و در دهه‌های گذشته به دلیل نبودن تغییرات اجتماعی و یا سطحی و غیرساختی بودن آن از ثبات خاصی برخوردار بوده است، اما در دوران معاصر خانواده ایرانی در معرض تغییرات ساختاری قرار گرفته و همین امر روابط موجود در میان اعضا را دچار دگرگونی نموده است. به تبع این دگرگونی هنوز هنجارها به مثابه قواعد رفتاری که مورد پذیرش همگان باشند به صحنه اجتماعی نیامده‌اند و به همین علت رفتارها در محیط خانوادگی دارای پراکندگی است و لذا در برخی خانواده‌ها همچنان به پایداری ساخت مستبدانه و در برخی به سمت ایجاد خانواده دموکراتیک تأکید می‌شود.

در خانواده‌های اقتدارگرا بر ساختار رقابتی، حقوق نامساوی، سری بودن مسائل خانواده، نقش‌های جنسیتی ثابت، عدم تقسیم کارهای خانه، تأدیب همراه با خشونت و سرزنش تأکید شده و آشفتگی در فعالیت‌های خانوادگی دیده می‌شود. در حالی که در خانواده‌های دموکراتیک، مناسبات دموکراتیک میان اعضای خانواده و به خصوص زنان و مردان برقرار است (برای زنان فردا، ۱۳۸۴، صص ۲۴۸، ۲۴۹).

## ۲-۴-۷- دیگران مهم

به نظر می‌دهد، یک فرد کاملاً بالغ، نه تنها طرز برخورد‌های افراد دیگر و یا «دیگران مهم» را نسبت به خود و نسبت به همدیگر در نظر می‌گیرد، بلکه باید «طرز برخورد‌های آن‌ها را نسبت به هر یک از جنبه‌ها یا مراحل فعالیت مشترک اجتماعی در نظر گیرد... همان فعالیتی که آن‌ها به عنوان اعضای یک جامعه سازمان یافته یا گروه اجتماعی، مشترکاً انجام می‌دهند».

خود کامل زمانی پدید می‌آید که «دیگری کلی» چندان درونی گردد که «اجتماع بتواند بر رفتار فرد فرد اعضایش نظارت داشته باشد».

دیویی مفهوم مید را چنین تفسیر می‌کند که «خودآگاه، به نظر او، نخست یک موجود طبیعی است که با وارد شدن در عرصه‌ی روابط اجتماعی به صورت یک خود تازه تغییر شکل می‌دهد و سرانجام، به صورت یک موجود طبیعی متأثر از نهادهای اجتماعی در می‌آید» (ریتزر، ۱۳۸۲، ص ۴۴۸).

---

2- suitable method

مید واژه دیگران مهم را برای افرادی به کار می برد که اغلب در توسعه خود افراد مهم می باشند. این نظریه بیشتر ناظر به شکل گیری شخصیت و مخصوصاً مفهوم خود نزد افراد می باشد. همچنین این نظریه به مفهوم پاسخ در برابر دیگران اشاره می کند که دیگران مهم در نزد افراد می باشد. همچنین این نظریه به مفهوم پاسخ در برابر دیگران اشاره می کند که دیگران مهم در زندگی خانوادگی زن و شوهر چه تأثیری دارد (مهدوی، ۱۳۷۵، ص ۳۹).

انسان استعداد اجتماعی شدن را دارد، می تواند در مورد محیط پیرامونی و موقعیت خودش بر اساس نظام نمادین دآوری کند و از این طریق در ساختن خود مؤثر باشد. به عبارت دیگر، خود اجتماعی در فرایند تعامل با دیگران ساخته می شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

می توان به گروه ها یا زمینه های اجتماعی که فرایندهای مهم اجتماعی شدن در درون آن رخ می دهد تحت عنوان عوامل اجتماعی شدن اشاره کرد. در همه ی فرهنگ ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن کودک در دوران طفولیت است. اما در مراحل بعدی زندگی فرد، بسیاری از عوامل دیگر اجتماعی شدن نقش دارند مانند خانواده، روابط همسالان، مدارس، رسانه های همگانی، سایر عوامل اجتماعی شدن، (کار، انجمن های داوطلبانه، باشگاه ها، کلیساها و . . .) (گینز، ۱۳۷۳، ص ۷۹).

والدین هر یک از زوجین جزء افرادی هستند که به عنوان دیگران مهم، در امر جامعه پذیری و اجتماعی شدن فرزندان مؤثر بوده اند. می توان گفت هر یک از اطرافیان به عنوان دیگران مهم می توانند در زندگی زن و شوهر مؤثر باشند. همچنین روابط عاطفی نسبتاً عمیقی که بین والدین و فرزندان وجود دارد. می توان گفت که طرز نگرش، احساسات، تمایلات، و رضایت والدین برای فرزندان (زوجین) حائز اهمیت می باشد. هر چه قدر زوجین با محیط های گوناگون و خانواده های دیگر ارتباط داشته باشند، احتمال تأثیرگذاری دیگران نیز بر زندگی آنها می تواند بیشتر باشد. بنابراین تنش بین زن و شوهر از همدیگر می تواند تحت تأثیر دیگران مهم قرار بگیرد.

## ۲-۴-۸. نظریه برگس و کوتزل<sup>۱</sup>

برگس و کوتزل ادعا می کنند که سعادت پدر و مادر در زندگی زناشویی خود، بر سرنوشت ازدواج فرزندان آنها تأثیر می گذارد. به عقیده ی کارلسون<sup>۲</sup> (۱۹۶۳) «خرسندی فرزندان در زندگی زناشویی وابسته به خرسندی والدین آنها از زندگی خویش است.» «بدین ترتیب اگر رفتار و سلوک پدر و مادر همچون سرمشقی توسط فرزندان آنها پذیرفته شده باشد، می توان اندیشید که، از یک سو بسیاری

1 - E.W.Burgess.I.j-cottreer1939

2 - G.karllsson



از مشاجرات میان آنها و والدینشان وجود نخواهد داشت و از سوی دیگر می‌توان رابطه‌ای منفی میان وجود کشمکش با پدر و مادر و خرسندی زناشویی یافت» (ساروخانی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷).

بچه بیشتر از آنچه که بشنود از راه دیدن یاد می‌گیرند و الگوبرداری می‌کنند و از آنجا که نزدیکترین فرد برای بچه پدر و مادرش است بنابراین بیشتر از آنان فرا می‌گیرد که چگونه رفتار کنند (نشریه اعتماد، نمایه، ۸۴/۲/۲۹).

هنگامی که بین والدین درگیری و برخورد پیش می‌آید فرزندان کلمه‌ی آن را ضبط کرده و آن را برای موارد بعدی حیات خود ذخیره می‌کند. والدین در چنین وضعی مربیان فرزندان‌شان هستند و فرزندان‌ی که در این محیط‌های پرتنش و کشمکش زندگی می‌کنند بعد از تشکیل زندگی مشترک توجهی به اصول و ضوابط حیات و حقوق دیگران نداشته و یکمنازی می‌کنند. در چنین صورتی والدین مسئولند و باید پاسخگوی بدآموزی‌های موجود باشند.

«ویلیام جی گود» در اثر معروف خود به نام خانواده و جامعه بر این نکته تأکید می‌ورزد «نخستین تجربیات اجتماعی‌شدن که طی آن جوان به ارزش‌ها و مهارت‌های والدین پی می‌برد، ملاکی است برای رفتارهای بعدی آنها یعنی زمانی که زن و شوهر می‌شوند تمایزات نقش‌های ناشی از جنس به طور وضوح در تقسیم کار نمایان است (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵).

## ۲-۴-۹. نظریه فمینیستی

جامعه‌شناسان فمینیست معتقدند که ساختارهای کلان اجتماعی مانند پدرسالاری اجازه نمی‌دهند که زنان در کنش متقابل اجتماعی به گونه‌ای برابر و همانند شرکت کنند و در نتیجه به معانی مشترک با مردان دست یابند. به نظر این جامعه‌شناسان، وجود ایدئولوژی‌های جنسی و ساختارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز، نمی‌گذارند که زنان و مردان از طریق کنش‌های متقابل اجتماعی به معانی و مفاهیم توافق‌شده و مشترکی برسند. بر اثر دخالت این ایدئولوژی، حتی در زندگی خانوادگی، زن و مرد پس از سال‌ها زندگی مشترک، نمی‌توانند به تفاهم‌ها و توافق‌هایی دست یابند و با وجود گذشت سال‌های دراز همچنان نسبت به یکدیگر بیگانه باقی می‌مانند (ریتزر، ۱۳۸۲، ص ۵۲۵).

جامعه‌شناسان فمینیست معتقدند، و بر این امر تأکید می‌کنند که تبعیض و استثمار درون خانواده، شبکه‌ای از سیستم کنترل اجتماعی شکل می‌گیرد که قدرت آن بر پایه توافق و وحدت پنهانی مردان علیه زنان در نهادهای مختلف بنیان نهاده می‌شود. این سیستم کنترل اجتماعی به پدرسالاری تعبیر می‌شود (محسنی و دیگری، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

تفاهم بین همسران کمکی است به تعریف رابطه‌ای بر اساس دانسته‌ها، نگرش‌ها و نظرهای مشترک (برنارد، ۱۳۸۴، ص ۲۴۵).

ساختار مردسالارانه خانواده، سهم بیشتر مردها را در قدرت تصمیم‌گیری به مسائل خانوادگی رقم می‌زند (محسنی و دیگری، ۱۳۸۲، ص ۸۹).

رفق و مدارا در زندگی خانوادگی، یکی دیگر از وظایف اخلاقی سعادت‌آفرین همسران نسبت به یکدیگر است. بدین معنا که همسران در برابر عیوب و کاستی‌های اخلاقی و ناملایمات رفتاری و گفتاری یکدیگر، تند و خشن نباشند و بزرگوارانه از رفتار ناپسند یکدیگر چشم‌پوشی کرده با صمیمیت و دوستی رفتار کنند. مدارای با همسر از اصول مهم زندگی مشترک به شمار می‌رود و رعایت نکردن آن منشأ ناپسامانی‌های فراوان در زندگی خانوادگی است (نصرآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰).

از ارکان مهم بقاء صمیمیت در محیط خانواده، اصل «هماهنگی» و «تفاهم» در شئون مختلف زندگی زناشویی است. چنان‌که تنفر و انزجار یکی از طرفین یا هر دو عامل مخرب بنیان خانواده است و بسیار بجاست که در این عامل مهم و علل و اسباب بروز آن بررسی بیشتری کرده، جوانب آن مورد رسیدگی کامل قرار گیرد تا در نتیجه در رفع آن کوشش و افری به‌عمل آید.

به اعتقاد برنارد، زناشویی نوعی نظام فرهنگی متشکل از اعتقادات و آرمان‌ها، یک نوع تنظیم نهادی نقش‌ها و هنجارها و مجموعه‌ای از تجارب رمبنتی‌زبر کنش متقابل برای یکایک زنان و مردان، به شمار می‌آید. زناشویی از نظر فرهنگی، به عنوان سرنوشت و سرچشمه‌ی رضایت خاطر زنان، جنبه‌ی آرمانی پیدا کرده است؛ در ضمن برای جامعه‌ی آمریکای اساساً به معنای یک نوع همزیستی برابانه‌ی میان زن و شوهر بوده است. اما از جهت نهادی، زناشویی به نقش شوهر اقتدار و آزادی می‌بخشد، چندان که او بتواند و ملزم باشد فراتر از محیط خانگی جولان دهد؛ نهاد زناشویی فکر اقتدار مردانه را با تصور قابلیت جنسی و نیروی مردانه تقویت می‌کند و از همسران می‌خواهد که سازشگر، وابسته و توخالی باشند و اساساً به فعالیت‌ها و خرده‌کاری‌های خانه‌داری بپردازند. به تجربه، دو نوع زناشویی در هر گونه ازدواج نهادی وجود دارد: یکی زناشویی مرد که او طی آن، با وجود اعتقاد به مقیدبودن و قبول بار مسئولیت‌های خانوادگی، از اختیارات ناشی از هنجارهای اجتماعی برخوردار می‌شود که عبارتند از، اقتدار، استقلال و حق برخورداری از خدمات خانگی، عاطفی و جنسی همسرش؛ دیگری زناشویی زن که او طی آن، اعتقاد به برخورداریش از مواهب زناشویی را تصدیق می‌کند، ضمن آن که از بی‌قدرتی و وابستگی، الزام به ارائه خدمات خانگی، عاطفی و جنسی و محرومیت تدریجی از موقعیتی که پیش از ازدواج به عنوان یک دختر جوان و مستقل داشت، رنج

می‌برد. نتایج همگی اینها را باید در داده‌هایی پیدا کرد که درجه‌ی تنش انسان را مشخص می‌سازند (ریتزر، ۱۳۷۴، صص ۴۷۶، ۴۷۵).

ارزش‌های همگون زن و شوهر و مدارا کردن هر کدام از زوجین با همدیگر در مورد مسایل و مشکلات زناشویی موجب استحکام و تداوم زناشویی می‌شود.

## ۲-۴-۱۰. تئوری محرومیت نسبی

تعریف پذیرفته‌شده‌ی محرومیت نسبی را گر به دست داده است:

... پیش‌شرط لازم برای ستیز خشونت‌بار مدنی، وجود محرومیت نسبی است که به صورت احساس بازیگران مبنی بر وجود اختلاف میان توقعات ارزشی خویش با قابلیت‌های ارزشی ظاهری محیط تعریف می‌شود. توقعات ارزشی، آن دسته از کالاها و شرایط زندگی است که مردم خود را به حق شایسته‌ی آن می‌بینند. قابلیت‌های ارزشی اشاره به اموری دارد که عمدتاً در محیط اجتماعی و فیزیکی باید آنها را سراغ گرفت: آنها شرایطی هستند که شانس تصویری مردم را در زمینه‌ی به دست آوردن یا حفظ ارزش‌هایی که به نحو مشروعی انتظار به دست آوردنشان را دارند معین می‌کنند.

تعریف بالا از فرضیه‌ی ناکامی - پرخاشجویی ریشه می‌گیرد که بر مبنای آن «بروز رفتار پرخاشجویانه، همواره نیازمند وجود ناکامی است و برعکس، وجود ناکامی همواره به نوعی پرخاشجویی منجر می‌شود». یک فرضیه‌ی اشتقاقی مهم می‌گوید که هرچه میزان ناکامی بیشتر باشد احتمالاً واکنش، پرخاشجویانه‌تر خواهد بود. این ادعا مستقیماً با جرح و تعدیل‌هایی که تانتر و میدلارسکی در تئوری منحنی J وارد کرده‌اند و نیز با تئوری کلی محرومیت نسبی ارتباط دارد. بر این اساس، همانگونه که مردم در صورت احساس ناکامی احتمالاً واکنشی پرخاشجویانه از خود نشان می‌دهند، دقیقاً «وقوع خشونت مدنی نشانه‌ی احتمال وجود محرومیت نسبی در میان تعداد چشمگیری از افراد اجتماع است و نکته‌ی ملازم با حکم اخیر اینکه «هرچه محرومیت نسبی شدیدتر باشد احتمال و شدت خشونت مدنی بیشتر خواهد بود».

تئوری محرومیت نسبی نظریه‌ای است که قصد تبیین کشمکش یا خشونت اجتماعی را دارد. نظریه‌پردازان مکتب محرومیت نسبی همان عواملی که ممکن است هنگام وقوع انقلاب وجود داشته باشد در سایر اشکال کشمکش مدنی هم می‌تواند وجود داشته باشد. گر، این نظریه‌پرداز برجسته‌ی مکتب محرومیت نسبی در حقیقت می‌کوشد میزان عظمت کشمکش مدنی یعنی عواملی را که میزان خشونت را روشن می‌سازند تبیین نماید.

گر مدعی است که برای تعیین میزان عظمت کشمکش مدنی، بررسی سه جنبه‌ی کشمکش ضروری است. نخست باید حجم یا «فراگیری» کشمکش یعنی تعداد افرادی را که دارند مورد بررسی قرار داد. دوم باید دید کشمکش چه مدت به درازا انجامیده است؟ سوم، پژوهشگر باید شدت کشمکش را از حیث میزان ضایعات بشری در نظر گیرد. گر معتقد است که محرومیت نسبی علت کشمکش مدنی است. سایر عوامل نظیر مشروعیت و سهولت اجتماعی و ساختاری نیز ممکن است در این فرمول وارد شوند (کوهن، ۱۳۸۲، صص ۲۷۲، ۲۷۳).

آیوو و روزالیند فایرا بند و نسوئلد برای حل آن کوشیده‌اند. آنان به جای بحث در مورد محرومیت نسبی، فرضیه‌ی ناکامی - پرخاشجویی را مبنای کار خود قرار داده‌اند ولی البته آن را به سطح جمع تعمیم داده و به مسأله‌ی «ناکامی سیستمی» پرداخته‌اند. این اصطلاح به این معانی است:

- ۱- نوعی ناکامی که مانع تحصیل و حفظ اهداف، چشمداشت‌ها و ارزش‌های اجتماعی می‌شود؛
- ۲- نوعی ناکامی که به طور همزمان اعضای مجموعه‌های اجتماعی و لذا نظام‌های اجتماعی پیچیده آن را تجربه می‌نمایند؛
- ۳- نوعی ناکامی یا فشار که در داخل ساختارها و روندهای نظام اجتماعی پدید می‌آید (کوهن، ۱۳۸۲، ص ۲۷۷).

#### ۲-۴-۱۱. احساس بی‌عدالتی

مقدمه اصلی همه نظریه‌های تضاد این است که همه فرایندهای اجتماعی (شامل ازدواج و تشکیل خانواده) به عنوان فرایندهای نظام‌مندی در نظر گرفته می‌شوند که اعضای آنها و دسته‌بندی آنها (مادرها و پدرها) با مسأله‌ی دائمی منافع متضاد یک دیگر مواجه‌اند. در یک نظام، تضاد به سه طریق شدید می‌شود. نخست، هنگامی که بین خرده نظام‌ها محرومیت شدید یا احساس محرومیت وجود دارد (برای مثال، «مال او بزرگتر از مال من است!»)، «نمی‌توان در محدوده من سرمایه‌گذاری کنی!» و غیره). یا ارتباط بین واحدهای نظام (افراد) تحت فشار است. هنگامی که مشروعیت توزیع قدرت و ثروت موجود از بین رفته یا تغییر کرده، همانند مواردی چون طلاق، ازدواج مجدد یا قوه مجریه دولتی جدید، در این حالت واحدهای نظام سعی می‌کنند تا آنجای که ممکن است از ثروت موجود برخوردار شوند. راه سوم راه میانجی است - تضاد افزوده‌شده به میزان درگیری عاطفی واحدهای نظام بستگی دارد. اگر درگیری عاطفی کم باشد، تضاد جدی نخواهد شد. امروزه نیازهای انسان، همواره در ابعاد مختلف کیفی و کمی در حال افزایش بود و میزان احساس نیازمندی انسان‌ها بیشتر می‌گردد. از آنجایی

که امکانات جامعه برای ارضاء نیازهای متعدد و متنوع محدود بوده و از سوی دیگر توزیع امکانات یکسان نمی‌باشد، در نتیجه زمینه برای نارضایتی و درگیری بوجود می‌آید.

همیشه عده‌ای از اعضای جامعه احساس نمی‌کنند که بیشتر ناکام هستند و جامعه باعث نارضایتی آنان شده است، چرا که شرایط اقتصادی زندگی آنها نباید بطور آشکاری نامطلوب باشد. از نظر اندیشمندان اجتماعی، مسأله مهم در این رابطه این است که مردم تا چه اندازه محرومیت خودشان را درک کرده‌اند (مهدوی، ۱۳۷۵، ص ۲۷).

چگونگی ایجاد احساس بی‌عدالتی نسبی از دیدگاه دارندورف

شرایط ساختاری جامعه ← آگاهی از منافع ← احساس بی‌عدالتی نسبی ← نارضایتی یا تنش

اگر افراد نتواند محرومیت‌هایی را احساس کرده‌اند برطرف نمایند، دچار نارضایتی و تنش خواهند شد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که احساس بی‌عدالتی باعث نارضایتی می‌گردد. با در نظر گرفتن اینکه این متغیر از شرایط ساختاری نشأت می‌گیرد همچنین با توجه به مسأله تحقیق، شرایط ساختاری زندگی اجتماعی زوجین به عنوان موارد مقایسه مورد سنجش قرار می‌گیرد.

#### ۱۱-۴-۲- نظریه اکرم<sup>۱</sup>

به نظر اکرم زمانی که همسان همسری<sup>۲</sup>، جای خود را به ناهمسان همسری<sup>۳</sup> می‌دهد، همسرگزینی جور یا متناسب<sup>۴</sup> صورت نمی‌پذیرد، دو انسان با دو فرهنگ متفاوت با یکدیگر قرار می‌گیرند، چون سازش فکری ندارند، عواطف آنان نیز رو به سردی می‌گذارد و روابطی که بر پایه تعامل پیوسته<sup>۵</sup> شکل یافته بود، جای به روابطی بر پایه تعامل گسسته<sup>۶</sup> می‌دهد. به زعم او، هنگامی که دو همسر هم‌سوگرا هستند، یعنی همانند یا مکمل یکدیگرند، رفتار و انتظارات هر دو تحت تأثیر مجموعه‌های ارزشی و هنجاری مشابه قرار می‌گیرند. در مقابل تعلقات زوجین می‌تواند ناهم‌سوگرا باشد، یعنی هر یک به گروهی خاص و متمایز تعلق داشته باشد و تعلق خود را نیز بدان حفظ نماید. رفتار و انتظارات زوجین تحت تأثیر مجموعه‌های متمایز ارزشی و هنجاری قرار می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۶، صص ۱۳۲، ۱۳۱).

1 - Ackerman

2 - Homogamy

3 - Hererogamy

4 - Assortative matiny

5 - Associative interaction

6 - Dissociative interaction

به گمان لاک و برگس ( ۱۹۸۵): «در هر لحظه، بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینانه عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین» (ساعی، ۱۳۸۲، ص ۶۴).

هنگامی که تنها همترازی پایگاه اجتماعی مبنا قرار می‌گیرد پیوند در خانواده بر اساس مبادله اقتصادی، سیاسی، فرهنگی صورت می‌گیرد و کمتر به همسانی میان دو خانواده توجه می‌شود. امکان بروز نظام گسیختگی از نوع جدایی فکری میان دو همسر بیشتر می‌شود، زیرا مبنا پابرجایی و ماندگاری زندگی زناشویی همسانی شکل و برداشت‌های معنایی در ذهن زن و شوهر است (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۹۱).

همسانی میان دو زوج نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند زناشویی آنان را استوارتر می‌سازد. در حالی که ناهمسان‌همسری باعث می‌شود زوجین هر یک به گروهی خاص از جمله به سمت والدین خود گرایش داشته باشند و در هنگام تنش و دعوا طرف خانواده‌های پدری خود را بگیرند. به عبارتی می‌توان گفت ناهمسان‌همسری، سرچشمه‌ی کشمکش‌های خانوادگی است.

ناهمسان‌همسری ← تعلق به گروه خاصی (والدین) ← تنش - کشمکش ← حمایت از خانواده پدری

## ۲-۵- فرضیه‌ها

۱- بین تمایل به حمایت از خانواده‌های پدری توسط زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۲- بین تجربه اختلاف خانواده‌های پدری زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۳- بین محرومیت نسبی زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد

۴- بین دموکراتیک بودن یا مستبد بودن زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

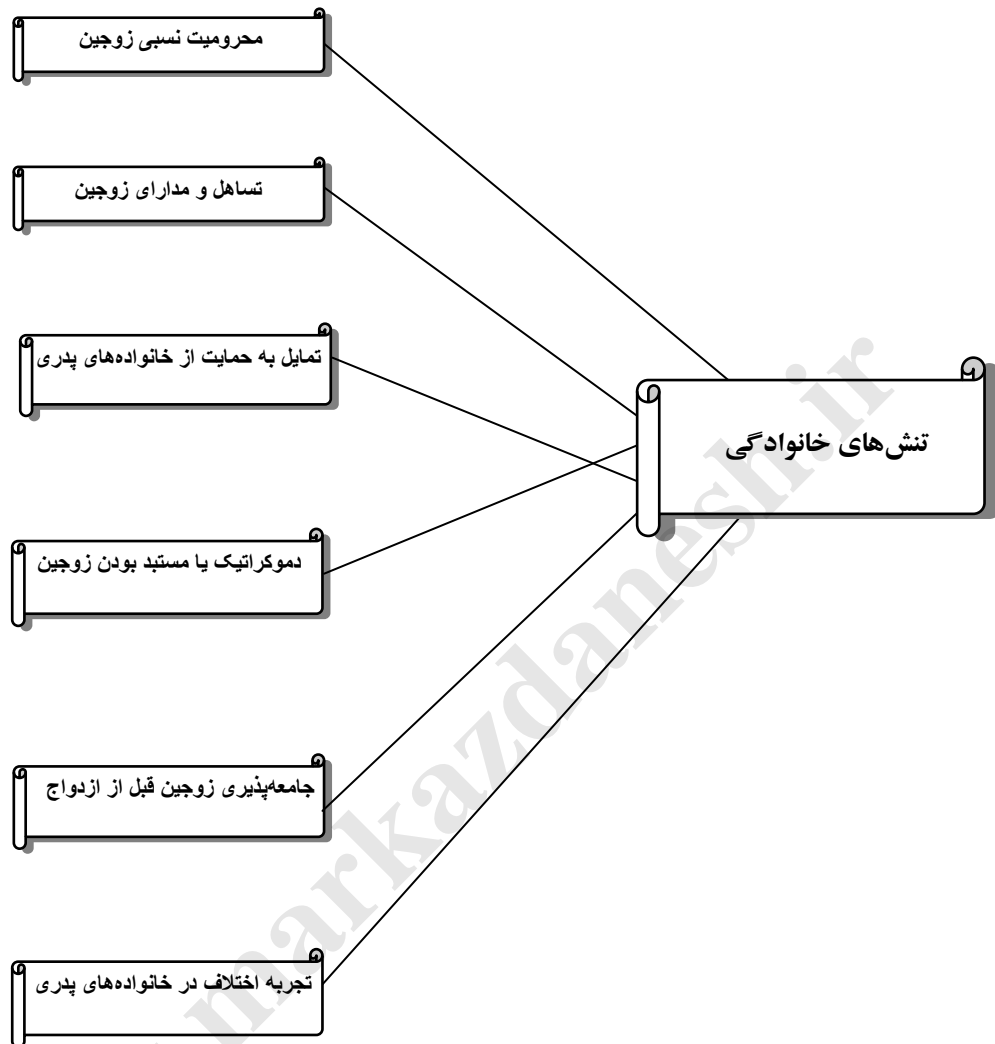
یا (زوجین دموکراتیک در خانواده تنش‌های خانوادگی کمتری نسبت به زوجین مستبد دارند).

۵- بین تساهل و مدارا کردن زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

یا (زوجینی که در برابر همسران خود مدارا می‌کنند تنش‌های خانوادگی کمتری را تجربه می‌کنند).

۶- بین جامعه‌پذیری زوجین قبل از ازدواج و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

## ۲-۶- مدل اولیه تحقیق



## **فصل سوم:**

**روشناسی تحقیق**



## ۳-۱- روش تحقیق

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تنش‌های خانوادگی موضوع این تحقیق می‌باشد. برای بررسی این موضوع باید افرادی انتخاب شدند که بتوان نظرشان در مورد وجود یا عدم وجود تنش در بین آنها سنجید. بنابراین جامعه آماری این بررسی شامل زن و شوهر خانواده‌های شهر خلخال و محدود به افراد متأهل می‌باشد اصولاً زمانی می‌تواند این موضوع مورد سنجش قرار گیرد که زن و شوهر زندگی مشترک با هم داشته باشند. بنابراین افرادی که ازدواج کرده ولی هنوز زندگی مشترک خود را آغاز نکرده‌اند و همچنین افراد مطلقه و . . . شامل این بررسی نمی‌شود.

این تحقیق از لحاظ جمع‌آوری اطلاعات از روش پیمایشی استفاده شده و به لحاظ زمانی مطالعه مقطعی و به لحاظ هدف کاربردی است.

این تحقیق با ابزار پرسشنامه انجام پذیرفته است.

## ۳-۲- جامعه آماری و برآورد حجم نمونه

### ۳-۲-۱- حجم نمونه

حجم نمونه یا مجموعه عنصرهایی که محقق باید با آنها مصاحبه کند به دو عامل کلیدی بستگی دارد، اول درجه دقت مورد نظر برای نمونه دوم میزان تغییر در جمعیت بر حسب خصوصیات اصلی مورد مطالعه.

درباره حجم نمونه و دقت نمونه‌گیری باید چند نکته را مورد توجه قرار داد. اولاً در جایی که حجم نمونه کوچک است افزایش اندکی در تعداد نمونه منجر به افزایش زیادی در دقت نمونه‌گیری می‌شود، مثلاً افزایش حجم نمونه از ۱۰۰ به ۱۵۶ خطای نمونه‌گیری را از ۱۰ درصد به ۸ درصد تقلیل می‌دهد. اما در نمونه‌های بزرگ افزایش حجم نمونه چنین حاصلی به بار نمی‌آورد. مثلاً برای کاهش خطای نمونه‌گیری از ۲/۵ درصد به ۲ درصد باید به حجم نمونه ۹۰۰ مورد افزود. قاعدتاً با نصف‌شدن خطای نمونه‌گیری حجم نمونه چهار برابر می‌شود. ثانیاً حجم جمعیتی که نمونه از آن انتخاب می‌شود و عمدتاً ربطی به دقت نمونه ندارد. فقط حجم نمونه است که حائز اهمیت است. تنها استثناء در این قاعده در جایی است که حجم نمونه نسبت قابل توجهی از جمعیت باشد (مثلاً ۱۰ درصد). در این صورت نمونه اندکی کوچکتر هم به همان نسبت از دقت برخوردار است (دواس، ۱۳۸۳، صص ۷۸-۷۹).

علاوه بر مسایل ذکر شده محقق باید تصویر درستی از تقسیم جمعیت در مورد صفت یا متغیر مورد مطالعه مثلاً درباره‌ی بررسی انتخاباتی باید به طبقات توجه خاص نمود یا شکاف جمعیتی در بین پدران و پسران که در میزان دقت نمونه‌گیری حائز اهمیت‌اند، بنابراین با درجه دقت مورد نظر و میزان تغییر در جمعیت با استفاده از فرمول کوکران از حجم جمعیت مجموعه عنصرها را برای نمونه‌گیری انتخاب می‌کنیم .

در این قسمت فرمول کوکران نوشته شود

$$N = \text{حجم جمعیت مورد مطالعه}$$

$$R = \text{وجود صفت در حجم نمونه}$$

$$q = R - 1 = \text{عدم وجود صفت در حجم نمونه}$$

$$d = \text{درجه‌ی اطمینان}$$

$$t = \text{ضریب اطمینان}$$

$n = \text{حجم جمعیت نمونه (ساروخانی، ۱۳۸۲، صص ۱۲۰-۱۲۱، سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۷۶، صص ۱۸۶-۱۹۱).}$

$$n = \frac{\frac{t^2 pg}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pg}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{1/96^2 \times 0/75 \times 0/25}{0/05^2}}{1 + \frac{1}{8910} \left( \frac{1/96^2 \times 0/75 \times 0/25}{0/05^2} - 1 \right)} = 279/094 = 280$$

### ۲-۲-۳. جامعه آماری

خانوارهای شهر خلخال ۸۹۱۰ خانوار (سرشماری اداره بهداشت شهرستان خلخال در سال ۱۳۸۸) برای بدست آوردن حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده که در این فرمول  $p = 75\%$  و  $q = 25\%$  در نظر گرفته شده است.  $n = 279/094$  نفر که ۲۸۰ نفر در نظر گرفتیم.

### ۳-۳-۱. واحد تحلیل

واحد تحلیل در این تحقیق زوجین شهر خلخال می‌باشد.

### ۳-۴- روش نمونه‌گیری

#### ۳-۴-۱. نمونه‌گیری تصادفی

در این نمونه‌گیری، هر یک از اجزاء یا عناصر جامعه آماری دارای شانس مساوی در جای یافتن در جمعیت نمونه است. بنابراین، این نوع نمونه‌گیری با شیوه‌های اتفاقی بسیار متفاوت است. اگر قرار باشد، تحقیقی در زمینه عقاید سیاسی - اجتماعی به عمل آید و محقق از هر کس که توانست سوال کند، این کار نمونه‌گیری نیست. هر قدر هم تعداد پاسخگویان بالا باشد، باز هم داده‌های به دست آمده بعد علمی ندارد.

نمونه‌گیری تصادفی به سه دسته تقسیم می‌شود.

الف) نمونه‌گیری تصادفی ساده

ب) نمونه‌گیری تصادفی با ارقام تصادفی

پ) نمونه‌گیری تصادفی مطابق: در این شیوه ابتدا جامعه آماری بر اساس متغیرهای اساسی نظیر سن، جنس و . . . به گروه‌هایی خاص تقسیم می‌شوند، پس از آن از هر گروه یک نمونه‌گیری تصادفی ساده به عمل می‌آید (ساروخانی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲).  
در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی مطابق استفاده شده است.

### ۳-۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری spss.14.0 صورت گرفته است. به منظور تجزیه و تحلیل آماری فرضیه‌های پژوهش از آمار توصیفی و استنباطی و رگرسیون و تحلیل مسیر متناسب با فرضیه‌های زیر استفاده گردید.

### ۳-۶- شیوه کدگذاری متغیرها

پاسخ‌هایی که برای متغیرهای مستقل و وابسته در نظر گرفته شد به این صورت می‌باشد به صورت طیف لیکرت، کاملاً موافقم = ۵، موافقم = ۴، بینابین = ۳، مخالفم = ۲، کاملاً مخالفم = ۱ در نظر گرفته شده است.

### ۷-۳- روایی و پایایی تحقیق

مقدار آلفای کرونباخ بین صفر تا یک است. هرچه قدر این مقدار به یک نزدیکتر باشد، قابلیت اعتماد مقیاس هم بیشتر است. آلفای کرونباخ باید حداقل ۷۰٪ باشد (البته برخی هم این مقدار را ۵۰٪ گفته‌اند) تا قابلیت اعتماد گویه‌ها کافی باشد (گودرزی، ۱۳۸۸، ص ۳۹).

ضریب آلفای گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها

گویه‌ها	تنش‌های خانوادگی (متغیر وابسته)	محرومیت نسبی
ضریب آلفای کرونباخ	۷۲/۱۲	۰/۷۰۰

برای پایایی<sup>۱</sup> متغیرها از روش پایداری درونی (ضریب آلفا) استفاده شد، یعنی با بررسی ضریب آلفای گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها و محاسبه‌ی ضریب آلفای گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها و محاسبه‌ی ضریب آلفای نسبتاً بالای آن‌ها انسجام درونی بالای گویه‌ها را تأیید می‌کند.

### ۸-۳- اعتبار<sup>۲</sup>

پرسشنامه تحقیق را اساتید جامعه‌شناسی ملاحظه کردند و همچنین به اصلاح پرسشنامه پرداختند که پس از اصلاح نهایی یادآور شدند که از اعتبار لازم برخوردار می‌باشد.

### ۹-۳- تعریف مفاهیم

#### ۹-۳-۱. تعاریف نظری و عملیاتی

الف) متغیر وابسته: تنش‌های خانوادگی (کشمکش)

#### ۱- تنش اجتماعی<sup>۳</sup>

در قلمرو جامعه‌شناسی، یک تنش اجتماعی، حالتی انفعالی و عاطفی است مبتنی بر تخالف و یا تعارض بین اشخاص یا گروه‌هایی چند. علاوه بر این، این اصطلاح حاوی اندیشه‌ی کشمکشی نهان و جزئاً سرکوب شده است که هنوز «به حد انفجار» نرسیده است.

1 - Reliability

2 - Validity

3 - social Tension

تنش اجتماعی دو یا چند گروه را با یکدیگر مرتبط می‌سازد، برای آنکه تنش اجتماعی پدید آید، باید بین این گروه‌ها فاصله و افتراقی از نظر وضع (پایگاه)، همچنین زمینه مشترکی حاوی اصطکاک منافع، که در آن مخالفت‌ها بروز می‌کنند، وجود داشته باشد.

علی که تنش‌ها را برمی‌انگیزند، گوناگونند، مانند خرافات، جهل متقابل، منافع اقتصادی و مادی، مرام، عقیده، افکار عمومی، انفعالات جمعی.

زمانی که کشمکش بروز می‌کند، از حالت تنش به حالت بحران رسیده‌ایم که به منزله‌ی تخلیه‌ی تنش است. متعاقب آن می‌توان شاهد بروز «هنجارهایی» بود که راه‌هایی نادرست در حل کشمکش‌ها هستند، مخصوصاً هر بار که رقبا خشم خود را بر سر قربانی‌هایی فرو ریزد که در واقع گناهکار نیستند و بدینسان از حمله به علل حقیقی تخلفشان اجتناب کنند.

تنشها لزوماً بد نیستند، چه، تاحدودی می‌توانند موجبات پشت سر نهادن وضع مبتنی بر کشمکش را فراهم سازند و دگرگونی اجتماعی مبتنی را موجب گردند.

از نقطه نظر روان‌شناسی فردی، ژانت این واژه را در معنی میزان توانایی یک فرد در دستیابی به حدی از توانایی‌هایش به کار می‌گیرد. در این معنی، درجه‌ی استتعار تمایلات مورد نظر است (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۳۸۶).

کشمکش<sup>۱</sup>: کشمکش از واژه لاتینی به معنای مبارزه کردن، برخورد و ضرب‌ه‌زدن، گرفته شده است. هنگامی است که دو یا چند نفر، یا دو یا چند گروه با یکدیگر به هر دلیلی (مادی یا اندیشه‌ای) در ستیزند. کشمکش، حالتی از مبارزه و تنازع را پدید می‌آورد که در آن هر یک از طرفین به وسایلی مثبت می‌شوند تا دیگری را وادار به تسلیم کنند کشمکش‌ها به نسبت تعداد ابعاد حیات تعدد دارند (شاپان‌مهر، ۱۳۷۷، ص ۵۳۶).

کشمکش از ریشه *confliger* به معنای «برخورد کردن» و «مبارزه کردن» گرفته شده است. هر گاه دو یا چند نفر و یا چند گروه به جهت تخالف در اندیشه و یا منافع، در حال تعارض آشکار و عدم توافق آمیخته با خشونت قرار گیرند. با وضعی مبتنی بر کشمکش مواجه خواهیم بود مفهوم کشمکش وضعی حاکی از تنازع را می‌سازند که در آن هر یک از رقبا از وسایلی گوناگون در جهت مجبور ساختن دیگری به تسلیم و ترک دعوی استفاده می‌کنند. کشمکش‌ها گاه به حد جنگ آشکارا می‌رسند که در آن برای رقیب و یا امحای او، از وسایلی خشونت بار سود جسته می‌شود.

کشمکش‌های اجتماعی به همان اندازه تعدد می‌یابند که صور تقابل و مبارزه در روابط اجتماعی، از کشمکش‌های خانوادگی تا کشمکش‌های بین‌المللی، متعدّدند. مهمترین کشمکش‌های اجتماعی عبارتند

---

1 - conflict

از: کشمکش‌های شغلی، طبقه‌ای، کشمکش‌های ناشی از ملی‌گرایی در بعد اقتصادی و کشمکش‌های نژادی (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۷۵۵).

کشمکش اجتماعی<sup>۱</sup>: فقدان وفاق و یا اجماع اجتماعی، تعدد منافع و احتمالاً کاستی در فرصت‌ها و قدرت در امکانات را می‌رساند. از نظر کوزر کشمکش اجتماعی می‌توان تنازع برای منزلت، قدرت و منافع نادر و یا ارزش‌ها باشد. هدف غایی کشمکش‌کنندگان نه تنها کسب ارزش‌هاست، بلکه آشکارا یا بطور ضمنی سعی در برانداختن رقیب نیز دارند.

## ۲- جامعه‌پذیری زوجین:

### تعارف نظری

اجتماعی‌شدن<sup>۲</sup>: فرایند آموزش ارزش‌ها، تشکیل طرز تلقی‌ها و فراگیری رفتارهای متناسب با هنجارهای پذیرفته یک جامعه. با تحقق فرایند اجتماعی‌شدن، فرد هویت یا «من» اجتماعی می‌یابد، همچنین دانستی‌های ضروری و پیشین را جهت انجام درست نقش‌های اجتماعی کسب می‌کند. در فرهنگ علوم اجتماعی در تعریف آن آمده است «اجتماعی‌شدن در روان‌شناسی اجتماعی فرآیندی را می‌رساند که از طریق آن فرد با اکتساب رفتاری که گروه می‌پسندد، یاد می‌گیرد تا با آن سازگاری یابد» (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۸۰۳).

اجتماعی‌شدن - جامعه‌پذیری یا پرورش: اجتماعی‌شدن به معنی همسازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است اجتماعی‌شدن فراگردی است که به واسطه‌ی آن فرد دانش و مهارت‌های لازم را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی کسب می‌کند (شایان‌مهر، ۱۳۷۷، ص ۴۱).

جامعه‌پذیری فرآیندی است که به موجب آن شخصی هنجارهای گروه‌هایی را که در میان آنها زندگی می‌کند، درونی می‌کند. به طوری که یک خود واحد پدیدار می‌شود.

خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی، گروه همسالان و مدرسه نامرئی عواملی هستند که در فرآیند اجتماعی‌شدن انسان‌ها نقش دارند. جامعه‌شناسان فرایند اجتماعی‌شدن را از دو دیدگاه مورد بررسی قرار می‌دهند.

الف) دیدگاه فردی: از دیدگاه فردی فرایند اجتماعی‌شدن به معنای گسترش «من اجتماعی» است. از طریق آموزش، پیش‌بینی، ارزیابی و بسط تجربه آگاه در اختیار خویشتن. مید و همچنین کولی صاحب‌نظرانی هستند که اجتماعی‌شدن را از این دیدگاه مورد بررسی قرار داده‌اند.

1 - social conflict

2 - socialization

ب) دیدگاه اجتماعی: از این دیدگاه، اجتماعی شدن فرآیند انتقال میراث فرهنگی و تداوم آن از این طریق است. جامعه باقی نمی ماند مگر آنکه بین اعضا نوعی وفاق در شیوه های اصلی عمل و اندیشه به وجود آید و در خلال قرون تداوم یابد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۷۴۳).

اجتماعی شدن: اجتماعی شدن مبنای فردیت و آزادی ما نیز هست. در جریان اجتماعی شدن هر یک از ما یک حس هویت شخصی<sup>۱</sup> و توانایی اندیشه و عمل مستقل پیدا می کند.

اجتماعی شدن فرایندی است که به وسیله ی آن، از طریق تماس با انسان های دیگر، کودک ناتوان به تدریج به انسانی آگاه، دانا و ماهر در شیوه های رفتار و ویژه ی فرهنگ و محیط معینی تبدیل می شود (گیدنز، ۱۳۷۳، صص ۹۵، ۹۶).

تعارف عملیاتی:

جامعه پذیری زوجین:

- خانواده (اختلاف و درگیری والدین)

- خویشاوندان (روابط با همسایگان و اختلافات خانوادگی همسایه ها)

- جمع دوستان (مشاهده اختلافات خانوادگی دوستان و . . .)

- رسانه های جمعی (مجلات و نشریات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، ویدئو و سی دی و . . .)

- محیط پیرامونی، محیط اطراف

- محیط مدرسه و دانشگاه

تعاریف نظری:

۳- مرکزیت (دموکراتیک<sup>۲</sup>):

اصول اساسی مرکزیت دموکراتیک عبارتند از: انتخاب اعضای بالا توسط اعضای پایین، اجرای ضروری و الزامی همه دستورهایی که از بالا می رسد (شایان مهر، ۱۳۷۷، ص ۵۴۵).

دموکراتیک: منسوب و وابسته به حکومت ملی (عمید، ۱۳۸۱، ص ۹۸۶).

در رهبری آمرانه، اختیار و قدرت در انحصار گروه نخبگان سازمان، کسانی که در بالاترین سطح سلسله مراتب قرار دارند، است، اما هنگامی که سازمان با رهبری دموکراتیک اداره می شود، کارکنان سطوح گوناگون اجازه دارند در فرایند تصمیم گیری شرکت جویند. عمده ترین عیب رهبری

1 - Self-identity

2 - Democratic

دموکراتیک این است که تصمیم‌گیری سریع و کارآمد در آن، غالباً دشوار است (کوئن، ۱۳۸۱، ص ۳۷۲).

مستبد: خودرأی، خودسر، کسی که کاری را برای خود و بدون مشورت دیگران انجام بدهد (عمید، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹۹).

تعارف عملیاتی:

احترام به حقوق همدیگر:

- تقسیم کارهای خانه
- مطیع و فرمانبردار نیستند
- تمام اعضای خانواده قابل احترام
- همکاری اعضای خانواده با همدیگر
- حق دخالت زوجین در اداره امور خانه
- حق اظهار نظر درباره مسائل مختلف
- تقسیم درآمد خانواده و مخارج و موارد دیگر
- حق پیشنهاد دادن درباره کارهای خانه

تعاریف نظری:

محرومیت: بی‌بهرگی، حرمان، ناامیدی، امتناع، ممانعت، احتیاج، زیان (علامه فلسفی، ۱۳۸۱، ص ۵۹۵).

وجود نابرابری موجب تغییر ادراک و رفتار فرد می‌شود و فرد تا رسیدن به تعادل به تغییر ادراک و رفتار خود ادامه می‌دهد. احساس نابرابری رابطه تنگاتنگی با احساس بی‌عدالتی دارد. احساس بی‌عدالتی نسبی زمانی پیش می‌آید که انسان، یک وسیله ارضای نیاز را ببیند و ادراک کند، او نیز میل به داشتن آن کند، اما امکان به دست آوردن آن را نداشته باشد (رفیع‌پور، ۱۳۶۴، ص ۲۰).

تعاریف عملیاتی:

۴- محرومیت نسبی زوجین:

- رفتار زن و شوهرهای دیگر
- وضع زندگی همسایه‌ها



- ماشین‌های شیک و مدل بالا
- وضع زندگی اقوام و خویشاوندان
- رفتن به مسافرت
- نگرش زوجین به همدیگر (احساسات و عواطف و . . .)

تعاریف نظری:

حمایت: پشتیبانی و مواظبت و نگهداری کردن از کسی در انجام کاری یا در برابر خطر و آسیبی (انوری، ۱۳۸۳، ص ۴۶۰).

تعاریف عملیاتی

۵- حمایت از خانواده‌های پدری

- احساس برتری
- احساس غرور نسبت به خانواده
- در بگومگوها طرف خانواده خود را گرفتن
- مشکل نداشتن خانواده‌ها
- بزرگ دیدن حداقل حمایت خانواه پدری
- زیرپا نگذاشتن خانواده پدری در هر مسأله و مشکلی

تعاریف نظری:

تساهل: سهل‌گرفتن، آسان‌گرفتن بر یکدیگر، به نرمی رفتارکردن، سست‌گرفتن (عمید، ۱۳۸۱، ص ۵۷۳).

تساهل: آسان‌گرفتن (ربّانی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۳).

تساهل: ۱- سهل‌انگاری و سستی‌کردن، ۲- تحمل کردن امور ناخوشایند یا عقاید مخالف از

دیگران بدون تنگ نظری (انوری، ۱۳۸۳، ص ۳۰۹).

مدارا: مدارات: خوش‌رفتاری و نرمی (ربّانی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۳).

مدارا: ۱- به نرمی و مهربانی رفتارکردن، ۲- بردباری و تحمل‌کردن (انوری، ۱۳۸۳،

ص ۱۱۲۰).

مدارا: در بسیاری از اوقات افراد یا گروهایی که وارد ستیزه هستند با یکدیگر نمی‌توانند توافق نظر حاصل کنند. لیکن از ستیزه دست می‌کشند. در حالی که اختلافشان به قوت خود باقی می‌ماند این وضعیت مدارا نام می‌گیرد (شایان‌مهر، ۱۳۷۷، ص ۴۸۳).

تعاریف عملیاتی:

تساهل و مدارا

- سکوت کردن در برابر غرزدن همدیگر
- موقع عصبانی با مهر و محبت آرام کردن
- گوش فرا دادن به حرفهای همدیگر موقعی که به نفع همدیگر نباشد
- گذشت کردن از اشتباهات همدیگر
- حل و فصل کردن مشکلات همدیگر بدون بحث و منازعه
- اختلاف: با یکدیگر خلاف کردن، مخالف شدن، ناسازگاری داشتن، ناجور بودن ناسازگاری (عمید، ۱۳۸۱، ص ۹۵).

تعارض: متعارض و مزاحم یکدیگر شدن، با هم خلاف کردن، اختلاف داشتن (عمید، ۱۳۸۱، ص ۵۸۶).

تجربه اختلاف خانواده‌های پدری

تعریف نظری اختلاف:

عدم موافقت، با یکدیگر خلاف کردن، نزاع کردن، ۲- خلیفه و جانشین کسی گردیدن، ۳- نزد کسی آمدوشد کردن، تردد کردن، ۴- نزاع، کشمکش (معین، ۱۳۷۱، ص ۹۰).

تعریف عملیاتی

- الگوبرداری زوجین از رفتار پدران و مادرانشان
- بد رفتاری‌های کلامی و عاطفی مانند توهین، فحاشی والدین به همدیگر در حضور فرزندان
- تعداد بگومگوهای روزانه که بین والدین است.

## فصل چهارم:

آمار توصیفی

- جداول یک بعدی

آمار استنباطی

آزمون پیرسون

آزمون رگرسیون

تحلیل عامل

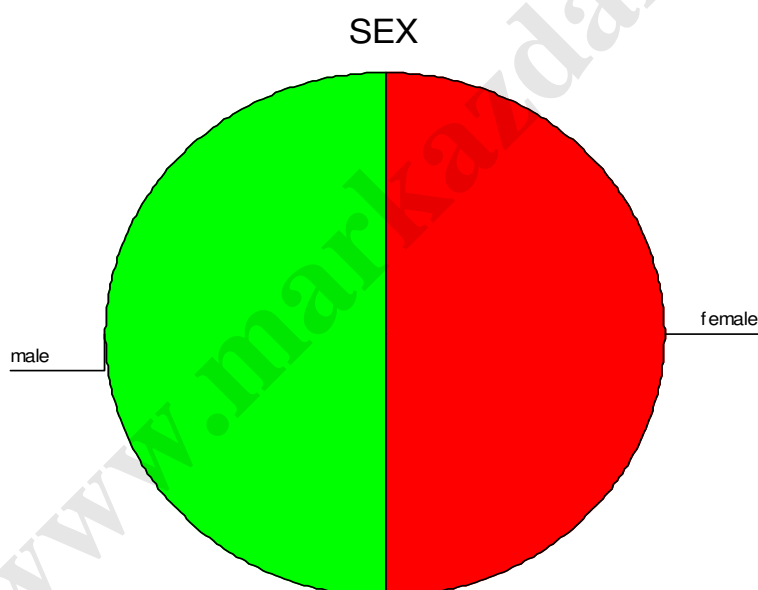
تحلیل مسیر

#### ۴-۱- آمار توصیفی

جدول شماره (۴-۱): جنسیت

فرآوانی	درصد	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی
زن	۱۴۰	۵۰/۰	۵۰/۰
مرد	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۱): جنسیت

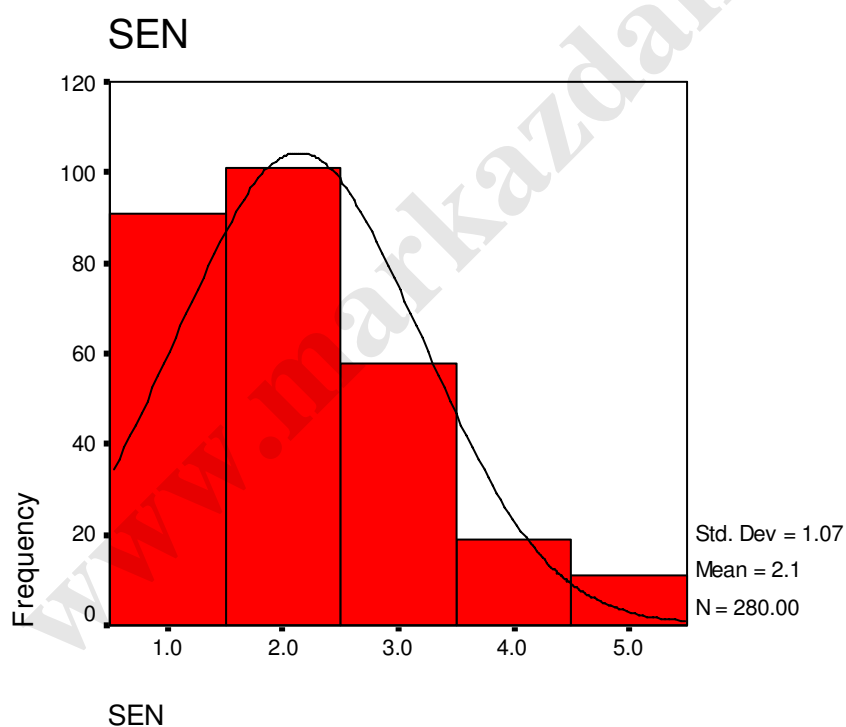


این سوال در سطح اسمی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی مد = ۱ می باشد و همچنین ۱۴۰ نفر در حدود ۵۰٪ از حجم نمونه به مردان و ۵۰٪ حجم نمونه به زنان تعلق دارد.

جدول شماره (۲-۴): سن

سال	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۳۲-۲۲	۹۱	۳۲/۵	۳۲/۵	۳۲/۵
۴۲-۳۲/۱	۱۰۱	۳۶/۱	۳۶/۱	۶۸/۶
۵۲-۴۲/۱	۵۸	۲۰/۷	۲۰/۷	۸۹/۳
۶۲-۵۲/۱	۱۹	۶/۸	۶/۸	۹۶/۱
۶۲/۱	۱۱	۳/۹	۳/۹	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۲-۴): نمودار نرمال سن

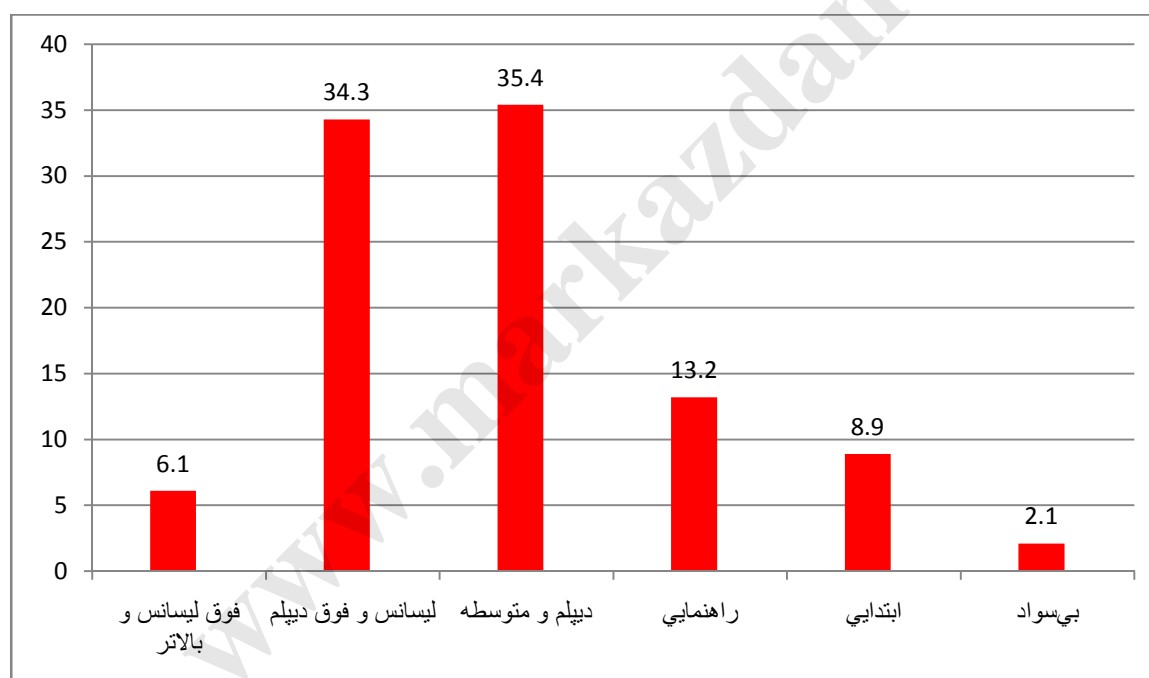


این سوال در سطح ترتیبی مطرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد. حداقل سن ۲۵ و حداکثر آن ۷۵ سال می باشد بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۲/۱ الی ۴۲ ساله است.

جدول شماره (۳-۴): میزان تحصیلات

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	
۱۷	۶/۱	۶/۱	۶/۱	فوق لیسانس و بالاتر
۹۶	۳۴/۳	۳۴/۳	۴۰/۴	لیسانس و فوق دیپلم
۹۹	۳۵/۴	۳۵/۴	۷۵/۷	دیپلم و متوسطه
۳۷	۱۳/۲	۱۳/۲	۸۸/۹	راهنمایی
۲۵	۸/۹	۸/۹	۹۷/۹	ابتدایی
۶	۲/۱	۲/۱	۱۰۰/۰	بی سواد
۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		جمع

نمودار شماره (۳-۴): میزان تحصیلات

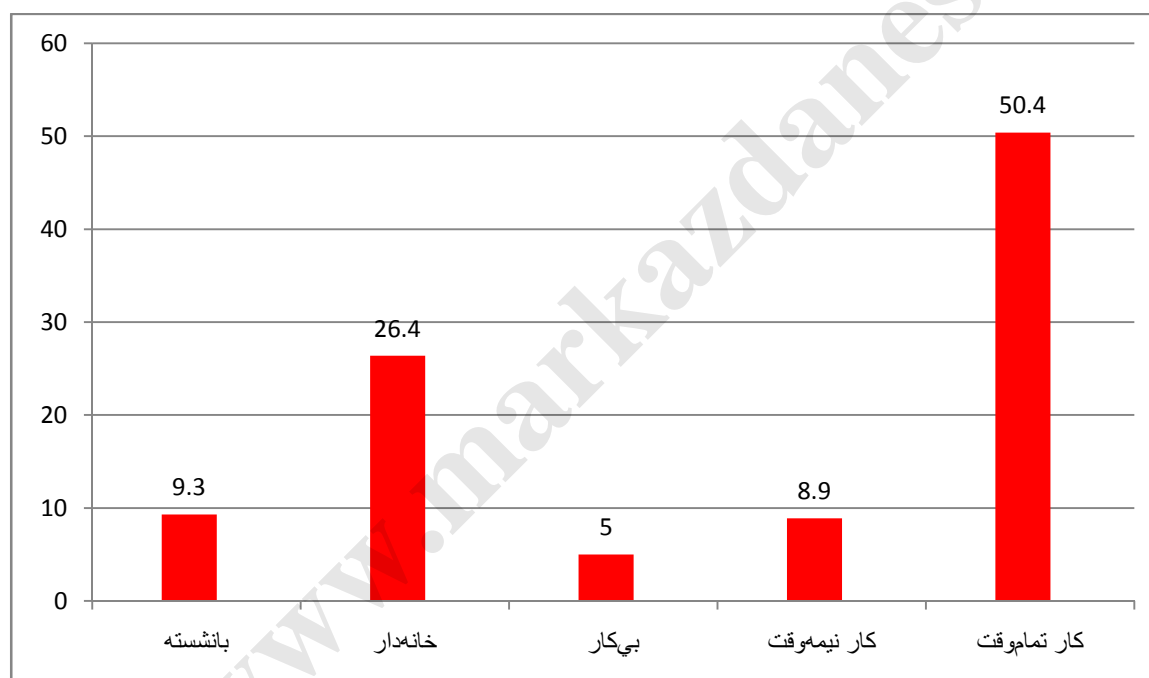


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۹۹ نفر در حدود ۳۵/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (متوسطه و دیپلم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۶ نفر در حدود ۲/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (بی سواد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۴): وضعیت اشتغال

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی	
۲۶	۹/۳	۹/۳	۹/۳	بازنشسته
۷۴	۲۶/۴	۲۶/۴	۳۵/۷	خانهدار
۱۴	۵/۰	۵/۰	۴۰/۷	بی‌کار
۲۵	۸/۹	۸/۹	۴۹/۶	کار نیمه‌وقت
۱۴۱	۵۰/۴	۵۰/۴	۱۰۰/۰	کار تمام وقت
۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		جمع

نمودار شماره (۴-۴): وضعیت اشتغال

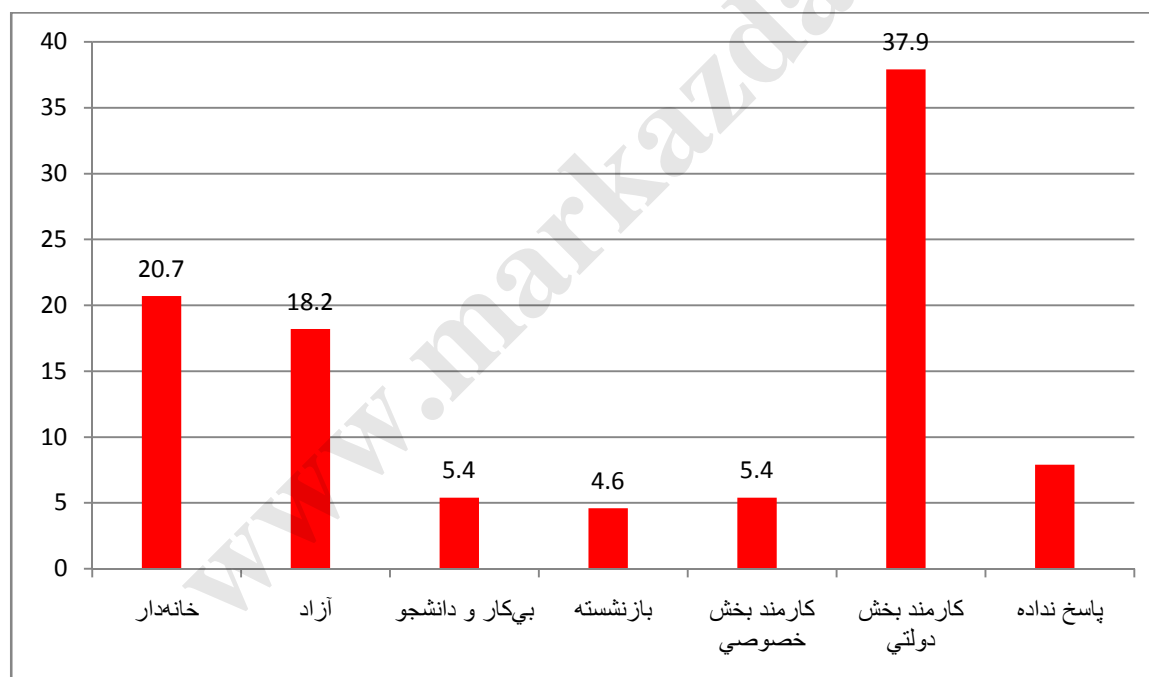


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۵ می‌باشد و همچنین ۱۴۱ نفر در حدود ۵۰/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (کار تمام‌وقت) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۴ نفر در حدود ۵ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (بی‌کار) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۵): نوع شغل خود پاسخگو

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی	
خانهدار	۵۸	۲۰/۷	۲۰/۷	
آزاد	۵۱	۱۸/۲	۳۸/۹	
بی‌کار و دانشجو	۱۵	۵/۴	۴۴/۳	
بازنشسته	۱۳	۴/۶	۵۴/۹	
کارمند بخش خصوصی	۱۵	۵/۴	۹۲/۱	
کارمند بخش دولتی	۱۰۶	۳۷/۹	۱۰۰/۰	
پاسخ نداده	۲۲	۷/۹		
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰		

نمودار شماره (۴-۵): نوع شغل خود پاسخگو



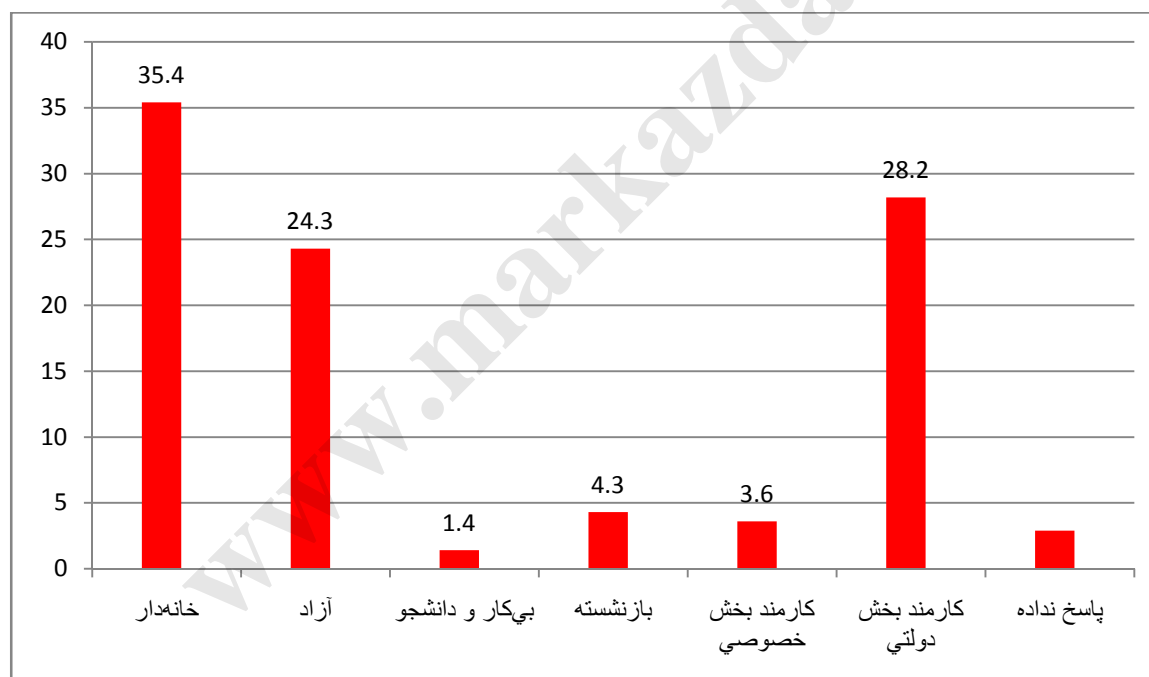
این سوال در سطح اسمی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی نما = ۵ می‌باشد و همچنین ۱۰۶ نفر در حدود ۳۷/۹ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (کارمند دولتی) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۳ نفر در حدود ۴/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (بازنشسته) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.



جدول شماره (۴-۶): نوع شغل همسر پاسخگو

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی	
خانهدار	۹۹	۳۵/۴	۳۵/۴	
آزاد	۶۸	۲۴/۳	۵۹/۶	
بی‌کار و دانشجو	۴	۱/۴	۶۱/۱	
بازنشسته	۱۲	۴/۳	۶۵/۴	
کارمند بخش خصوصی	۱۰	۳/۶	۶۸/۹	
کارمند بخش دولتی	۷۹	۲۸/۲	۹۷/۱	
پاسخ نداده	۸	۲/۹	۱۰۰/۰	
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰		

نمودار شماره (۴-۶): نوع شغل همسر پاسخگو

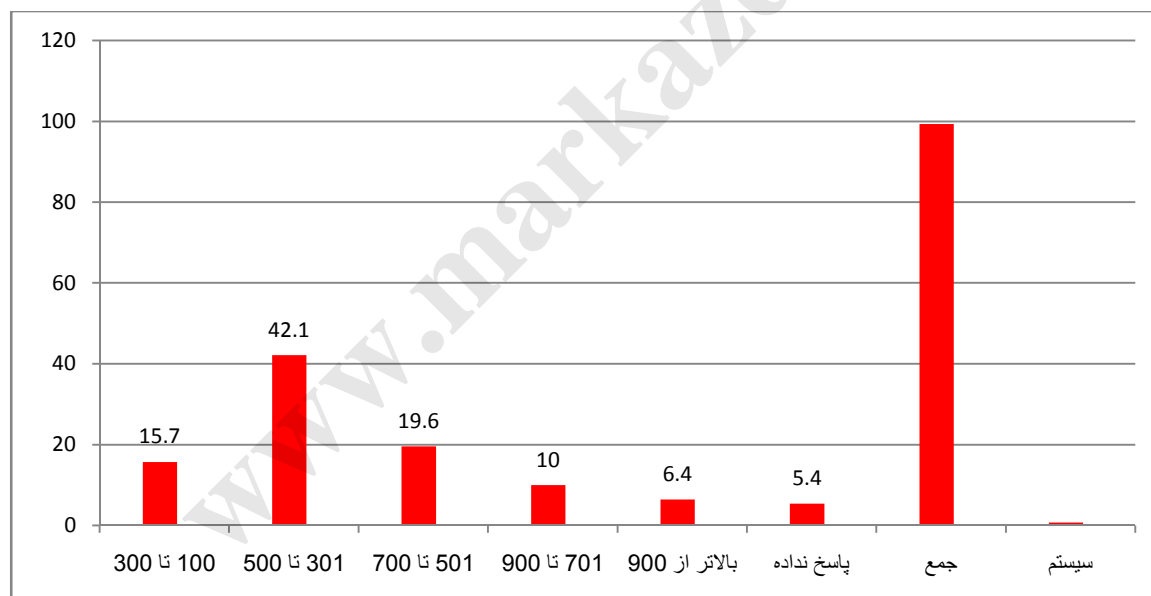


این سوال در سطح اسمی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی نما = ۵ می‌باشد و همچنین ۹۹ نفر در حدود ۳۵/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خانهدار) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۴ نفر در حدود ۱/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (بی‌کار و دانشجو) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۷-۴): میزان درآمد ماهیانه زوجین شهر خلخال به هزار تومان

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۱۵/۸	۱۵/۸	۱۵/۷	۴۴	۱۰۰ تا ۳۰۰
۵۸/۳	۴۲/۴	۴۲/۱	۱۱۸	۳۰۱ تا ۵۰۰
۷۸/۱	۱۹/۸	۱۹/۶	۵۵	۵۰۱ تا ۷۰۰
۸۸/۱	۱۰/۱	۱۰/۰	۲۸	۷۰۱ تا ۹۰۰
۹۴/۶	۶/۵	۶/۴	۱۸	بالاتر از ۹۰۰
۱۰۰/۰	۵/۴	۵/۴	۱۵	پاسخ نداده
	۱۰۰/۰	۹۹/۳	۲۷۸	جمع
		۰/۷	۲	سیستم
		۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع کل

نمودار شماره (۷-۴): میزان درآمد ماهیانه زوجین شهر خلخال به هزار تومان

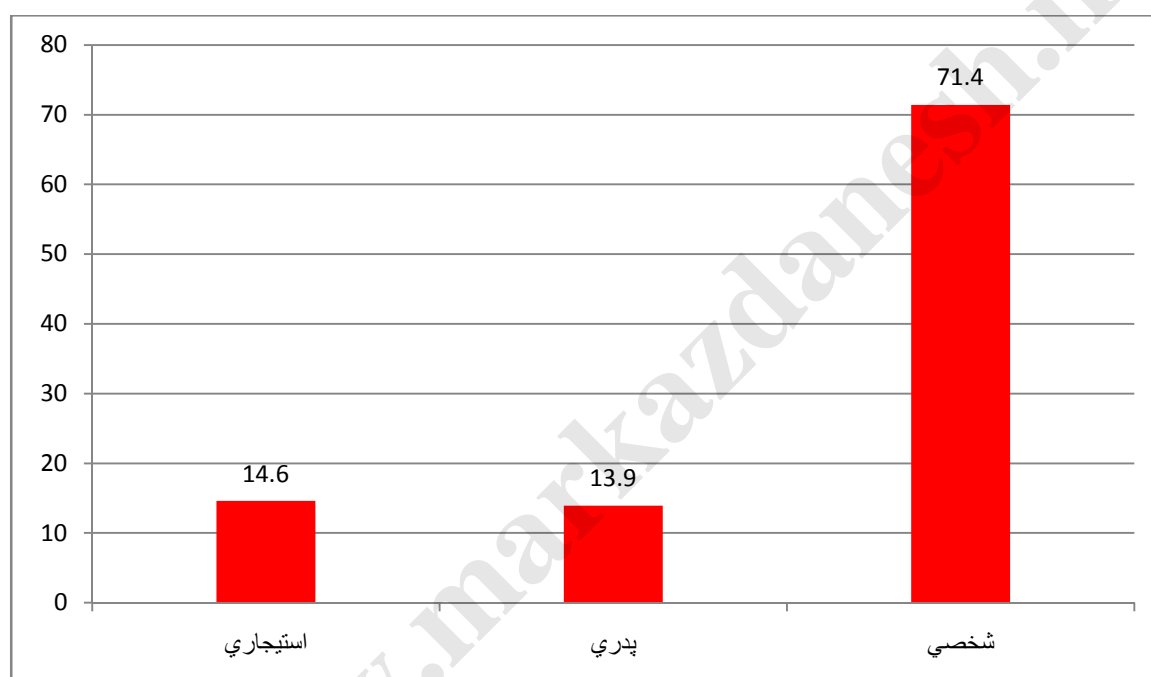


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۱۱۸ نفر در حدود ۴۲/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (درآمد بین ۳۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۸ نفر در حدود ۶/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (درآمد بالاتر از ۹۰۰ هزار تومان) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۸): نوع مسکن

درصد فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني	فراواني	
۱۴/۶	۱۴/۶	۱۴/۶	۴۱	استيجاري
۲۸/۶	۱۳/۹	۱۳/۹	۳۹	پدري
۱۰۰/۰	۷۱/۴	۷۱/۴	۲۰۰	شخصي
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۴-۸): نوع مسکن

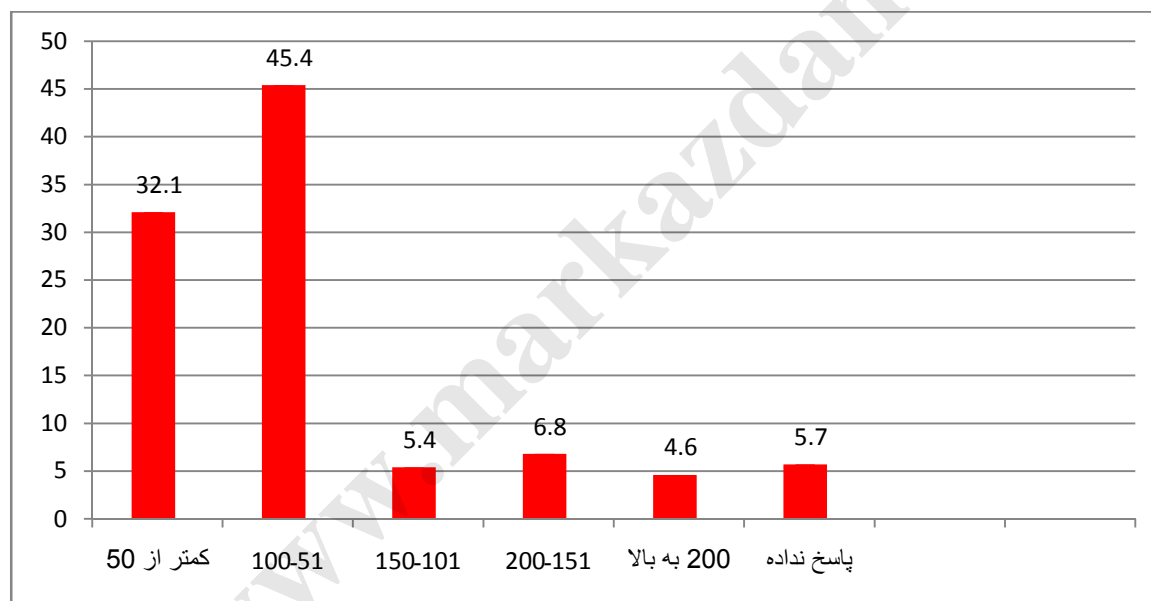


این سوال در سطح اسمی طرح شده و شاخص گرانش مرکزی نما = ۳ می باشد و همچنین ۲۰۰ نفر در حدود ۷۱/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (خانه شخصی) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳۹ نفر در حدود ۱۳/۹ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (خانه پدری) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۹-۴): متوسط هزینه ماهیانه پوشاک خانواده‌ها

درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
۳۲/۱	۳۲/۱	۳۲/۱	۹۰	کمتر از ۵۰
۷۷/۵	۴۵/۴	۴۵/۴	۱۲۷	۵۱-۱۰۰
۸۲/۹	۵/۴	۵/۴	۱۵	۱۰۱-۱۵۰
۸۹/۶	۶/۸	۶/۸	۱۹	۱۵۱-۲۰۰
۹۴/۳	۴/۶	۴/۶	۱۳	۲۰۰ به بالا
۱۰۰/۰	۵/۷	۵/۷	۱۶	پاسخ نداده
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۹-۴): متوسط هزینه ماهیانه پوشاک خانواده‌ها

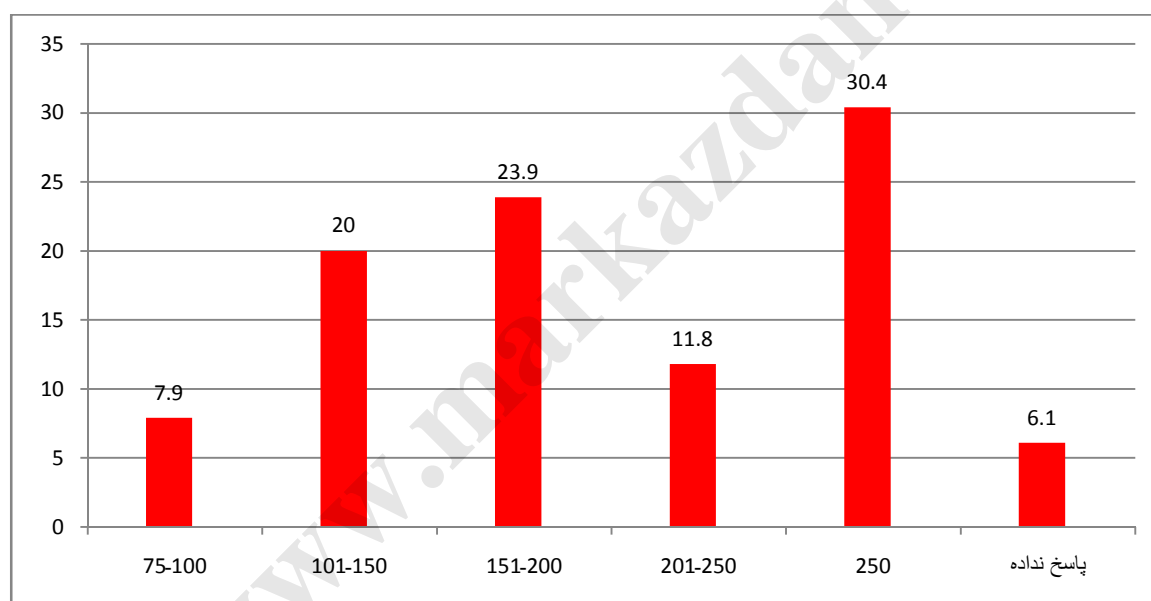


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می‌باشد و همچنین ۱۲۷ نفر در حدود ۴۵/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (بین ۵۱ تا ۱۰۰ هزار تومان) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۳ نفر در حدود ۴/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (۲۰۰ هزار تومان به بالا) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۱۰): متوسط هزینه خوراک ماهیانه خانواده‌ها

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۱۰۰-۷۵	۲۲	۷/۹	۷/۹	۷/۹
۱۵۰-۱۰۱	۵۶	۲۰/۰	۲۰/۰	۲۷/۹
۲۰۰-۱۵۱	۶۷	۲۳/۹	۲۳/۹	۵۱/۸
۲۵۰-۲۰۱	۳۳	۱۱/۸	۱۱/۸	۶۳/۶
۲۵۰	۸۵	۳۰/۴	۳۰/۴	۹۳/۹
پاسخ نداده	۱۷	۶/۱	۶/۱	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۱۰): متوسط هزینه خوراک ماهیانه خانواده‌ها

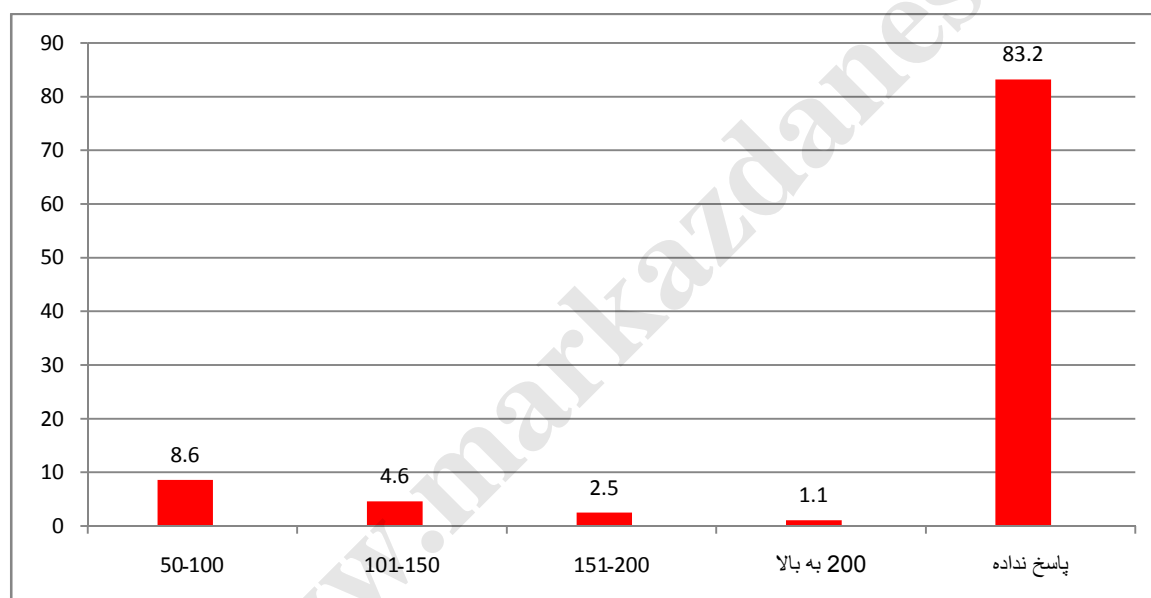


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می‌باشد و همچنین ۸۵ نفر در حدود ۳۰/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (۲۵۰ هزار تومان به بالا) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۲۲ نفر در حدود ۷/۹ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (۷۵ تا ۱۰۰ هزار تومان) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۱۱): متوسط هزینه ماهیانه مسکن در صورت استیجاری بودن

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۸/۶	۸/۶	۸/۶	۲۴	۵۰-۱۰۰
۱۳/۲	۴/۶	۴/۶	۲۳	۱۰۱-۱۵۰
۱۵/۷	۲/۵	۲/۵	۷	۱۵۱-۲۰۰
۱۶/۸	۱/۱	۱/۱	۳	۲۰۰ به بالا
۱۰۰/۰	۸۳/۲	۸۳/۲	۲۳۳	پاسخ نداده
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۴-۱۱): متوسط هزینه ماهیانه مسکن در صورت استیجاری بودن

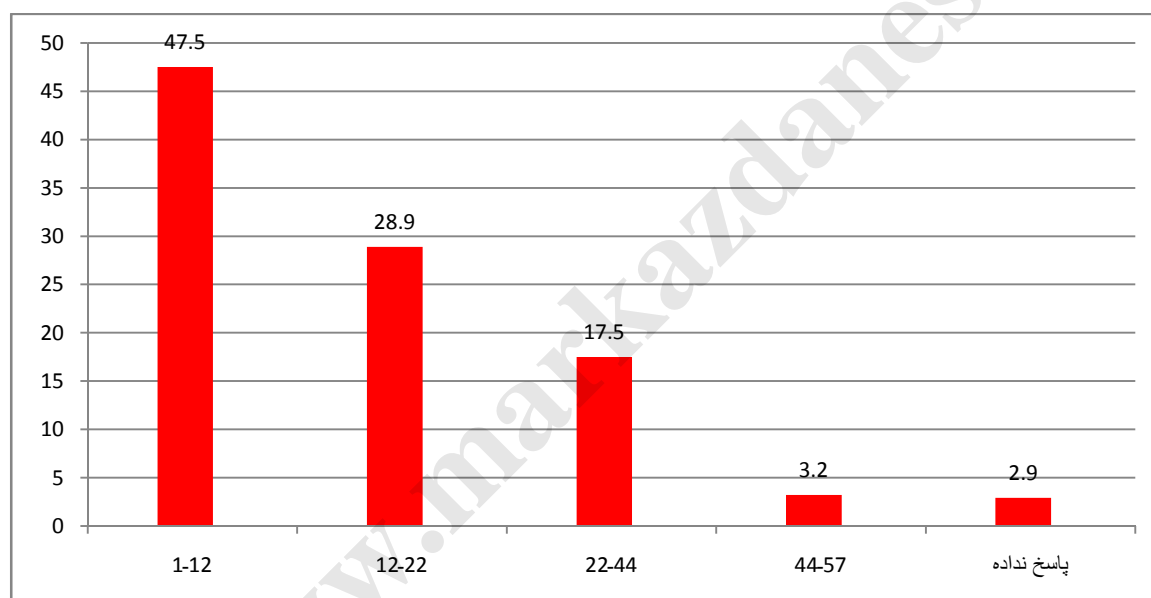


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۲۴ نفر در حدود ۸/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (بین ۵۰ الی ۱۰۰ هزار تومان) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳ نفر در حدود ۱/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (۲۰۰ هزار تومان به بالا) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۱۲): مدت ازدواج

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۴۷/۵	۴۷/۵	۴۷/۵	۱۳۳	۱۲-۱
۷۶/۴	۲۸/۹	۲۸/۹	۸۱	۲۲-۱۲
۹۳/۹	۱۷/۵	۱۷/۵	۴۹	۴۴-۲۲
۹۷/۱	۳/۲	۳/۲	۹	۵۷-۴۴
۱۰۰/۰	۲/۹	۲/۹	۸	پاسخ نداده
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۴-۱۲): مدت ازدواج

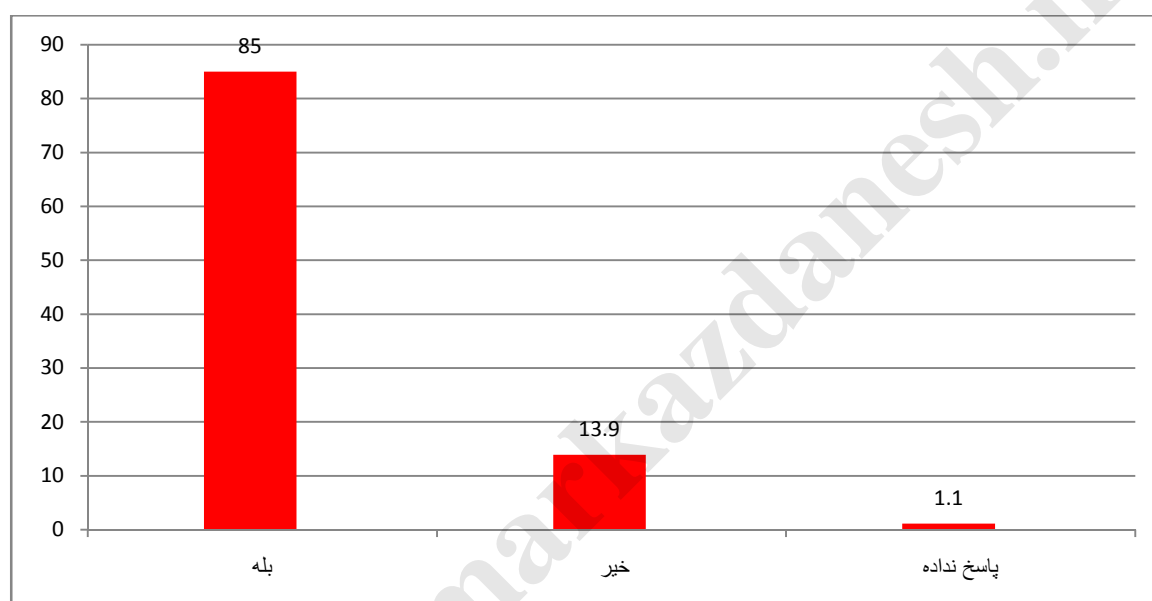


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۵ می باشد و همچنین ۱۳۳ نفر در حدود ۴۷/۵ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (بین یک تا ۱۲ سال ازدواج) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۹ نفر در حدود ۳/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (بین ۴۴ تا ۵۷ سال ازدواج) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۱۳): فرزند داشتن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی	
بله	۲۳۸	۸۵/۰	۸۵/۰	
خیر	۳۹	۱۳/۹	۹۸/۹	
پاسخ نداده	۳	۱/۱	۱۰۰/۰	
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰		

نمودار شماره (۴-۱۳): فرزند داشتن

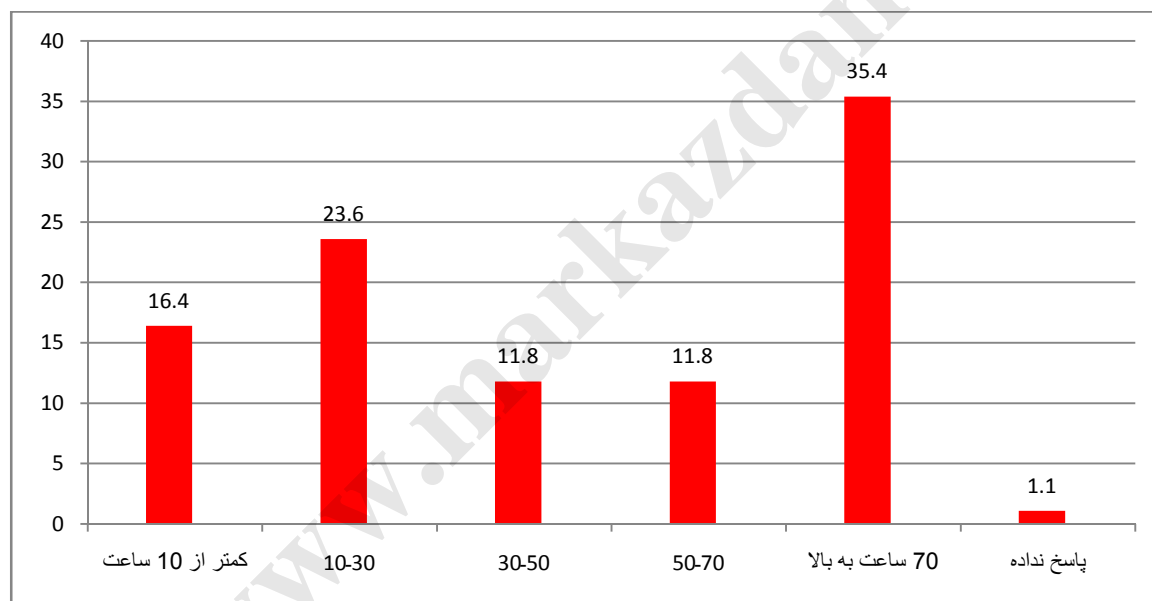




جدول شماره (۴-۱۴): میزان استفاده از رسانه‌ها در يك ماه گذشته (تلویزیون)

درصد فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني تجمعي
۴۶	۱۶/۴	۱۶/۴	۱۶/۴	کمتر از ۱۰ ساعت
۶۶	۲۳/۶	۲۳/۶	۲۳/۶	۳۰-۱۰
۳۳	۱۱/۸	۱۱/۸	۱۱/۸	۵۰-۳۰
۳۳	۱۱/۸	۱۱/۸	۱۱/۸	۷۰-۵۰
۹۹	۳۵/۴	۳۵/۴	۳۵/۴	۷۰ ساعت به بالا
۳	۱/۱	۱/۱	۱/۱	پاسخ نداده
۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

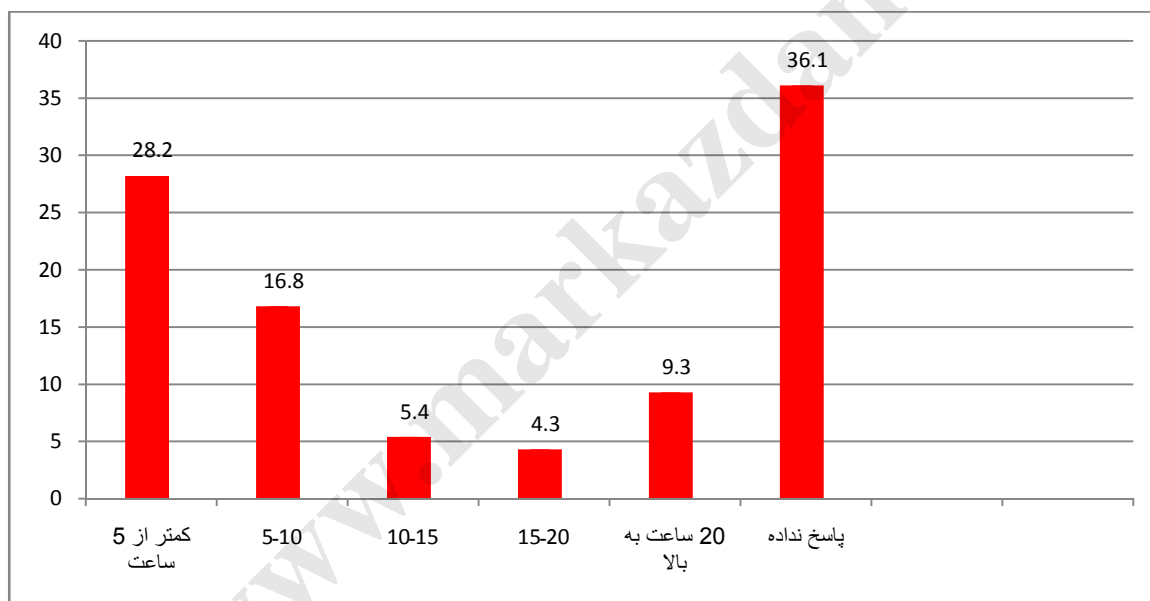
نمودار شماره (۴-۱۴): میزان استفاده از رسانه‌ها در يك ماه گذشته (تلویزیون)



جدول شماره (۴-۱۵): میزان استفاده از رسانه‌ها در يك ماه گذشته (رادیو)

درصد فراواني تجمعي	درصد فراواني	درصد فراواني	فراواني	
۲۸/۲	۲۸/۲	۲۸/۲	۷۹	کمتر از ۵ ساعت
۴۵/۰	۱۶/۸	۱۶/۸	۴۷	۱۰-۵
۵۰/۴	۵/۴	۵/۴	۱۵	۱۵-۱۰
۵۴/۶	۴/۳	۴/۳	۱۲	۲۰-۱۵
۶۳/۹	۹/۳	۹/۳	۲۶	۲۰ ساعت به بالا
۱۰۰/۰	۳۶/۱	۳۶/۱	۱۰۱	پاسخ نداده
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

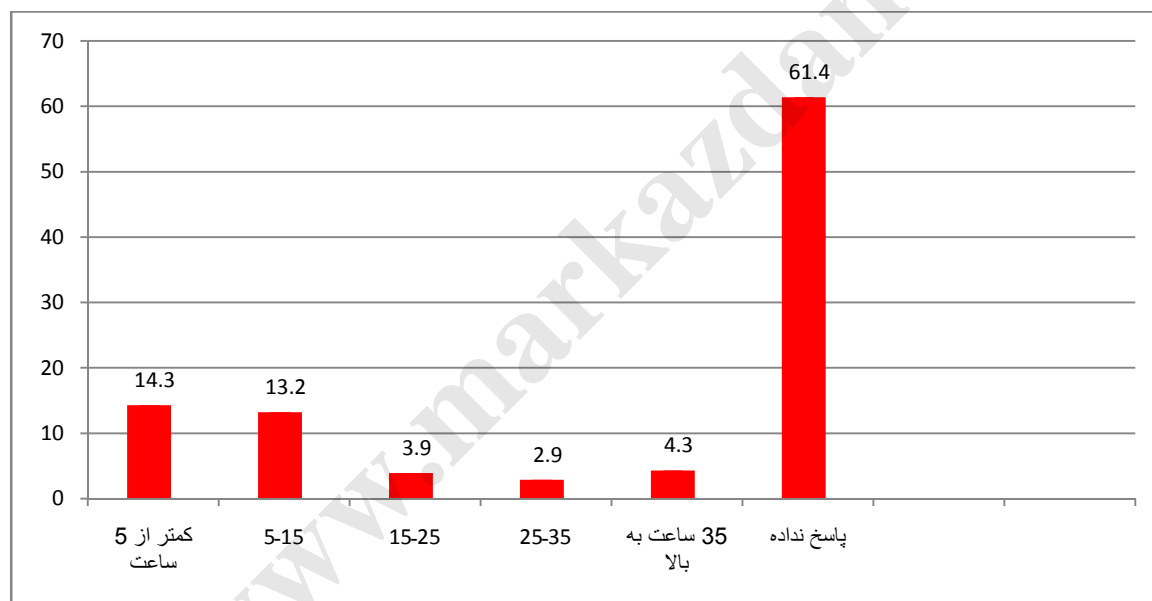
نمودار شماره (۴-۱۵): میزان استفاده از رسانه‌ها در يك ماه گذشته (رادیو)



جدول شماره (۴-۱۶): میزان استفاده از رسانه‌ها در يك ماه گذشته (ماهواره)

فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني تجمعي	
۴۰	۱۴/۳	۱۴/۳	۱۴/۳	کمتر از ۵ ساعت
۳۷	۱۳/۲	۱۳/۲	۲۷/۵	۱۵-۵
۱۱	۳/۹	۳/۹	۳۱/۴	۲۵-۱۵
۸	۲/۹	۲/۹	۳۴/۳	۳۵-۲۵
۱۲	۴/۳	۴/۳	۳۸/۶	۳۵ ساعت به بالا
۱۷۲	۶۱/۴	۶۱/۴	۱۰۰/۰	پاسخ نداده
۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		جمع

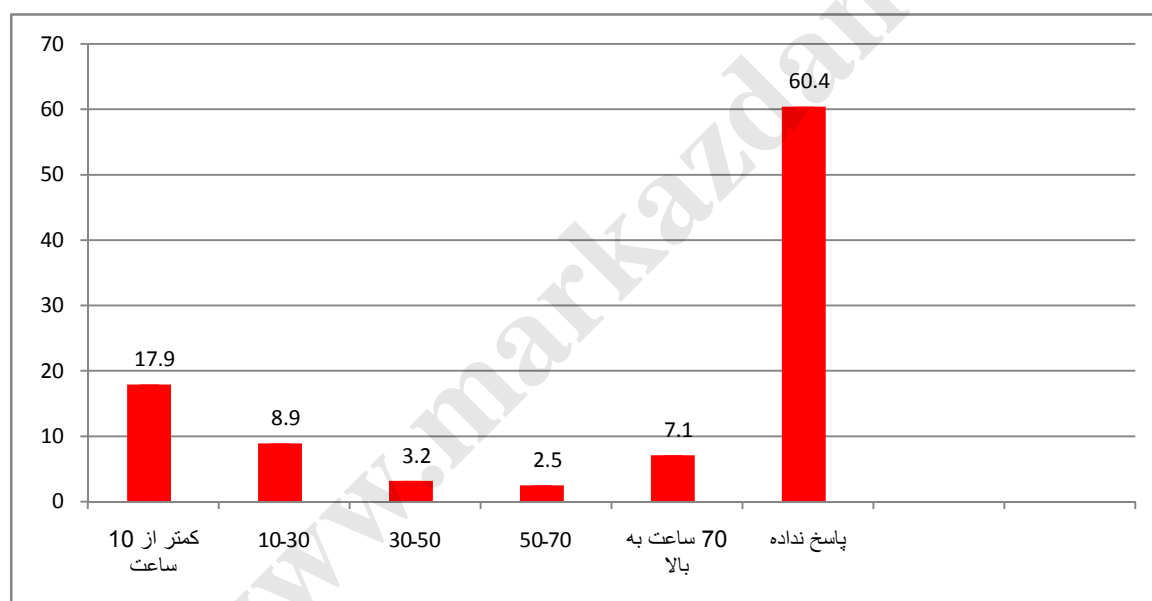
نمودار شماره (۴-۱۶): میزان استفاده از رسانه‌ها در يك ماه گذشته (ماهواره)



جدول شماره (۴-۱۷): میزان استفاده از رسانه‌ها در يك ماه گذشته (اینترنت)

فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني تجمعي	
کمتر از ۱۰ ساعت	۵۰	۱۷/۹	۱۷/۹	
۱۰-۳۰	۲۵	۸/۹	۲۶/۸	
۳۰-۵۰	۹	۳/۲	۳۰/۰	
۵۰-۷۰	۷	۲/۵	۳۲/۵	
۷۰ ساعت به بالا	۲۰	۷/۱	۳۹/۶	
پاسخ نداده	۱۶۹	۶۰/۴	۱۰۰/۰	
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰		

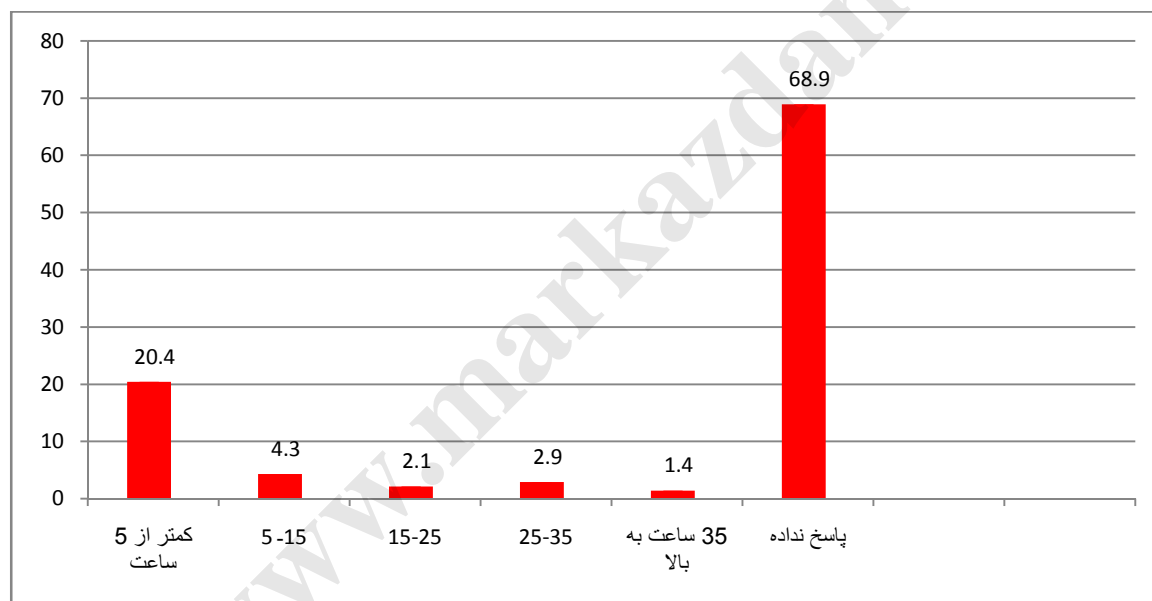
نمودار شماره (۴-۱۷): میزان استفاده از رسانه‌ها در يك ماه گذشته (اینترنت)



جدول شماره (۴-۱۸): میزان استفاده از رسانه‌ها در يك ماه گذشته (سایر رسانه‌ها)

فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني تجمعي	
۵۷	۲۰/۴	۲۰/۴	۲۰/۴	کمتر از ۵ ساعت
۱۲	۴/۳	۴/۳	۲۴/۶	۵-۱۵
۶	۲/۱	۲/۱	۲۶/۸	۱۵-۲۵
۸	۲/۹	۲/۹	۲۹/۶	۲۵-۳۵
۴	۱/۴	۱/۴	۳۱/۱	۳۵ ساعت به بالا
۱۹۳	۶۸/۹	۶۸/۹	۱۰۰/۰	پاسخ نداده
۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		جمع

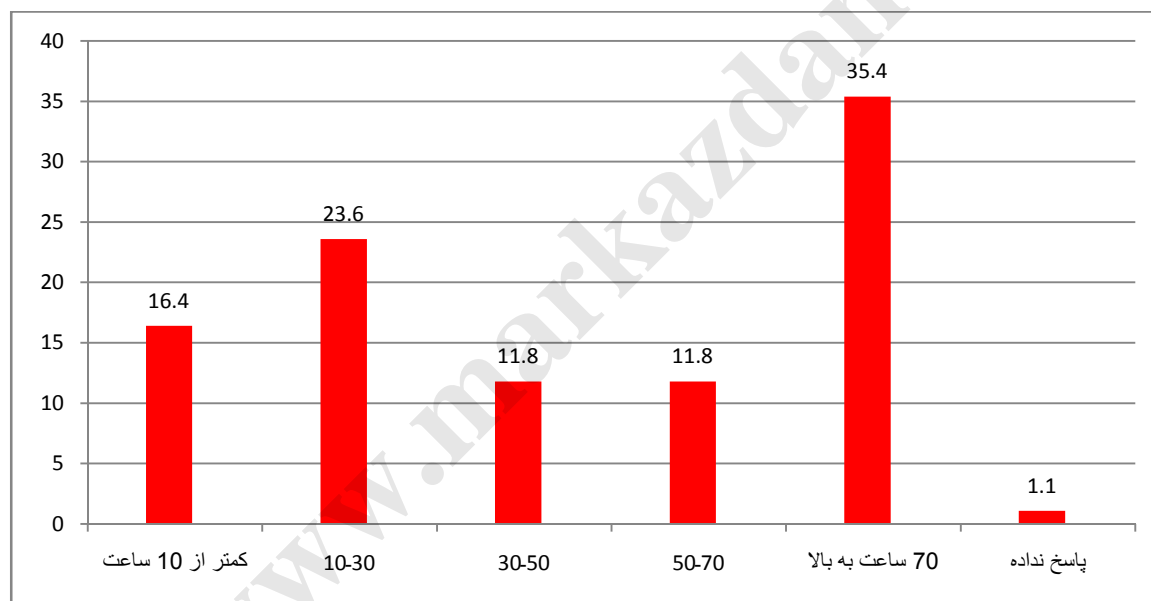
نمودار شماره (۴-۱۸): میزان استفاده از رسانه‌ها در يك ماه گذشته (سایر رسانه‌ها)



جدول شماره (۴-۱۹): تماشا کردن از رسانه‌های جمعی

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
فیلم‌های مستند و غیره	۵۵	۱۹/۶	۱۹/۶	۱۹/۶
فیلم‌های خشن و جنگی	۴۲	۱۵/۰	۱۵/۰	۳۴/۶
فیلم‌های کمدی و طنز	۴۰	۱۴/۳	۱۴/۳	۴۸/۹
فیلم‌های عاطفی و عشقی	۵۳	۱۸/۹	۱۸/۹	۶۷/۹
فیلم‌های خانوادگی	۸۶	۳۰/۷	۳۰/۷	۹۸/۶
پاسخ نداده	۴	۱/۴	۱/۴	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۱۹): تماشا کردن از رسانه‌های جمعی

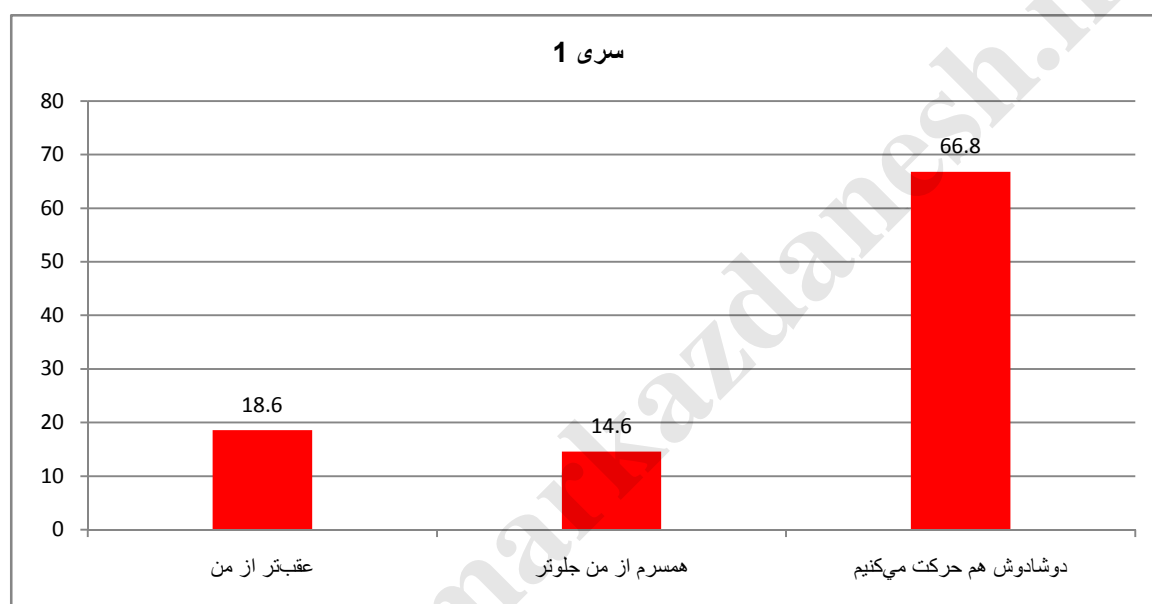


این سوال در سطح اسمی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی نما = ۵ می‌باشد و همچنین ۸۶ نفر در حدود ۳۰/۷ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (فیلم‌های خانوادگی) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۴۰ نفر در حدود ۱۴/۳ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (فیلم‌های کمدی و طنز) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۲۰): در چند قدمی یکدیگر حرکت کردن

درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۱۸/۶	۵۲	۱۸/۶	۱۸/۶	عقبتر از من
۳۳/۲	۴۱	۱۴/۶	۱۴/۶	همسر از من جلوتر
۱۰۰/۰	۱۸۷	۶۶/۸	۶۶/۸	دوشادوش هم حرکت می‌کنیم
	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

نمودار شماره (۴-۲۰): در چند قدمی یکدیگر حرکت کردن

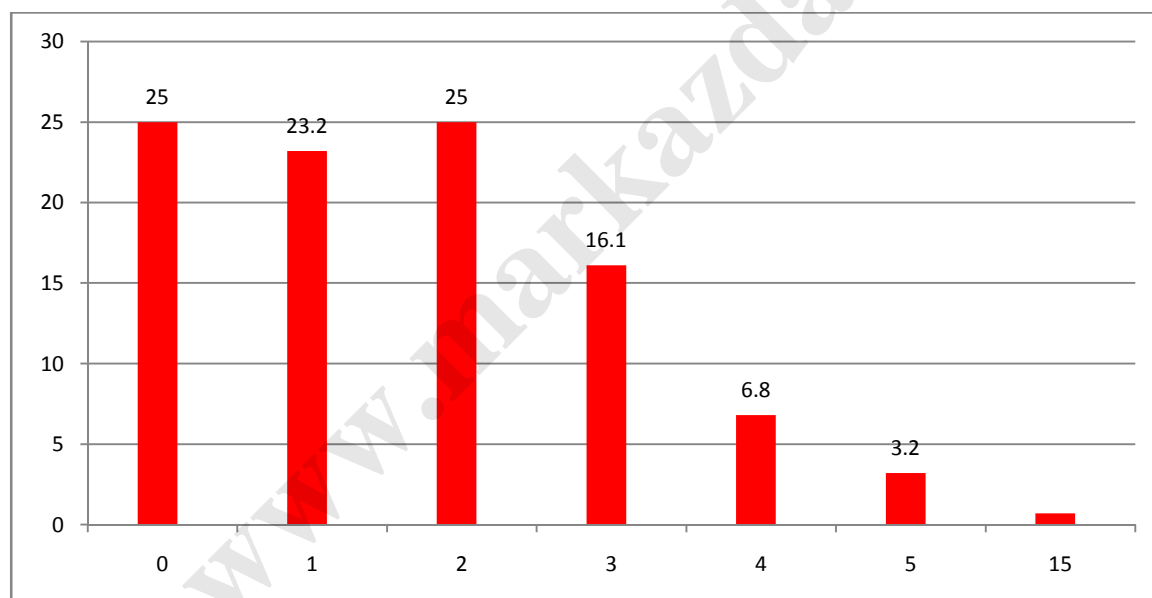


این سوال در سطح اسمی طرح شده و شاخص گرانش مرکزی نما = ۳ می‌باشد و همچنین ۱۸۷ نفر در حدود ۶۶/۸ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (دوشادوش حرکت می‌کنند) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۴۱ نفر در حدود ۱۴/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (جلوتر حرکت کردن) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۲۱): درگیری بین زوجین

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۲۵/۰	۲۵/۰	۲۵/۰	۷۰	۰
۴۸/۲	۲۳/۲	۲۳/۲	۶۵	۱
۷۳/۲	۲۵/۰	۲۵/۰	۷۰	۲
۸۹/۳	۱۶/۱	۱۶/۱	۴۵	۳
۹۶/۱	۶/۸	۶/۸	۱۹	۴
۹۹/۳	۳/۲	۳/۲	۹	۵
۱۰۰/۰	۰/۷	۰/۷	۲	۱۵
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۴-۲۱): درگیری بین زوجین



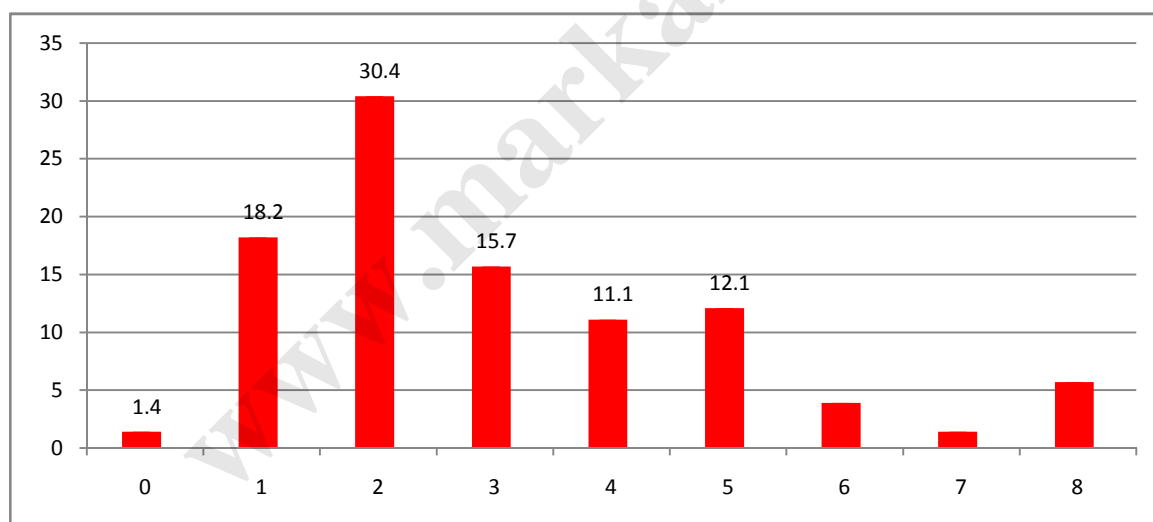
این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۷۰ نفر در حدود ۲۵ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (درگیری در ماه گذشته نداشتند) و سوم (۲ بار در ماه درگیری داشتند) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۲ نفر در حدود ۷ درصد از حجم نمونه به گزینه هفتم (۱۵ بار در ماه درگیری داشتند) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.



جدول شماره (۴-۲۲): قبل از ازدواج شاهد تعداد دعوای پدر و مادر بودن

درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
۰	۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴
۱	۵۱	۱۸/۲	۱۸/۲	۱۹/۶
۲	۸۵	۳۰/۴	۳۰/۴	۵۰/۰
۳	۴۴	۱۵/۷	۱۵/۷	۶۵/۷
۴	۳۱	۱۱/۱	۱۱/۱	۷۶/۸
۵	۳۴	۱۲/۱	۱۲/۱	۸۸/۹
۶	۱۱	۳/۹	۳/۹	۹۲/۹
۷	۴	۱/۴	۱/۴	۹۴/۳
۸	۱۶	۵/۷	۵/۷	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۲۲): قبل از ازدواج شاهد تعداد دعوای پدر و مادر بودن

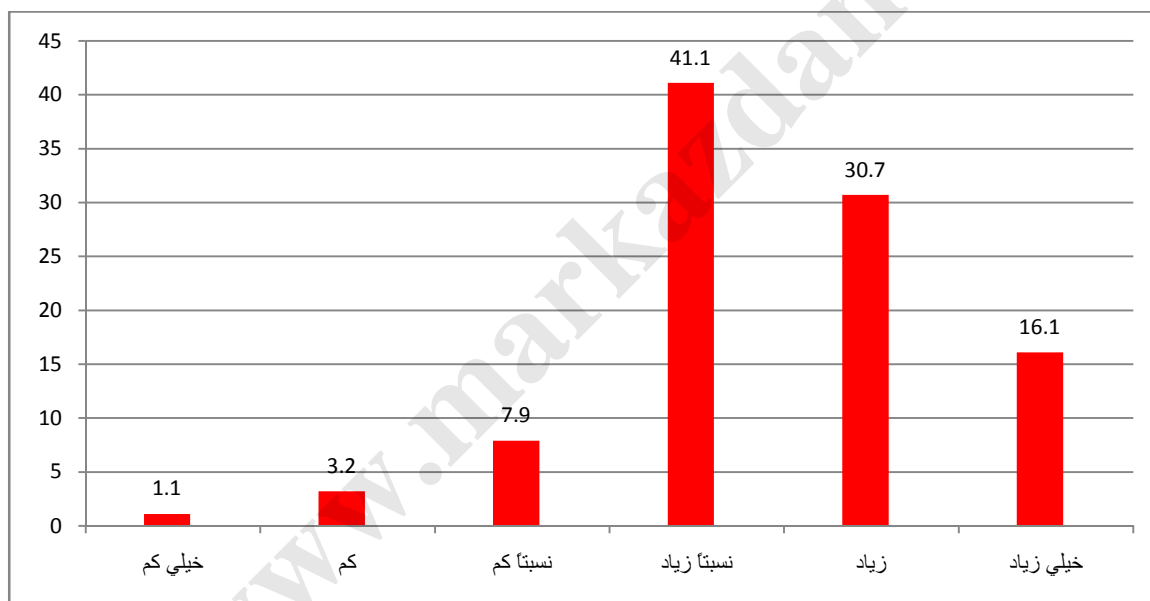


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه =  $2/5$  می باشد و همچنین ۸۵ نفر در حدود  $30/4$  درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (حداقل ۲ بار شاهد بودن) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۴ نفر در حدود  $1/4$  درصد از حجم نمونه به گزینه هفتم (حداقل ۷ بار شاهد بودن) و ۴ نفر به گزینه یک (اصلاً شاهد نبودن) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۲۳-۴): چگونگی واکنش به برتر بودن خانواده پدری زوجین

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی
خیلی کم	۳	۱/۱	۱/۱	۱/۱
کم	۹	۳/۲	۳/۲	۴/۳
نسبتاً کم	۲۲	۷/۹	۷/۹	۱۲/۱
نسبتاً زیاد	۱۱۵	۴۱/۱	۴۱/۱	۵۳/۲
زیاد	۸۶	۳۰/۷	۳۰/۷	۸۳/۹
خیلی زیاد	۴۵	۱۶/۱	۱۶/۱	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۲۳-۴): چگونگی واکنش به برتر بودن خانواده پدری زوجین

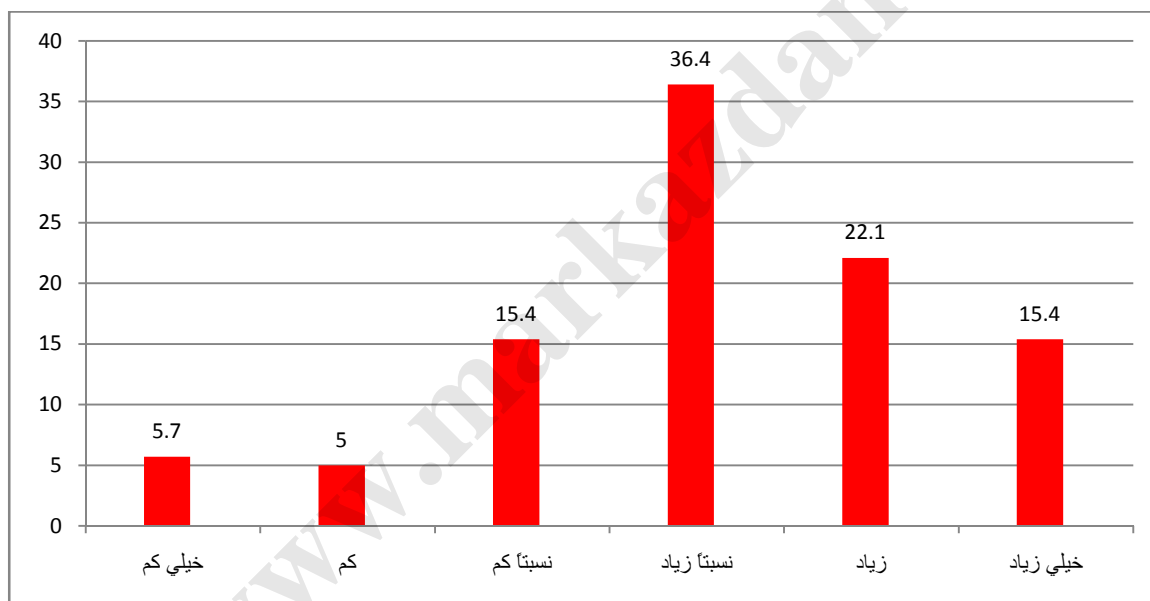


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۱۱۵ نفر در حدود ۴۱/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳ نفر در حدود ۱/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (خیلی کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۲۴): چگونگی واکنش به احساس غرور به خانواده پدري

فرآواني	درصد فرآواني	درصد فرآواني	درصد فرآواني	درصد فرآواني تجمعي
خیلي کم	۱۶	۵/۷	۵/۷	۵/۷
کم	۱۴	۵/۰	۵/۰	۱۰/۷
نسبتاً کم	۴۳	۱۵/۴	۱۵/۴	۲۶/۱
نسبتاً زیاد	۱۰۲	۳۶/۴	۳۶/۴	۶۲/۵
زیاد	۶۲	۲۲/۱	۲۲/۱	۸۴/۶
خیلي زیاد	۴۳	۱۵/۴	۱۵/۴	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۲۴): چگونگی واکنش به احساس غرور به خانواده پدري

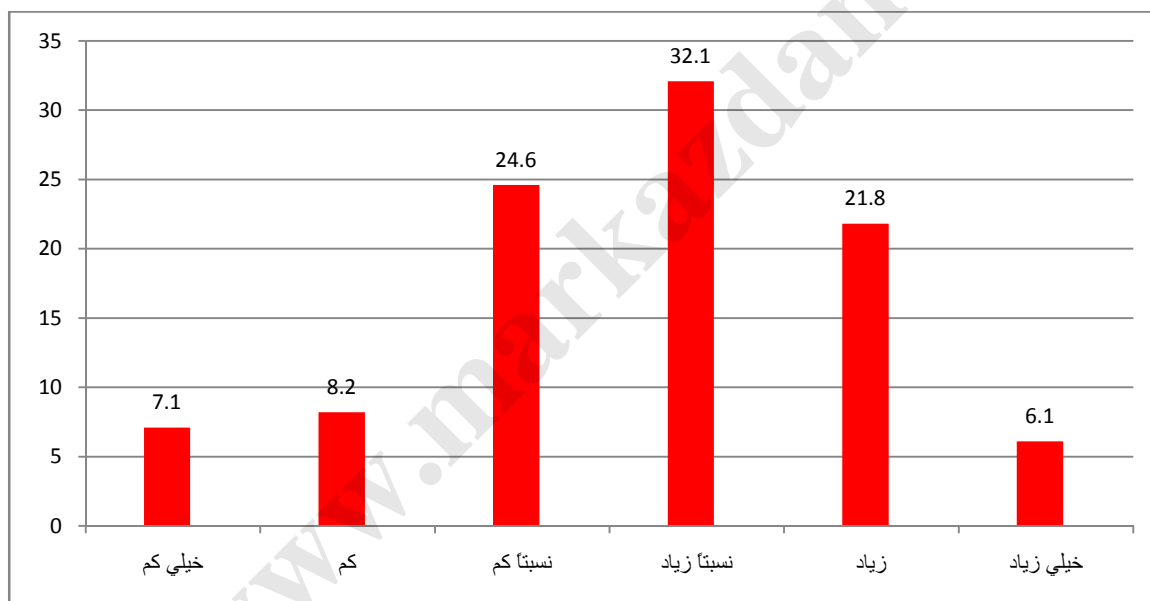


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۱۰۲ نفر در حدود ۳۶/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۴ نفر در حدود ۵/۰ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۲۵-۴): در بگوومگوها تا چه حد طرف خانواده خود را گرفتن

فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني تجمعي	
خیلی کم	۲۰	۷/۱	۷/۱	
کم	۲۳	۸/۲	۱۵/۴	
نسبتاً کم	۶۹	۲۴/۶	۴۰/۰	
نسبتاً زیاد	۹۰	۳۲/۱	۷۲/۱	
زیاد	۶۱	۲۱/۸	۹۳/۹	
خیلی زیاد	۱۷	۶/۱	۱۰۰/۰	
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰		

نمودار شماره (۲۵-۴): در بگوومگوها تا چه حد طرف خانواده خود را گرفتن

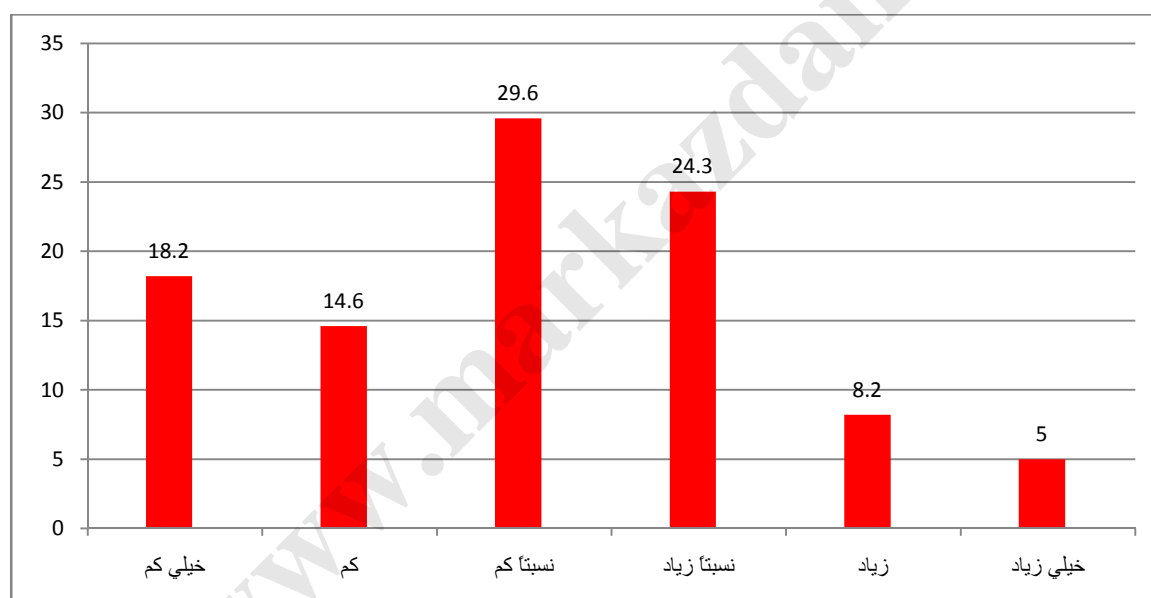


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۹۰ نفر در حدود ۳۲/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۷ نفر در حدود ۶/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۲۶): به خاطر خانواده مشاجره را ادامه دادن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی
خیلی کم	۵۱	۱۸/۲	۱۸/۲	۱۸/۲
کم	۴۱	۱۴/۶	۱۴/۶	۳۲/۹
نسبتاً کم	۸۳	۲۹/۶	۲۹/۶	۶۲/۵
نسبتاً زیاد	۶۸	۲۴/۳	۲۴/۳	۸۶/۸
زیاد	۲۳	۸/۲	۸/۲	۹۵/۰
خیلی زیاد	۱۴	۵/۰	۵/۰	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۲۶): به خاطر خانواده مشاجره را ادامه دادن

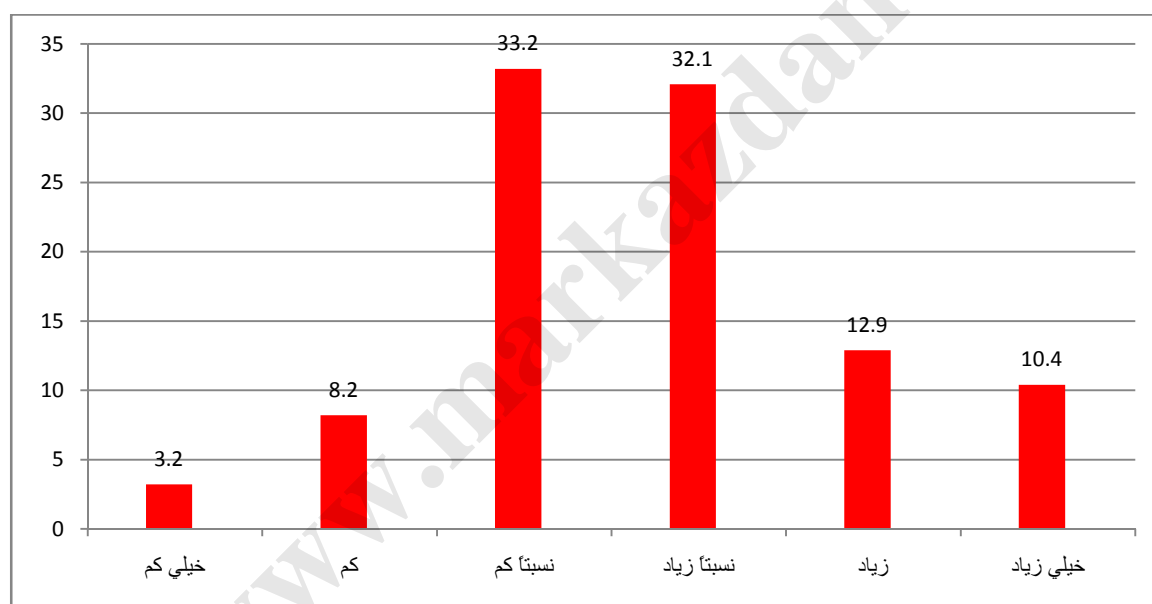


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۸۳ نفر در حدود ۲۹/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (نسبتاً کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۴ نفر در حدود ۵ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۲۷): مشکل نداشتن خانواده‌تان

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی کم	۹	۳/۲	۳/۲	۳/۲
کم	۲۳	۸/۲	۸/۲	۱۱/۴
نسبتاً کم	۹۳	۳۳/۲	۳۳/۲	۴۴/۶
نسبتاً زیاد	۹۰	۳۲/۱	۳۲/۱	۷۶/۸
زیاد	۳۶	۱۲/۹	۱۲/۹	۸۹/۶
خیلی زیاد	۲۹	۱۰/۴	۱۰/۴	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۲۷): مشکل نداشتن خانواده‌تان

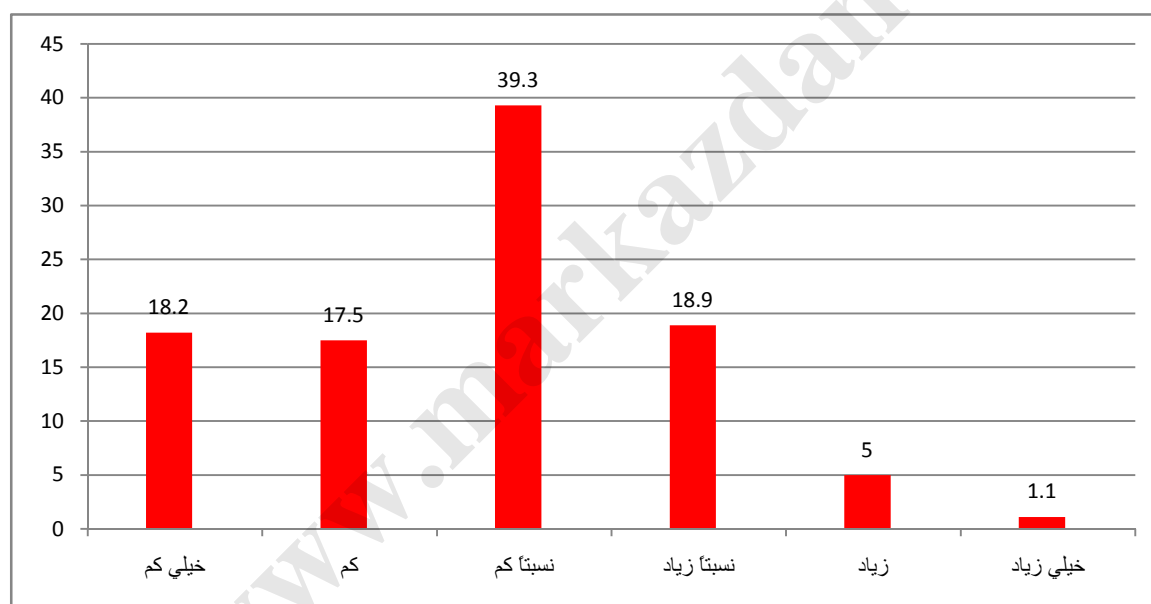


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می‌باشد و همچنین ۹۳ نفر در حدود ۳۳/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (نسبتاً کم) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۹ نفر در حدود ۳/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۲۸): پدر و مادر و اعضای خانواده خود را زیر پای همسران گذاشتن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی
خیلی کم	۵۱	۱۸/۲	۱۸/۲	۱۸/۲
کم	۴۹	۱۷/۵	۱۷/۵	۳۵/۷
نسبتاً کم	۱۱۰	۳۹/۳	۳۹/۳	۷۵/۰
نسبتاً زیاد	۵۳	۱۸/۹	۱۸/۹	۹۳/۹
زیاد	۱۴	۵/۰	۵/۰	۹۸/۹
خیلی زیاد	۳	۱/۱	۱/۱	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۲۸): پدر و مادر و اعضای خانواده خود را زیر پای همسران گذاشتن

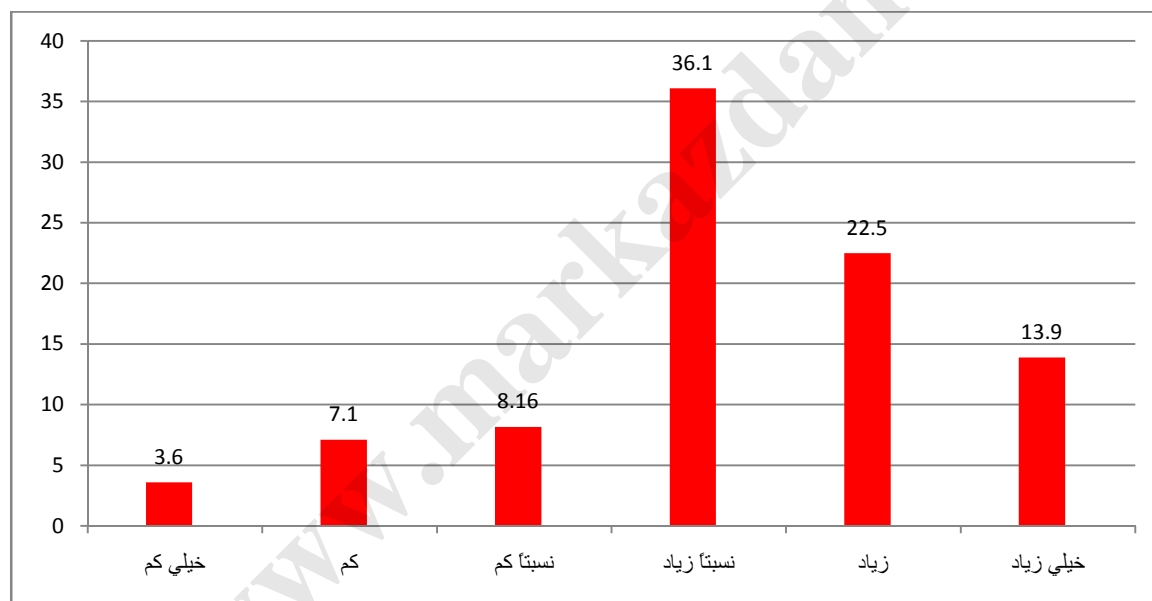


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۱۱۰ نفر در حدود ۳۹/۳ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (نسبتاً کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳ نفر در حدود ۱/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۲۹): حداقل حمایت پدري را بزرگ دیدن

درصد فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني	درصد فراواني
۳/۶	۳/۶	۳/۶	۱۰	خیلی کم
۱۰/۷	۷/۱	۷/۱	۲۰	کم
۲۷/۵	۱۶/۸	۱۶/۸	۴۷	نسبتاً کم
۶۳/۶	۳۶/۱	۳۶/۱	۱۰۱	نسبتاً زیاد
۸۶/۱	۲۲/۵	۲۲/۵	۶۳	زیاد
۱۰۰/۰	۱۳/۹	۱۳/۹	۳۹	خیلی زیاد
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۴-۲۹): حداقل حمایت پدري را بزرگ دیدن



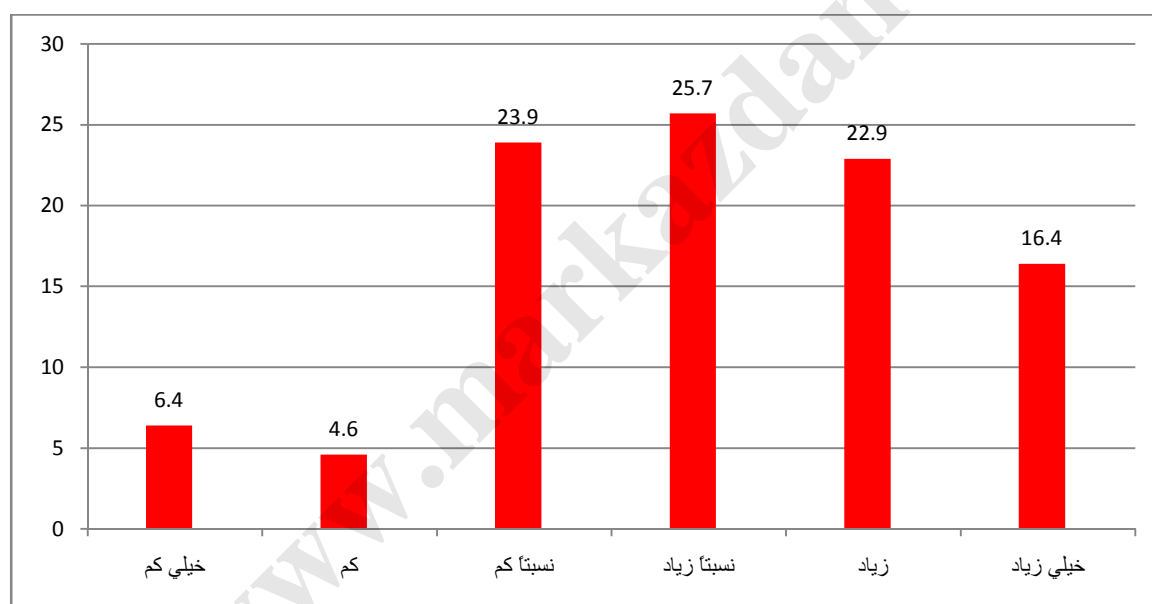
این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۱۰۱ نفر در حدود ۳۶/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۰ نفر در حدود ۳/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.



جدول شماره (۳۰-۴): چگونگی واکنش در برابر غرزدن

درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
۶/۴	۶/۴	۶/۴	۱۸	خیلی کم
۱۱/۱	۴/۶	۴/۶	۱۳	کم
۳۵/۰	۲۳/۹	۲۳/۹	۶۷	نسبتاً کم
۶۰/۷	۲۵/۷	۲۵/۷	۷۲	نسبتاً زیاد
۸۳/۶	۲۲/۹	۲۲/۹	۶۴	زیاد
۱۰۰/۰	۱۶/۴	۱۶/۴	۴۶	خیلی زیاد
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۳۰-۴): چگونگی واکنش در برابر غرزدن

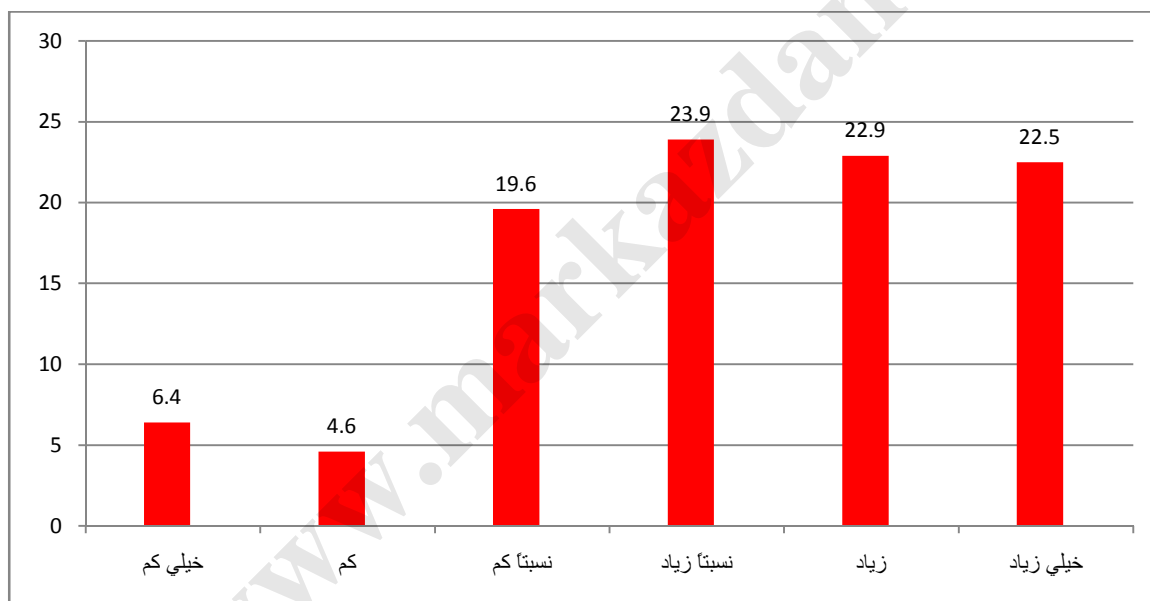


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۷۲ نفر در حدود ۲۵/۷ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۳ نفر در حدود ۴/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۳۱-۴): چگونگی واکنش در برابر عصبانیت

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۶/۴	۶/۴	۶/۴	۱۸	خیلی کم
۱۱/۱	۴/۶	۴/۶	۱۳	کم
۳۰/۷	۱۹/۶	۱۹/۶	۵۵	نسبتاً کم
۵۴/۶	۲۳/۹	۲۳/۹	۶۷	نسبتاً زیاد
۷۷/۵	۲۲/۹	۲۲/۹	۶۴	زیاد
۱۰۰/۰	۲۲/۵	۲۲/۵	۶۳	خیلی زیاد
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۳۱-۴): چگونگی واکنش در برابر عصبانیت

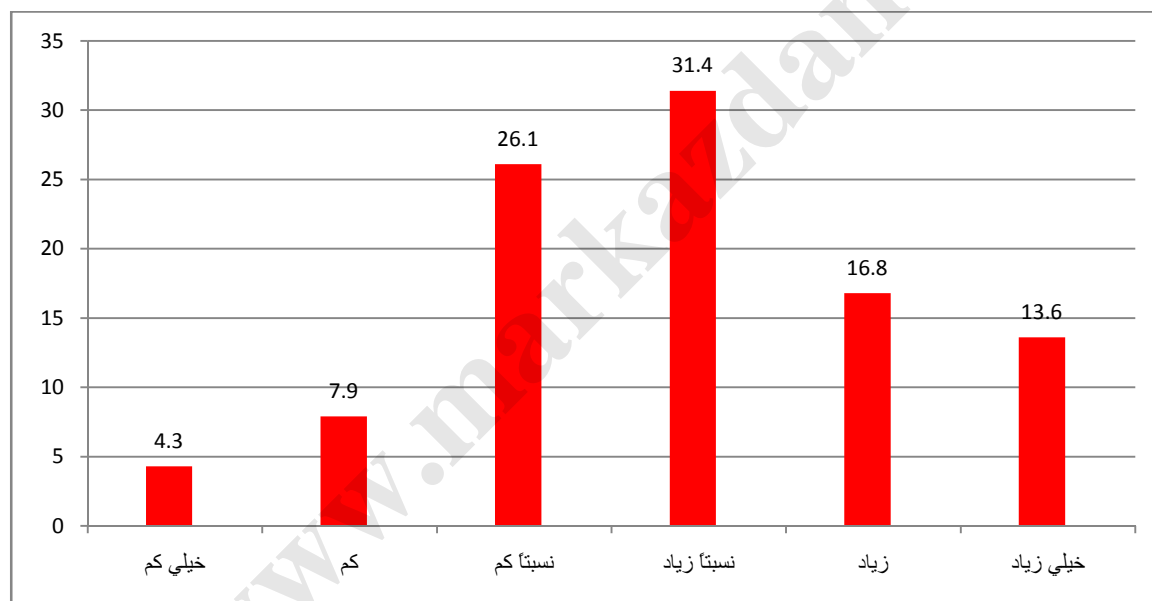


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۶۷ نفر در حدود ۳۳/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (خیلی زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۳ نفر در حدود ۴/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۳۲-۴): چگونگی واکنش به حرف همدیگر گوش کردن

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی کم	۱۲	۴/۳	۴/۳	۴/۳
کم	۲۲	۷/۹	۷/۹	۱۲/۱
نسبتاً کم	۷۳	۲۶/۱	۲۶/۱	۳۸/۲
نسبتاً زیاد	۸۸	۳۱/۴	۳۱/۴	۶۹/۶
زیاد	۴۷	۱۶/۸	۱۶/۸	۸۶/۴
خیلی زیاد	۳۸	۱۳/۶	۱۳/۶	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۳۲-۴): چگونگی واکنش به حرف همدیگر گوش کردن

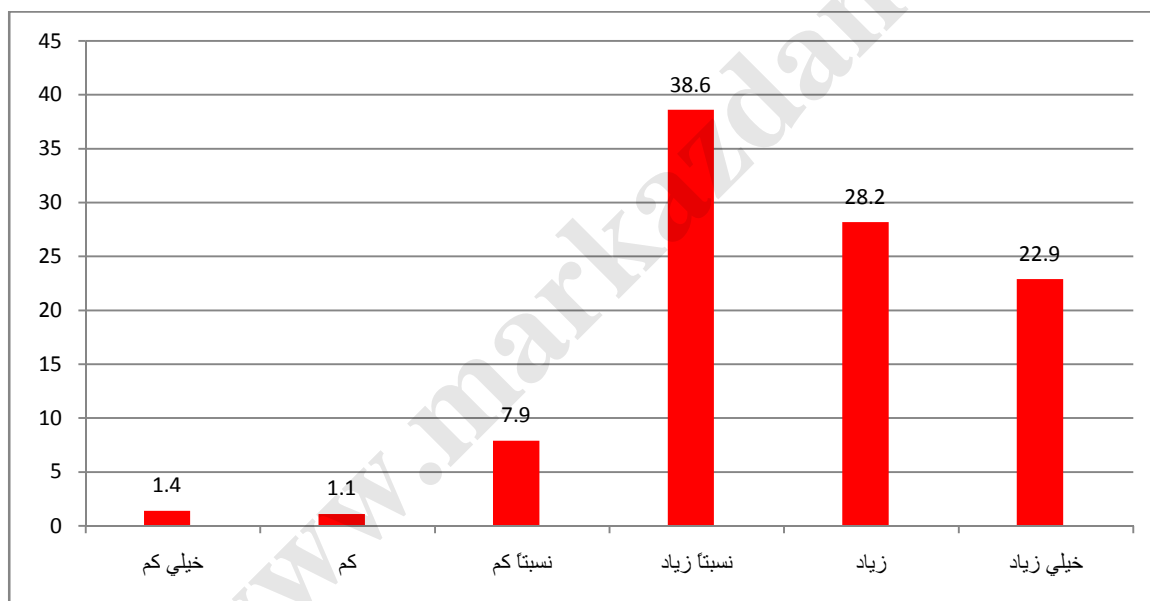


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۸۸ نفر در حدود ۳۱/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۲ نفر در حدود ۴/۳ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (خیلی کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۳۳): چگونگی واکنش از اشتباهات همدیگر گذشتن

درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی کم	۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴
کم	۳	۱/۱	۱/۱	۲/۵
نسبتاً کم	۲۲	۷/۹	۷/۹	۱۰/۴
نسبتاً زیاد	۱۰۸	۳۸/۶	۳۸/۶	۴۸/۹
زیاد	۷۹	۲۸/۲	۲۸/۲	۷۷/۱
خیلی زیاد	۶۴	۲۲/۹	۲۲/۹	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۳۳): چگونگی واکنش از اشتباهات همدیگر گذشتن

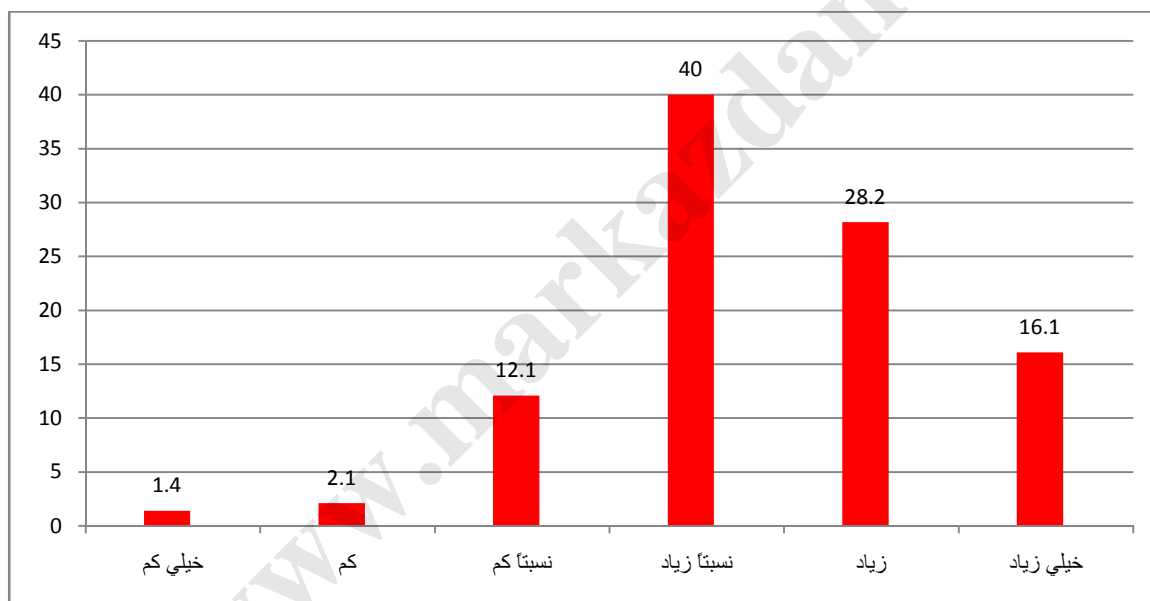


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۴ می باشد و همچنین ۱۰۸ نفر در حدود ۳۸/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳ نفر در حدود ۱/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۳۴): چگونی واکنش به اینکه مشکلات همدیگر بدون بحث و منازعه حل و فصل کردن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی
خیلی کم	۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴
کم	۶	۲/۱	۲/۱	۳/۶
نسبتاً کم	۳۴	۱۲/۱	۱۲/۱	۱۵/۷
نسبتاً زیاد	۱۱۲	۴۰/۰	۴۰/۰	۵۵/۷
زیاد	۷۹	۲۸/۲	۲۸/۲	۸۳/۹
خیلی زیاد	۴۵	۱۶/۱	۱۶/۱	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۳۴): چگونی واکنش به اینکه مشکلات همدیگر بدون بحث و منازعه حل و فصل کردن

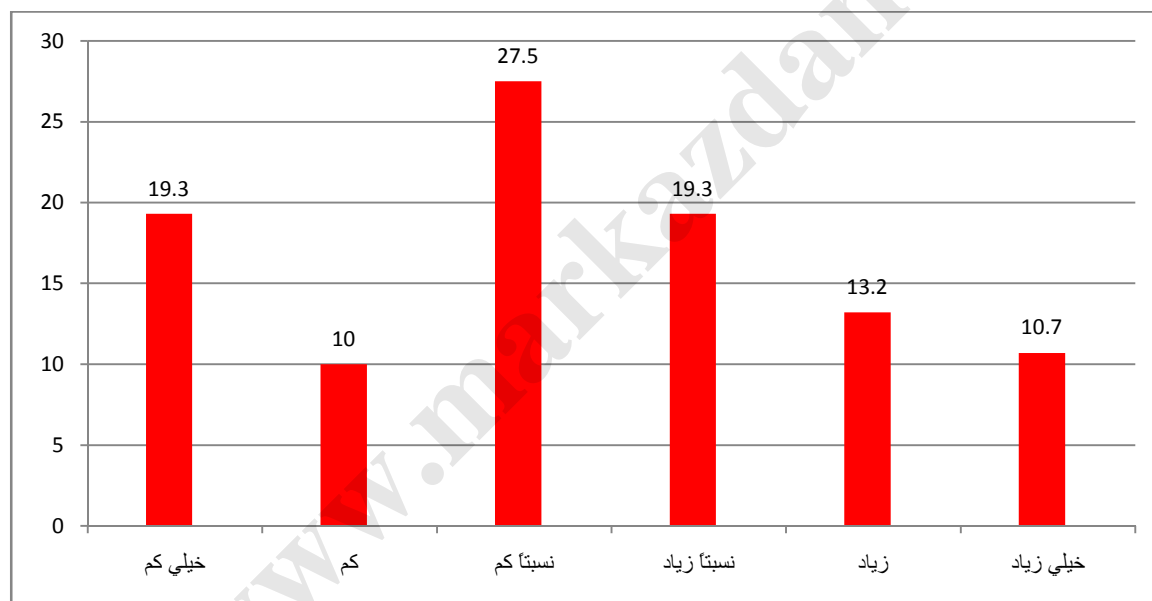


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۱۱۲ نفر در حدود ۴۰ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۴ نفر در حدود ۱/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (خیلی کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۳۵-۴): چگونگی واکنش به روابط با همسایگان

درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
۱۹/۳	۱۹/۳	۱۹/۳	۵۴	خیلی کم
۲۹/۳	۱۰/۰	۱۰/۰	۲۸	کم
۲۶/۸	۲۷/۵	۲۷/۵	۷۷	نسبتاً کم
۷۶/۱	۱۹/۳	۱۹/۳	۵۴	نسبتاً زیاد
۸۹/۳	۱۳/۲	۱۳/۲	۳۷	زیاد
۱۰۰/۰	۱۰/۷	۱۰/۷	۳۰	خیلی زیاد
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۳۵-۴): چگونگی واکنش به روابط با همسایگان

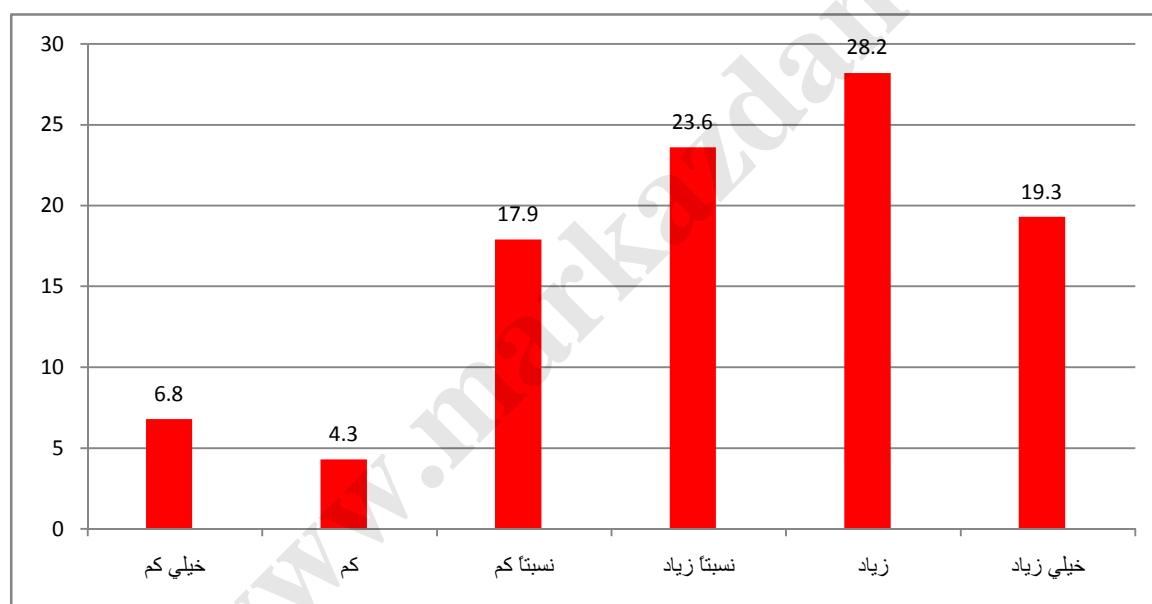


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۷۷ نفر در حدود ۲۷/۵ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (نسبتاً کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۲۸ نفر در حدود ۱۰ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۳۶): چگونگی واکنش به تماشای فیلم‌های خانوادگی به دور از خشونت

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی کم	۱۹	۶/۸	۶/۸	۶/۸
کم	۱۲	۴/۳	۴/۳	۱۱/۱
نسبتاً کم	۵۰	۱۷/۹	۱۷/۹	۲۸/۹
نسبتاً زیاد	۶۶	۲۳/۶	۲۳/۶	۵۲/۵
زیاد	۷۹	۲۸/۲	۲۸/۲	۸۰/۷
خیلی زیاد	۵۴	۱۹/۳	۱۹/۳	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۳۶): چگونگی واکنش به تماشای فیلم‌های خانوادگی به دور از خشونت

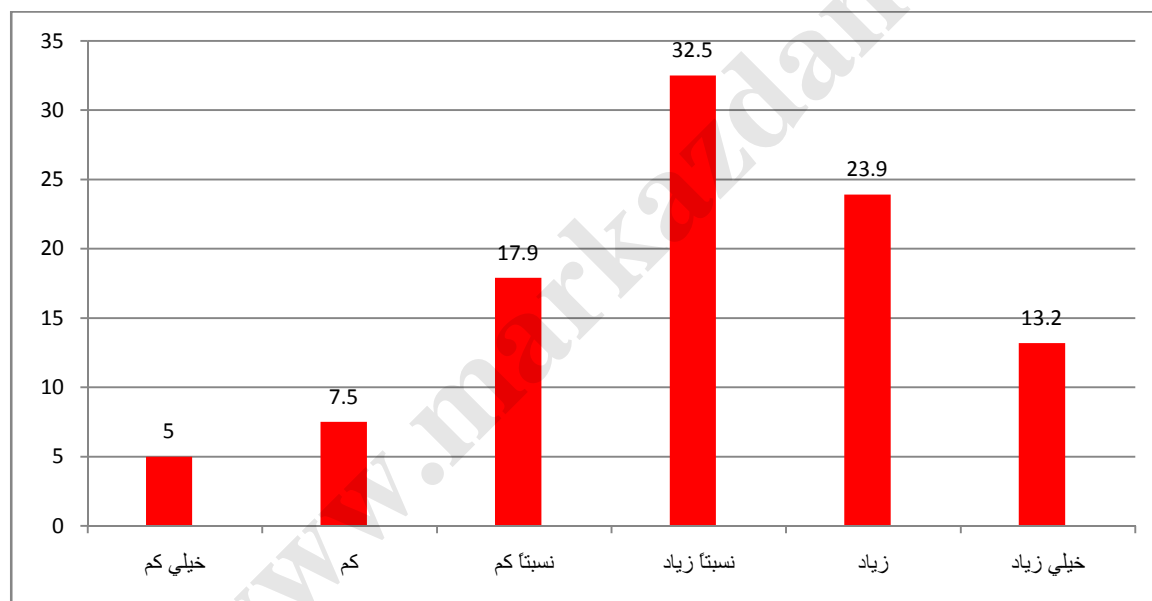


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می‌باشد و همچنین ۷۹ نفر در حدود ۲۸/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (زیاد) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۲ نفر در حدود ۴/۳ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۳۷-۴): تأثیر اختلافات خانوادگی دوستان و همسالان

درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
۵/۰	۵/۰	۵/۰	۱۴	خیلی کم
۱۲/۵	۷/۵	۷/۵	۲۱	کم
۳۰/۴	۱۷/۹	۱۷/۹	۵۰	نسبتاً کم
۶۲/۹	۳۲/۵	۳۲/۵	۹۱	نسبتاً زیاد
۸۶/۸	۲۳/۹	۲۳/۹	۶۷	زیاد
۱۰۰/۰	۱۳/۲	۱۳/۲	۳۷	خیلی زیاد
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۳۷-۴): تأثیر اختلافات خانوادگی دوستان و همسالان



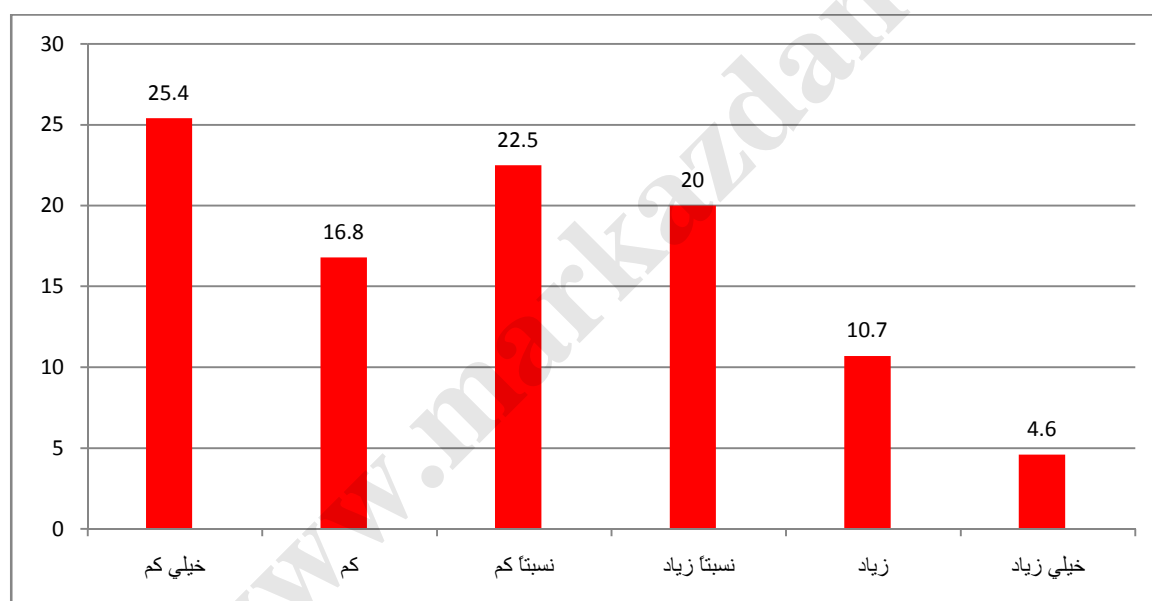
این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۹۱ نفر در حدود ۲۸/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۴ نفر در حدود ۵ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (خیلی کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.



جدول شماره (۴-۳۸): چگونگی واکنش به اختلاف و درگیری والدین

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی
خیلی کم	۷۱	۲۵/۴	۲۵/۴	۲۵/۴
کم	۴۷	۱۶/۸	۱۶/۸	۴۲/۱
نسبتاً کم	۶۳	۲۲/۵	۲۲/۵	۶۴/۶
نسبتاً زیاد	۵۶	۲۰/۰	۲۰/۰	۸۴/۶
زیاد	۳۰	۱۰/۷	۱۰/۷	۹۵/۴
خیلی زیاد	۱۳	۴/۶	۴/۶	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۳۸): چگونگی واکنش به اختلاف و درگیری والدین

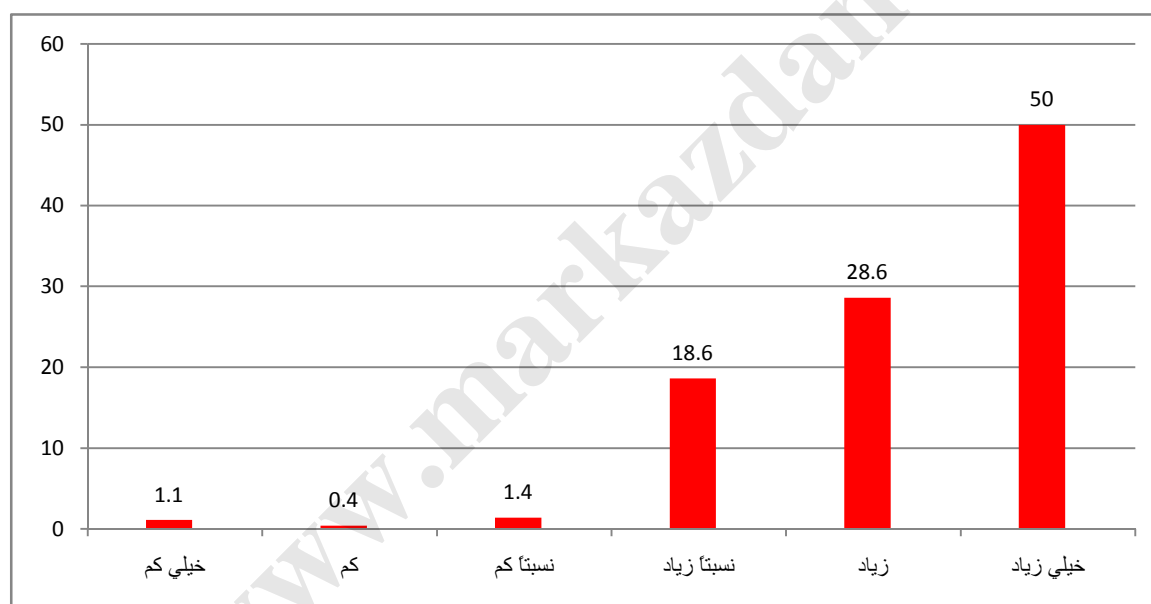


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۷۱ نفر در حدود ۲۵/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۳ نفر در حدود ۴/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۳۹-۴): آگاهی دادن والدین در مورد مسائل زندگی و مشکلات آن به فرزندانشان

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی کم	۳	۱/۱	۱/۱
کم	۱	۰/۴	۱/۴
نسبتاً کم	۴	۱/۴	۲/۹
نسبتاً زیاد	۵۲	۱۸/۶	۲۱/۴
زیاد	۸۰	۲۸/۶	۵۰/۰
خیلی زیاد	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۳۹-۴): آگاهی دادن والدین در مورد مسائل زندگی و مشکلات آن به فرزندانشان

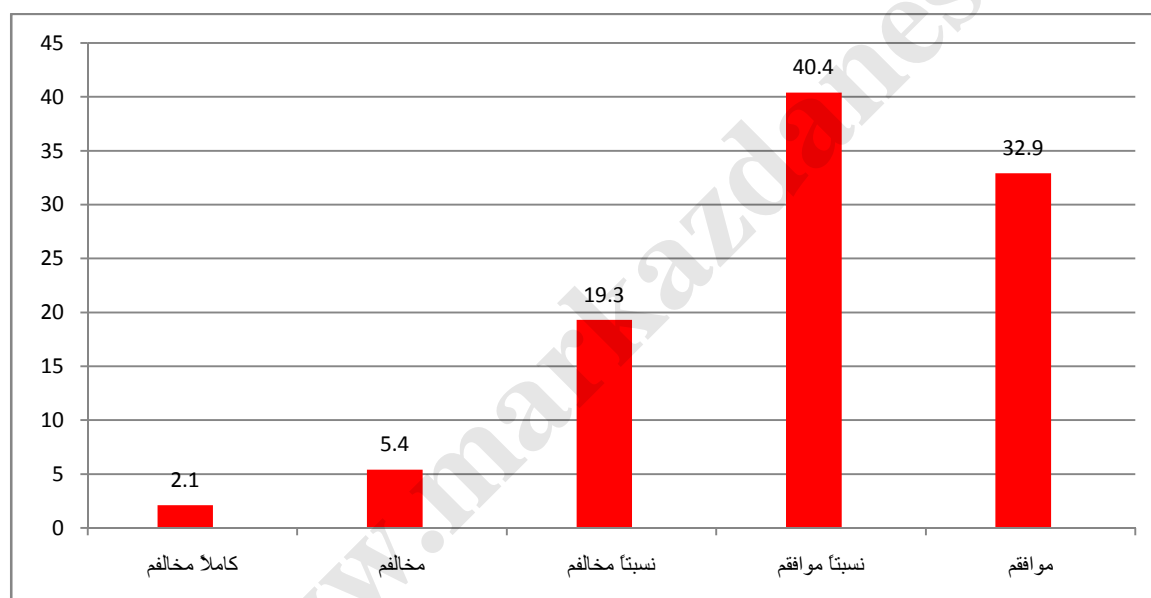


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه =  $4/5$  می باشد و همچنین ۱۴۰ نفر در حدود ۵۰ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (کاملاً موافقم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱ نفر در حدود ۴ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (مخالفم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۴): آگاهی دادن والدین به فرزندانشان در مورد اختلافات خانوادگی

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	
۲/۱	۲/۱	۲/۱	۶	کاملاً مخالفم
۷/۵	۵/۴	۵/۴	۱۵	مخالفم
۲۶/۸	۱۹/۳	۱۹/۳	۵۴	نسبتاً مخالفم
۶۷/۱	۴۰/۴	۴۰/۴	۱۱۳	نسبتاً موافقم
۱۰۰/۰	۳۲/۹	۳۲/۹	۹۲	موافقم
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۴-۴): آگاهی دادن والدین به فرزندانشان در مورد اختلافات خانوادگی

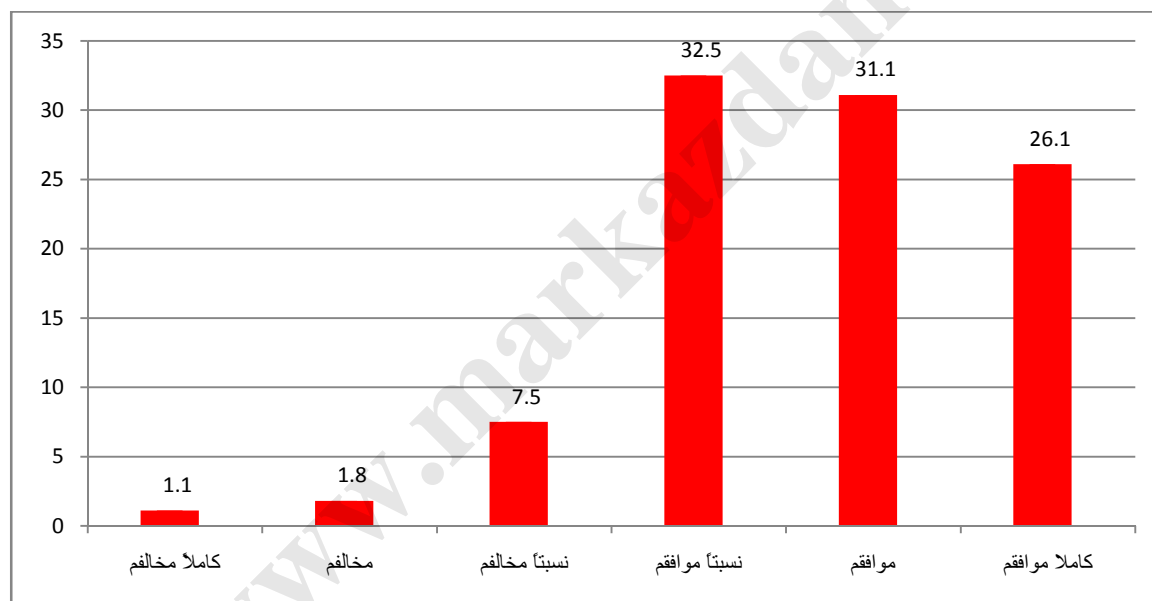


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۴ می باشد و همچنین ۱۱۳ نفر در حدود ۴۰/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (موافقم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۶ نفر در حدود ۲/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (کاملاً مخالفم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۴۱): تأثیر رسانه‌های جمعی در الگودهی به جوانان

درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۳	۱/۱	۱/۱	۱/۱	کاملاً مخالفم
۵	۱/۸	۱/۸	۱/۸	مخالفم
۲۱	۷/۵	۷/۵	۷/۵	نسبتاً مخالفم
۹۱	۳۲/۵	۳۲/۵	۳۲/۵	نسبتاً موافقم
۸۷	۳۱/۱	۳۱/۱	۳۱/۱	موافقم
۷۳	۲۶/۱	۲۶/۱	۲۶/۱	کاملاً موافقم
۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

نمودار شماره (۴-۴۱): تأثیر رسانه‌های جمعی در الگودهی به جوانان

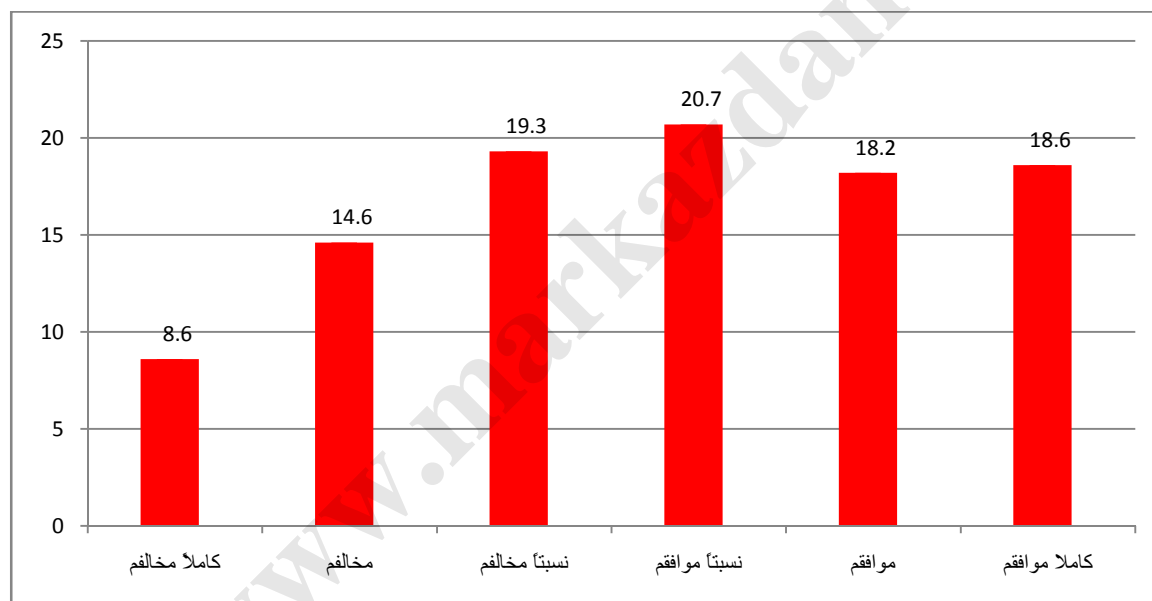


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۴ می‌باشد و همچنین ۹۱ نفر در حدود ۳۲/۵ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً موافقم) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳ نفر در حدود ۱/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (کاملاً مخالفم) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۴۲): اختلافات خانوادگی امري است که از پدر و مادر آموخته می‌شود

فرآواني	درصد فرآواني	درصد فرآواني	درصد فراواني تجمعي	
کاملاً مخالفم	۲۴	۸/۶	۸/۶	
مخالفم	۴۱	۱۴/۶	۱۴/۶	۲۳/۲
نسبتاً مخالفم	۵۴	۱۹/۳	۱۹/۳	۴۲/۵
نسبتاً موافقم	۵۸	۲۰/۷	۲۰/۷	۶۳/۲
موافقم	۵۱	۱۸/۲	۱۸/۲	۸۱/۴
کاملاً موافقم	۵۲	۱۸/۶	۱۸/۶	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۴۲): اختلافات خانوادگی امري است که از پدر و مادر آموخته می‌شود

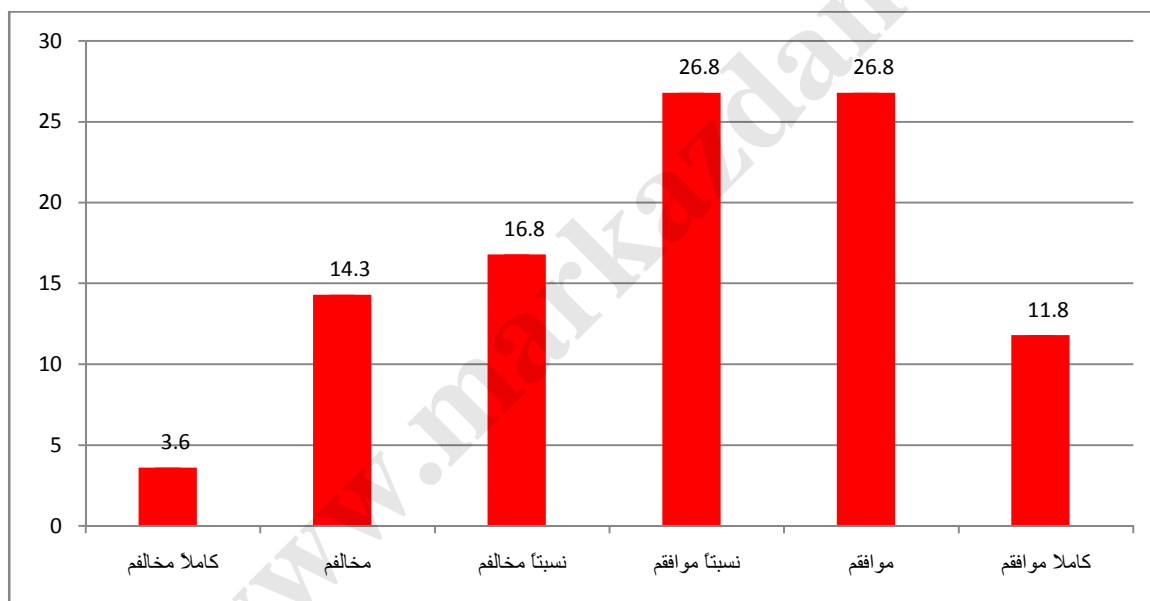


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می‌باشد و همچنین ۵۸ نفر در حدود ۲۰/۷ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً موافقم) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۲۴ نفر در حدود ۸/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (کاملاً مخالفم) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۲۳): چگونگی واکنش به ارتباط با دوستان همسردار که تجربه اختلاف دارند

درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
۳/۶	۳/۶	۳/۶	۱۰	کاملاً مخالفم
۱۷/۹	۱۴/۳	۱۴/۳	۴۰	مخالفم
۳۴/۶	۱۶/۸	۱۶/۸	۴۷	نسبتاً مخالفم
۶۱/۴	۲۶/۸	۲۶/۸	۷۵	نسبتاً موافقم
۸۸/۲	۲۶/۸	۲۶/۸	۷۵	موافقم
۱۰۰/۰	۱۱/۸	۱۱/۸	۳۳	کاملاً موافقم
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	جمع

نمودار شماره (۴-۲۳): چگونگی واکنش به ارتباط با دوستان همسردار که تجربه اختلاف دارند

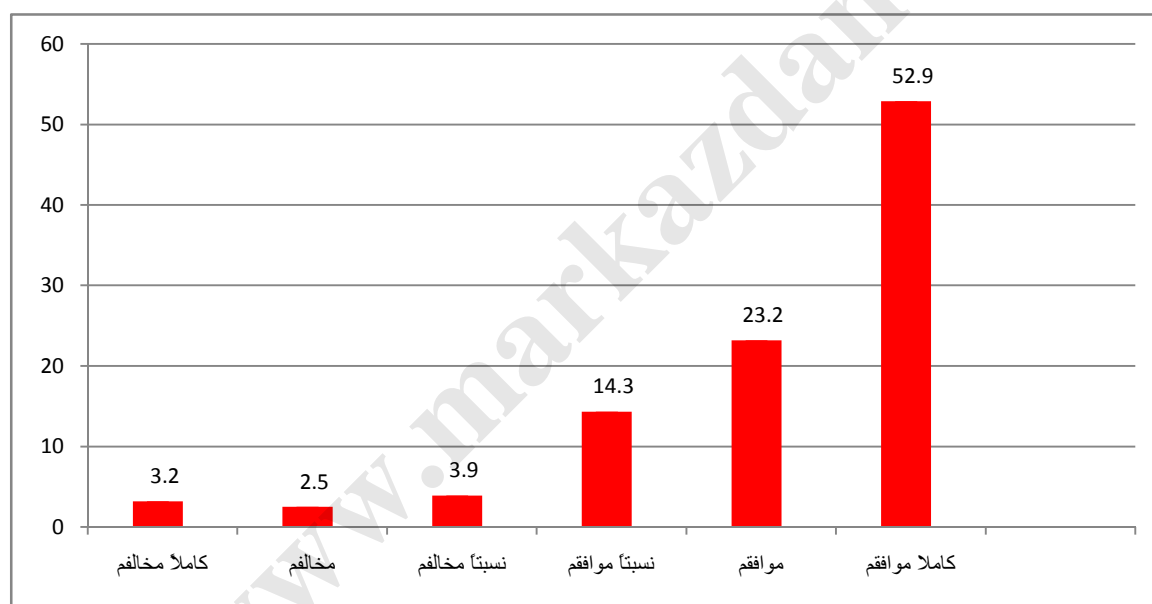


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۷۵ نفر در حدود ۲۶/۸ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم و پنجم (نسبتاً موافقم، موافقم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۰ نفر در حدود ۳/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (کاملاً مخالفم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۴۴): چگونگی واکنش به قهر زن و شوهر سر هر مسأله‌ای با یکدیگر

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی
کاملاً مخالفم	۹	۳/۲	۳/۲	۳/۲
مخالفم	۷	۲/۵	۲/۵	۵/۷
نسبتاً مخالفم	۱۱	۳/۹	۳/۹	۹/۶
نسبتاً موافقم	۴۰	۱۴/۳	۱۴/۳	۲۳/۹
موافقم	۶۵	۲۳/۲	۲۳/۲	۴۷/۱
کاملاً موافقم	۱۴۸	۵۲/۹	۵۲/۹	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۴۴): چگونگی واکنش به قهر زن و شوهر سر هر مسأله‌ای با یکدیگر

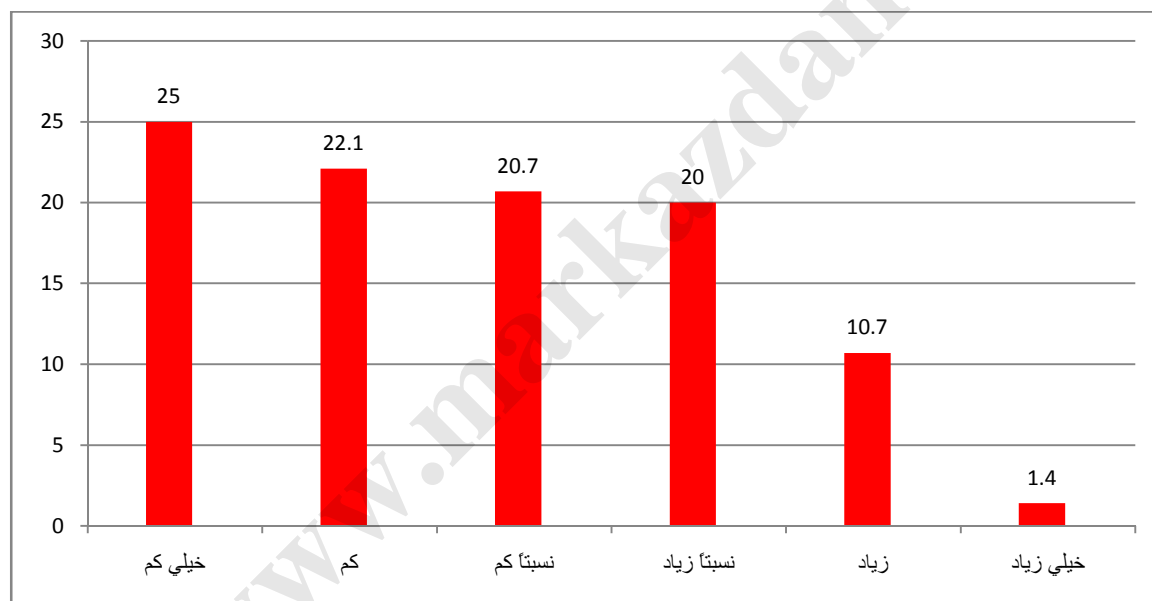


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۵ می‌باشد و همچنین ۱۴۸ نفر در حدود ۵۲/۹ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (کاملاً موافقم) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۷ نفر در حدود ۲/۵ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (مخالفم) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۴۵): چگونگی واکنش به اینکه همسر بدون اجازه وسایل خریدن برای خانه و خودش

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی
خیلی کم	۳۵	۱۲/۵	۲۵/۰	۲۵/۰
کم	۳۱	۱۱/۱	۲۲/۱	۴۷/۱
نسبتاً کم	۲۹	۱۰/۴	۲۰/۷	۶۷/۹
نسبتاً زیاد	۲۸	۱۰/۰	۲۰/۰	۸۷/۹
زیاد	۱۵	۵/۴	۱۰/۷	۹۸/۶
خیلی زیاد	۲	۰/۷	۱/۴	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۴۵): چگونگی واکنش به اینکه همسر بدون اجازه وسایل خریدن برای خانه و خودش



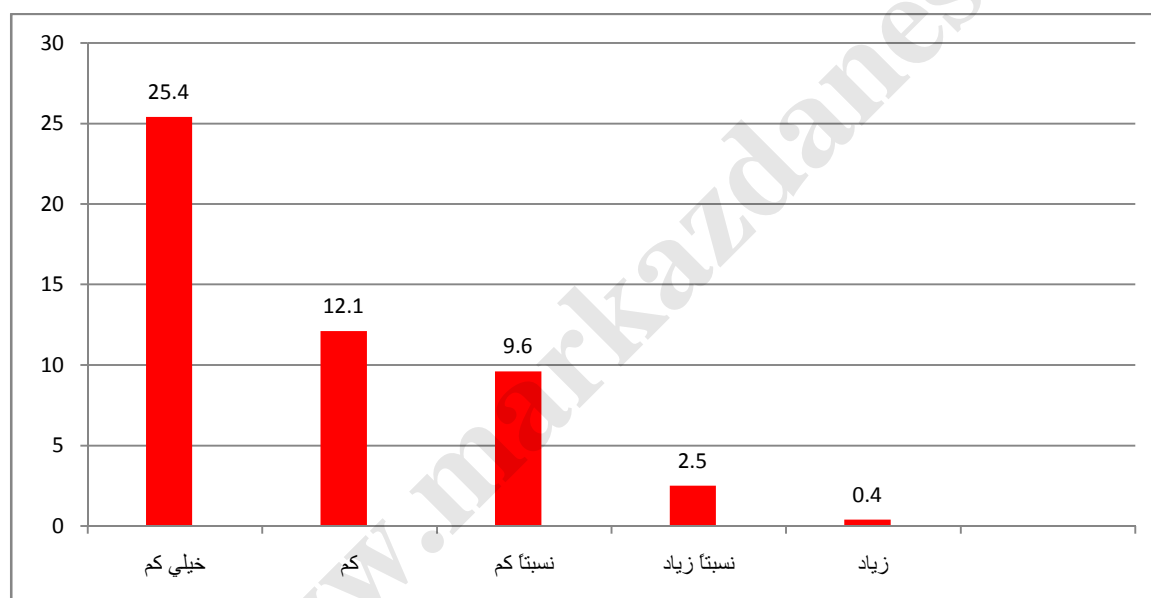
این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۳۵ نفر در حدود ۱۲/۵ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۲ نفر در حدود ۷ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.



جدول شماره (۴-۴۶): چگونگی واکنش به اینکه بطور غیر منتظره به او زنگ زدن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی	
خیلی کم	۷۱	۲۵/۴	۵۰/۷	
کم	۳۴	۱۲/۱	۲۴/۳	۷۵/۰
نسبتاً کم	۲۷	۹/۶	۱۹/۳	۹۴/۳
نسبتاً زیاد	۷	۲/۵	۵/۰	۹۹/۳
زیاد	۱	۰/۴	۰/۷	۱۰۰/۰
خیلی زیاد	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۴۶): چگونگی واکنش به اینکه بطور غیر منتظره به او زنگ زدن

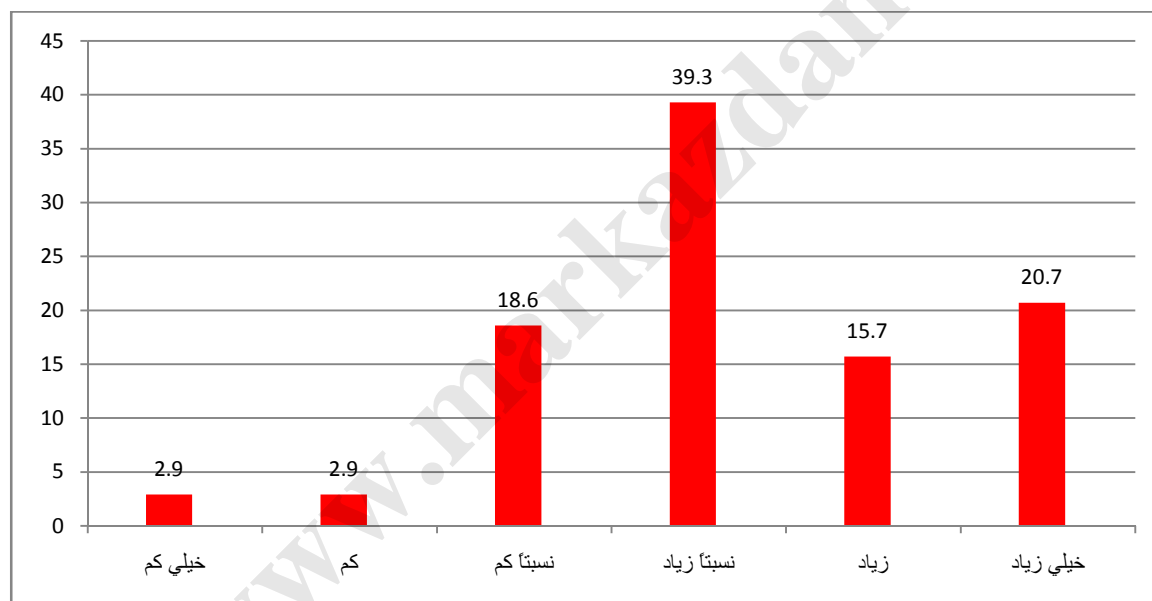


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۰ می باشد و همچنین ۷۱ نفر در حدود ۲۵/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱ نفر در حدود ۴ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۴۷): چگونگی واکنش به اینکه حق دخالت در نحوه دخل و خرج کردن را به همسر دادن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی
خیلی کم	۴	۱/۴	۲/۹	۲/۹
کم	۴	۱/۴	۲/۹	۵/۷
نسبتاً کم	۲۶	۹/۳	۱۸/۶	۲۴/۳
نسبتاً زیاد	۵۵	۱۹/۶	۳۹/۳	۶۳/۶
زیاد	۲۲	۷/۹	۱۵/۷	۷۹/۳
خیلی زیاد	۲۹	۱۰/۴	۲۰/۷	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۴۷): چگونگی واکنش به اینکه حق دخالت در نحوه دخل و خرج کردن را به همسر دادن

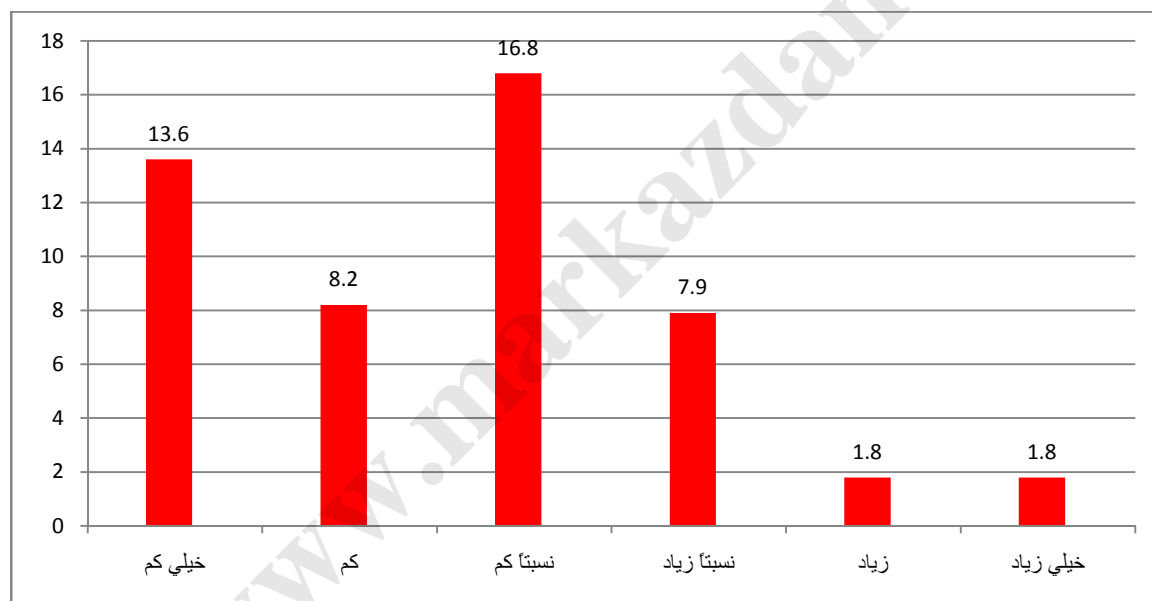


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۵۵ نفر در حدود ۱۹/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۴ نفر در حدود ۱/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (کم) ۴ نفر در حدود ۱/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه (خیلی کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۴۸): چگونگی واکنش به اینکه زنان شاغل در همه امور باید از شوهرانشان تابعیت کنند

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی
خیلی کم	۳۸	۱۳/۶	۲۷/۱	۲۷/۱
کم	۲۳	۸/۲	۱۶/۴	۴۳/۶
نسبتاً کم	۴۷	۱۶/۸	۳۳/۶	۷۷/۱
نسبتاً زیاد	۲۲	۷/۹	۱۵/۷	۹۲/۹
زیاد	۵	۱/۸	۳/۶	۹۶/۴
خیلی زیاد	۵	۱/۸	۳/۶	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۴۸): چگونگی واکنش به اینکه زنان شاغل در همه امور باید از شوهرانشان تابعیت کنند

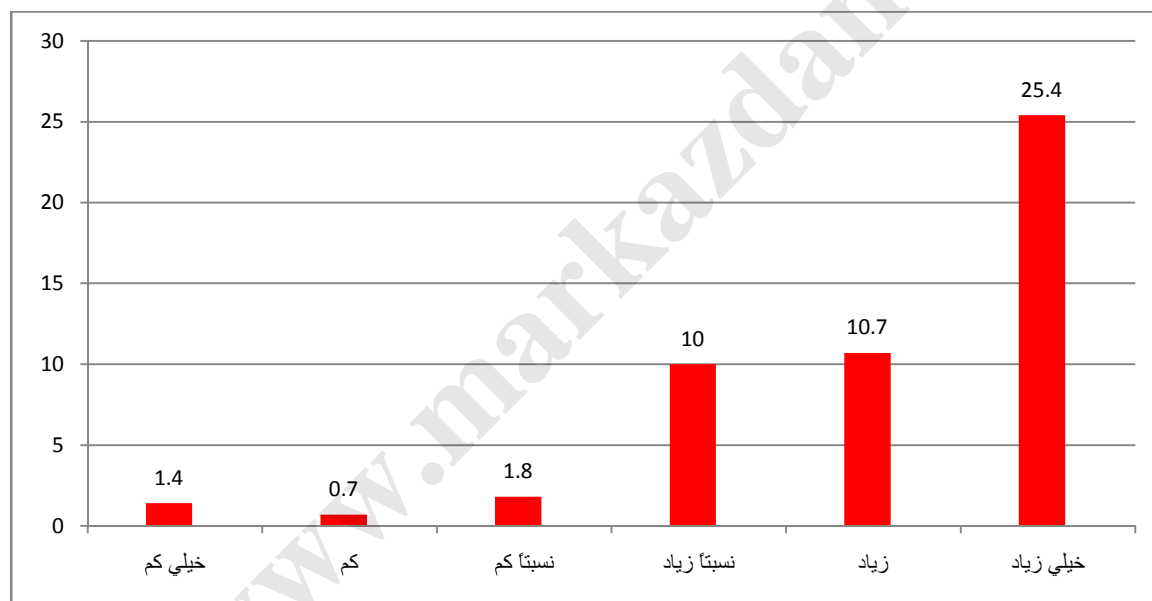


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۴۷ نفر در حدود ۱۶/۸ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۵ نفر در حدود ۱/۸ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (زیاد) ۵ نفر در حدود ۱/۸ درصد حجم نمونه به گزینه (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۴۹): چگونگی واکنش در صورت داشتن زندگی سعادتمند طالب رابطه بهتری بودن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی
خیلی کم	۴	۱/۴	۲/۹	۲/۹
کم	۲	۰/۷	۱/۴	۳/۴
نسبتاً کم	۵	۱/۸	۳/۶	۷/۹
نسبتاً زیاد	۲۸	۱۰/۰	۲۰/۰	۲۷/۹
زیاد	۳۰	۱۰/۷	۲۱/۴	۴۹/۳
خیلی زیاد	۷۱	۲۵/۴	۵۰/۷	۱۰۰/۰
جمع	۲۸۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۴۹): چگونگی واکنش در صورت داشتن زندگی سعادتمند طالب رابطه بهتری بودن

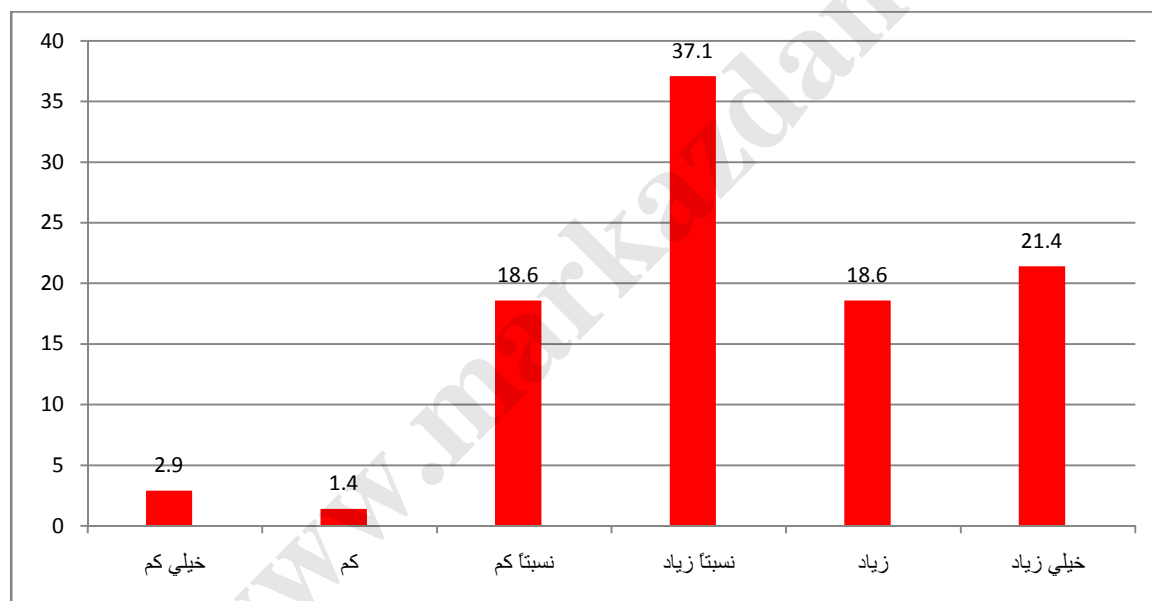


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۵ می باشد و همچنین ۷۱ نفر در حدود ۲۵/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۲ نفر در حدود ۷ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۵۰): چگونگی واکنش به اینکه شنونده خوبی برای مشکلات و گرفتاری‌های همسر بودن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی
خیلی کم	۴	۱/۴	۲/۹	۲/۹
کم	۲	۰/۷	۱/۴	۴/۳
نسبتاً کم	۲۶	۹/۳	۱۸/۶	۲۲/۹
نسبتاً زیاد	۵۲	۱۸/۶	۳۷/۱	۶۰/۰
زیاد	۲۶	۹/۳	۱۸/۶	۷۸/۶
خیلی زیاد	۳۰	۱۰/۷	۲۱/۴	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۵۰): چگونگی واکنش به اینکه شنونده خوبی برای مشکلات و گرفتاری‌های همسر بودن

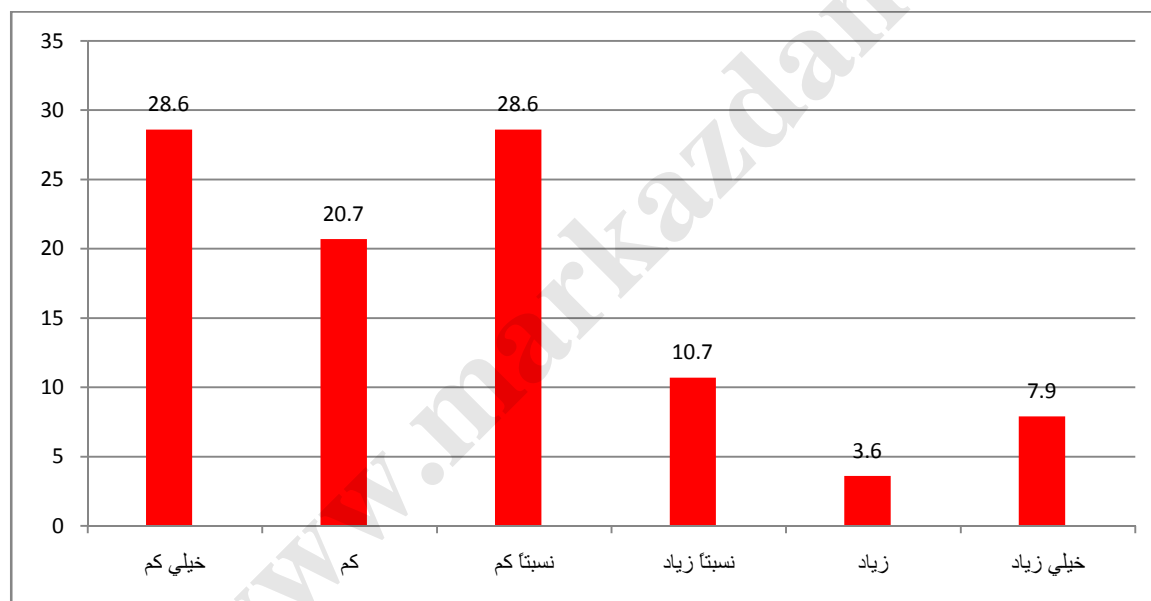


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می‌باشد و همچنین ۵۲ نفر در حدود ۱۸/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۲ نفر در حدود ۷ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۵۱): چگونگی واکنش به تحمیل کردن نظرتان در صورت حق نبودن

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
خیلی کم	۴۰	۱۴/۳	۲۸/۶	۲۸/۶
کم	۲۹	۱۰/۴	۲۰/۷	۴۹/۳
نسبتاً کم	۴۰	۱۴/۳	۲۸/۶	۷۷/۹
نسبتاً زیاد	۱۵	۵/۴	۱۰/۷	۸۸/۶
زیاد	۵	۱/۸	۳/۶	۹۲/۱
خیلی زیاد	۱۱	۳/۹	۷/۹	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۵۱): چگونگی واکنش به تحمیل کردن نظرتان در صورت حق نبودن

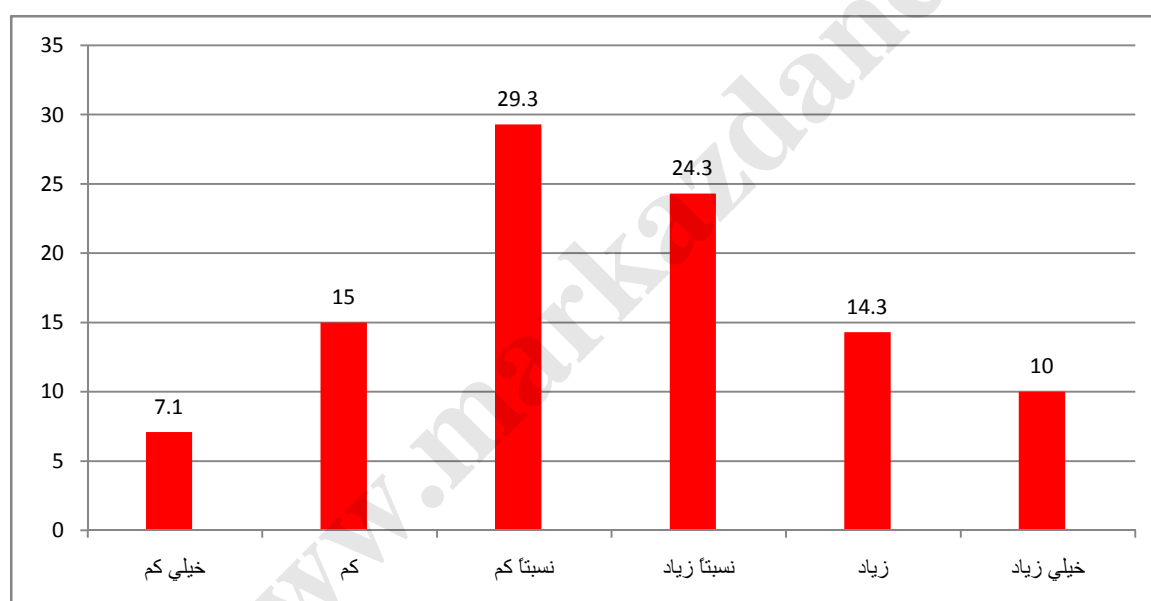


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۴۰ نفر در حدود ۱۴/۳ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) همچنین ۴۰ نفر در حدود ۱۴/۳ درصد از حجم نمونه به گزینه (کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۵ نفر در حدود ۱/۸ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۵۲): چگونگی واکنش به بحث گذاشتن امور مهم زناشویی را با یکدیگر بدون توجه مشکلات دیگر

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	
۱۰	۳/۶	۷/۱	۷/۱	خیلی کم
۲۱	۷/۵	۱۵/۰	۲۲/۱	کم
۴۱	۱۴/۶	۲۹/۳	۵۱/۴	نسبتاً کم
۳۴	۱۲/۱	۲۴/۳	۷۵/۷	نسبتاً زیاد
۲۰	۷/۱	۱۴/۳	۹۰/۰	زیاد
۱۴	۵/۰	۱۰/۰	۱۰۰/۰	خیلی زیاد
۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰		جمع

نمودار شماره (۴-۵۲): چگونگی واکنش به بحث گذاشتن امور مهم زناشویی را با یکدیگر بدون توجه مشکلات دیگر

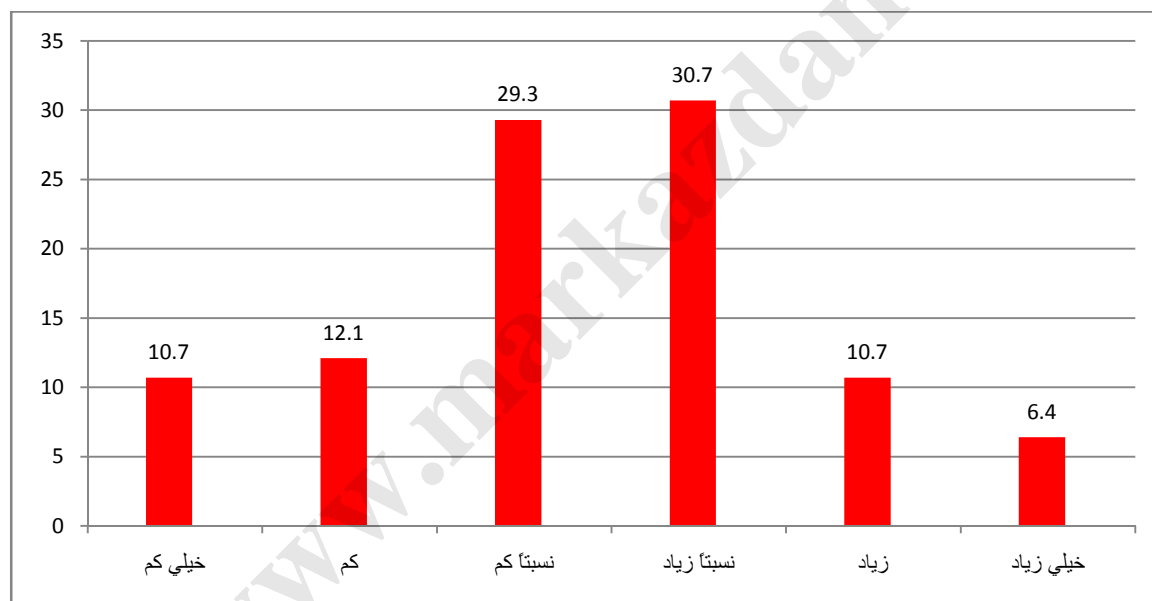


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۴۱ نفر در حدود ۱۴/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (نسبتاً کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۰ نفر در حدود ۳/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (خیلی کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۵۳): چگونگی واکنش به عذرخواهی کردن از همسران در صورت مقصر نبودن

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
خیلی کم	۱۵	۵/۴	۱۰/۷	۱۰/۷
کم	۱۷	۶/۱	۱۲/۱	۲۲/۹
نسبتاً کم	۴۱	۱۴/۶	۲۹/۳	۵۲/۱
نسبتاً زیاد	۴۳	۱۵/۴	۳۰/۷	۸۲/۹
زیاد	۱۵	۵/۴	۱۰/۷	۹۳/۶
خیلی زیاد	۹	۳/۲	۶/۴	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۵۳): چگونگی واکنش به عذرخواهی کردن از همسران در صورت مقصر نبودن



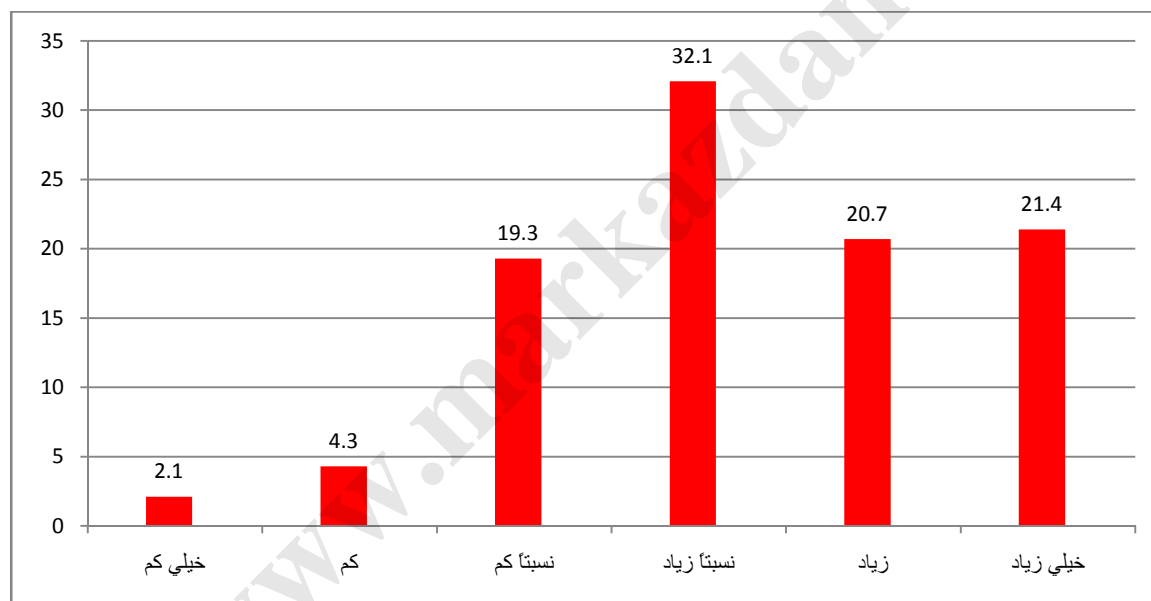
این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۴۳ نفر در حدود ۱۵/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۹ نفر در حدود ۳/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.



جدول شماره (۴-۵۴): به همسران به عنوان عنصر تصمیم‌گیرنده و حمایت‌کننده نگاه کردن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی	
خیلی کم	۳	۱/۱	۲/۱	
کم	۶	۱/۲	۴/۳	۶/۴
نسبتاً کم	۲۷	۹/۶	۱۹/۳	۲۵/۷
نسبتاً زیاد	۴۵	۱۶/۱	۳۲/۱	۵۷/۹
زیاد	۲۹	۱۰/۴	۲۰/۷	۷۸/۶
خیلی زیاد	۳۰	۱۰/۷	۲۱/۴	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۵۴): به همسران به عنوان عنصر تصمیم‌گیرنده و حمایت‌کننده نگاه کردن

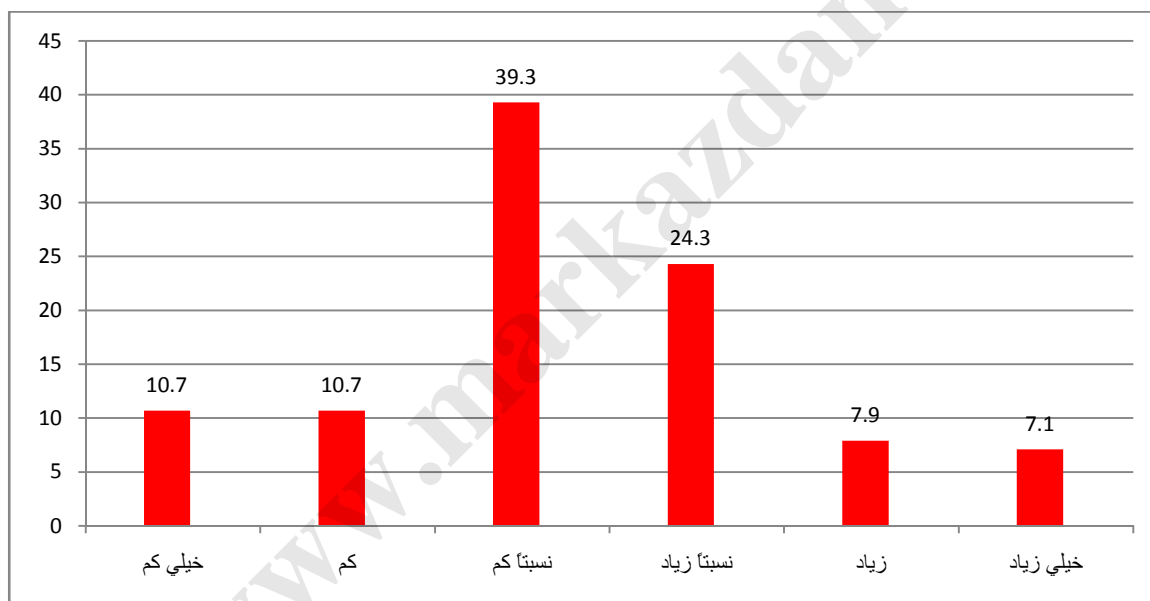


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می‌باشد و همچنین ۴۵ نفر در حدود ۱۶/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳ نفر در حدود ۳/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (خیلی کم) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۵۵-۴): چگونگی واکنش به اینکه همسران برخلاف نظر شما کاری را انجام دهد

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی
خیلی کم	۱۵	۵/۴	۱۰/۷	۱۰/۷
کم	۱۵	۵/۴	۱۰/۷	۲۱/۴
نسبتاً کم	۵۵	۱۹/۶	۳۹/۳	۶۰/۷
نسبتاً زیاد	۳۴	۱۲/۱	۲۴/۳	۸۵/۰
زیاد	۱۱	۳/۹	۷/۹	۹۲/۹
خیلی زیاد	۱۰	۳/۶	۷/۱	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۵۵-۴): چگونگی واکنش به اینکه همسران برخلاف نظر شما کاری را انجام دهد

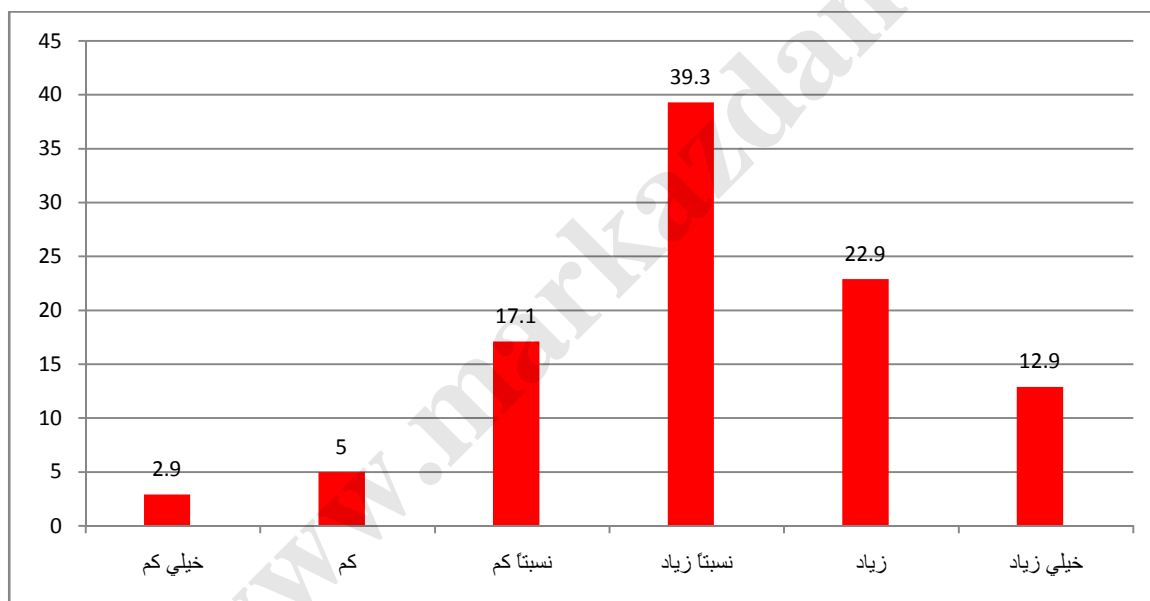


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۵۵ نفر در حدود ۱۹/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (نسبتاً کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۰ نفر در حدود ۳/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۵۶): چگونگی واکنش به اینکه موقع بروز اختلاف رودررو با همسرتان صحبت کردن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی
خیلی کم	۴	۱/۴	۲/۹	۲/۹
کم	۷	۲/۵	۵/۰	۷/۹
نسبتاً کم	۲۴	۸/۶	۱۷/۱	۲۵/۰
نسبتاً زیاد	۵۵	۱۹/۶	۳۹/۳	۶۴/۳
زیاد	۳۲	۱۱/۴	۲۲/۹	۸۷/۱
خیلی زیاد	۱۸	۶/۴	۱۲/۹	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۵۶): چگونگی واکنش به اینکه موقع بروز اختلاف رودررو با همسرتان صحبت کردن

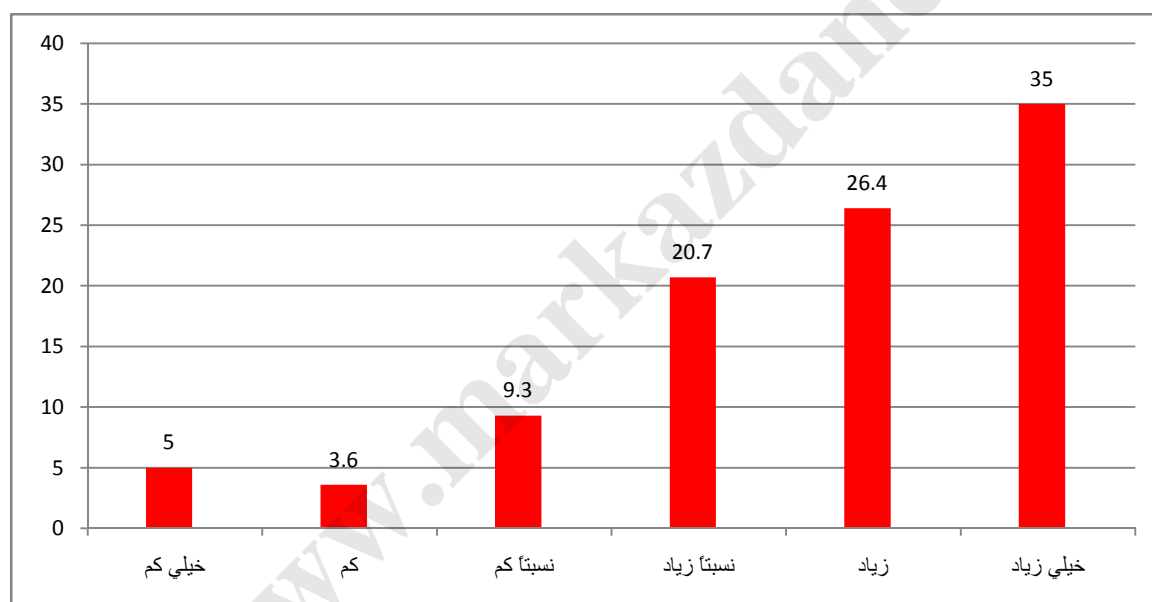


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۵۵ نفر در حدود ۱۹/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۴ نفر در حدود ۱/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (خیلی کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۵۷): چگونگی واکنش به اینکه وقتی از سر کار می‌آیید همسران استقبال گرمی از شما داشته باشد

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
خیلی کم	۷	۲/۵	۵/۰	۵/۰
کم	۵	۱/۸	۳/۶	۸/۶
نسبتاً کم	۱۳	۴/۶	۹/۳	۱۷/۹
نسبتاً زیاد	۲۹	۱۰/۴	۲۰/۷	۳۸/۶
زیاد	۳۷	۱۳/۲	۲۶/۴	۶۵/۰
خیلی زیاد	۴۹	۱۷/۵	۳۵/۰	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۵۷): چگونگی واکنش به اینکه وقتی از سر کار می‌آیید همسران استقبال گرمی از شما داشته باشد

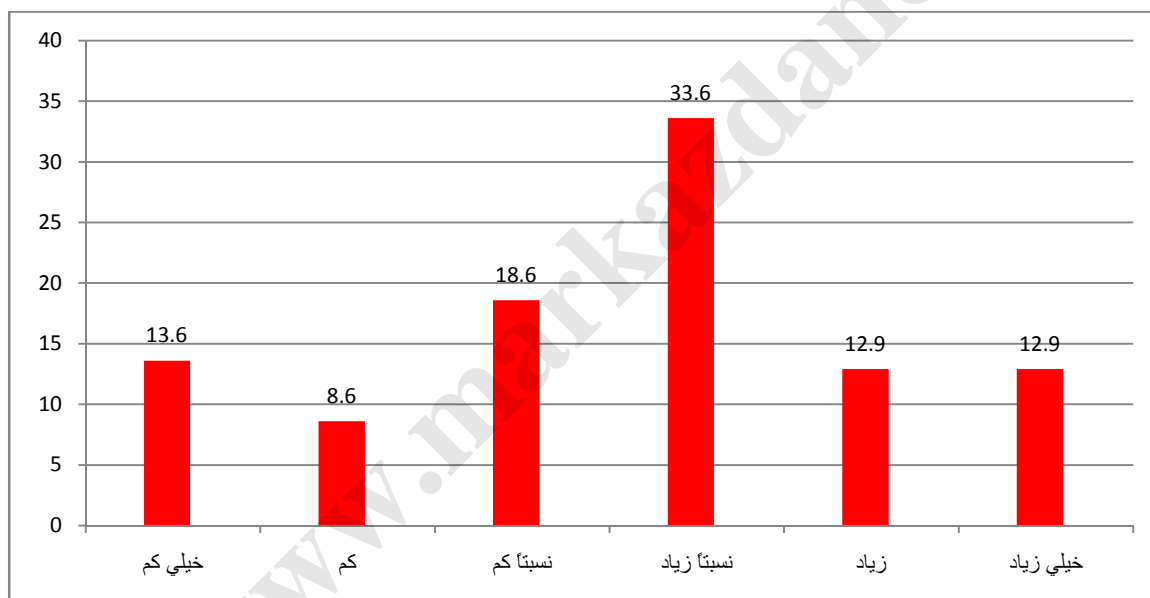


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۴ می‌باشد و همچنین ۴۹ نفر در حدود ۱۷/۵ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۵ نفر در حدود ۱/۸ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۵۸): چگونگی واکنش به رفتن همسران به خانه دوستان و همسالان بدون اطلاع دادن به شما

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی کم	۱۹	۶/۸	۱۳/۶	۱۳/۶
کم	۱۲	۴/۳	۸/۶	۲۲/۱
نسبتاً کم	۲۶	۹/۳	۱۸/۶	۴۰/۷
نسبتاً زیاد	۴۷	۱۶/۸	۳۳/۶	۷۴/۳
زیاد	۱۸	۶/۴	۱۲/۹	۸۷/۱
خیلی زیاد	۱۸	۶/۴	۱۲/۹	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

جدول شماره (۴-۵۸): چگونگی واکنش به رفتن همسران به خانه دوستان و همسالان بدون اطلاع دادن به شما

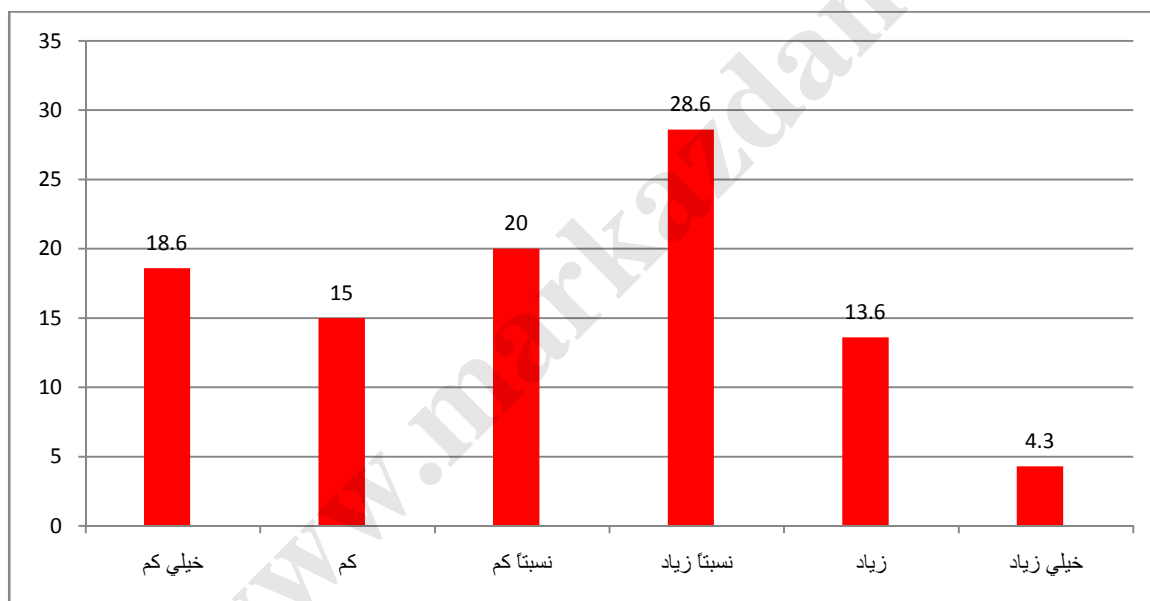


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۴۷ نفر در حدود ۱۶/۸ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۲ نفر در حدود ۴/۳ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۵۹-۴): چگونگی واکنش به اینکه همسران طبق خواسته شما رفتار کند

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی
خیلی کم	۲۶	۹/۳	۱۸/۶	۱۸/۶
کم	۲۱	۷/۵	۱۵/۰	۳۳/۶
نسبتاً کم	۲۸	۱۰/۰	۵۰/۰	۵۳/۶
نسبتاً زیاد	۴۰	۱۴/۳	۲۸/۶	۸۲/۱
زیاد	۱۹	۶/۸	۱۳/۶	۹۵/۷
خیلی زیاد	۶	۲/۱	۴/۳	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۵۹-۴): چگونگی واکنش به اینکه همسران طبق خواسته شما رفتار کند

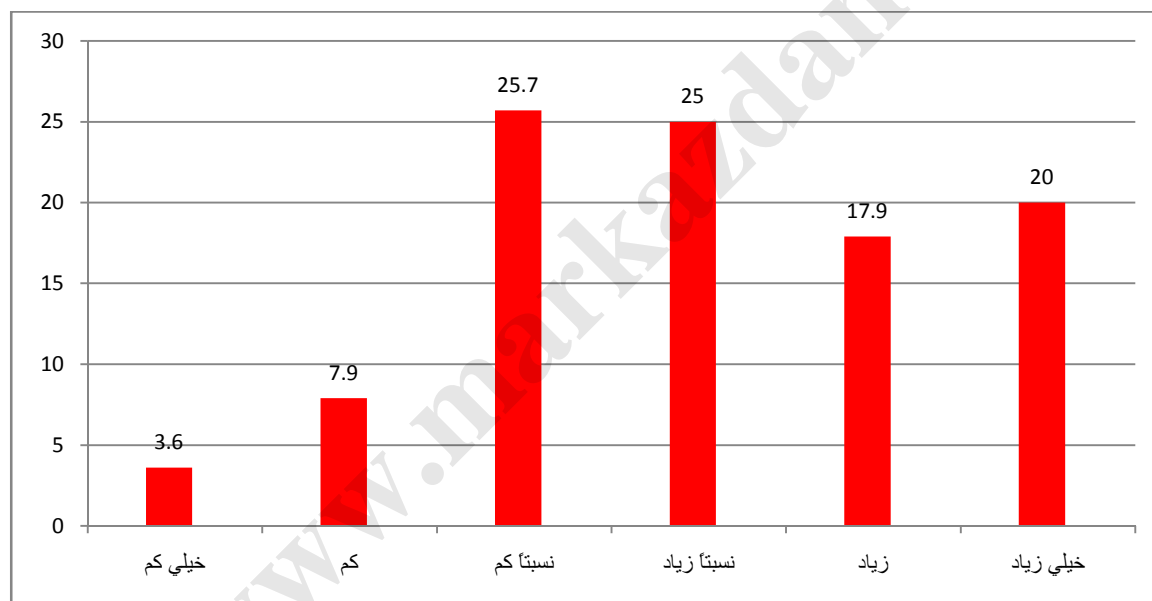


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۴۰ نفر در حدود ۱۴/۳ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۶ نفر در حدود ۲/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۶۰): چگونگی واکنش به پیش‌قدم‌شدن برای تمام‌شدن جروبحث

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی کم	۵	۱/۸	۳/۶
کم	۱۱	۳/۹	۱۱/۴
نسبتاً کم	۳۶	۱۲/۹	۳۷/۱
نسبتاً زیاد	۳۵	۱۲/۵	۶۲/۱
زیاد	۲۵	۸/۹	۸۰/۰
خیلی زیاد	۲۸	۱۰/۰	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰

نمودار شماره (۴-۶۰): چگونگی واکنش به پیش‌قدم‌شدن برای تمام‌شدن جروبحث

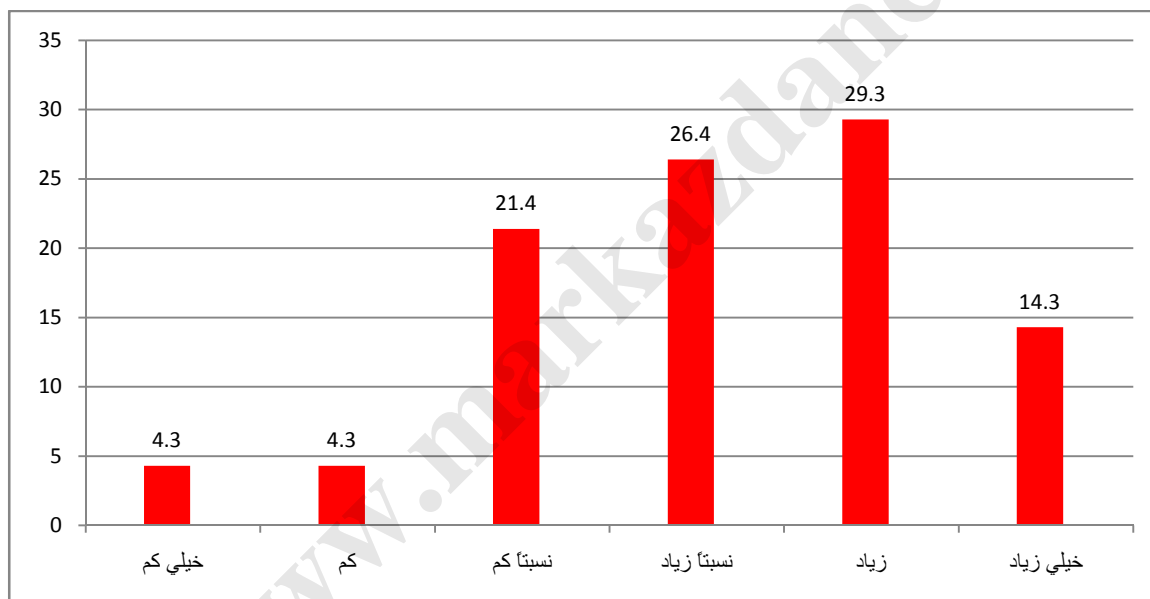


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می‌باشد و همچنین ۳۶ نفر در حدود ۱۲/۹ درصد از حجم نمونه به گزینه سوم (نسبتاً کم) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۵ نفر در حدود ۱/۸ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی کم) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۴-۶۱): چگونگی واکنش به اینکه بطور صریح و دوستانه درباره راه‌های رفع مشکل با همسر مشورت کردن

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
خیلی کم	۶	۲/۱	۴/۳	۴/۳
کم	۶	۲/۱	۴/۳	۸/۶
نسبتاً کم	۳۰	۱۰/۷	۲۱/۴	۳۰/۰
نسبتاً زیاد	۳۷	۱۳/۲	۲۶/۴	۵۶/۴
زیاد	۴۱	۱۴/۶	۲۹/۳	۸۵/۷
خیلی زیاد	۲۰	۷/۱	۱۴/۳	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۶۱): چگونگی واکنش به اینکه بطور صریح و دوستانه درباره راه‌های رفع مشکل با همسر مشورت کردن



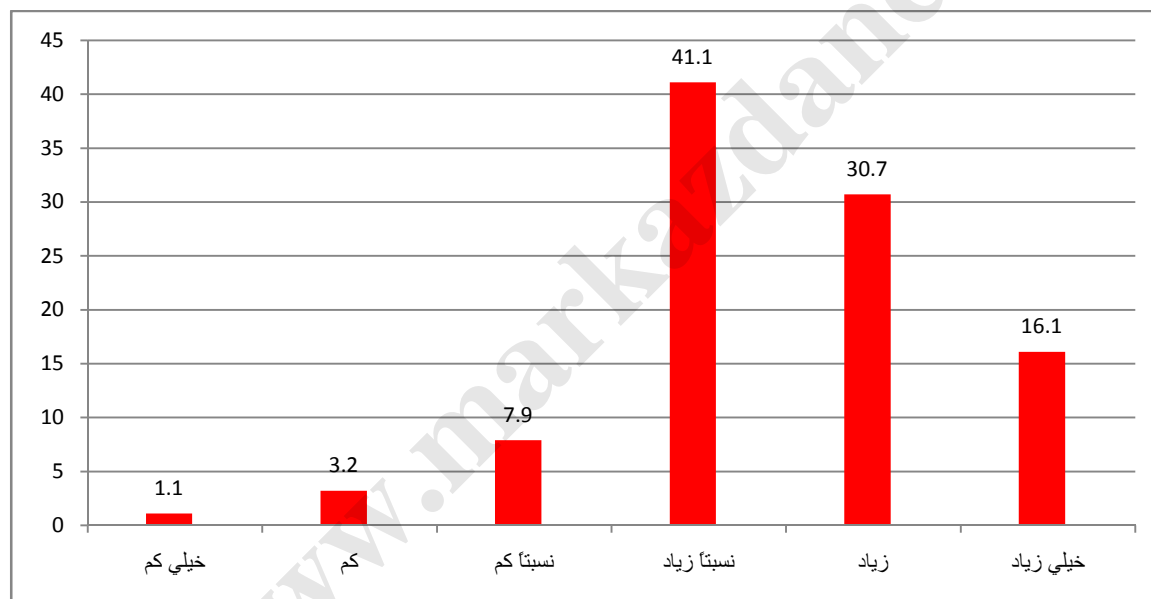
این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می‌باشد و همچنین ۴۱ نفر در حدود ۱۴/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (زیاد) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۶ نفر در حدود ۲/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه اول (خیلی کم) ۶ نفر در حدود ۲/۱ درصد (کم) از حجم نمونه به گزینه دوم جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.



جدول شماره (۴-۶۲): چگونگی واکنش به مشاهده ماشین شیک و مدل بالایی همسایگان و اقوام و امکان اختلاف پیدا کردن

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی کم	۵۱	۱۸/۳	۳۶/۴	۳۶/۴
کم	۲۷	۹/۶	۱۹/۳	۵۵/۷
نسبتاً کم	۲۵	۸/۹	۱۷/۹	۷۳/۶
نسبتاً زیاد	۲۶	۹/۳	۱۸/۶	۹۲/۱
زیاد	۸	۲/۹	۵/۷	۹۷/۹
خیلی زیاد	۳	۱/۱	۲/۱	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۶۲): چگونگی واکنش به مشاهده ماشین شیک و مدل بالایی همسایگان و اقوام و امکان اختلاف پیدا کردن

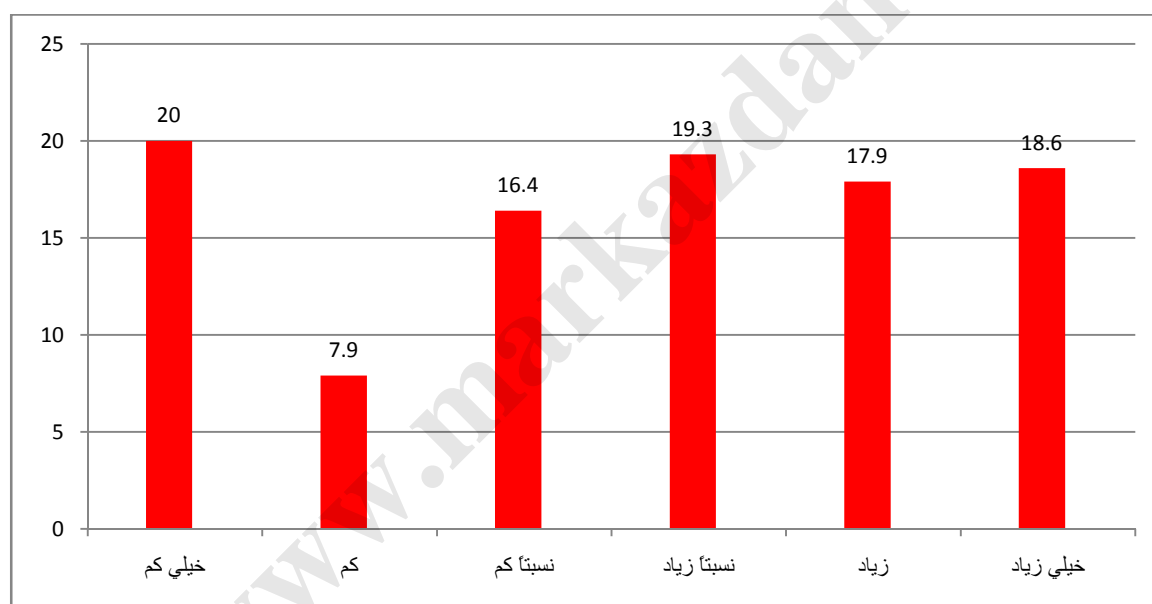


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۱ می باشد و همچنین ۵۱ نفر در حدود ۱۸/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳ نفر در حدود ۱/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۶۳): مثل همسایه و اقوام ماشین شیک داشتن و غیره

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	
خیلی کم	۲۸	۱۰/۰	۲۰/۰	
کم	۱۱	۳/۹	۲۷/۹	
نسبتاً کم	۲۳	۸/۲	۴۴/۳	
نسبتاً زیاد	۲۷	۹/۶	۶۳/۶	
زیاد	۲۵	۸/۹	۸۱/۴	
خیلی زیاد	۲۶	۹/۳	۱۰۰/۰	
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۶۳): مثل همسایه و اقوام ماشین شیک داشتن و غیره

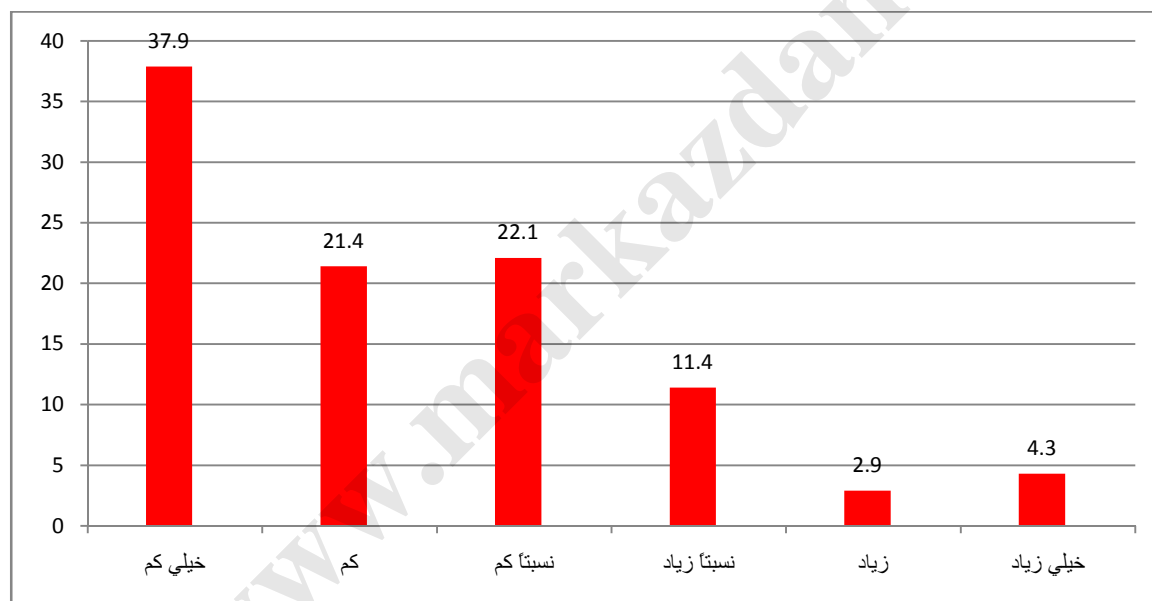


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه =  $1/5$  می باشد و همچنین ۲۸ نفر در حدود ۱۰ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۱ نفر در حدود ۳/۹ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۶۴): مشاهده امکانات رفاهی همسایگان و احساس نارضایتی پیدا کردن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی
خیلی کم	۵۳	۱۸/۹	۳۷/۹	۳۷/۹
کم	۳۰	۱۰/۷	۲۱/۴	۵۹/۳
نسبتاً کم	۳۱	۱۱/۱	۲۲/۱	۸۱/۴
نسبتاً زیاد	۱۶	۵/۷	۱۱/۴	۹۲/۹
زیاد	۴	۱/۴	۲/۹	۹۵/۷
خیلی زیاد	۶	۲/۱	۴/۳	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۶۴): مشاهده امکانات رفاهی همسایگان و احساس نارضایتی پیدا کردن

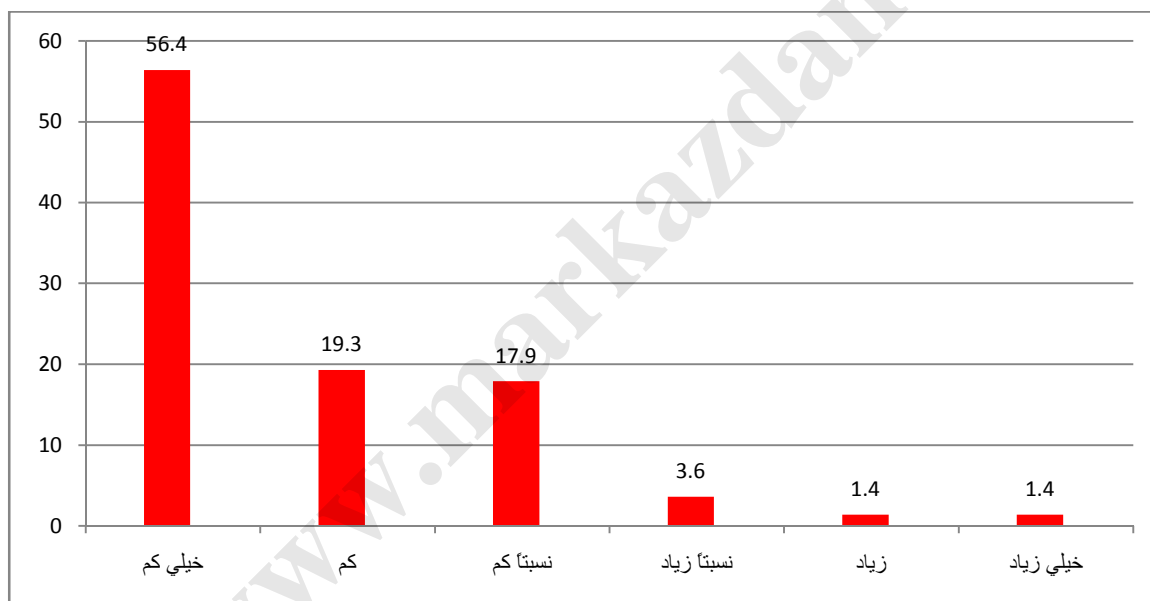


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه =  $1/5$  می باشد و همچنین ۵۳ نفر در حدود ۱۸/۹ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۴ نفر در حدود ۱/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۶۵): چگونگی واکنش به اینکه بدون مشورت دوستان را به خانه دعوت کردن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی	
خیلی کم	۷۹	۲۸/۲	۵۶/۴	
کم	۲۷	۹/۶	۱۹/۳	۷۵/۷
نسبتاً کم	۲۵	۸/۹	۱۷/۹	۹۳/۶
نسبتاً زیاد	۵	۱/۸	۳/۶	۹۷/۱
زیاد	۲	۰/۷	۱/۴	۹۸/۶
خیلی زیاد	۲	۰/۷	۱/۴	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۶۵): چگونگی واکنش به اینکه بدون مشورت دوستان را به خانه دعوت کردن

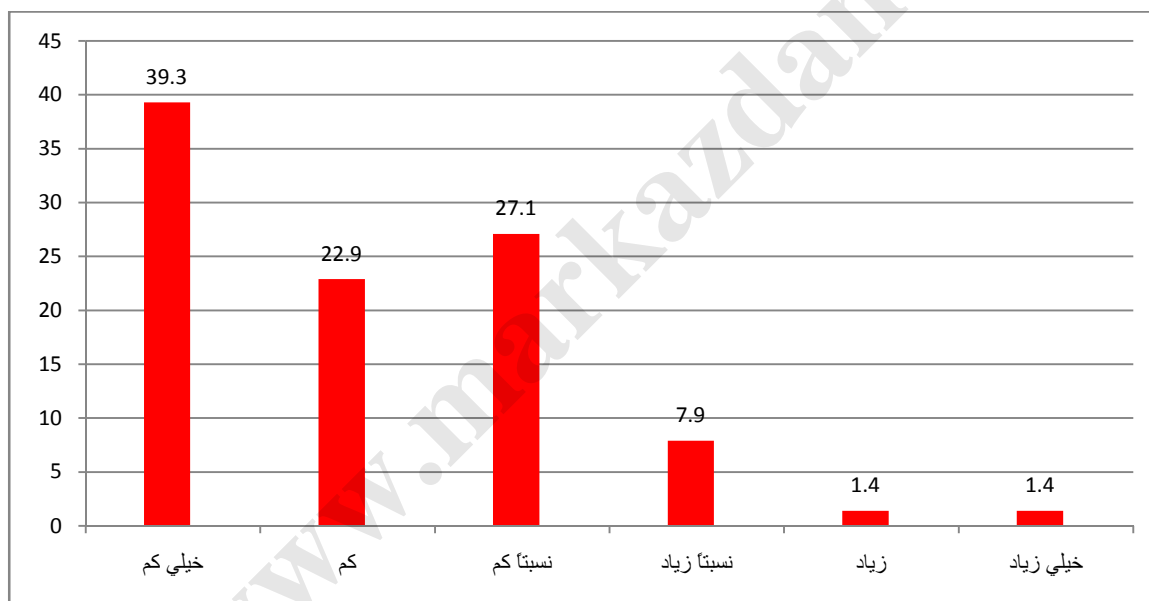


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۱ می باشد و همچنین ۷۹ نفر در حدود ۲۸/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۲ نفر در حدود ۰/۷ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم و ششم (زیاد و خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۶۶): چگونگی واکنش به حق اظهار نظر در مورد مسایل مختلف دادن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی	
خیلی کم	۵۵	۱۹/۶	۳۹/۳	
کم	۳۲	۱۱/۴	۲۲/۹	۶۲/۱
نسبتاً کم	۳۸	۱۳/۶	۲۷/۱	۸۹/۳
نسبتاً زیاد	۱۱	۳/۹	۷/۹	۹۷/۱
زیاد	۲	۰/۷	۱/۴	۹۸/۶
خیلی زیاد	۲	۰/۷	۱/۴	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۶۶): چگونگی واکنش به حق اظهار نظر در مورد مسایل مختلف دادن

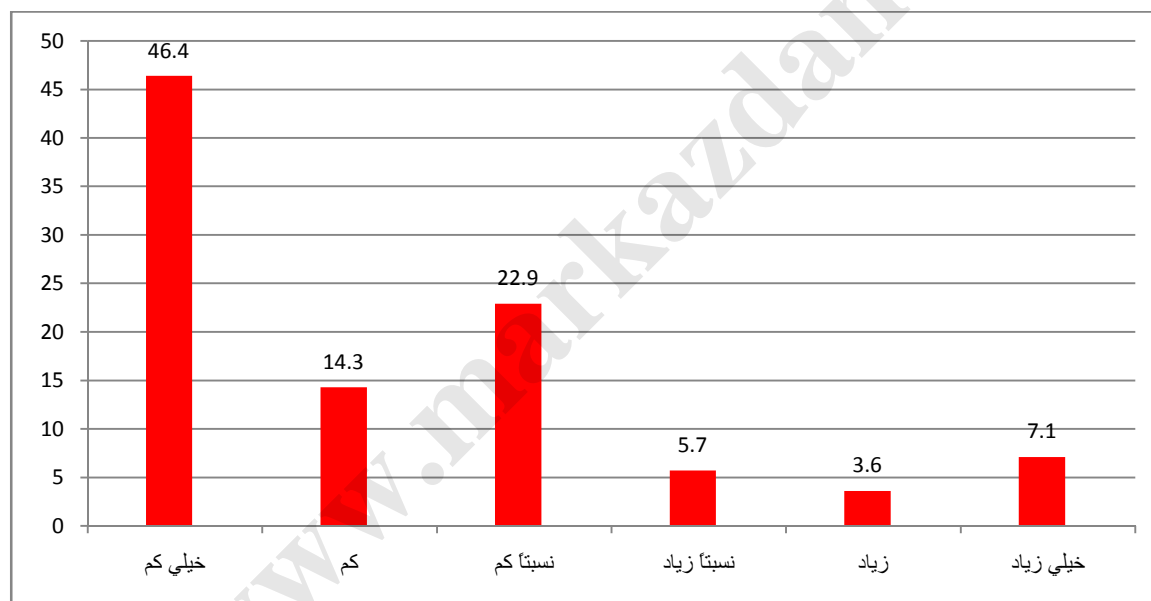


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۱ می باشد و همچنین ۵۵ نفر در حدود ۱۹/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۲ نفر در حدود ۰/۷ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم و ششم (زیاد و خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۶۷): چگونگی واکنش به اینکه بدون اجازه به خانه پدر و مادر رفتن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی	
خیلی کم	۶۵	۲۳/۲	۴۶/۴	
کم	۲۰	۷/۱	۱۴/۳	۶۰/۷
نسبتاً کم	۳۲	۱۱/۴	۲۲/۹	۸۳/۶
نسبتاً زیاد	۸	۲/۹	۵/۷	۸۹/۳
زیاد	۵	۱/۸	۳/۶	۹۲/۹
خیلی زیاد	۱۰	۳/۶	۷/۱	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۶۷): چگونگی واکنش به اینکه بدون اجازه به خانه پدر و مادر رفتن

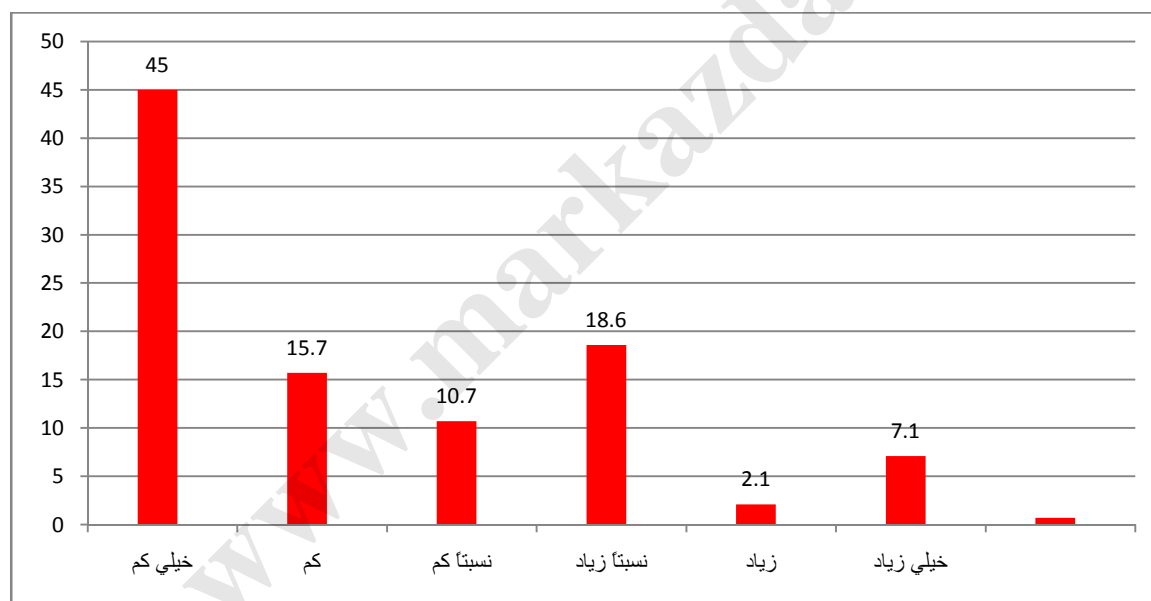


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۱ می باشد و همچنین ۶۵ نفر در حدود ۲۳/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۵ نفر در حدود ۱/۸ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۶۸): چگونگی واکنش به اینکه بدون اجازه برای خود لباس خریدن

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	
خیلی کم	۶۳	۲۲/۵	۴۵/۰	
کم	۲۲	۷/۹	۶۰/۷	
نسبتاً کم	۱۵	۵/۴	۷۱/۴	
نسبتاً زیاد	۲۶	۹/۳	۹۰/۰	
زیاد	۳	۱/۱	۹۲/۱	
خیلی زیاد	۱۰	۳/۶	۹۹/۳	
پاسخ نداده	۱	۰/۴	۱۰۰/۰	
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۶۸): چگونگی واکنش به اینکه بدون اجازه برای خود لباس خریدن

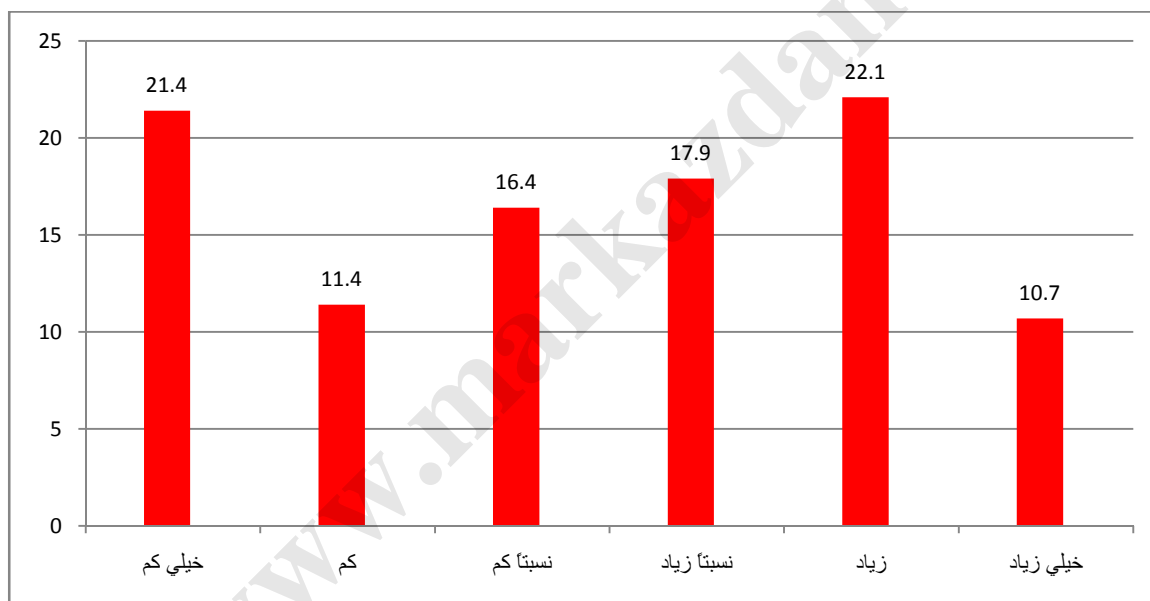


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۱ می باشد و همچنین ۶۵ نفر در حدود ۲۳/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۵ نفر در حدود ۱/۸ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۶۹-۴): چگونگی واکنش به اینکه تصمیم آخر را همسر می‌گیرد

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
خیلی کم	۳۰	۱۰/۷	۲۱/۴	۲۱/۴
کم	۱۶	۵/۷	۱۱/۴	۳۲/۹
نسبتاً کم	۲۳	۸/۲	۱۶/۴	۴۹/۳
نسبتاً زیاد	۲۵	۸/۹	۱۷/۹	۶۷/۱
زیاد	۳۱	۱۱/۱	۲۲/۱	۸۹/۳
خیلی زیاد	۱۵	۵/۴	۱۰/۷	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۶۹-۴): چگونگی واکنش به اینکه تصمیم آخر را همسر می‌گیرد



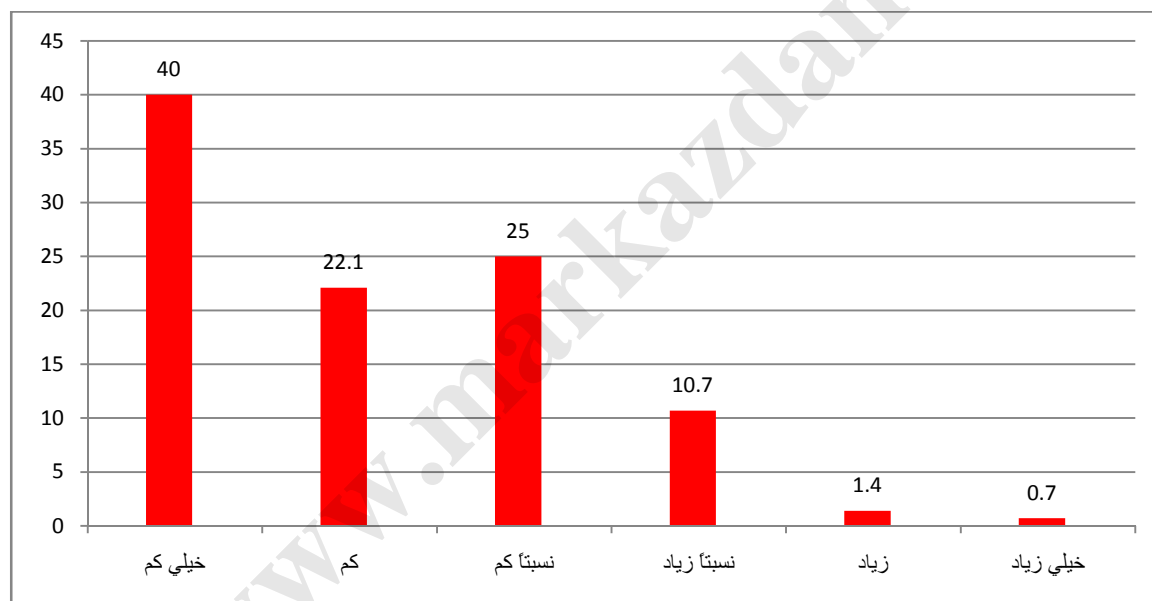
این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می‌باشد و همچنین ۳۱ نفر در حدود ۱۱/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (زیاد) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۵ نفر در حدود ۵/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.



جدول شماره (۷۰-۴): چگونگی واکنش به اجازه دخالت در مورد مسائل خانه را دادن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی
خیلی کم	۵۶	۲۰/۰	۴۰/۰	۴۰/۰
کم	۳۱	۱۱/۱	۲۲/۱	۶۲/۱
نسبتاً کم	۳۵	۱۲/۵	۲۵/۰	۸۷/۱
نسبتاً زیاد	۱۵	۵/۴	۱۰/۷	۹۷/۹
زیاد	۲	۰/۷	۱/۴	۹۹/۳
خیلی زیاد	۱	۰/۴	۰/۷	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۷۰-۴): چگونگی واکنش به اجازه دخالت در مورد مسائل خانه را دادن

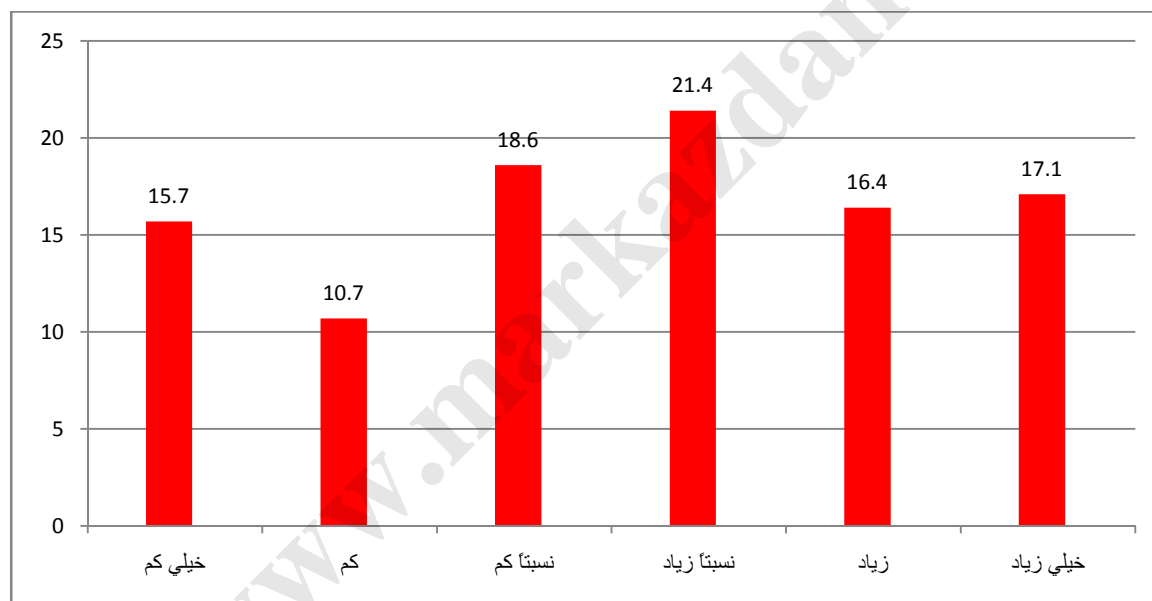


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۱ می باشد و همچنین ۶۵ نفر در حدود ۲۰ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱ نفر در حدود ۴ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۷۱-۴): چگونگی واکنش به پول خرج کردن بدون اجازه شوهر

درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
۲۲	۷/۹	۱۵/۷	۱۵/۷	خیلی کم
۱۵	۵/۴	۱۹/۷	۲۶/۴	کم
۲۶	۹/۳	۱۸/۶	۴۵/۰	نسبتاً کم
۳۰	۱۰/۷	۲۱/۴	۶۶/۴	نسبتاً زیاد
۲۳	۸/۲	۱۶/۴	۸۲/۹	زیاد
۲۴	۸/۶	۱۷/۱	۱۰۰/۰	خیلی زیاد
۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰		جمع

نمودار شماره (۷۱-۴): چگونگی واکنش به پول خرج کردن بدون اجازه شوهر

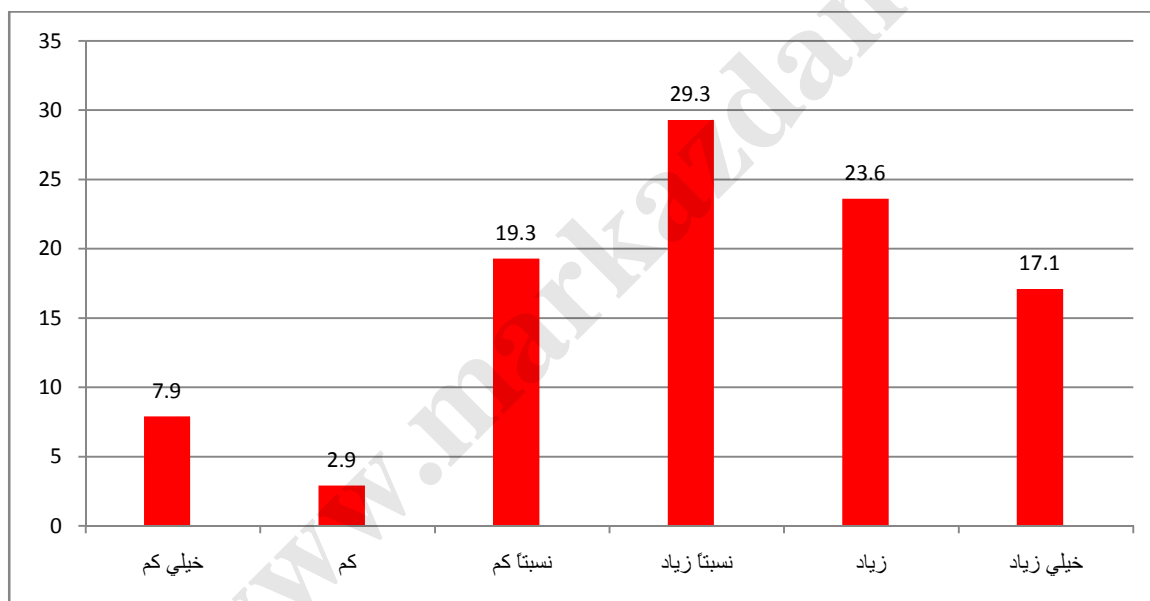


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می باشد و همچنین ۳۰ نفر در حدود ۱۰/۷ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱۵ نفر در حدود ۵/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۷۲): چگونگی واکنش به سؤال کردن در مورد جاهایی که همسران می‌رود

درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
خیلی کم	۱۱	۳/۹	۷/۹	۷/۹
کم	۴	۱/۴	۲/۹	۱۰/۷
نسبتاً کم	۲۷	۹/۶	۱۹/۳	۳۰/۰
نسبتاً زیاد	۴۱	۱۴/۶	۲۹/۳	۵۹/۳
زیاد	۳۳	۱۱/۸	۲۳/۶	۸۲/۹
خیلی زیاد	۲۴	۸/۶	۱۷/۱	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۷۲): چگونگی واکنش به سؤال کردن در مورد جاهایی که همسران می‌رود

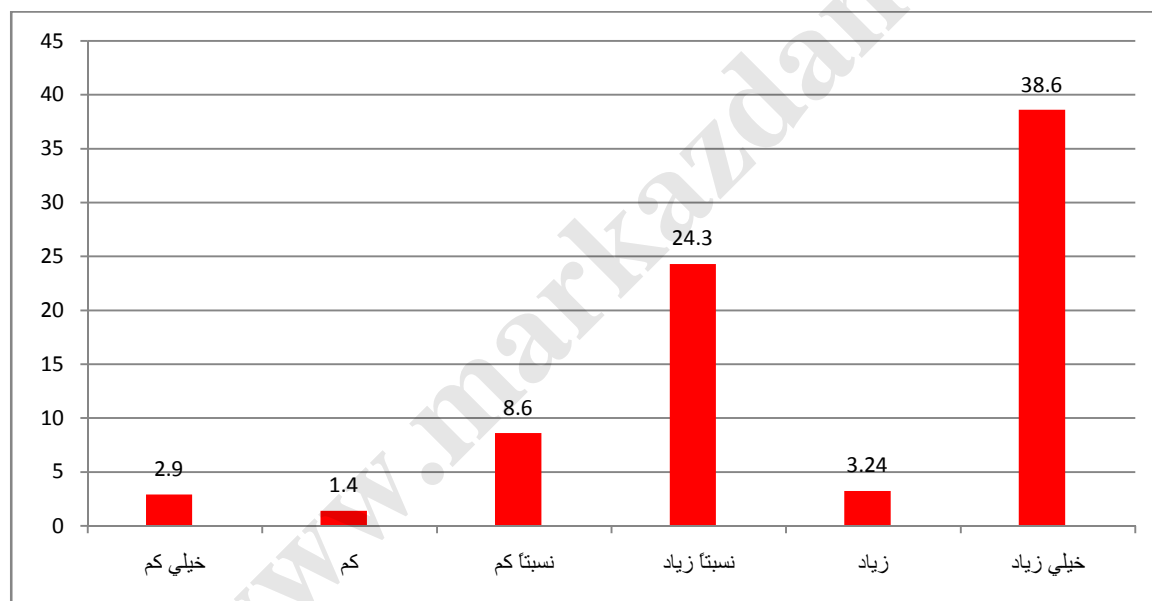


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۳ می‌باشد و همچنین ۴۱ نفر در حدود ۱۴/۶ درصد از حجم نمونه به گزینه چهارم (نسبتاً زیاد) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۴ نفر در حدود ۱/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۷۳-۴): چگونگی واکنش به اینکه از تأیید و حمایت همسر در تمام امور برخوردار بودن

فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
خیلی کم	۴	۱/۴	۲/۹	۲/۹
کم	۲	۰/۷	۱/۴	۴/۳
نسبتاً کم	۱۲	۴/۳	۸/۶	۱۲/۹
نسبتاً زیاد	۳۴	۱۲/۱	۲۴/۳	۳۷/۱
زیاد	۳۴	۱۲/۱	۲۴/۳	۶۱/۴
خیلی زیاد	۵۴	۱۹/۳	۳۸/۶	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۷۳-۴): چگونگی واکنش به اینکه از تأیید و حمایت همسر در تمام امور برخوردار بودن

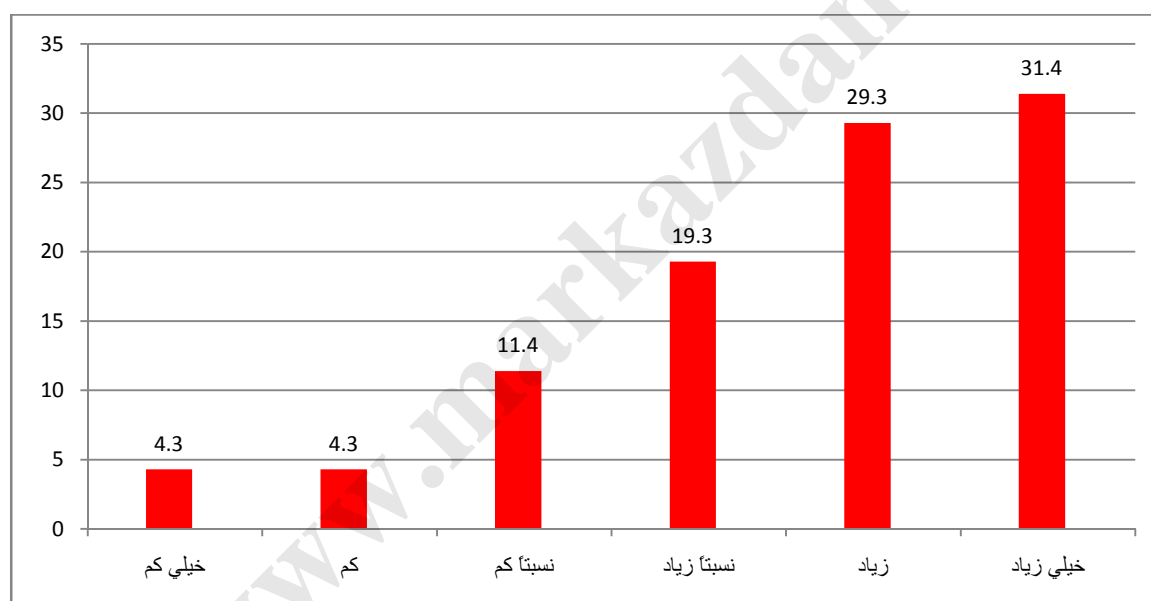


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۴ می باشد و همچنین ۵۴ نفر در حدود ۱۹/۳ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۲ نفر در حدود ۷ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۷۴-۴): چگونگی واکنش به اینکه در مورد مسایل مورد علاقه صحبت کردن

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی
خیلی کم	۶	۲/۱	۴/۳	۴/۳
کم	۶	۲/۱	۴/۳	۸/۶
نسبتاً کم	۱۶	۵/۷	۱۱/۴	۲۰/۰
نسبتاً زیاد	۲۷	۹/۶	۱۹/۳	۳۹/۳
زیاد	۴۱	۱۴/۶	۲۹/۳	۶۸/۶
خیلی زیاد	۴۴	۱۵/۷	۳۱/۴	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۷۴-۴): چگونگی واکنش به اینکه در مورد مسایل مورد علاقه صحبت کردن

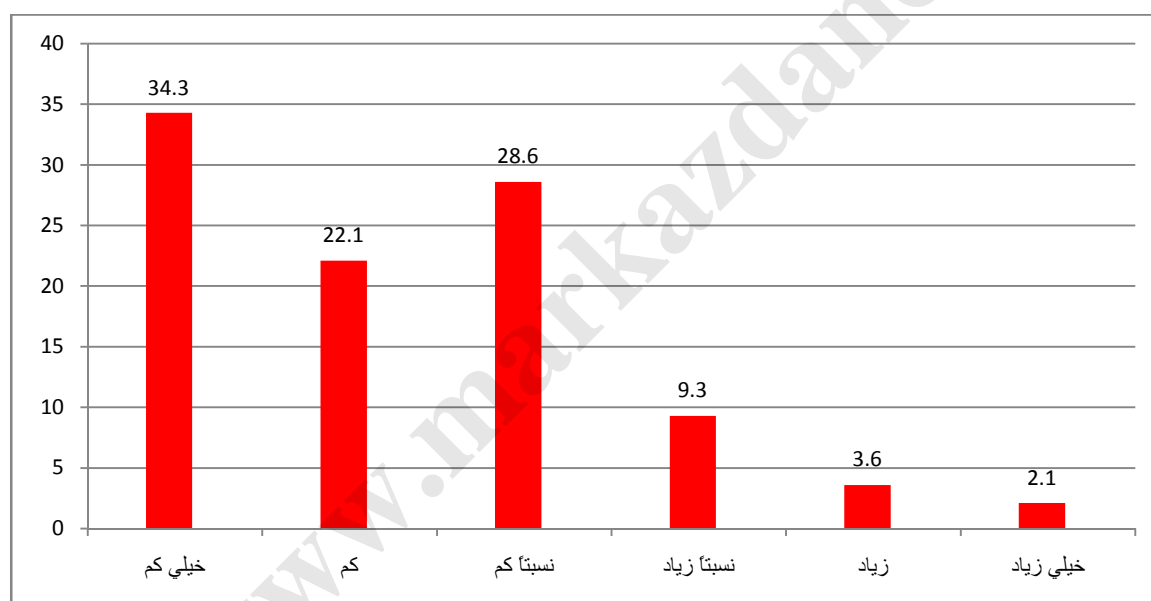


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۴ می باشد و همچنین ۴۴ نفر در حدود ۱۵/۷ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (نسبتاً زیاد) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۶ نفر در حدود ۲/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه اول و دوم (خیلی کم و کم) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۷۵-۴): چگونگی واکنش به کوتاهی کردن در انجام کارهای مثل پخت و پز موقع بروز بگومگو

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی کم	۴۸	۱۷/۱	۳۴/۳	۳۴/۳
کم	۳۱	۱۱/۱	۲۲/۱	۵۶/۴
نسبتاً کم	۴۰	۱۴/۳	۲۸/۶	۸۵/۰
نسبتاً زیاد	۱۳	۴/۶	۹/۳	۹۴/۳
زیاد	۵	۱/۸	۳/۶	۹۷/۹
خیلی زیاد	۳	۱/۱	۲/۱	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۷۵-۴): چگونگی واکنش به کوتاهی کردن در انجام کارهای مثل پخت و پز موقع بروز بگومگو

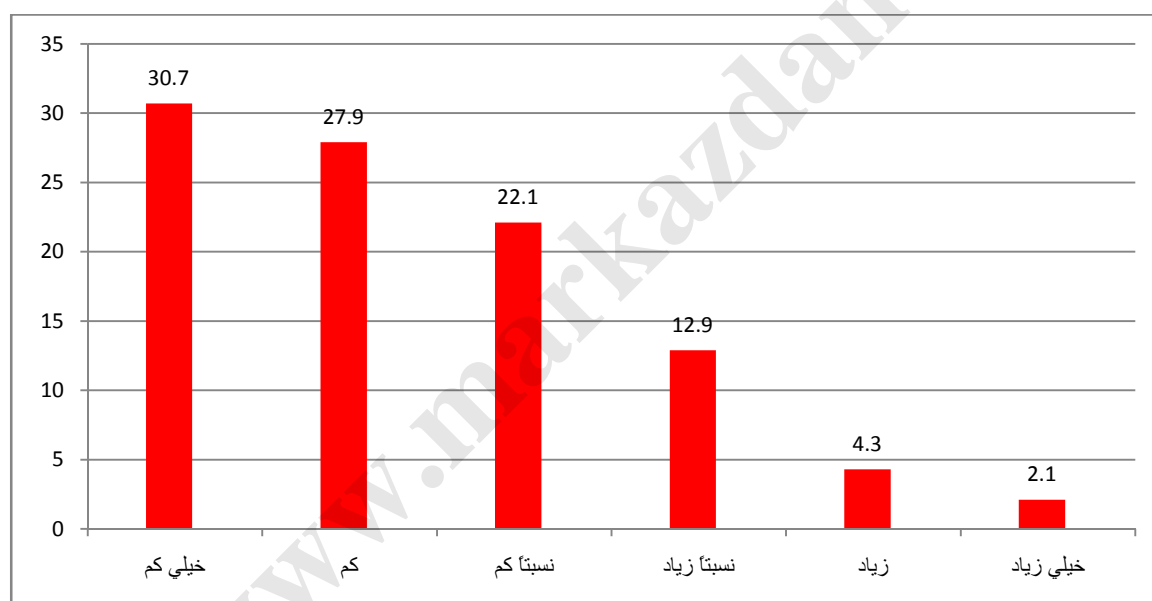


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۱ می باشد و همچنین ۴۸ نفر در حدود ۱۷/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳ نفر در حدود ۱/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۷۶-۴): چگونگی واکنش به سهل‌انگار بودن در انجام کارها موقع اختلاف

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی	
خیلی کم	۴۳	۱۵/۴	۳۰/۷	
کم	۳۹	۱۳/۹	۲۷/۹	۵۸/۶
نسبتاً کم	۳۱	۱۱/۱	۲۲/۱	۸۰/۷
نسبتاً زیاد	۱۸	۶/۴	۱۲/۹	۹۳/۶
زیاد	۶	۲/۱	۴/۳	۹۷/۹
خیلی زیاد	۳	۱/۱	۲/۱	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۷۶-۴): چگونگی واکنش به سهل‌انگار بودن در انجام کارها موقع اختلاف

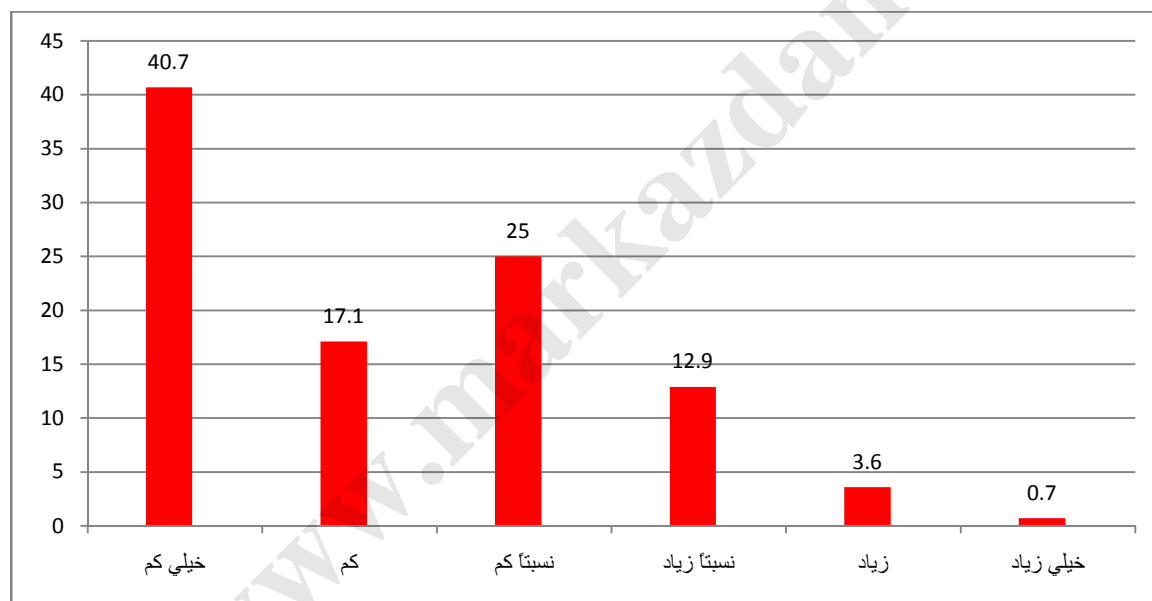


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۱ می‌باشد و همچنین ۴۳ نفر در حدود ۱۵/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳ نفر در حدود ۱/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.

جدول شماره (۷۷-۴): چگونگی واکنش به حق سخن را ندادن موقع تصمیم‌گیری

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی تجمعی
خیلی کم	۵۷	۲۰/۴	۴۰/۷	۴۰/۷
کم	۲۴	۸/۶	۱۷/۱	۵۷/۹
نسبتاً کم	۳۵	۱۲/۵	۲۵/۰	۸۲/۹
نسبتاً زیاد	۱۸	۶/۴	۱۲/۹	۹۵/۷
زیاد	۵	۱/۸	۳/۶	۹۹/۳
خیلی زیاد	۱	۰/۴	۰/۷	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۷۷-۴): چگونگی واکنش به حق سخن را ندادن موقع تصمیم‌گیری



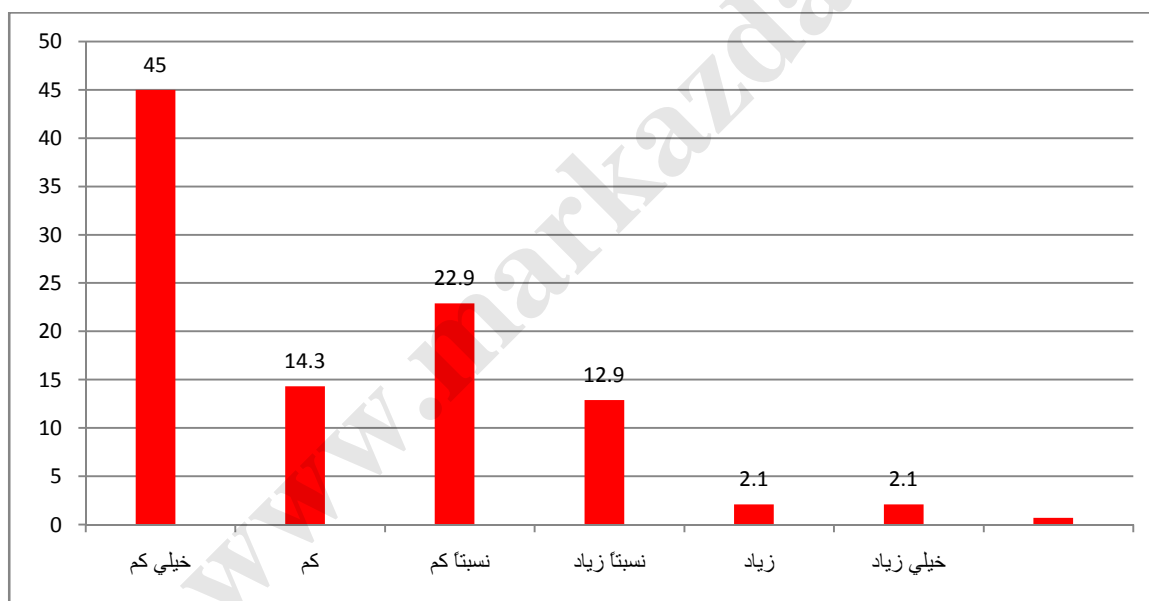
این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۱ می‌باشد و همچنین ۵۷ نفر در حدود ۲۰/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده‌اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۱ نفر در حدود ۴ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده‌اند که کمترین میزان حجم نمونه می‌باشد.



جدول شماره (۴-۷۸): چگونگی واکنش به مشاهده لوازم خانگی اقوام و همسایگان

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی
خیلی کم	۶۳	۲۲/۵	۴۵/۰	۴۵/۰
کم	۲۰	۷/۱	۱۴/۳	۵۹/۳
نسبتاً کم	۳۲	۱۱/۴	۲۲/۹	۸۲/۱
نسبتاً زیاد	۱۸	۶/۴	۱۲/۹	۹۵/۰
زیاد	۳	۱/۱	۲/۱	۹۷/۱
خیلی زیاد	۳	۱/۱	۲/۱	۹۹/۳
پاسخ نداده	۱	۰/۴	۰/۷	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۷۸): چگونگی واکنش به مشاهده لوازم خانگی اقوام و همسایگان

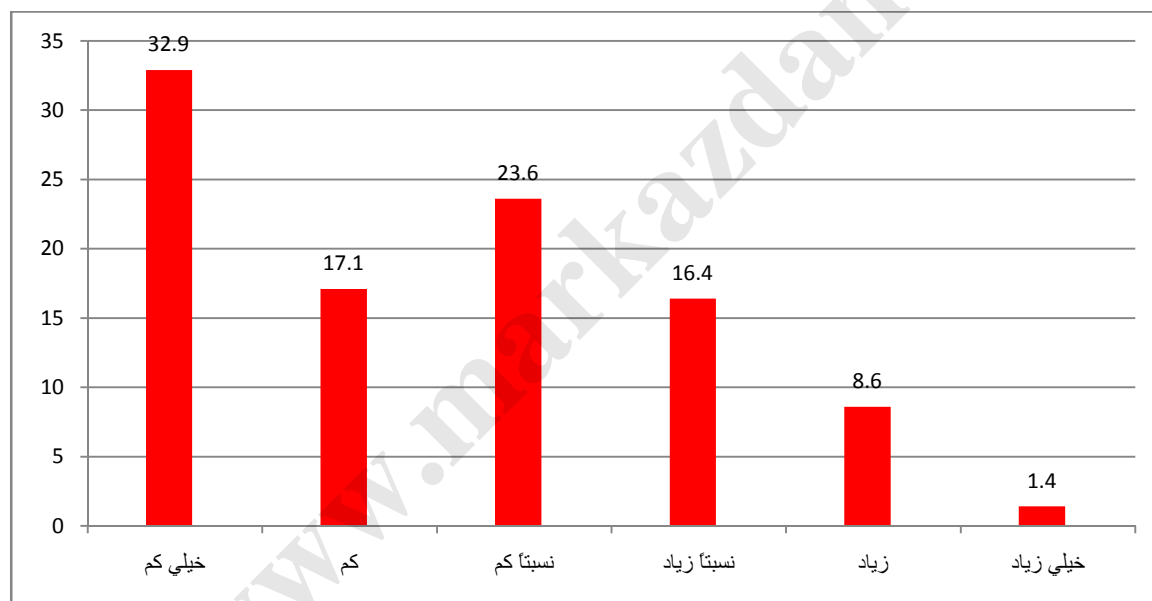


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۱ می باشد و همچنین ۶۳ نفر در حدود ۲۲/۵ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۳ نفر در حدود ۱/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم و ششم (زیاد و خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۷۹-۴): چگونگی واکنش به رفتار و منش زن و شوهرهای دیگر

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی کم	۴۶	۱۶/۴	۳۲/۹	۳۲/۹
کم	۲۴	۸/۶	۱۷/۱	۵۰/۰
نسبتاً کم	۳۳	۱۱/۸	۲۳/۶	۷۳/۶
نسبتاً زیاد	۲۳	۸/۲	۱۶/۴	۹۰/۰
زیاد	۱۲	۴/۳	۸/۶	۹۸/۶
خیلی زیاد	۲	۰/۷	۱/۴	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۷۹-۴): چگونگی واکنش به رفتار و منش زن و شوهرهای دیگر

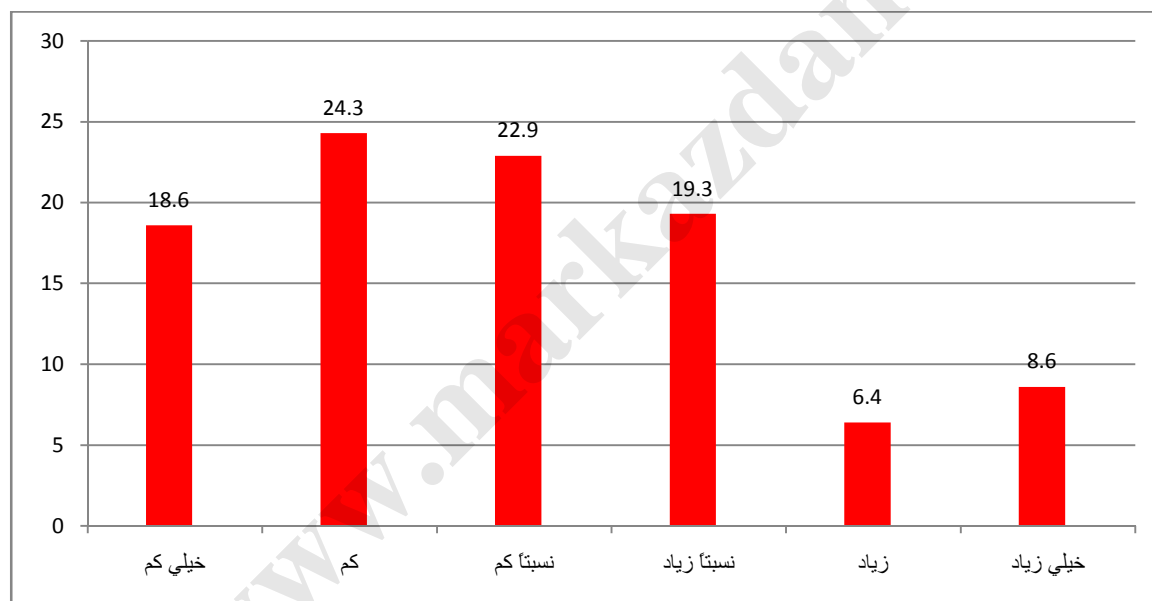


این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه =  $1/5$  می باشد و همچنین ۴۶ نفر در حدود ۱۶/۴ درصد از حجم نمونه به گزینه یک (خیلی کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۲ نفر در حدود ۷ درصد از حجم نمونه به گزینه ششم (خیلی زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

جدول شماره (۴-۸۰): چگونگی واکنش به وضعیت زندگی اقوام و همسایگان

فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی	درصد فرآوانی
خیلی کم	۲۶	۹/۳	۱۸/۶	۱۸/۶
کم	۳۴	۱۲/۱	۲۴/۳	۴۲/۹
نسبتاً کم	۳۲	۱۱/۴	۲۲/۹	۶۵/۷
نسبتاً زیاد	۲۷	۹/۶	۱۹/۳	۸۵/۰
زیاد	۹	۳/۲	۶/۴	۶۱/۴
خیلی زیاد	۱۲	۴/۳	۸/۶	۱۰۰/۰
جمع	۱۴۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰	

نمودار شماره (۴-۸۰): چگونگی واکنش به وضعیت زندگی اقوام و همسایگان



این سوال در سطح ترتیبی طرح شده و شاخص گرایش مرکزی میانه = ۲ می باشد و همچنین ۳۴ نفر در حدود ۱۲/۱ درصد از حجم نمونه به گزینه دوم (کم) جواب داده اند که بیشترین میزان حجم نمونه است. ۹ نفر در حدود ۳/۲ درصد از حجم نمونه به گزینه پنجم (زیاد) جواب داده اند که کمترین میزان حجم نمونه می باشد.

## ۴-۲- آمار استنباطی

### آزمون پیرسون

- بین دموکراتیک بودن یا مستبد بودن زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.  
یا (زوجین دموکراتیک در خانواده تنش‌های خانوادگی کمتری نسبت به زوجین مستبد دارند).

### Correlations

		تنش	دموکراتیک و یا مستبد بودن زوجین
تنش	Pearson Correlation	1	-.۱۴۳
	Sig. (2-tailed)		.۰۱۱
	N	280	280
دموکراتیک بودن زوجین	Pearson Correlation	-.۱۴۳	1
	Sig. (2-tailed)	.۰۱۱	
	N	280	280

با توجه به اینکه متغیر وابسته (تنش‌های خانوادگی) و متغیر مستقل (دموکراتیک یا مستبد بودن زوجین) هر دو فاصله‌ای است از

آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است  
است. Sig. سطح معنی‌داری برابر ۱۱٪ =

که نشان دهنده رابطه معنی‌داری بین دموکراتیک یا مستبد بودن زوجین و تنش‌های خانوادگی می‌باشد. و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر ۱۴۳٪- که نشان دهنده رابطه بین متغیرهاست در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول

تایید می‌شود.  $H_1$  ابطال و فرضیه  $H_0$  فرضیه

بین تساهل و مدارا کردن زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

(زوجینی که در برابر همسران خود مدارا می‌کنند تنش‌های خانوادگی کمتری را تجربه می‌کنند).

## Correlations

		تنش	تساهل ومدارا
تنش	Pearson Correlation	1	-.۳۴۴
	Sig. (2-tailed)		.۰۰۰
	N	280	280
تساهل ومدارا	Pearson Correlation	-.۳۴۴	1
	Sig. (2-tailed)	.۰۰۰	
	N	280	280

با توجه به اینکه متغیر وابسته (تنش های خانوادگی) و متغیر مستقل (تساهل ومدارا کردن زوجین) هر دو فاصله ای است از

آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است.

است. Sig سطح معنی داری برابر  $= .۰۰۰$

که نشان دهنده رابطه معنی داری بین تساهل ومدارای زوجین و تنش های خانوادگی می باشد. و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر  $-.۳۴۴$  که نشان دهنده رابطه بین متغیرهاست در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول

تایید می شود. (فرض صفر را رد می کنیم)  $H_1$  ابطال و فرضیه  $H_0$  فرضیه

بین تمایل به حمایت از خانواده های پدري توسط زوجین و تنش های خانوادگی رابطه معنی دار وجود دارد.

## Correlations

		تنش	حمایت از خانواده پدري
تنش	Pearson Correlation	1	.164(**)
	Sig. (2-tailed)		.006
	N	280	280
حمایت از خانواده پدري	Pearson Correlation	.164(**)	1
	Sig. (2-tailed)	.006	
	N	280	280

با توجه به اینکه متغیر وابسته (تنش های خانوادگی) و متغیر مستقل (تمایل به حمایت از خانواده پدری زوجین) هر دو فاصله ای فاصله ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است.

است. Sig. سطح معنی داری برابر ۰۰۶ =.

که نشان دهنده رابطه معنی داری بین تمایل به حمایت از خانواده پدری زوجین و تنش های خانوادگی می باشد. همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر ۱۶۴. که نشان دهنده شدت رابطه نسبتاً قوی و مستقیم بین متغیرهاست در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول

تایید می شود. (فرض صفر را رد می کنیم)  $H_0$  ۱ ابطال و فرضیه  $H_1$  فرضیه بین محرومیت نسبی زوجین و تنش های خانوادگی رابطه معنی دار وجود دارد

		تنش	محرمیت نسبی
تنش	Pearson Correlation	1	.205(**)
	Sig. (2-tailed)		.001
	N	280	280
محرمیت نسبی زوجین	Pearson Correlation	.205(**)	1
	Sig. (2-tailed)	.001	
	N	280	280

با توجه به اینکه متغیر وابسته (تنش های خانوادگی) و متغیر مستقل (محرومیت نسبی زوجین) هر دو فاصله ای فاصله ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است.

است. Sig. سطح معنی داری برابر ۰۰۱ =.

که نشان دهنده رابطه معنی داری بین محرومیت نسبی زوجین و تنش های خانوادگی می باشد. همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر ۲۰۵. میباشد در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول

تایید می شود. (فرض صفر را رد می کنیم) .  $H_1$  ابطال و فرضیه  $H$  فرضیه بین تجربه اختلاف خانواده های پدری زوجین و تنش های خانوادگی رابطه معنی داری وجود دارد.

		تنش	تجربه اختلاف
تنش	Pearson Correlation	1	.683(**)
	Sig. (2-tailed)		.000
	N	280	280
تجربه اختلاف در خانواده های پدری	Pearson Correlation	.683(**)	1
	Sig. (2-tailed)	.000	
	N	280	280

با توجه به اینکه متغیر وابسته (تنش های خانوادگی) و متغیر مستقل (تجربه اختلاف در خانواده پدری) هر دو فاصله ای - فاصله ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است.

است. Sig. سطح معنی داری برابر  $= .000$

که نشان دهنده رابطه معنی داری بین تجربه اختلاف در خانواده های پدری و تنش های خانوادگی می باشد. و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر  $0.683$  که نشان دهنده شدت رابطه نسبتاً قوی و مستقیم بین متغیرهاست در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول

. (فرض صفر را رد می کنیم) .  $H_1$  ابطال و فرضیه  $H$  فرضیه

بین جامعه پذیری زوجین قبل از ازدواج و تنش های خانوادگی رابطه معنی دار وجود دارد

## Correlations

		تنش	جامعه پذیری زوجین
تنش	Pearson Correlation	1	۳۲۱.-
	Sig. (2-tailed)		۰۰۰.
	N	280	280
جامعه پذیری زوجین	Pearson Correlation	۳۲۱.-	1
	Sig. (2-tailed)	۰۰۰.	
	N	280	280

با توجه به اینکه متغیر وابسته (تنش های خانوادگی) و متغیر مستقل (جامعه پذیری زوجین قبل از ازدواج) هر دو فاصله ای -فاصله ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است.

است. Sig. سطح معنی داری برابر ۰۰۰ =

که نشان دهنده رابطه معنی داری بین جامعه پذیری زوجین قبل از ازدواج و تنش های خانوادگی می باشد. همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر ۳۲۱- رانشان می دهد. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول

. تایید می شود (فرض صفر را رد می کنیم) .  $H_1$  ابطال و فرضیه  $H_0$  فرضیه

## آزمون رگرسیون

Error	ضریب تعیین تعدیل شده رگرسیون	ضریب تعیین رگرسیون	R	مدل
1.64540	.478	.489	.699(a)	1



## ANOVA(b)

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	707.337	6	117.890	43.544	.000(a)
	Residual	739.106	273	2.707		
	Total	1446.443	279			

متغیر مستقل (Constant): دموکراتیک و مستبد بودن حمایت از خانواده پدری، محرومیت

نسبی، اختلاف در خانواده پدری، جامعه پذیری زوجین تساهل و مدارا

متغیر وابسته: تنش های خانوادگی

به پیش بینی متغیر وابسته توسط 489. می باشد یعنی می توان با میزان R 2 با توجه به اطلاعات

جدول ضریب تعیین 489 =

متغیر های مستقل پرداخت.

نشان دهنده Sig و با توجه به سطح معنی داری  $F = 43.544$  برابر است با f میزان

ANOVA(b) با توجه جدول

معنی داری متغیر هاست

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
1	(Constan)	-1.120	.778		-1.440	.151
	جامعه پذیری	.023	.024	.044	.968	.334
	محرومیت نسبی	.012	.034	.017	.357	.721
	حمایت از خانواده پدری	.078	.023	.144	3.318	.001
	تجربه اختلاف در خانواده پدری	.845	.057	.674	14.827	.000
	تساهل و مدارا	-.004	.026	-.008	-.164	.869
	دموکراتیک و مستبد بودن	.001	.002	.014	.321	.749

متغیر وابسته: تنش های خانوادگی

با توجه به اطاعات جدول حمایت از خانواده های پدري و تجربه اختلاف در خانواده های پدري معنی دار می باشد .

$$y=a+bx \text{ معادله رگرسیون}$$

معادله استاندارد شده رگرسیون  $Y=Bx$

$$Y=.674(x1) \text{ اختلاف در خانواده پدري}$$

$$Y=.144(X1) \text{ حمایت از خانواده های پدري}$$

#### تحلیل عامل

تحلیل عاملی یکی از روشهای آماری چند متغیره است که بین مجموعه فراوانی از متغیر ها که به ظاهر بی ارتباط هستند، رابطه خاصی را تحت یک مدل فرضی برقرار می کند.

تحلیل عاملی، نوعی روش آماری است که هدف کاربرد آن، ارائه مجموعه ای از متغیر ها برحسب تعداد کمتری از متغیر های فرضی است؛ به بیان دیگر، در تحلیل عاملی تعداد زیادی از متغیر ها بر حسب تعداد کمی از ابعاد یا سازه ها بیان می شود، این سازه، فاکتور یا عامل نامیده می شود. (منصور فر، ۱۳۸۷، ص ۲۵۵، ۲۵۴)

در منزل اصولاً بر سر چه موضوع ها یی با همدیگر جر و بحث می کنید به ترتیب اولویت خود از عدد ۱ تا ۹ بیان کنید که با استفاده از تحلیل عامل تفسیر می شود.

مراحل تحلیل عامل: تحلیل عامل دارای چهار مرحله است که عبارتند از:

الف: انتخاب متغیر هایی که باید تحلیل شوند و تهیه ماتریس همبستگی

ب: استخراج عامل ها

ج: چرخش عامل ها

د: تفسیر نتایج و ساختن مقیاسی برای استفاده در تحلیل های بعدی

## Communalities

	Initial	Extraction
دخل و خرج کردن	1.000	.628
تربیت فرزندان	1.000	.625
میهمان دعوت کردن و مهمانی رفتن	1.000	.692
بیرون رفتن از منزل (مسافرت)	1.000	.699
شست شوی ظروف و پخت و پز	1.000	.674
تعمیر وسایل خانه و تمیز کردن خانه	1.000	.644
خرید خانه و ماشین و غیره	1.000	.615
طرز لباس پوشیدن و آرایش کردن	1.000	.629
حرفهای پدر و مادر و اعضای خانواده ها	1.000	.721
طرز غذا خوردن و صحبت کردن	1.000	.782
تعریف همسران از خانم های دیگر در حضور شما	1.000	.902
تعریف شما از آقایان دیگر در حضور شوهر خود	1.000	.919
گفتن راز های قبلی زندگی	1.000	.938
شک کردن و شکاک بودن به همدیگر	1.000	.943
متلک گفتن و عیب جویی کردن از همدیگر در همه کار ها	1.000	.941
چک کردن وسایل شخصی همدیگر	1.000	.934
دیر آمدن به منزل	1.000	.917
صادق نبودن و اعتماد نکردن به همدیگر	1.000	.893
پنهان کاری و دروغ گفتن به یکدیگر	1.000	.863

اشتراک ها) می باشد که در آن برای تمام ۱۹ متغیر، دو ستون ارائه شده است Communalities  
اولین جدول با عنوان

ستون اول: اشتراک های متغیر ها قبل از استخراج عامل ها (یا مؤلفه ها) را نشان می دهد.

ستون دوم: اشتراک های متغیر های داده شده تحلیل (غیر چرخشی) می باشد

#### Total Variance Explained

Comp onent	Initial Eigenvalues			Extraction Sums of Squared Loadings			Rotation Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
1	11.408	60.043	60.043	11.408	60.043	60.043	10.354	54.497	54.497
2	3.550	18.686	78.729	3.550	18.686	78.729	4.604	24.231	78.729
3	1.584	8.338	87.067						
4	.747	3.934	91.001						
5	.440	2.317	93.318						
6	.324	1.707	95.024						
7	.227	1.193	96.218						
8	.202	1.065	97.283						
9	.126	.662	97.945						
10	.101	.531	98.475						
11	.095	.497	98.973						
12	.067	.352	99.325						
13	.044	.233	99.558						
14	.026	.136	99.694						
15	.019	.098	99.792						
16	.015	.081	99.873						
17	.013	.069	99.942						
18	.010	.052	99.993						
19	.001	.007	100.000						

جدول دوم :

ستون اول: به معنی مؤلفه (عامل) می باشد. هر مؤلفه یک ترکیب خطی از متغیر های قابل مشاهده است که آنها را خلاصه می کند.

ستون دوم: ویژه مقدار های ماتریس همبستگی یا کواریانس را نشان می دهد. این مقادیر برای مشخص کردن اینکه کدام عامل (یا مؤلفه) باید در تحلیل نگه داشته شود بکار می روند. می توان از عاملی که مقدار ویژه آن کمتر از یک است چشم پوشید (واریانس کل برای متغیر، عامل یا مؤلفه داده شده، درصد واریانس، مقدار تجمعی واریانس)

ستون سوم: مجموع توان دوم های بارهای عاملی برای تحلیل غیر چرخشی عامل ها است که واریانس و محاسبه شده هر عامل (مؤلفه) را می دهد

به جدول دومی ستون آخری را نگاه می کنیم مقدار تراکمی که تحت پوشش قرار می دهد نباید زیر ۵۰٪ باشد اگر زیر ۵۰٪ باشد باید ابزار تغییر کند. در این جدول ۷۸.۷۲۹ درصد است بالای ۵۰ درصد ابزار معتبر و قابل قبول است یعنی عامل های که تشخیص داده ۷۸.۷۲۹٪ را پوشش می دهد.

Component Matrix(a)

	Component	
	1	2
گفتن راز های قبلی زندگی	.940	-.232
شک کردن و شکاک بودن به همدیگر	.940	-.245
تعریف شما از آقایان دیگر در حضور شوهر خود	.936	-.206
متلک گفتن و عیب جوی کردن از همدیگر در همه کار ها	.936	-.254
چک کردن وسایل شخصی همدیگر	.931	-.259
تعریف همسر تان از خانم های دیگر در حضور شما	.931	-.188
دیر آمدن به منزل	.921	-.262
صادق نبودن و اعتماد نکردن به همدیگر	.908	-.262
پنهان کاری و دروغ گفتن به همدیگر	.892	-.259
طرز غذا خوردن و صحبت کردن	.883	-.058
حر فهای پدر و مادر و اعضای خانواده هایمان	.848	.025
طرز لباس پوشیدن و آرایش کردن	.758	.234
خرید خانه و ماشین و غیره	.706	.341
تعمیر وسایل خانه و تمیز کردن خانه	.606	.526
مهمان دعوت کردن، مهمانی رفتن	.346	.756



شستن ظروف و پخت و پز	.281	.771
تعمیر وسایل خانه و تمیز کردن خانه	.371	.711
خرید خانه و ماشین و غیره	.532	.576

جدول چهارم: ماتریس عاملی چرخش یافته را نشان می دهد.

در تکنیک عامل ها بعضی از آیتم ها امکان دارد در مرز عوامل بیفتد در بعضی عوامل اثر بیشتری دارند و اریماکس باعث افزایش مرزها و شفافیت میدهد.

متغیرهای که در خروجی فوق دارای بیشترین با عاملی بر روی عامل نخست هستند.

عوامل بیرونی (شک کردن و شکاک بودن به همدیگر، متلک گفتن و عیب جویی کردن از همدیگر در همه کارها، چک کردن وسایل شخصی همدیگر، گفتن رازهای قبلی زندگی، دیر آمدن به منزل، تعریف شما از آقایان دیگر در حضور شوهر خود، تعریف شوهرتان از خانم های دیگر در حضور شما، پنهان کاری و دروغ گفتن به همدیگر، طرز غذا خوردن و صحبت کردن، حرفهای پدر و مادر و اعضای خانواده ها یمان، طرز لباس پوشیدن و آرایش کردن)،

متغیرهای که بیشتر بر عامل دوم بار شده اند عبارتند از:

عوامل درونی (مهمان دعوت کردن، مهمانی رفتن، بیرون رفتن از منزل (مسافرت)، دخل و خرج خانه، نحوه تربیت فرزندان و مراقبت از آنها، شست شوی ظروف و پخت و پز، تعمیر وسایل خانه و تمیز کردن خانه، خرید خانه و ماشین و غیره)

#### Component Transformation Matrix

Component	1	2
1	.931	.366
2	-.366	.931

آخرین جدول در خروجی فوق، ماتریس تبدیل عاملی را نشان می دهد.

جدول آخری ماتریس بارهای عاملی چرخش یافته یا ماتریس تبدیل عاملی را نشان می دهد. همبستگی

قبل از واریماکس و بعد از واریماکس

که ۹۳۱٪ رابطه دارد

## تحلیل عاملی

تحلیل عاملی یکی از روش‌های آماری چندمتغیره است که بین مجموعه‌ی فراوانی از متغیرها که به ظاهر بی‌ارتباط هستند، رابطه‌ی خاصی را تحت یک مدل فرضی برقرار می‌کند.

تحلیل عاملی، نوعی روش آماری است که هدف کاربرد آن، ارائه مجموعه‌ای از متغیرها برحسب تعداد کمتری از متغیرهای فرضی است؛ به بیان دیگر، در تحلیل عاملی تعداد زیادی از متغیرها برحسب تعداد کمی از ابعاد یا سازه‌ها بیان می‌شود، این سازه، فاکتور یا عامل نامیده می‌شود (منصورفر، ۱۳۸۷، صص ۲۵۴، ۲۵۵).

در منزل اصولاً بر سر چه موضوع‌هایی با همدیگر جروب‌بحث می‌کنید به ترتیب اولویت خود از عدد ۱ تا ۱۹ بیان کنید که با استفاده از تحلیل عامل تفسیر می‌شود.

مراحل تحلیل عامل: تحلیل عامل دارای چهار مرحله است که عبارتند از:

الف) انتخاب متغیرهایی که باید تحلیل شوند و تهیه ماتریس همبستگی

ب) استخراج عامل‌ها

ج) چرخش عامل‌ها

د) تفسیر نتایج و ساختن مقیاسی برای استفاده در تحلیل‌های بعدی اشتراک‌ها می‌باشد که در آن برای تمام ۱۹ متغیر، دو ستون ارائه شده است:

جدول اول:

ستون اول: اشتراک‌های متغیرها قبل از استخراج عامل‌ها (یا مؤلفه‌ها) را نشان می‌دهد.

ستون دوم: اشتراک‌های متغیرهای داده شده تحلیل (غیر چرخشی) می‌باشد.

جدول دوم:

ستون اول: به معنی مؤلفه (عامل) می‌باشد. هر مؤلفه یک ترکیب خطی از متغیرهای قابل مشاهده است که آنها را خلاصه می‌کند.

ستون دوم: ویژه مقدارهای ماتریس همبستگی یا کواریانس را نشان می‌دهد. این مقادیر برای مشخص کردن اینکه کدام عامل (یا مؤلفه) باید در تحلیل نگه داشته شود بکار می‌روند. می‌توان از عاملی که مقدار ویژه آن کمتر از یک است چشم پوشید (واریانس کل برای متغیر، عامل یا مؤلفه داده شده، درصد واریانس، مقدار تجمعی واریانس).



ستون سوم: مجموع توان دوم‌های بارهای عاملی برای تحلیل غیرچرخشی عامل‌ها است که واریانس و محاسبه شده هر عامل (مؤلفه) را می‌دهد.

به جدول دومی ستون آخری را نگاه می‌کنیم مقدار تراکمی که تحت پوشش قرار می‌دهد نباید زیر ۵۰٪ باشد اگر زیر ۵۰٪ باشد باید ابزار تغییر کند. در این جدول ۷۸/۷۲۹ درصد است بالای ۵۰ درصد ابزار معتبر و قابل قبول است. یعنی عامل‌های که تشخیص داده ۷۸/۷۲۹٪ را پوشش می‌دهد.

جدول سوم:

هر متغیر یک ترکیب خطی از عامل‌ها است که آنها را خلاصه می‌کند.  
در جدول فوق یک حالت عادی بدون واریماکس محاسبه کرده.

جدول چهارم:

ماتریس عاملی چرخش یافته را نشان می‌دهد.

در تکنیک عامل‌ها بعضی از آیتم‌ها امکان دارد در مرز عوامل بیفتد در بعضی عوامل اثر بیشتری دارند واریماکس باعث افزایش مرزها و شفافیت می‌دهد.

متغیرهای که در خروجی فوق دارای بیشترین با عاملی بر روی عامل نخست هستند.

عوامل بیرونی (شک کردن و شکاک بودن به همدیگر، متلک گفتن و عیبجویی کردن از همدیگر در همه کارها، چک کردن وسایل شخصی همدیگر، گفتن رازهای قبلی زندگی، دیر آمدن به منزل، تعریف شما از آقایان دیگر در حضور شوهر خود، تعریف شوهرتان از خانم‌های دیگر در حضور شما، پنهان‌کاری و دروغ گفتن به همدیگر، طرز غذاخوردن و صحبت کردن، حرف‌های پدر و مادر و اعضای خانواده‌هایمان، طرز لباس پوشیدن و آرایش کردن).

متغیرهایی که بیشتر بر عامل دوم بار شده‌اند عبارتند از:

عوامل درونی (مهمان دعوت کردن، مهمانی رفتن، بیرون رفتن از منزل (مسافرت)، دخل و خرج خانه، نحوه تربیت فرزندان و مراقبت از آنها، شست و شوی ظروف و پخت و پز، تعمیر وسایل خانه و تمیز کردن خانه، خرید خانه و ماشین و غیره).

## تحلیل مسیر<sup>1</sup>

تحلیل مسیر شکلی از تحلیل رگرسیون چندگانه است که توسط سوال رایت ارائه شده است. کمکی که تحلیل مسیر به ما می‌کند این است که اولاً، به کمک آن فرضیه‌های خود را مورد آزمون قرار می‌دهیم. ثانیاً به کمک آن می‌فهمیم یک متغیر (متغیر مستقل) چه میزان تأثیر غیرمستقیم و تأثیر کل بر متغیر دیگر (متغیر وابسته) دارد. البته برخی از محققان مثل فریدمن و روگوسا معتقدند که تحلیل مسیر در برخی موارد می‌تواند گمراه‌کننده باشد و بهتر است استفاده نشود. گرچه تحلیل مسیر شکلی از تحلیل رگرسیون چندگانه است ولی این دو تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. در تحلیل مسیر میزان تأثیرات (مستقیم، غیرمستقیم و کل) متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و یا متغیرهای مستقل بر متغیر مستقل دیگر مشخص می‌شود، ولی در تحلیل رگرسیون، وابستگی یک متغیر (متغیر وابسته) به متغیرهای دیگر (متغیرهای مستقل) در یک معادله بررسی می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۱).

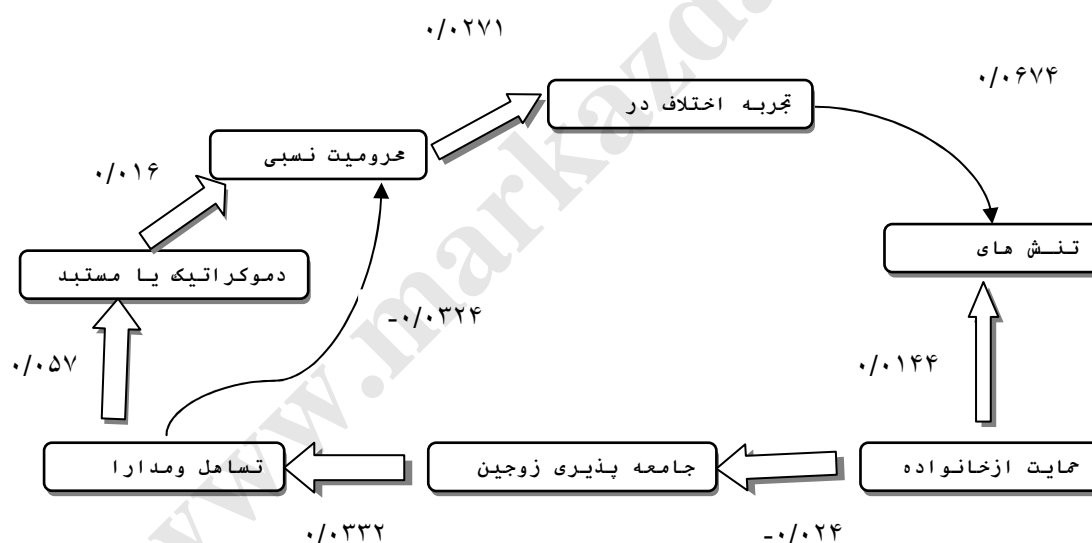
در این روش ابتدا متغیرهای مستقل را به روش Enter وارد می‌کنیم و رگرسیون چندگانه می‌گیریم و با توجه به داده‌های جدول (a) coefficients متغیرهای مستقل که معنادار نشده‌اند را شناسایی می‌کنیم و حذف می‌کنیم و دوباره بدون آن متغیرهای غیرمعنادار رگرسیون می‌گیریم. در ادامه مرحله دوم دوباره متغیرهایی که معنادار نبوده را وارد می‌کنیم، چون ممکن است برخی از متغیرها با واسطه بر متغیر وابسته تأثیر داشته باشند در حقیقت این همان حرف لیزرل مب باشد در این روش هم نظر پژوهشگر و هم نظر آماری مد نظر قرار می‌گیرد.

## دیاگرام تحلیل مسیر تنش های خانوادگی

بر اساس مدل فوق، مهم‌ترین متغیری که بر تنش‌های خانوادگی موثر بوده، متغیر تجربه اختلاف در خانواده‌های پدری می‌باشد که دارای بتای  $0/674$  می‌باشد. لذا می‌توان ادعا نمود که فرضیه که به رابطه بین تجربه اختلاف در خانواده پدری و تنش‌های خانوادگی اشاره نموده است. بالاترین قدرت را در توضیح متغیر وابسته داشته است.

با توجه به مدل اصلاح شده تحقیق، تجربه اختلاف در خانواده‌های پدری با  $0/674$  درصد و حمایت از خانواده‌های پدری  $0/144$  درصد متغیرهای هستند که تاثیر مستقیم بر متغیر تنش‌های خانوادگی داشته‌اند.

و همچنین متغیرهای دیگر محرومیت نسبی  $0/271$  درصد و دموکراتیک بودن زوجین با  $0/16$  و تساهل و مدارا زوجین با  $0/057$  درصد و جامعه‌پذیری زوجین قبل از ازدواج با  $0/332$  درصد اثر غیرمستقیم بر تنش‌های خانوادگی دارند.



## فصل پنجم:

بحث و نتیجه گیری

## ۵-۱- بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تنش‌های خانوادگی در بین زوجین شهر خلخال بوده و سؤالات تحقیق این بود.

۱- میزان اختلافات و تنش‌های خانوادگی بین زن و شوهران تا چه حدی است؟

۲- عوامل اجتماعی مرتبط بر این اختلافات کدام‌ها هستند؟

۳- موقع بروز تنش‌ها (اختلافات) زوجین بیشتر از کدام یک از خانواده‌های پدري حمايت می‌کنند؟

اختلافات میان زوجین از گذشته‌های دور تاکنون وجود داشته است. هیچ زن و شوهری نبوده و نیستند که لااقل برای یک بار هم که شده دچار اختلاف نشده باشند این مشکل در میان اقشار جامعه اعم از تحصیل‌کرده، بی‌سواد، و . . . وجود دارد.

روند تاریخی پدیده تنش و کشمکش در بین خانواده‌ها نشانگر آن است که هر چه از نظام زمین‌داری به جامعه صنعتی و سرمایه‌داری نزدیکتر می‌شویم امکان و فراوانی تنش و درگیری در بین زوجین افزایش می‌یابد، و با محوشدن تدریجی نهادهای خاص جامعه فئودال، خانواده پدرسالار و نیز شرایطی که نگاهدار ارکان خانواده سنتی بوده است و در کنار آن رشد تضادها و تقابل‌های روزافزون اجتماعی، موجب فروریختن سنت‌های کهن و جایگزین ارزش‌های اخلاقی در اجتماعی تازه می‌گردد. بنابراین با تغییرات عدیده در نهاد خانواده، هر چند بطئی و کم‌سرعت، شاهد تنش‌ها و تضادهایی در میان افراد تشکیل‌دهنده این نهاد هستیم.

زندگی مشترک تنها در تأمین و رفع نیازهای مادی، اقتصادی و تداوم نسل نیست؛ بلکه حس مشارکت و تفاهم برای وسعت نگرش و امکان دستیابی به فرصت‌های بیشتر است. به بیان دیگر زندگی مشترک مبتنی بر قرارداد بین زن و مرد برای ارضای نیازهای خود و به تبع آن انجام تمام کارکردهای آن شامل روحیه‌ی همکاری تساهل و مدارا کردن زوجین، تقسیم کار، تربیت و پرورش کودکان و ایجاد مامن مهر و عطوفت است.

وجود اختلافات و درگیری‌ها شکاف‌هایی را در روابط میان زوجین به وجود می‌آورد و هر زمان که این مسائل شکل گیرد، تمایل به این که دوباره مسائل قبلی هم مطرح شود و اختلافات افزایش یابد، وجود خواهد داشت که همین امر ممکن است زمینه‌ساز شروع جدایی و طلاق باشد.

زوجین باید این توانمندی را داشته باشند تا ساعت‌های روز را به نحو مطلوب میان خود تقسیم کنند و سرمایه‌های عاطفی و فکری خود را برای هر ساعت مشخصی از طول روز و شب برنامه‌ریزی کنند و همچنین زوجین باید روش حل مسأله را یاد بگیرند و اقدامات لازم را در این زمینه

انجام دهند تا تنش‌های موجود از بین رفته و دیگر اعضای خانواده دچار آسیب نشوند، زوجین باید بدانند زمانی که در حریم خصوصی خود هستند، نیاز به محبت و آرامش بیشتری دارند و باید هنگام ورود به منزل سعی کنند تا تنش‌های روزانه را از خود دور کنند و به دیگر اعضای خانواده انتقال ندهند.

یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر تنش‌های خانوادگی می‌تواند راهگشایی بسیاری از خانواده‌ها که در آستانه طلاق هستند و یا دچار اختلاف هستند باشد و با شناخت و آگاهی از عوامل اجتماعی مؤثر بر تنش، بتوانند برای تقویت روابط و حل مشکلاتشان تلاش لازم را داشته باشند.

فرضیه یک:

- بین تمایل به حمایت از خانواده‌های پدری توسط زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

آزمون همبستگی پیرسون بین تمایل به حمایت از خانواده‌های پدری و تنش‌های خانوادگی که دارای رابطه نسبتاً قوی می‌باشد و همچنین میزان همبستگی پیرسون  $0/164$  و سطح معنی‌داری برابر  $Sig = 0/006$  می‌باشد که نشان می‌دهد رابطه مستقیم بین متغیرها وجود دارد که هر چه تمایل زوجین به حمایت از خانواده پدری بیشتر باشد تنش بین زوجین نیز شدیدتر خواهد بود. که نشان دهنده رابطه معنی‌داری بین تمایل به حمایت از خانواده پدری و تنش‌های خانوادگی می‌باشد.

به نظر اکرم‌ن زمانی که همسان‌همسری<sup>۱</sup>، جای خود را به ناهمسان‌همسری<sup>۲</sup> می‌دهد، همسرگزینی جور یا متناسب<sup>۳</sup> صورت نمی‌پذیرد، دو انسان با دو فرهنگ متفاوت با یکدیگر قرار می‌گیرند، چون سازش فکری ندارند، عواطف آنان نیز رو به سردی می‌گذارد و روابطی که برپایه تعامل پیوسته شکل یافته بود، جای به روابطی بر پایه تعامل گسسته<sup>۴</sup> می‌دهد. به زعم او، هنگامی که دو همسر هم سو گرا هستند، یعنی همانند یا مکمل یکدیگرند، رفتار و انتظارات هر دو تحت تاثیر مجموعه‌های ارزشی و هنجاری مشابه قرار می‌گیرند. در مقابل تعلقات زوجین می‌تواند نا هم سو گرا باشد، یعنی هر یک به گروهی خاص و متمایز تعلق داشته باشد و تعلق خود را نیز بدان حفظ نماید.

1 - Homogamy

2 - Hererogamy

3 - Assortative matiny

5 - Associative interaction

6 - Dissociative interaction

رفتار و انتظارات زوجین تحت تاثیر مجموعه‌های متمایز ارزشی و هنجاری قرار می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۶، صص ۱۳۱، ۱۳۲).

متأسفانه بعضی افراد به تهدیدات اخلاقی و ارزشی‌های حاکم مقید نیستند و این مسأله موجب می‌شود زن و شوهر در ظاهر زیر یک سقف با یکدیگر زندگی کنند، اما روح آنها از همدیگر فاصله داشته باشد. در این وضعیت زن و شوهر با «منم منم گفتن! و تفاخر به اصل و نسب خود، سعی می‌کنند همسر خود را سرزنش و تحقیر کنند. بدیهی است در چنین خانواده‌ای احساس حقارت هر یک از زوجین از یکدیگر متنفر شوند (گرگی ۸۶-۱۳۸۷).

تحقیقات دیگر نیز این واقعیت را تایید می‌کنند که وابستگی شدید زن و شوهر به خویشان و دوستان را یکی از عوامل مهمی می‌داند که موجب کاهش رضایت زناشویی گردد و در نتیجه موجب جدایی زن و شوهر گردد. وابستگی عاطفی زن و شوهر به خانواده‌های خود می‌تواند بر روابط زناشویی تاثیر سوء بگذارد و در بسیاری از موارد توجه زن و یا شوهر به پدر و مادر اسباب تکرر خاطر دیگری را فراهم می‌کند. اقوام گاهی مسائل را برای فرزندان ازدواج کرده خود ایجاد می‌کنند. آنها هم مانند فرزندانشان گرفتار احساس بی‌عدالتی، تعمیم مبالغه‌آمیز و تفکرات سمبلیک هستند. زن و شوهر باید چشم‌اندازها و نکته نظرهای یکدیگر را در نظر بگیرند (گرگی ۸۶-۱۳۸۷).

فرضیه دو:

- بین تجربه اختلاف خانواده‌های پدری زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر وابسته (تنش‌های خانوادگی) و متغیر مستقل (تجربه اختلاف در خانواده پدری) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است. سطح معنی‌داری برابر  $\text{Sig} = 0/000$  است که نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری بین تجربه اختلاف در خانواده‌های پدری و تنش‌های خانوادگی می‌باشد و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر  $0/683$  که نشان‌دهنده شدت رابطه نسبتاً قوی و مستقیم بین متغیرهاست در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه  $H_0$  ابطال و فرضیه  $H_1$  تأیید می‌شود. (فرض صفر را رد می‌کنیم).

آگبرن و نیم کف خاطر نشان می‌سازد که اگر کودک در خانواده‌ای شادمان به سر برد، به احتمال زیاد شخصیتی متعادل خواهد یافت و خود، خانواده‌ی سعادتمندی را تشکیل خواهد داد. اگر کودک

عضو خانواده‌ای باشد که درست به او رسیدگی نکنند، آماده انحراف و حتی بزه‌کاری می‌شود (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

ادراک فرزندان از والدین تحت تأثیر ارتباطات بین آنها قرار دارد. زیرا والدین عقاید و تمایلات‌شان را به طرق مختلف الگودهی، نمایش‌دادن، دلیل‌آوری و مشاهده‌کردن مراوده می‌نمایند (فصلنامه، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰).

بروز تعارض‌های مکرر و جدال بین والدین؛ موجب آشفتگی و گسیختگی خانواده می‌شود و تأثیری منفی بر کیفیت و چگونگی رفتار نوجوان دارد. چنانچه درگیری‌ها و تعارضات والدین در دوران کودکی فرزندان باشد، آنان می‌آموزند که چگونه مستقیماً بجنگند. در صحنه تعارضات و درگیری‌های زناشویی، فرزندان به روش‌های مختلف اثرات تعارض را منعکس می‌کنند و والدین در مقابل رفتارهای آنان از شیوه‌های مختلف استفاده می‌کنند که این شیوه‌ها عبارتند از: تشویق، کنترل به وسیله اجبار از طریق تنبیه، کنترل به وسیله تهدیدهای غیرمنطقی و بن‌بست مضاعف که وجود دو منظور متناقض در یک پیام است. استفاده از این روش‌ها به نوعی، سرکوب و پنهان‌کردن تعارضات زناشویی است که این تعارضات می‌توانند در ابعاد مختلف رابطه زناشویی وجود داشته باشد (صادقی خوانساری، نمایه). تحقیقات دیگر نیز این واقعیت را تایید می‌کنند.

فرضیه سه:

- بین محرومیت نسبی زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر وابسته (تنش‌های خانوادگی) و متغیر مستقل (محرومیت نسبی زوجین) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است.

سطح معنی‌داری برابر  $\text{Sig} = 0/001$  است که نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری بین محرومیت نسبی زوجین و تنش‌های خانوادگی می‌باشد و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر  $0/205$  می‌باشد. اصل محرومیت نسبی می‌گوید کسانی که فکر می‌کنند استحقاق پاداشی را دارند و آن را دریافت می‌کنند، احساس رضایت می‌کنند اما کسانی که پاداشی کمتر دریافت می‌کنند بدون در نظر گرفتن میزان پاداش دریافتی، احساس خشم، محرومیت و هزینه می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۸).

واژه احساس بی‌عدالتی یا احساس محرومیت نسبی به عنوان یک اختلاف منفی بین انتظارات مشروع و واقعیت‌های موجود تعریف می‌شود. آن ممکن است بوسیله محرومیت (کمیابی) بیشتر از نیازمندی مشخص گردد.



شخصی که احساس بی‌عدالتی می‌کند ناراضی است چرا که احساس می‌کند نسبت به افرادی که به عنوان گروه مرجع منافعتشان می‌شود و سپس این آگاهی باعث احساس بی‌عدالتی و در نتیجه باعث به وجود آمدن ناراضایتی می‌گردد از نظر دارندورف، شرایط ساختاری جامعه سبب می‌شود تا افراد از موقعیت فعلی‌شان در جامعه و منافع مربوط به آگاهی یافته و به مقایسه موقعیت خودشان با یکدیگر بپردازند (مهدوی، ۱۳۷۵، ص ۲۷).

تحقیق دیگری نشان می‌دهد یکی دیگر از عواملی که در زندگی زناشویی وجود داشته و با بسیاری از مسائل مربوط به زندگی زناشویی ارتباط پیدا می‌کند، احساس بی‌عدالتی نسبی در مقایسه با دیگران است. همچنین میزان احساس محرومیت نسبی هر یک از زن و شوهر می‌تواند بر رضایت آنها از همدیگر مؤثر باشد (مهدوی، ۱۳۷۵، ص ۲۷).

به نظر کانگر<sup>۱</sup> دوران‌های سخت اقتصادی در جامعه نتایج زیان‌باری بر خانواده‌ها دارد، از جمله آنها، احتمال وقوع گسیختگی خانواده و بی‌سامانی آن است. محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجین را کاهش می‌دهد و آنها را به سوی طلاق سوق می‌دهد. مشکلات اقتصادی در بین زوجینی که منافع خانوادگی آنها برای بقای زندگی در سطح استاندارد مناسب نمی‌باشد، زندگی زناشویی آنها را بی‌ثبات می‌کند و مردان در این خانواده‌ها بیشتر تعامل منفی دارند (Conger, 199).

#### فرضیه چهار:

- بین دموکراتیک بودن یا مستبد بودن زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد. یا (زوجین دموکراتیک در خانواده تنش‌های خانوادگی کمتری نسبت به زوجین مستبد دارند). با توجه به اینکه متغیر وابسته (تنش‌های خانوادگی) و متغیر مستقل (دموکراتیک یا مستبد بودن زوجین) هر دو فاصله‌ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است. سطح معنی‌داری برابر  $\text{Sig} = 11\%$  است که نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری بین دموکراتیک یا مستبد بودن زوجین و تنش‌های خانوادگی می‌باشد و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر  $143\%$  - که نشان‌دهنده رابطه بین متغیرهاست در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه  $H_0$  ابطال و فرضیه  $H_1$  تأیید می‌شود. (فرض صفر را رد می‌کنیم). یعنی هر چه قدر زوجین دموکراتیک‌تر باشند تنش بین آنها کمتر است.

تحقیق دیگری نشان می‌دهد وجود خانواده پدرسالار که هنوز هم در اکثر مناطق کشور به چشم می‌خورد و ساخت اجتماعی خانواده ما چنین شرایطی را تأیید می‌کند، باعث تسلط بیشتر مرد بر

<sup>1</sup> - Conger

خانواده و در نتیجه قائل شدن حق اولویت بر خود، نسبت به سایرین شده است و موجب شده که زنان از حقوق اجتماعی کمی برخوردار گردند و مردان، تصمیم‌گیرنده نهایی باشند. این مسأله پیدایش تضاد و کشمکش در بطن خانواده را تقویت می‌کند (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

نتایج تحقیق دیگر نشان می‌دهد، هر قدر تصور و انتظار مرد از زن، اطاعت و فرمانبری باشد میزان دموکراتیک بودن خانواده کمتر است و قدر زن، تصور فرمانبرانه‌تری از خود در برابر شوهرش داشته باشد میزان دموکراتیک بودن خانواده کمتر است و زنانی که در خانواده‌ی پدری حق تصمیم‌گیری برای انتخاب همسر خود داشتند، در خانواده‌ی شوهر نیز ساخت قدرت، رنگ‌وبوی دموکراتیک‌تری به خود گرفته است. با افزایش سطح تحصیلات مرد، میزان دموکراتیک شدن خانواده بیشتر می‌شود (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۷۹).

دیدگاه بلاو و ولف به نام نظریه منابع معروف است. این نظریه بر اساس رهیافت مبادله، توزیع قدرت بین زن و شوهر را در تصمیم‌گیری‌ها تبیین می‌کند. بنیاد این نظریه برای توزیع قدرت در خانواده بر حسب منابعی که هر یک از زن و شوهر در ازدواج به خانواده آورده‌اند. این منابع ارزشمند به طور اخص، تحصیلات، شغل و قدرت مالی هر یک از زن و شوهر می‌باشد که به میزان برخورداری از این منابع دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده هستند. البته منابع ارزشی دیگری نیز مثل علاقه وابستگی زوجین و جذابیت فرد برای همسر دخیل هستند که در توزیع قدرت در تصمیم‌گیری خانواده نقش مهمی دارند (بخارایی، ۱۳۸۶، ص ۷۸).

دارندورف همه کشمکش‌ها و نظم‌های اجتماعی را ناشی از توزیع نابرابر اقتدار در جامعه می‌داند و ساختار اقتدار «طبیعی» ازدواج و خانواده (به خصوص در جامعه ما) نیز همانند ساختار اقتدار بوروکراسی‌ها به عنوان بنیانی برای تضاد در جوامع بزرگتر در نظر گرفته می‌شود.

#### فرضیه پنج:

- بین تساهل و مدارا کردن زوجین و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.  
(زوجینی که در برابر همسران خود مدارا می‌کنند تنش‌های خانوادگی کمتری را تجربه می‌کنند).  
با توجه به اینکه متغیر وابسته (تنش‌های خانوادگی) و متغیر مستقل (تساهل و مدارا کردن زوجین) هر دو فاصله‌ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است.

سطح معنی‌داری برابر  $\text{Sig} = 0/000$  است که نشان‌دهنده که نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری بین تساهل و مدارای زوجین و تنش‌های خانوادگی می‌باشد و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر  $0/344$  - که نشان‌دهنده رابطه بین متغیرهاست در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه  $H_0$  ابطال و فرضیه  $H_1$  تأیید می‌شود. (فرض صفر را رد می‌کنیم).

شیوه‌ی دیگری که برای جلوگیری از اختلافات زناشویی در همه‌ی جوامع قبل از صنعتی مرسوم بود تمرکز زندگی خانوادگی بر محور خانواده‌ی گسترده‌تری مانند تبار و کلان بود که امروزه جای آن را رابطه‌ی زن و شوهری گرفته است. در نتیجه اگر هم‌مسران با هم تفاهم نداشتند همین قدر که رابطه‌ی آن‌ها با افراد شبکه‌ی خویشاوندی خوب بود و وظایف خود را به خوبی انجام می‌دادند اختلافشان مهم تلقی نمی‌شد (گود، ۱۳۵۲، ص ۲۵۳).

تحقیق دیگری نشان می‌دهد مشکلاتی مانند تفاهم اخلاقی با همسر که بالاترین درصد از عوامل مؤثر در تقاضای طلاق است در صورتی که زنان راضی از زندگی با همسران‌شان تفاهم اخلاقی دارند که اکثر آنها راهی برای ایجاد تفاهم در نظر گرفتند، مانند علاقه‌مند بودن به همسر، سکوت در برابر عصبانیت‌های او، ... (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

فرضیه شش:

۶- بین جامعه‌پذیری زوجین قبل از ازدواج و تنش‌های خانوادگی رابطه معنی‌دار وجود دارد. آزمون پیرسون بین میزان جامعه‌پذیری زوجین قبل از ازدواج و تنش‌های خانوادگی گاه دارای سطح معناداری  $0/000$  می‌باشد نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری بین متغیرها می‌باشد و همچنین میزان همبستگی پیرسون  $0/143$  می‌باشد که نشان می‌دهد با توجه به اینکه متغیر وابسته (تنش‌های خانوادگی) و متغیر مستقل (جامعه‌پذیری زوجین قبل از ازدواج) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است.

سطح معنی‌داری برابر  $\text{Sig} = 0/000$  است که نشان‌دهنده که نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری بین جامعه‌پذیری زوجین قبل از ازدواج و تنش‌های خانوادگی می‌باشد و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر  $0/321$  - را نشان می‌دهد. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول تأیید می‌شود. (فرض صفر را رد می‌کنیم).

از دید پارسونز، نهادها و سازمان‌ها، عوامل اجرایی و ابزار جامعه‌پذیری الگوهای فرهنگی و مذهب (به عنوان اصل عالی اخلاقی) و درونی ساختن آن‌ها در افراد هستند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های جامعه‌پذیرکننده، کارآیی لازم را از دست بدهند، حیات جامعه و اجزاء آن و به طور کلی تعادل نظام اجتماعی کل تهدید می‌شود و زمینه برای ظهور رفتار غیرمتعهدانه فراهم می‌شود. از دید پارسونز مشروعیت الگوهای رفتاری (متغیرهای الگویی) مبنای اخلاقی و مذهبی جامعه‌پذیری و تعلیم و تربیت به حساب می‌آیند (فصلنامه، ۱۳۸۶، ص ۸).

بدیهی است که شخصیت انسان ابتدا در خانواده شکل می‌گیرد، چون اولین برخورد هر کسی با پدر و مادر خود - که عضو گروه خانواده‌اند - می‌باشد. در خانواده، ارزش‌ها درونی شده، نهادینه می‌شود و فرد به خوبی جامعه‌پذیر می‌گردد. از همین طریق است که فرآیند اجتماعی‌شدن صورت می‌گیرد و بر همین اساس، جوان مبانی ارزشی خود را پی‌ریزی کرده و ازدواج می‌کند. حال اگر پس مدتی به هر دلیلی، گروه مرجع او عوض شود، به شکلی که نتواند به وسیله خانواده، ارزش‌های مورد نظر خود را تحصیل کند، طبیعی است که قادر به ادامه‌ی زندگی نیست (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸).

متیو اسپایر معتقد است «اجتماعی‌شدن، همان کسب تبحر در کنش متقابل است» (ریتزر، ۱۳۷۴،

ص ۳۸۱).

## ۵-۲- پیشنهادهای پژوهش

۱- از آنجائیکه در پژوهش حاضر به بررسی و سنجش عوامل اجتماعی موثر بر تنش های خانوادگی پرداخته شده است لذا پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی به سنجش و بررسی عوامل فرهنگی و اقتصادی نیز توجه شود.

۲- از آنجائیکه نتایج پژوهش حاضر در شهرستان خلخال به دست آمده است لذا از تعمیم نتایج آن به سایر مناطق و موقعیت های جغرافیای با احتیاط انجام گیرد لذا پیشنهاد می شود پژوهش های هم ارز در سایر موقعیت های جغرافیایی نیز صورت گیرد.

### پیشنهادهای کاربردی

۱- رسیدگی به مشکلاتی که موجب ایجاد تنش و درگیری بین زن و شوهر می شود. امر ساده ای نیست و نیاز به همکاری --گروهی از متخصصان روان شناسی، روان پزشکی، پزشکی، جامعه شناسان، حقوق دانان، مربیان مراکز آموزشی، و ریش سفیدان خانواده دارد. برای تضمین بقای خانواده ها از این رو که از مقدس ترین ارکان جامعه هستند و تنش و از هم پاشیدگی آنها فاجعه عظیمی می باشد، باید به تدوین برنامه های همه جانبه چه از سوی خانواده های زوجین و چه خود زوجین همت گماشت و از آنجائیکه رسانه های جمعی مثل تلویزیون به عنوان ابزار مهم در الگو دهی به زوجین و آشنا کردن زوجین با تنش های خانوادگی تاثیر به سزایی دارد بنابراین با پخش فیلم ها میزگرد ها درمورد روابط زوجین و چگونگی طرز برخورد با یکدیگر و چگونگی کنار آمدن با تنش ها آشنا سازند و همچنین سایر ارکان ها و موسساتی که در مورد نهاد خانواده فعالیت می کنند با ایجاد کارگاه های آموزشی و غیره در جهت تقویت بنیه خانواده و کم کردن تنش ها در بین زوجین آگاهی لازم را ارائه دهند و همچنین مدارس و مراکز آموزش عالی ما باید برای تربیت اجتماعی بکوشند و مفهوم زناشویی و هدف عالی این پیمان مقدس را به پسران و دختران تفهیم شود تا در زندگی آینده شان کمتر دچار کشمکش و درگیری شوند.

۲- ترسیم مصادیق تفاهم بین زن و شوهر در قالب های گوناگون مانند: آشنایی و شناخت لازم قبل از ازدواج، آموزش جنسی، ترویج الگو های زبانی تفاهم را و.. از سوی وسایل ارتباط جمعی

۳- درک موقعیتی زوجین از خودشان از طریق ارزیابی واقعی نسبت به توانایی ها، انگیزه ها و آزادی هایی که به خطا، در انحصار خود دارند به طوری که اگر زوجین ما زبان تفاهم و منطق را بیاموزند چگونه زبانی است به گونه ای که به جای زبان عاطفی و خشن، با آن زبان سخن گویند بخش

قابل توجهی از فاصله های ذهنی و عینی بین زن و شوهر کاهش می یابد و شاهد کاهش تنش بین زوجین خواهیم بود .

www.markazdanesh.ir

## ۵-۳- محدودیت‌های تحقیق

- فقر منابع و کتب درباره شهرستان خلخال
- فقر منابع دست اول و دوم و کتب در زمینه ی تنش های خانوادگی
- عدم همکاری خانواده ها به دلیل پایین بودن میزان آگاهی شان از موضوع تحقیق که در بسیاری موارد با موضوع طلاق و خشونت اشتباه می گرفتند و اظهار می کردند که در زندگی شان مشکلی وجود ندارد. و از دادن پاسخ خودداری می کردند.
- عدم تحقیق و پژوهش کاربردی مرتبط با تنش های خانوادگی

## فهرست منابع و مآخذ

### فهرست منابع فارسی

- ۱- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی خانواده‌ی ایرانی، انتشارات سمت، چاپ اول.
- ۲- ارونسون، الیوت (۱۳۶۷) روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه: حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد.
- ۳- ادیبی، حسین؛ انصاری، عبدالمعبود (۱۳۸۷) نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ سوم، نشر دانژه
- ۴- اعزازی، شهلا (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ ششم.
- ۵- استیون، سیدمن (۱۳۸۶) کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه: هادی جلیلی، نشر نی، چاپ اول.
- ۶- انوری، حسن (۱۳۸۳) فرهنگ روز سخن. نشر انتشارات سخن، چاپ اول.
- ۷- بابایی، فاطمه (۱۳۸۰) تعدیل ساختاری فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی، انتشارات کویر.
- ۸- باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی خانواده، ناشر: دانشگاه جامع علمی کاربردی، چاپ اول.
- ۹- باباخانی، طاهره (۱۳۸۲-۸۴) بررسی علل و عوامل طلاق زودرس (زیر ۱۰ سال) در شهر اراک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی.
- ۱۰- برنارد، جان (۱۳۸۴) درآمدی بر مطالعات خانواده، ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- ۱۱- براتی، طاهره (۱۳۷۵) بررسی تأثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- ۱۲- بخارایی، احمد (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی)، نشر پژواک جامعه، چاپ اول.
- ۱۳- بنی‌اسد، حسن (۱۳۷۵) بررسی و مقایسه عوامل مؤثر اجتماعی، فردی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و زوج‌های ناسازگار شهر کرمان، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، فصلنامه مرکز اطلاعات مدارک ایران، شماره ۲، ص ۷۵.
- ۱۴- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۷) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهاردهم.



- ۱۵- حقانی زنجانی، حسین (۱۳۷۱) طلاق یا فاجعه‌ی انحلال خانواده، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
- ۱۶- حسینی، حسن (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق، تهران: نشر سلمان، چاپ اول.
- ۱۷- خنیفر، حسین (۱۳۸۷) آسیب‌شناسی خانواده، انتشارات دانشگاه جامع علمی کاربردی چاپ اول
- ۱۸- دوبوار، سیمون (۱۳۸۰) جنس دوم، ترجمه: قاسم صفوی، تهران: نشر توس.
- ۱۹- دواس، دی، ای (۱۳۸۳) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران: نشر نی
- ۲۰- ریشه، گی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول.
- ۲۱- ریتزر، جورج (۱۳۸۲) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ هفتم.
- ۲۲- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۶۴) جامعه روستایی و نیازهای آن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۳- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷) توسعه و تضاد، چاپ سوم، ناشر: شرکت سهامی انتشار.
- ۲۴- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دوم.
- ۲۵- ریتزر، جورج (۱۳۷۷) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ سوم.
- ۲۶- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: موسسه انتشارات کیهان، چاپ اول.
- ۲۷- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۸- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶) طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۲۹- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰) درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان.
- ۳۰- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد سوم، تهران: نشر دیدار.

- ۳۱- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۷۶) روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه، چاپ اول.
- ۳۲- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، جلد دوم، تهران: موسسه انتشارات کیهان.
- ۳۳- ساروخانی، باقر (۱۳۸۶) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، چاپ سیزدهم، ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۴- ساعی ارسی، ایرج (۱۳۸۲) درآمدی بر جامعه‌شناسی و آسیب‌شناسی خانواده نابسمان، ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.
- ۳۵- شفیعی‌نیا، اعظم (۱۳۸۱) بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های حل تعارضات زناشویی بر بهبود روابط متقابل زن و شوهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهراء.
- ۳۶- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۷) دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، جلد دوم، تهران: انتشارات سازمان کیهان، چاپ اول.
- ۳۷- شریعتمداری، آسیا (۱۳۸۳) تأثیر آموزش راه‌های مقابله با فشار روانی بر تعارضات زناشویی. پایان‌نامه، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۳۸- صدق‌آمیز، خدیجه (۱۳۷۷) پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز، فصلنامه مرکز اطلاعات مدارک ایران، شماره ۲، ص ۲۵).
- ۳۹- طبقات اجتماعی و شیوه‌های حل مسئله در بین زوجین خانواده‌های ساکن شهر شیراز، علی‌اصغر مقدس، فصلنامه مرکز اطلاعات مدارک ایران، شماره ۲، ص ۳۵).
- ۴۰- علامه فلسفی، احمد (۱۳۸۱) فرهنگ زبان فارسی، انتشارات پیام آزادی، چاپ اول.
- ۴۱- عمید، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ فارسی، جلد اول، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۴۲- عمید، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ فارسی، جلد دوم، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۴۳- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۳) آسیب‌شناسی اجتماعی و ستیزه‌های خانواده و طلاق، انتشارات منصوری
- ۴۴- کوئن، بروس (۱۳۸۱) مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: غلامعباس توسلی، رضا فاضل، تهران: نشر سمت.
- ۴۵- کوهن، آوین استانفورد (۱۳۸۲) تئوری‌های انقلاب، ترجمه: علیرضا طیب، نشر قومس، چاپ چهارم.

- ۴۶- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: چاپ نهم.
- ۴۷- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۴۸- گولومبرک، سوزان (۱۳۷۸) رشد جنسیت، رابین فی وش، ترجمه: مهرناز شهرآرایی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول.
- ۴۹- گود، ویلیام جی (۱۳۵۲) خانواده و جامعه، ترجمه: ویدا ناصحی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول.
- ۵۰- گودرزی، سعید (۱۳۸۸)، کاربرد آمار در علوم اجتماعی، ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی تویسرکان با همکاری انتشارات جامعه‌شناسان تهران، چاپ اول.
- ۵۱- گرجی، هاجر (۸۷-۱۳۸۶) بررسی اثربخشی مشاوره گروهی به شیوه حل تعارض بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین در آستانه طلاق و تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهر تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.
- ۵۲- محسنی، منوچهر؛ پوررضا انور، ابولقاسم (۱۳۸۲) ازدواج و خانواده در ایران، ناشر انتشارات آرون، چاپ اول.
- ۵۳- مساواتی، مجید (۱۳۷۴) آسیب‌شناسی اجتماعی ایران - جامعه‌شناسی انحرافات، تبریز: انتشارات نوبل.
- ۵۴- مرتن، رابرت (۱۳۷۶) مشکلات اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناختی، ترجمه: نوین تولایی، انتشارات امیر کبیر.
- ۵۵- مهدوی، محمد صادق (۱۳۷۵) عوامل موثر بر رضایت زن و شوهر، ناشر: مبتکران، چاپ اول.
- ۵۶- محمدی طاری، میترا (۱۳۸۵) مقایسه وضعیت سطح سلامت زوج‌های در حال طلاق و عادی، و مشاوره گروهی با شیوه‌های حل تعارض روی زوج‌های در حال طلاق شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تحقیقات.
- ۵۷- ممتاز، فریده (۱۳۷۹) یادداشت‌های درس نظریه‌های جامعه‌شناسی (۲)، گردآورندگان: جمعی از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵۸- معین، محمد (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر.
- ۵۹- منصورفر، کریم (۱۳۸۷) روش‌های پیشرفته آماری، چاپ دوم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۶۰- موسوی، سیداسماعیل (۱۳۸۶) مجموعه مقالات هفته پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر، چاپ اول.

۶۱- وثوقی، منصور و دیگری (۱۳۷۴) مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات خردمند.

#### مجلات و نشریات

۱- فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی واحد شوشتر، سال سوم، پیش شماره ۱۵، تابستان ۱۳۸۸.

۲- فصلنامه تخصص جامعه‌شناسی، سال سوم، شماره اول، اسفند ۱۳۸۶.

۳- فصلنامه تخصص جامعه‌شناسی، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۷.

۴- نمایه مطالعات زنان و خانواده (۱۳۸۹) نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، نرم‌افزار جامع مدیریت کتابخانه، <http://www.namaye.ir>.

۵- خانواده نابسامان، ونیمکوف، آگ برن، ترجمه: محبوبه عقلایی، نشریه همشهری، ۸/۱۰/۸۱، بازیابی: ۱۳۱۰۰۸۰۳.

۶- ازدواج، سازگاری و ناسازگاری زوجین، حسین قراباغی، نشریه حمایت، ۸۶/۱۱/۷.

۷- رابطه زوجین در ازدواج و طلاق، تحلیل روان‌شناختی، ژاسنت صلیبی، نشریه همشهری، ۸۲/۳/۲۹.

۸- ازدواج غلط پایانی جز فروپاشی ندارد، فتانه راحمی‌پور، نشریه کیهان، ۸۲/۳/۲۲.

۹- عوامل اختلاف در خانواده، سیدموسی موسوی، نشریه حمایت، ۷۶/۱۲/۲۳.

۱۰- آسیب‌شناسی عوارض روانی و اجتماعی جدایی زوجین، نشریه جوان، ۸۵/۱۲/۲۳.

۱۱- نشریه‌ی حدیث زندگی، وحیدرضا نوربخش، شماره ۴۱.

۱۲- علل ناسازگاری در زندگی زناشویی، نشریه همشهری، ۸۲/۶/۹.

۱۳- نشریه اعتماد، ۸۴/۲/۲۹، بازیابی ۱۶۶۰۱۱۰۸.

#### منابع خارجی

1- Conger&Elder .linking Economic hardship to material quality in stability journal of marriage and the family 1990p.G4G

2- Kitz Mann .k.m'(2000)Effects of marital conflict journal of Develop metal By chology .vol39(1)3.13